تاریخ سیاسی ایران

دهه ۱۴۰۰ – ۱۳۳۰



کاووس نویدان

تاریخ تحولات سیاسی ایران

سال ۱۳۳۰- سال۱۴۰۰

از: کاوس نویدان

پاییز ۱۴۰۰

فهرست مطالب

پیشگفتار

مطالب این کتاب بصـورت تـاریخي از تحـولات سیاسـي از سـال ۱۳۳۰ تـا ۱۴۰۰ درقالـب گـذری از تحولات سیاسی ایران طي هفت دهه بازگو وبیان مي کند که مربوط بـه جریانـات و اوضـاع و تحـولات سیاسي درادوار مختلف، قبل ازانقلاب وبعد از انقلاب اسلامي ایران است ، بطوریکه در دوران زندگاني نگارنده نیز تاثیر گذار بوده است . همچنین براي نشان دادن و مقایسه تغییرات و تحولات سیاسي و ارایه اطلاعات مربوط به ابعاد سیاسی ادوار مختلف و دلایل ونحوه شکل گرفتن انقلاب اسـلامي ایـران را کـه در طول سالهاي زندگي تحصیلي و کـاري نگارنـده کـه درعین واقعیت در جریـان تحـولات سیاسـی و اجتماعی ایران قرار گرفته بود وزندگي او را تحت شعاء و تاثیر قرار داده را بیان مي کند .

هدف از نگارش این کتاب روشن ساختن جوانان وعلاقه منـدان بـه تـاریخ اخیـر ایـن سـرزمین باسـتانی است. تلاشم را بکار بسته ام تا بطور کلی فضای تحولات سیاسی ایران را طی حدود هفت دهه را ترسیم کنم . هدفم تنها بیان رویدادها، واقعیت هاي سیاسـي در ادوار مختلـف بـراي جوانـان و علاقـه منـدان بـه وقایع تاریخی ایران بوده است ونـه انتقاد از سازماني و یا گروهي . تردیدی ندارم که خاطرت تاریخي و مطالب سیاسی به درستی و دقت و امانت بیان شده است .

در نگارش مطـا لـب مربـوط بـه تحـولات تـاریخي ازمراجـع کتـب سیاسـي و تـاریخي وروزنامـه هـاي کثیرالانشار ایران استفاده شده اسـت. یـادآوری مـی کـنم هـدف اصـلی ایـن نگـارش فقـط بـازگو کـردن خلاصه ای از جریانات و تحولات تاریخ سیاسی ایران است. البته در این نوشته ها ممکن است اشکالاتي هم باشد که از خوانندگان محترم پیشاپیش پوزش مي خواهم .

این کتاب را به دوستان وعلاقه مندان تقدیم می کنم .

کاوس نویدان

پاییز ۱۴۰۰

بخش اول : تحولات سیاسی قبل از انقلاب اسلامی

مقدمه :

شروع جنگ جهانی اول به وخامت بیشتر اوضاع سیاسی و داخلی ایران انجامید . از یک طرف روس ها وانگلیسی ها و از طرف دیگر آلمانی ها و عثمانی ها نبرد خود را بی توجه به اعلام بی طرفی ایران به این کشور کشاندند . و جنبش های گوناگونی در ایالات علیه دولت ناتوان سر برافراشتند. تلاش آنها در این زمینه از سوی مجلس ایران عقیم ماند. پس از پایان حکومت منحط و ارتجایی ۱۳۷ ساله قاجاریه و عدم کارایی ذاتی مجلس و تزلزل دولتهای قانونی ، کودتای بدون خونریزی سال ۱۲۹۹ه ق را به سر کردگی سید ضیاالدین ,روزنامه نگار و سیاستمدار ماجراجو , رضا خان افسر قزاق جاه طلب را تشویق کرد تا سرانجام راه را برای خلع سلسله قاجار وپیدایش حکومت خودکامه رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۰۴ هموار ساخت. رضا شاه چارچوب نمادی و تشریفاتی حکومت پارلمانی را از میان بر نداشت اما حکومت ۲۰ ساله وی با روش استبدادی دوران قبل از مشروطه زیاد متفاوت نبود. حکومت رضا شاه با اینکه توام با ظلم واستبداد بود ولی از جهاتی رژیم او تجدد خواه و نو گرا هم بود و بااین همه طی دوره حکومت او پیش شرط های ساختاری لازم برای سازماندهی حکومت کار ساز به تدریج پایدار گردید. در این دوره تجدد و نوگرایی در کشور تا حدی محقق گردید بطوریکه در دوران قدرت او فئودالیسم از بین رفت وبه قدرت خان ها پایان داده شد و حکومت مرکزی به نسبتی مقتدر گردید. قوانین دادگستری و دارایی ودیگر وزارتخانه های ایران تا حدی اصلاح گردید . همچنین تعداد موسسات آموزشی غیر مذهبی افزایش یافت و شهر نشینی به سرعت توسعه یافت . همچنین در دوران این حکومت راههای شوسه وراه آهن و سایر وسایل ارتباطی راه اندازی شد و تعدادی کارخانه ها تاسیس گردید. پی ریزی اقدامات این دولت مدرن به بهای سرکوبی تحول وپیشرفت سیاسی و تمامی ظواهر آرمانهای دمکراتیک انجام گرفت. چنین تصور می شد که نوسازی کشور تنها از راه خودکامگی و سرکوب نهاد های دموکراتیک دست یافتنی است. خود کامگی در اداره امور کشور و اعمال زور و فشار برای حصول اطاعت و پیروی زیر دستان همراه با کوتاهی و غفلت در تشکیل و ترغیب احزاب معتبر سیاسی ناگزیر نتایج ویرانگر به بار آورد . رضا شاه پهلوی نتوانست به ایجاد یک ساختار دولتی معتبر و غیر وابسته

شخصی دست یابد. حکومت خود کامه رضا شاه در نتیجه اشغال ایران توسط انگلیس و شوروی سابق در شهریور (۱۳۲۰ش) به پایان خود رسید و قدرت سیاسی که تا آن زمان از سوی دربار غصب شده بود از حالت تمرکز بیرون آمد و بین نهاد های مختلف پخش شد وترتیبات سیاسی بجای رژیم رضا شاه مشروعیت خود را با غیر شخصی کردن ومحدود کردن کاربرد سیاسی بدست آمد .* با آنکه ادامه سلطنت پهلوی اول آماج مخالفت پیگیر واقع شد رژیم تازه کوشید با عنوان کردن مشروطه و تحمل انتقاد از گذشته یا حتی شرکت در انتقادات خود را از گذشته جدا و متمایز سازد. از لحظه ای که سقوط رضا شاه پهلوی قطعیت یافت بسیاری از کسانی که در خدمت وی بودند به گروه منتقدان او پیوستند ونخبگان حاکم به سرعت خود را با شرایط جدید وفق داده و مشروعیت را آرمان خود اعلام داشته و موضع جدید خود را حقانیت بخشیدند. با این حال تمامی نخبگان دوران پس از رضا شاه پهلوی از خدمتگزاران پیشین وی نبودند بلکه آنان مردان صاحب نفوذی بودند که قبلا از فعالیت سیاسی کنار گذارده شده بودند. قدرت سیاسی در دوران پس از رضا شاه در دست نخبگان حاکمی قرار داشت که محمد رضا شاه را نیز شامل می گردید و در عین حال سفارتخانه های انگلیس و شوروی سابق و امریکا نیر به تدریج به موقعیتی دست یافتند که می توانستند به گونه ای موثر بر پیامد رویداد ها در ایران تاثیر بگذارند. از توزیع قدرت سیاسی چنین استنباط می شد که دسه قوه مقننه و مجریه و قضایه می بایست جان تازه ای گرفته و اختیارات تعیین شده خود را در قانون اساسی در دست بگیرند ولی در عمل موانع بسیاری برای چنین تحولی وجود داشت. در مورد مجلس مسئله اول از مقررات قانونی و نظامنامه ای خود مجلس و سپس جایگاه آن در چارچوب ساختار نظام سیاسی کشور بر می خاست. در مورد سلطنت و نیز قوه مجریه به سهم واقعی آنها و در قدرت یا اختیارات قانونی و رسمی آن دو تناسب نداشت. ترکیب سیاسی عمومی نخبگان حاکم که عملکرد نهاد های دولت را اداره و کنترل کرده یا به طور قابل توجهی برآن تاثیر می گذاشت وارتباط نزدیکی که ترتیبات پارلمانی در عمل بخود می گرفت یعنی بشکلی که در نهایت با سرنوشت مشروطیت نیز مرتبط می شد. عوامل زیر از ترکیب سیاسی آن دوره می باشند.

مجلس (ویژگی های عمده قانون) بر اساس روح قانون اساسی ایران , مجلس پایه وبنیاد مشروطیت بشمار می رفت. قانون اساسی که روح و فضای معنوی ضد استبداد مشروطه و نیز که نفوذ قوانین اساسی کشورهای بلژیک و فرانسه را که براساس آن تنظیم شده بود منعکس می کرد به گونه ای نوشته شده بود که بطور قانونی از بروز دیکتاتوری جلوگیری شود و به این سبب اصول یا ترتیباتی در قانون اساسی

گنجانده شده بود که انحلال آسان آن و مستقیم مجلس را بوسیله شاه ممکن کند. در نتیجه مجلس درموقعیت استواری قرار داشت . این واقعیتی است که رضا شاه به سادگی قانون اساسی را نادیده گرفت بطوریکه ظاهر ترتیبات پارلمانی را حفظ نمود و موجب شد که قدرت قانونی مجلس دست نخورده باقی بماند. هدف اصلی که از قدرت بسیار و بیش از حدی که از نظر قانونی به مجلس داده شده بود این بود که زیاده روی های سلطنت را مهار کرده و مجلس را قادر سازد که نه تنها قوه مجریه را در حد خود نگاه دارد بلکه کلیه امور دولتی را نیز تحت کنترل داشته باشد. چنین پنداشته شد که یک مجلس قوی بصورت یک کانون همبستگی و وفاداری ملی در خواهد آمد که به آسانی در برابر فشار های داخلی و یا خارجی آسیب پذیر نخواهد بود. با این همه قدرت مجلس در عمل به ناتوانی دولت منجر گردید. شماری از ویژگی های مجلس که عملکرد واقعی آن را مشخص می کرد یا از قانون اساسی ناشی می شد یا از نظام نامه مجلس. یکی از ویژگی های مجلس امکان استیضاح مکرر دولت از سوی نمایندگان بدون توجه به برنامه کار مجلس بود. استیضاح می توانست توسط یک نماینده یا گروهی از آنان و بر علیه هر یک از وزیران یا شماری از وزیران و یا شخص نخست وزیر بعمل آید که در اینصورت ظرف یک ماه برای پاسخگویی به استیضاح در مجلس حضور یافته و درخواست رای اعتماد کند. اگر رای اعتماد در خواستی حاصل نمی شد عمر دولت به سر می رسید. استیضاح شمشیر دولبه ای به شمار می رفت که به کوچکترین بهانه ای ممکن بود علیه دولت ها بکار گرفته شود. استیضاح در واقع و دراصل وسیله ای برای جلوگیری از تخلفات ، خاتمه دادن به بی کفایتی و سوء مدیریت و متوقف ساختن اقداماتی بود که بدون رسیدگی دقیق مجلس انجام می گرفت. در عین حال می توانست به همان نسبت اتخاذ هر گونه ابتکار را از سوی دولتها جلوگیری کند.

عامل دیگری که تاثیر مهم بر عملکرد مجلس داشت اصل نصاب بود و بحث و مذاکره تنها هنگامی می توانست انجام پذیرد که از نمایندگان حاضر در تهران دست کم دوسوم در مجلس حضور داشته باشند و سه چهارم از این تعداد می بایست برای رای گیری حاضر شوند. منظور از مقررات حد نصاب این بود که از تصویب لایحه های شتابزده و بدون حمایت کافی جلوگیری شده و به نمایندگان اقلیت فرصت داده شود تا از تحمیل کابینه ها توسط اکثریت ممانعت کنند. پس از سقوط رضا شاه مجلس که بیش از یکسال و نیم از دوره خود در خدمت وی گذرانده بود منحل نگردید و ادامه کار مجلس مذبور وضع تناقض آمیزی بوجود آورد. شماری از نمایندگان کوشیدند که این وضع را با نشان دادن دلبستگی زیاد به مصالح عمومی و تمایل به منعکس کردن آن جبران نمایند. در دوران پس از رضا شاه نمایندگان به ندرت موفق می شدند که مطابق وجهه خود ساخته خود بعنوان " پاسداران منافع ملی" رفتار کنند و فراکسیون گرایی شدید و کوته بینی ها و نگرش های محدود محلی اکثر نمایندگان و نیز عدم توانایی آنان در درک کافی از وظایف

اجتماعی خود و مقدم شمردن آنها بر مقاصد خصوصی به عوامل عمده ای بودند که در تهی ساختن ترتیبات پارلمانی از هر گونه محتوای معنی دار بسیار موثر شناخته شده اند. نمایندگان مجلس همانند دیگر اعضای نخبگان حاکم قبل از تصمیم به عملی خاص منافع آنی و آتی فرد و نیز مصالح خانواده ودوستان یا گروه های وابسته بخود را در نظر گرفته و سود و زیان احتمالی اعمال خود را می سنجید. عوامل دیگری نیز فعل و ترک فعل بیشتر نمایندگان ودر واقع شمار وسیعی از نخبگان حاکم را محدود می ساخت و بسیاری از نمایندگان سست عنصر و مطیع و بی بهره از قاطعیت بودند که توان مقاومت در برابر بسیاری از وسوسه ها نداشتند و به آسانی آماج دست آموزی واقع می شدند. بخش بزرگی از نخبگان را درباریان تشکیل می دادند و بخشی نیز از دوستان و وابستگان سفارتخانه های خارجی بودند و البته لزوما درباریان با دوستان و مریدان سفارتخانه های انگلیس و امریکا یکی نبودند ، هر چند که دوستان و مریدان سفارت روس با هر دو دسته خصومت داشتند. بدگمانی و بی اعتمادی به روابط میان گروههای مریدان و وابستگان محدود نمی شد و اعضای هر گروه نیز غالبا به ماهیت و میزان وفاداری یا سرسپرد گی یکدیگر نسبت به ولی نعمت خود سوء ضمن داشتند. چنین وضعی فراکسیون گرایی را تشدید کرده و این امکان را برای هر گروه از مریدان از آنها بوجود می آورد که فرصت های سایر گروه ها را محدود می ساخت.

هیات دولت : در نتیجه سقوط رضا شاه عواملی به صحنه آمدند که کابینه ها آسیب پذیر ساخته و توان کافی برای رویارویی با مسایل موجود اجتماعی – سیاسی بی نصیب می کرد و این عوامل عبارت بودند از شکل خاصی که پراکندگی و توزیع مجدد قدرت سیاسی بخود گرفته – موقعیت قانونی مجلس در برابر کابینه - موضع قدرت دربار و سفارتخانه های خارجی. در پی اشغال ایران توسط متفقین دولت ها برای چند سالی عمدتا در نتیجه ائتلاف های مصلحتی فراکسیونها مجلسی برپا کنند و با گسستن این ائتلاف ها و تشکیل ائتلاف های مخالف ساقط می شد. نخست وزیری که از طریق ائتلاف چند فراکسیون مامور تشکیل دولت می گردید راهی نداشت جز آنکه چند منصب وزارت را به هر یک از فراکسیون ها اختصاص داده و خدمات مختلف بیشتری را نیز به آنها وعده دهد. بیشتر کابینه ها از هماهنگی درونی بی نصیب بود و به ندرت از روحیه همکاری بهره داشتند و شیوه رایج برای تخصیص مناصب وزارت و سایر مشاغل مهم به گونه ای بود که گروه ها و افراد مختلف را در داخل و خارج از مجلس به کینه توزی وا می داشت. کمتر کابینه ای بر سر کار می آمد که دربار شاه بطور مستقیم و غیر مستقیم در آن نماینده نداشته باشد.از سال ۱۳۲۷ شمسی به بعد دربار شاه به طور فزاینده ای در تشکیل دولت ها پا پیش گذارده و مناصب وزارت را به نامزد های مختلف خود می سپرد. موقیت دربار در این کار با بهره گیری

از چند دستگی یا انفعال موجود میان اکثر نمایندگان و نیز با اعمال فشار مستقیم یا غیر مستقیم و جلب نظر رهبران فراکسیون های عمده و پخش داستانهای دروغین یا مبالغه آمیز راجع به تهدید های داخلی و خارجی حاصل می شد. هنگامی که مجلس در روی کار آوردن دولتها نقش عمده را ایفا می کرد و دولت بحد کافی نماینده منافع دربار نبود. دربار با اطمینان از اینکه عمرکابینه طولانی نخواهد بود پشتیبانی خود را از آن دریغ می داشت. علاوه برآن مدعی دیگر دولتها سفارتخانه های خارجی بودند . سفارت انگلیس و سفارت امریکا و برای مدتی سفارت شوروی که مزایا و خواسته هاشان را غالبا در تضاد و تناقض با یکدیگر قرار داشت. و دولتها در غیاب منابع مستمر حمایت از داخل در برابر این فشار ها آسیب پذیر بودند و اغلب می کوشیدند تا پشتیبانی با آن سفارت را برای جبران فقدان حمایت کافی در داخل بدست آورند. در دوران پس از رضا شاه مخالفت با دیکتاتوری از شعار های رایج بود ولی معنای این واژه برحسب آنکه چه کسی آنرا ودر چه رابطه ای بکار ببرد بسیار متفاوت بود از نظر دربار دیکتاتوری چیزی جز قوه مجریه ای قوی و مستقل از دربار نبود در حالیکه مراد مجلس از دیکتاتوری دولتی را در بر می گرفت که از فرمان پذیری بی چون و چرا در برابر مجلس سر باز می زد و دربار و متحدانش در داخل و خارج از مجلس برای متزلزل کردن یک دولت قوی همراه با دیگر اقدامات جنجالی و هیاهوی ضد دیکتاتوری و حملات مطبوعات را تحریک کرده بدین ترتیب موضوعات غیر واقعی و تهدید های خیالی را جایگزین مسایل حقیقی می کردند. با این حال سلسله پهلوی اول که پس از جنگ جهانی اول روی کار آمد ، رضا شاه کبیر اقدامات اساسی را شروع کرد. یکی از این اقدامات ایجاد تمرکز و پایان دادن به قدرت سیاسی و نظامی عشایر وایلات وفئودالهای بزرگ بود. در نتیجه یک رشته مبارزات وعملیات جنگی خراسان و قیام های جنگلی ها و یاغیگری های کردهای سمکو و گروه شاهسونها و لرهای یاغی و گروه شیخ خزلی و سایر گروهای مزاحم با درایت و ایجاد مرکزیت و امنیت زمینه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی بیش از پیش فراهم گردید. یکی از این اصلاحات اجتماعی ایجاد کشف حجاب زنان و اقدام به ایجاد راه اهن تهران - شمال بود.

سلطنت : محمد رضا شاه پهلوی در سن ۲۲ سالگی بجای پدر نشست. وی تحت نظارت دقیق پدرش در دربار تربیت شده بود و به مدت پنج سال در سویس به سر برده و در محیطی که وی پرورش یافته بود اثر قابل توجهی بر شخصیت و نحوه نگرش او بر جای گذاشته بود . به گفته ماروین زونیس , " محمد رضا شاه جوانی آکنده از شک و تردید به حویشتن و ترس از نقاط ضعف خود بود " حالتی که از ضعفی بیمارگونه ، دوری اجباری ازپدر و مادر، پدری سختگیر ، قدرتمند ، استیلا طلب ، محیطی پر از

چاپلوسان، ناشی شده بود. خود او ادعا می کرد که : " محیط دموکراتیک غرب تا آن حد شخصیت مرا شکل داده بود که تنها نفوذ پدرم بر آن تقدم داشت. " آموزش در مدرسه ای خصوصی و محدود در خارج از کشور نمی توانست شناخت جدی از ارزش های دموکراتیک غرب در بر داشته باشد. به هر حال وی علاقه ای حقیقی به دموکراسی نشان می داد و جلوس او بر تخت سلطلنت بعنوان طلوعی از دوره جدید حکومت پارلمانی و پیروی دقیق از قانون اساسی تبلیغ و توصیف شد. از محمد رضا شاه جوان انتظار می رفت که تعهد خود را نسبت به قانون اساسی محترم شمارد . وی اغلب از باور های دموکراتیک خود به صراحت سخن می گفت. وظیفه رسمی شاه تعیین نخست وزیر و معمولا پس از رای تمایل اکثریت مجلس به نفع وی بود. شاه می بایست فرمان هایی را که قبلا وزرا امضاء کرده بودند توشیح کند . او می توانست مجرمان را مورد عفو قرار داده و هیات دیپلماتیک به خارج از کشور اعزام دارد و وزیران خارجی را به حضور بپذیرد و به مشورت های تشریفاتی با اعضای هیات دولت با مجلس بپردازد. شاه وظایف بیشماردیگری نیز داشت از جمله صدور فرمان انتخابات تا افتتاح رسمی مجلس و غیره.مهمترین نقش شاه که طبق قانون اساسی از محدوده تشریفات فراتر نمی رفت مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح بود که در واقع بخش عمده ای از نفوذ وی از این مقام بر می خاست. سلطنت جایگاه خود را همچنان بعنوان عالی ترین مرجع برای اعطای حمایت و نیز مقام و موقعیت حفظ کرد. شاه همراه با خانواده و اطرافیانش از نظر ساختاری در موقعتی قرار داشت که قادر می ساخت دسته بندی های مبتنی بر حمایت و وابستگی و جریان توزیع غنایم سیاسی را تحت کنترل داشته و کسی را یارای رقابت موثر بر او نباشد. او هم چنین می توانست نظارت کلی ولو منفی بر توزیع منابع و مواضع قدرت و امتیاز بعمل آورد.سیمای غیر مذهبی بودن سلطنت به تعبیری حاصل قدرت نهادی و ساختاری آن بود که بگونه ای نا گسستنی با تشکیلات نظامی کشور ارتباط می یافت ومحمد رضا شاه پهلوی و ارتش هر دو دلبستگی ژرفی به تداوم یکدیگر داشتند زیرا که ارتش ایران را رضا شاه که خود یک افسر بود بوجود آورده ، پرورش داده و گرامی داشته بود. ومحمد رضا شاه به منظور حصول اطمینان از سلطه خود بر ارتش و با توجه به ضرورت هایی که پیش می آمد به شگرد انتصاب متناوب افسران ارشد به پست ریاست ستاد توسل می جست ، افسرانی که شهرت به دشمنی عمیقی با یکدیگر داشتند. وظیفه ارتش نه صرفا حفظ نظم و قانون محدود می شد و نه رسالت آن تنها به امور نظامی ، ارتش ابزاری استراتژیک در دست سلطنت به شمار می رفت که در امر رویا رویی با حریفان ، شکست و تنبیه دشمنان، از ارزش زیادی برخوردار بود.شورشها ، طغیان ها طبق خواست دربار به سرعت سرکوب می شد. گذشته از این امور آنچنان ترتیب داده می شد که اعتبار هر گونه عملکرد موفقیت آمیزی از آن شاه جوان گردد و در حالی که گناه شکست به گردن

دولت بیافتد. به هر حال توانمندی نهادی سلطنت نتها از طبیعت خاص روابط دربار با ارتش و نخبگان نظامی بلکه همچنین از موقعیت ممتاز شاه در رابطه با کلیه نخبگان حاکم سرچشمه می گرفت. گوهر اصلی فراکسیون گرایی و سیاست طایفه ای در ایران مانند دیگر مناطق حصول بیشترین دستاورد و کمترین ناکامی ، به زیان گروههای دیگر و ترتیب دادن ائتلاف ها و دسته بندی ها بصورتی بود که تلاش یک گروه بر علیه دیگران بی اثر بماند و این وضع همراه با عدم هماهنگی نهادی سبب بن بست بی امانی بود که دامنگیر نظام پارلمانی در ایران گردید. نخبگان حاکم به رغم تنش ها و رقابت ها ی خود از نظر اجتماعی گروهی یکپارچه را تشکیل می دادند و پیوند های خویشاوندی و نزدیکی و دوستی نیز مقتضیات بازی سیاسی به این " یکپارچگی اجتماعی" کمک می کرد . عامل دیگری که به یک پارچگی اجتماعی نخبگان کمک می کرد موقعیت ممتاز آنان در جامعه را نیز مشروعیت می بخشید. با آنکه نخبگان حاکم از نظر اجتماعی گروهی یکپارچه محسوب می شدند ولی از یکپارچگی اخلاقی بی نصیب بودند به عبارت دیگر آنان، نه دارای " اندیشه های مشترک و نه دارای ارزش های اخلاقی مشترک بودند " و نه از " یک همبستگی جامع" آگاهی کافی داشتند. کمبود های مزبور بدلیل پراکندگی و نیز گرایش های محلی و یا گروهی ناشی می شد. این وضع به این سبب بود که در شرایط عادی شیوه های موجود توزیع قدرت و ترتیبات پارلمانی تسلط مطلق یک گروه ر ا بر دیگران اجازه نمی داد. درایران نیز مانند هر جامعه دیگر منقسم به طبقات نظام هنجاری جامعه رنگ و بوی طبقاتی داشت و طبقه بالا کم و بیش دارای نوعی زبان و طرز تفکر نظام معنایی خاص خودش بود ولی نظام معنایی طبقاتی بیشتر به مشخص ساختن مرز های بین طبقات کمک می کرد تا به افزایش انسجام درونی یک طبقه . نخبگان حاکم گروهی پراکنده, دزد منش وطفیلی بودند که در انجام وظایف اجتماعی خود در جهت کارکرد موثر نهاد های پارلمانی ناتوان بودند.

فصل اول

تحولات سیاسي پهلوی دوم- سیاست های دولت مصدق (۱۳۳۰- ۱۳۳۱)

در زمان استعفاء علاء نخست وزیر دوره قبل به نظر می رسید که فعالیت های پشت پرده سید ضیا را بعنوان نخست وزیر تضمین کرده است. در واقع سید ضیا مشغول مذاکره در این خصوص با شاه و در انتظار تصویب مجلس و صدور فرمان همایونی برای انتصابش بود. به پیشنهاد جمال امامی از نمایندگان مجلس، مصدق با قبول زمامداری همه را دچار حیرت ساخت . او در موارد قبلی چنین پیشنهاد هایی را رد کرده بود ولی مصدق و طرفدارانش بر آن بودند که زمامداری سید ضیا همانند فاجعه ای خواهد بود و به همین جهت وی پیشنهاد را پذیرفت ولی با این شرط که انتصاب او مورد تایید مجلس قرار گیرد. بنابراین " رای تمایل" سنتی پارلمانی تجدید حیات یافت واز مجموع ۹۰ نفر نماینده حاضر در مجلس شورای ملی ۷۹ نفر و ازمجموع ۴۳ سناتوردر جلسه سنا ۲۹ نفر به مصدق ابراز تمایل کردند و متعاقب آن فرمان همایونی مبنی بر انتصاب مصدق به نخست وزیری در هشتم اردیبهشت ۱۳۳۰ صادر شد. اما مخالفان خارجی و داخلی مصدق اکنون می توانستند خودشان را با این امید تسکین دهند که او در حل مسئله نفت شکست خواهد خورد و مجبور به ترک صحنه سیاست خواهد شد. با این وجود مصدق مصمم بود که با اجرای قانون ملی شدن با مسئله نفت دست و پنجه نرم کند و قبول زمامداری خود را مشروط به تصویب لایحه ۹ ماده ای کرد که مجلس بدون توجه به تهدید های انگلیس در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ پس از یک جلسه پر هیجان به اتفاق آرا تصویب کرد. که بلافاصله به توشیح شاه رسید. اکنون ملی کردن نفت و نخست وزیری مصدق تفکیک نشدنی و برگشت ناپذیر شده بود. مصدق به محض اینکه موافقت پارلمان با قانون اجرای ملی شدن نفت را کسب کرد کابینه اش را به مجلس معرفی کرد. برنامه دولت او شامل دو ماده بود که عبارتند از **" اجرای قانون ملی شدن نفت و استفاده از درآمد های آن برای بهبود اقتصاد کشور و اصلاح قوانین انتخابات پارلمان و شهرداری ها"** . انتخاب همکارانش بنا بر مصلحت بود و اوهمکاری چند نفر از اعضای پا بر جا و محترم طبقه حاکمه را جلب کرد. زمامداری مصدق طبعا ترتیبات سنتی سیاست طایفه ای و تعادل باند بازی های سیاسی را مورد تهدید قرار داد و عناصر طرفدار انگلیس را به وحشت افکند. چنین به نظر می رسید که مصدق شک ندارد وظیفه خطیری که بر عهده گرفته ممکن است جانش را به مخاطره افکند ولی مصدق مصمم بود به هر قیمتی که شده وظایفش را به انجام برساند. مصدق پس ازتصدی نخست وزیری طی نطقی اعلام کرد که از جانب گروه فداییان

اسلام به جانش تهدید بعمل آمده و بنابراین تا وقتی که سرنوشت مسئله نفت نا معلوم است در مجلس باقی خواهد ماند. در این موقع آشتیانی زاده بی درنگ مصدق را به استیضاح تهدید کرد در واقع مصدق پس ازاقامت کوتاهی در مجلس به خانه خود نقل مکان کرد و کلیه امور دولتی را از همانجا اداره می کرد. ترس مصدق از به خطر افتادن جانش مبالغه آمیز نبود زیرا فداییان اسلام انتظاراتی داشتند که او نمی توانست بر آورده سازد. تقاضای آنها شامل اجباری کردن حجاب زنان در سراسر کشور واخراج کارمندان زن از ادارات دولتی ، منع مصرف مشروبات الکلی و بر قراری نماز اجباری برای کارمندان دولت بود . در نظر مصدق ملی کردن صنعت نفت در ایران نه تنها تحقق آرزوهای ملی ایرانیان بود بلکه تجدید حیات ملت ایران و تهذیب اخلاقی آن به شمار میرفت . شرکت نفت انگلیس و ایران عملا بعنوان دولتی در درون دولت تلقی می شد که بر استعمارگری وبی عدالتی استوار بود ودرآمدی بیشترازعایدات دولت ایران داشت.از نظر مصدق شرکت نفت به مدت پنجاه سال ابزار پنهان و موذیانه دخالت انگلیس در امور داخلی ایران بود که به موجب انحطاط اخلاقی سیاستمداران ایران ، فساد و وابستگی حکومتها و تهی دستی مردم شده شده بود .اگر چه او به اهمیت درآمد نفت برای رفاه و پیشرفت اقتصادی کشور ایران معترف بود ولی اعتقاد داشت در صورت لزوم بهتر است ایران فقیر ومستقل باشد تا اینکه بقای شرکت نفت انگلیس و ایران را تحمل کند وتحت سلطه انگلیس باقی بماند. سیر نهضت ملی شدن نفت از ابتدا به سویی بود که سرانجام تبدیل به اوج تضاد و تعارضی مداوم میان یک ناسیونالیسم خیزنده و یک امپراتوری در حال افول گردد. در چنین فضایی از برداشت ها و ادعا های متناقض بود که مذاکرات در باره ملی شدن نفت آغاز شد. دولت مصدق خواستار پذیرفتن کامل قانون ملی شدن نفت بود اما انگلیسی ها تنها آماده قبول نوعی ملی شدن بودند که آنها را قادر سازد هرچه را که بتوانند از ترتیبات قبل از ملی شدن و بخصوص نظارت خود را برفرایند تولید نفت حفظ کنند. اندکی پس از زمامداری مصدق در میان فشار و تهدید دولت انگلیس هیاتی به ریاست جکسون از مدیران شرکت نفت انگلیس وایران مذاکراتی را با مصدق شروع کرد ولی تنوانست به نتیجه مطلوب برسد. مصدق اصرار داشت که قانون ۹ ماده ای غیر قابل برگشت است و در تلاش برای تحکیم موقعیت خود متوسل به تاکتیک قدیمی مراجعه به پارلمان شد. صبح روز سی ام خرداد ۱۳۳۰ مخالفان مصدق ، با تشویق شاه و سید ضیا موفق شدند با شکستن حد نصاب از تشکیل جلسه جلوگیری کنند ولی بعد از ظهر همان روز مجلس به اتفاق آرا به مصدق رای اعتماد داد و بدین سان سیاست نفتی او را تایید کرد. بدنبال عزیمت جکسون ، آورل هریمن ازجانب دولت امریکا به منظور میانجیگری وآشتی دادن منطق و احساسات وارد تهران شد . ورود او مصادف با تظاهرات عظیمی در تهران گردید که به مناسبت سالروزاعتصابات پنج

سال پیش از طرف سازمانهای وابسته به حزب توده ترتیب داده شده بود.که نهضت ملی را رقیب خود و مصدق را راهگشای امپریالیسم امریکا در کشور می دانست*. سفر هریمن امید هایی بوجود آورد و راه را برای ماموریت لرد ریچارد استوکس "مهردار سلطنتی انگلیس " هموار ساخت که دراواسط مرداد ماه ۱۳۳۰ وارد تهران شد و پس از مذاکرات پیچیده ای که جریان یافت روشن شد کـه انگلیسـی هـا حاضـر نیستند بیش ازتقسیم ۵۰ -۵۰ از سود عملیات خود در ایران را پیشنهاد کنند و امریکا یی ها در این امـر از آنان حمایت می کنند و هنگامیکه استوکس پیشنهاد کرد یک مدیرانگلیسی باید بر کل فرایند تولید نفت نظارت کند مذاکرات با شکست روبرو شد. چون این تقاضـا نقض آشـکار قـانون ملـی شـدن بشـمار مـی رفت. اما استوکس قبل از عزیمت خود به شاه ایران توصیه کـرد کـه تنهـا راه حـل روی کـار آمـدن یـک دولت قوی توام با حکومت نظامی و زندانی کردن افراد شریر به مدت ۲ سال یا بیشتراست . پس از آنکه مصدق گزارش کامل مذاکرات را به پارلمان تسلیم کرد مجلس شورای ملـی بـا اکثریـت ۳۳ رای از ۳۶ سناتورحاضر در جلسه ومجلس شورای ملی با اکثریت ۷۲رای از ۸۲ نماینده حاضر در جلسه به او رای اعتماد دادند. مخالفان او از شکست مذاکرات ناراحت شدند و علاوه بر نطق های مخالف دولت و تاکتیک و ترفند های گوناگون بخصوص برای جلوگیری از تشکیل جلسات مجلس و انتشار مقالات درروزنامـه ها تلاش خود را برای این امرمتمرکز ساخت که انگلیسـی هـا و امریکـایی هـا را از مـذاکره بـا مصـدق منصرف کنند. تبلیغات و فشار مخالفان مصدق را در عقایداش راسخ کرده ودر ۱۳ شـهریور همـان سـال طی نطقی در مجلس سنا اعلام داشت، در صورتی که پیشنهاد قابل قبـولی از انگلیسـی هـا دریافـت نکنـد کارمندان انگلیسی شرکت نفت را اخراج خواهد کرد. روز بعد وزارت خارجـه انگلـیس در پاسـخ اعـلام کرد که دولت بریتانیا دیگر مذاکرات را "در حال تعلیق تلقی نکرده بلکه قطعی شده می دانـد". چنـد روز بعد مصدق نطق مجلس سنای خود را در مجلس شورای ملی تکرار کرد ولی تقاضای رای اعتمـاد نکـرد چون در فعالیت های گسترده اقلیت که از جانب پشتیبانی می شد آگاه بود. او همچنین پیشنهاد کرد " اتمام حجتی " را از طریق نماینده "هریمن" به دولت انگلیس تسلیم شود ولی موفق نشد همکاری وی را جلـب کند. پیشنهاد مصدق دایر بر قبول یک تبعه بیگانه (غیرانگلیسی) برای مدیریت فنی تشـکیلات اسـتخراج و تصفیه نیز رد شد. در عین حال اجرای قانون ملی شدن نفت به سرعت جریان داشت. وظیفه خلع ید از شرکت سابق را دو هیات عهده دار شده بود. کمسیون مختلط نفت و هیات مدیره موقت شـرکت نـو بنیـاد ملی نفت ایران بسیار مایل بود که کارمندان انگلیسی شرکت نفت را نگـه دارنـد ولـی آنهـا حاضـر نشـدند تحت شرایط جدید بکار اشتغال ورزند و مصدق در دوم مهر ۱۳۳۰ تقاضای عزیمت آنان را در ظرف یـک هفته نمود و آنها در نهم مهر همان سال از ایران خارج شدند. دولت انگلیس همیشه توسل به عملیات

نظامی را در مد نظر داشت و بخوبی آگاه بود که پیروزی ایرانیان چه اثراتی بر حیثیت انگلیس و منافع نفتی آن در نقاط دیگر خواهد داشت . بعلاوه سال انتخابات انگلیس بود بنابراین حزب حاکم یعنی حزب کارگر مایل بود پس از تهدید به اخراج کارمندان انگلیسی درسی به ایرانیان بدهد . تصرف میدانهای نفتی عملا غیر ممکن بود بنابراین دولت انگلیس نقشه ای برای تسخیر آبادان با علامت رمز" دزد دریایی" کشیده بود اما بدلیل اثرات منفی عدم تحرک در پیروزی حزب کارگر و نظرات جنگ جویانه وزیر امور خارجه هربرت موریسون و کلمنت اتلی نخست وزیر که با اقدام نظامی موافق نبود و کابینه انگلیس در مجموع گرایش به خویشتن داری داشت. انگلیسی ها موفق نشده بودند همکاری امریکایی ها را درمورد اقدام نظامی جلب کنند زیرا هیچگونه تهدید آشکار کمونیستی وجود نداشت. عوامل متعددی بر پیروزی خویشتنداری برجنگ طلبی کمک کرد از جمله اینکه اقدام نظامی پیامد های بین المللی منفی داشت ، روسها را تحریک می کرد ، جان اتباع انگلیسی را در ایران به مخاطره می انداخت وبدلایل متعدد نظامی ولجستگی وفنی بعید بود به موفقیت بانجامد. بنابراین اقدام نظامی متروک ماند ولی فشار های دیگر از قبیل محاصره عملی اقتصادی به منظور جلوگیری از خرید و فروش نفت به طرز فزاینده ای به موقع اجرا درآمد و انگلیسی ها مصمم بودند با هر وسیله ای نهضت ایران را نابود کند. پس از آنکه مصدق زمام امور را در دست گرفت "رابین زنیر"در کسوت استادی دانشگاه آکسفورد که یک ماجراجوی شگفت انگیز بود به تهران اعزام شد تا فعالیتهای ضد مصدق را هماهنگ کند. رابین زنیر قبلا بعنوان وابسته مطبوعاتی سفارت انگلیس در تهران اقامت داشت و سپس در سال ۱۳۳۰ به تهران آمد و بعنوان رایزن سفارت انجام وظیفه می کرد. وی در دانشگاه آکسفورد زبان فارسی تدریس می کرد و در سال ۱۳۳۱ به آکسفورد برگشت تا کرسی تدریس ادیان و اخلاق شرقی را به عهده بگیرد . مخالفان مصدق اغلب عبارت بودند از گروهی عناصر محافظه کارکه از وجهه و اعتبار مردمی بهره نداشتند و بطور مستقیم و غیر مستقیم با سفارت انگلیس ارتباط داشتند. بخشی از آنها صرفا فرصت طلب بودند ولی تعدادی از آنان برداشتی همانند برداشت انگلیسی ها از منافع ایران داشتند.خلاصه آنان معتقد بودند که نهایت ساده اندیشی است اگر تصور شود که می توان بر انگلیستان پیروز شد و حاکمیت کامل را بر نفت ایران برقرار ساخت . آنان در این اعتقاد مصدق که انگلیسی ها در سیاست ایران نفوذ همه جانبه دارند شریک بودند . رهبر واقعی مخالفان مصدق ، جمال امامی بود که قبلا عضویت کمسیون نفت مجلس را برعهده داشت و مصدق را دعوت به زمامداری کرده بود.(امامی در یک خانواده روحانی اهل آذربایجان بدنیا آمد و یک محافظه کار طرفدار غرب و یک ضد کمونیست بود که بر خلاف آنچه بسیاری عقدیده داشتند موثرترین وسیله جلوگیری از کمونیسم را نه اصلاحات بلکه سرکوبی می دانست. اوشبکه

وسیعی از واسطه ها داشت و اغلب از کاخ اشرف پهلوی دیدار می کرد. او از طریق واسطه هایی مانند پطروس آبکار و ابوالقاسم فولادوند محرمانه با سفارت انگلیس تماس داشت .& گروه اقلیت مخالف به رهبری جمال امامی علاوه براینکه مانع از حصول حد نصاب از مجلس می شدند از بهانه های گوناگونی برای حمله به مصدق را استفاده می کردند و رفتارشان تناقض آمیز بود. از یک سو مصدق را سرزنش می کردند که چرا پیشنهاد های انگلیسی را قبول نکرده است و از سوی دیگر اورا متهم می کردند که محرمانه با آنها تبانی کرده است و مدعی می شدند که او با حزب توده ائتلاف کرده است و متعرض می شدند که آنها را سرکوب کرده است .پس از عزیمت استوکس از تهران آنها با تکتیک موثر بست نشینی در مجلس به بهانه عدم امنیت متوسل شدند. اقلیت پارلمانی مخالف مصدق تنها بخشی از ترکیب گسترده تر مخالفانی را تشکیل می داد که بیشتر شامل سیاستمدارانی که برای سفارت انگلیس خبر تهیه می کردند ویا به سفارت توصیه می کردند با مصدق چگونه رفتار کند. ولی تنها ایرانی که بیشترین نفوذ را بر سیاست سفارت انگلیس داشت سید ضیا بود که ازدیربازنامزد ایده آل نخست وزیری تلقی می شد و دوست متعهد ومشاور صمیمی سفارت بود بطوریکه به تشویق شاه در شهریور ۱۳۳۰حزب اراده ملی خود را احیا کرد . هدف او روگردان ساختن اقشار سنتی شهرنشینی از جبهه ملی بود و بکمک افرادی مانند قزلباش یکی از رهبران اتحادیه کارگری کوشید **حمایتی** را که مخالفان پارلمانی مصدق مرتبا تقاضا می کردند تامین کند. با اینهمه انگلیسی ها مزایای نخست وزیری سید ضیا را بیش ازهر خطربلقوه ای می دانستند. شاه ایران سرانجام خطرات مخالفت علنی با مصدق و پشتیبانی از سید ضیا را تشخیص داده بود و با وجود اینکه شاه موافق با انتصاب سید ضیا به نظر می رسید در یک مورد به او گفت نمی تواند به مردم بگوید که" چون خواست لندن بود" اورا نخست وزیر کرده است بعلاوه اصرار انگلیسی ها در مورد سید ضیا سوء ضمن شاه را نسبت به مردی که نه تنها از پشتیبانی کامل انگلیسی برخوردار بود بلکه سابقه بیزاری از سلسله پهلوی را داشت تشدید می کرد. شاه برخی از مواقع ادعا می کرد که از مصدق پشتیبانی می کند و در مواقعی دیگر اظهار می داشت که موافق قوام در حقیقت برای جانشینی مصدق به علاء تمایل داشت و گاهی وانمود می کرد که از نیات و مقاصد انگلیسی ها بی اطلاع است. در موارد دیگر اظهار می داشت که آنها محرمانه با مصدق تبانی کرده اند. گاهی می کوشید عدم تحرک یا خودداری از عمل را با ادعای اینکه از همکاری نمایندگان مجلس مطمئن نیست توجیه کند. شاه و مشاورانش هیچگونه نظر مساعدی نسبت به مصدق وآرمانهای او نداشتند اما معتقد بود که استراتژی عدم تحرک و خودداری از عمل با رعایت دقیق اصول قانون اساسی مطمئن ترین وسیله حفظ تاج و تخت و نیز بی خطر ترین کارها است.شاه به شدت از امکان مداخله نظامی انگلیسی ها که اقدام او را

بعنوان فرمانده کل نیروهای مسلح ایجاب می کرد نگران بود. نظر شاه و دیگر عوامل ناسازگار و مخالف ، سید ضیا را متقاید کرد که خودش را ازلیست جانشینان فوری مصدق کنار بکشد. اینکار به نفع قوام (نخست وزیر سابق) تمام شد که به آسانی عامل دست نشانده انگلیسی تلقی نمی شد و می توانست این اعتبار را برای خودش قایل شود که او بوده که با آماده کردن زمینه بصورت قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ در مجلس جرقه اصلی ملی شدن نفت را فراهم آورده است. با همه این اوصاف هنوز موقعیت مصدق به هیچ وجه متزلزل نبود و مهارت هر چه تمامتر از محبوبیت خود بهره برداری می کرد و با کمک آیت الله کاشانی و دیگران وبا ترتیب دادن تظاهرات در خارج از مجلس تلاشهای مخالفان را در مجلس خنثی می کرد. دولت انگلیس پس از شکست ماموریت استوکس به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرد این کار فرصتی در اختیار مصدق گذاشت که حقانیت ایران را ثابت کند وآنرا در معرض افکار عمومی جهان قرار دهد. تبلیغات انگلیسی ها را خنثی کند و آشنایی خود را با پیچیدگی های مسئله نفت ایران بیشتر کند. اقلیت مسلم می دانست که مصدق دست خالی از سازمان ملل متحد باز خواهد گشت و تعویق یکماهه برای انتخابات مجلس هفدهم فرصتی به آنها خواهد داشت که زمینه سقوط او را فراهم سازد. مصدق در اول آذر ۱۳۳۰ پس از ۴۹ روز غیبت به ایران باز گشت و دراه مراجعت دیداری موفقیت آمیزاز مصر بعمل آورد که هدف آن برقراری پیوندی میان مبارزات ضد امپریالیستی ایرانیان و مصریان بود . شورای امنیت اخذ تصمیم در باره مناقشه نفت را تا صدور رای دیوان دادگستری بین المللی لاهه که انگلستان در همین خصوص به آن شکایت کرده بود به تعویق انداخت. به نظر مصدق و پیروانش این تصمیم چیزی کمتر از پیروزی نبود . وی بطور زیرکانه رای اعتمادی که از مجلس خواسته بود بدلیل فعالیتهایش در سازمان ملل متحد با ابطال طرح تعویق مرتبط ساخت. اقلیت دربرابر چنین مانوری کاری جز اینکه ۱۶ رای ممتنع بدهد کاری از دستش بر نیامد. در حالیکه ۹۰ نفر از نمایندگان به مصدق رای دادند و سنا هم به اتفاق آرا به مصدق رای اعتماد داد.یکی از عواملی که که به مصدق کمک کرد تا برمخالفانش پیروز شود موضع مجلس سنا بود. هرگونه مخالفتی از بابت سناتور های انتصابی خود به خود به شاه نسبت داده می شد و برای سناتور های انتخابی نیز هنوز خیلی زود بود که به فکر انتخابات آینده باشند. پیروزی اخیر مصدق در مجلس حاکی از آن بود که او در حفظ مقام نخست وزیری و انجام انتخابات مجلس با موانع ناچیزی روبروخواهد شد. در همین حال از جانب جبهه ملی به شاه فشاروارد می شد که طبق قانون اساسی رفتار کند و جلومداخله های دربارشاهی را بگیرد. در اواخر آبان ۱۳۳۰ آیت الله کاشانی پیامی به شاه فرستاد و تهدید کرد که حمایت دربار از قوام را افشا خواهد کرد و شاه چنین حمایتی را انکار کرد و ناچار شد کاشانی را مطمن سازد که مصدق همچنان از

اعتماد وی برخوردار است. در اوایل آذر همان سال قوام همـه امید هـایش را بـرای زمامـداری در آینـده نزدیک را از دست داده بود و می خواست به منظور معالجه راهی سویس شود . گذشته از این قـوام در جلب نظر مساعد امریکاییان نیز توفیق نیافتـه بـود. انگلیسـی هـا عقیـده داشـتند کـه دکتـر مصـدق بخـاطر ملایمت مداومی که نسبت به حزب توده نشان می دهد، دارد مملکـت را بسـوی هـرج و مـرج سـوق مـی دهد. بنابراین دولت انگلیس معتقد است که تغییـر وی ضـروری اسـت ولـی ایـن تصـمیمی اسـت کـه شـاه خودش باید بگیرد.فعالیتهای قوام که از سوی سفارت انگلیس به لندن گزارش می شد شامل نقشه مفصـلی برای سرنکونی دولت مصدق و نیز تهیه صورت اعضای کابینه خودش بود امید های زیادی برانگیخـت ولی کار زیادی صورت داد. ولی سایر مخلفان مصدق هیچ فرصتی را در تضعیف دولت از دست ندادند. یکی ازاین فرصتها در ۱۴ آذر ۱۳۳۰ پیش آمد هنگامی که دانشجویان دانشگاه تهران بعنوان اعتراض به اخراج وبازداشت تعدادی از دانشجویان به اخطار شهربانی مبنی برمنع تظاهرات اعتنـا نکردنـد و صـف پلـیس را پیرامـون دانشـگاه شکسـتند وبسـوی میـدان بهارسـتان راه پیمـایی کردنـد تعـداد زیـادی از افـراد شهربانی و ارتش با آنان برخورد کردند و این کار منجرخشونت و خونریزی گردید ساعاتی بعد در همان روز یک تظاهرات دست راستی صورت گرفت که با غارت و تارج و سوزاندن دفاتر روزنامه های توده ای ومخالف دولت همراه بود.با توجه به اینکه حزب توده غیر قانونی اعلام شده بود مصدق نمـی بایسـت دشواری چندانی درجلوگیری از فعالیت آن داشته باشد اما مصدق برخـی مواقـع از لحـاظ تـاکتیکی خطـر کمونیسم را به منظور جلب پشتیبانی امریکاییان عنوان می کرد. امریکاییان به مصـدق و نهضـتی کـه او نماینده اش بود بعنوان سدی در برابر کمونیسم می نگرستند. در حالی که انگلیسی هـا معتقـد بودنـد ادامـه زمامداری او به نا چاربه در دست گرفتن قدرت بوسیله کمونیستها خواهد انجامید. سیاست مصدق در قبال حزب توده بطور دایم بین تحمل و اغماض توام با اکراه و قاطعیت متناوب در نوسـان بـود. حـوادث ۱۴ آذر ۱۳۳۰ نه تنها روابط دولت با حزب توده را در معرض توجه همه قـرار داد بلکـه مخالفـان پارلمـانی مصدق را تشویق کرد و دو روز بعد پـانزده نفـر از نماینـد گـان اقلیـت مجـددا در مجلـس تحصـن اختیـار کردند و به تدریج گروهی پنجاه نفری از روزنامه نگاران به آنان پیوستند و مجلـس بـه نحـو گسـترده ای تبدیل به پایگاهی برای حمله به نخست وزیر شد. این تکتیک ها در ۱۹ آذر همـان سـال بـه نقطـه عطـف خود رسید .آن هنگامی بود که مصدق از جایگاه تماشاچیان مجلس آماج سیلی از دشنام و افترافرار گرفت اما به نطق اش ادامه داد وعوامل متعددی را به عقیده اوباعث شکست مذاکرات نفت شـده بـود برشـمرد. رفتار مخالفان دولت در مجلس طبعا واکنش جبهه ملی را برانگیخـت و در ۲۱ آذر همـان سـال بـا کمـک آیت الله کاشانی تظاهرات موفقیت آمیزی به منظور اعتراض نسبت به رویـدادهای دو روز قبـل صـورت

گرفت. و پلیس نیز موفق شد ۴۵ نفر از روحانیون را که به تحریک مخالفان دولت در مسجد سپهسالار تحصن اختیار کرده بودند به زور اخراج کند. *مصق با این هدف از دامنه وفعالیتهای دربارشاهی علیه دولت خود بکاهد . پشتیبانی مداوم مادی و معنوی ملکه مادر از مخالفان را مورد حمله قرار داد و تهدید کرد که در صورتی که او کشور را ترک نکند استعفا خواهد داد . هم علاء نخست وزیر سابق وهم شاه خود را ناگزیردیدند که او را تشویق به ماندن در شغلش کنند و نیز فاش شده بود که مصدق تهدید کرده است که اگر دربارشاهی دست از تحریکات علیه دولت برندارد استعفا خواهد داد و دلایل این کار را به اطلاع عموم خواهد رساند. از آنجاییکه مخالفان مصدق هیچگاه در موردسیاست ها و تاکتیک خود اتفاق نظر نداشتند پی در پی دستخوش شگست و ناکامی شده اکنون در شرف تجزیه کامل بودند. مصدق دو برگ برنده در دست داشت: یکی قصداعلام شده اش دایر بر اینکه شخصا به دادگاه لاهه خواهد رفت و دیگری تعطیل کنسولگری های انگلیس در مراکز استانها که درباره آن تبلیغات فراوانی شده بود ودر اول بهمن ۱۳۳۰ یعنی همان روزی که قرار بود استیضاح مطرح شود این کار عملی گردید. در چنین شرایطی دادن رای عدم اعتماد به مصدق شهامتی لازم داشت که بیشتر مخالفانش فاقد آن بودند. و از سوی دیگر برای طرفداران مصدق کار ساده ای بود که مانع از حصول حد نصاب در مجلس شوند زیرا بسیاری از آنان قبلا پایتخت را بمنظور شرکت در مبارزات انتخابی ترک کرده بودند و همانطور که انتظار می رفت استیظاح بعلت نرسیدن تعداد نمایندگان به حد نصاب مطرح نشد و مجلس یک ماه قبل از انقضای مدت قانونی آن (۲۹ بهمن ۱۳۳۰) بی اثر گردید. نمایندگانی که دولت را استیضاح کرده بوند به شاه شکایت کردند ولی چون بجایی نرسیدند دولت نیز برگزاری انتخابات را ادامه داد. مصدق نمی توانست رفتار دربارشاهی و ارتش و نخبگان محلی را کنترل کند و نه رفتار بعضی از طرفدارانش را و موارد اجتناب ناپذیر تخلفات انتخاباتی مورد بهره برداری مخالفان دولت از جمله کاندیدا های ناموفق قرار گرفت از سوی دیگر مشاجره و اختلاف در باره تقسیم کرسی های مجلس و تشنج بین رهبران جبهه ملی را تشدید کرد. همانطور که انتظار می رفت کسانی که موفق شده بودند انتخاب شوند پشتیبانی خود را از مصدق بدون پاداش تلقی کردند و به صف مخالفان پیوستند. حزب توده از این وضع برای بدست آوردن حربه تبلیغاتی بیشتری علیه مصدق استفاده کرد.سرانجام مداخلات دربار و بی نظمی های انتخاباتی و برخورد خشونت بار در برخی نقاط منجر به تعلیق انتخابات تا بازگشت مصدق از داد گاه لاهه گردید. هنگامیکه مجلس شانزدهم از انجام وظیفه موثر باز ماند مخالفان متوجه مجلس سنا شدند بطوریکه روزنامه نگاران متخصن به آنجا نقل مکان کرده بودند واکنون سنا ابزار عمده مخالفت با مصدق و امید اصلی برکنار ساختن او تلقی می شد. آنها از پیروزی مصدق در حنثی کردن اقلیت مجلس

شورای ملی بشدت احساس خطر کرده و می ترسیدند که مصدق بر مجلس هفدهم کنترل موثری داشته باشد. در اواسط اسفند ۱۳۳۰ نود نفر از نمایندگان اصناف تهران بعنوان اعتراض به سیاست مالیاتی دولت به سنا شکایت بردند و تهدید کردند که اگر به شکایاتشان بطور صحیح رسیدگی نشود در آنجا تحصن اختیار خواهند کرد. این موضوع سنا را قادر ساخت که با اعتماد بیشتری بخود اعلام کند که وظیفه اش رفع بی عدالتی ها است که دولت مرتکب می شود اما مصدق استوار و بی اعتنا ماند: هنگامیکه ۳ نفر از سناتورها بعنوان نماینده کلیه اعضایش مصدق را ملاقات کردند و ازاوخواستند که برنامه اش را برای حل مسایل موجود روشن سازد مصدق به آنان خاطر نشان کرد که برنامه او همیشه این بود که استعمار و امپریالیسم را از کشور ریشه کن سازد و سنا باید بین آزادی و استقلال یا بازگشت بر وضعیت سابق و سلطه شرکت غارتگر نفت یکی را انتخاب کند.در اوایل فروردین ۱۳۳۱ بدنبال برخورد های خشونت آمیز بین جوانان توده ای وپان ایرانیسم (ناسیونالیسم های افراطی که ازمصدق طرفداری می کردند) دولت برای نخستین بار از زمان شروع بکار خود در تهران حکومت نظامی اعلام کرد و این کار مستلزم تایید فوری مجلس سنا بود. مجلس سنا با اکثریت ضعیف با ۲۴ رای موافق از ۴۷ سناتور حاضر در جلسه رای به حکومت نظامی داد، که این عقب نشینی دیگری برای مخالفان مصدق بود. فعالیت های ضد مصدق از طرق مختلف ادامه داشت از جمله مبارزه مطبوعاتی , تظاهرات حزب توده , دسیسه گری هایی که بین اعضای ناراضی هیات حاکم و سفارت انگلیس در جریان بود و فداییان اسلام نیز همچنان به تهدید مصدق که عملا در خانه اش زندانی بود ادامه می دادند واز تهدید آیت الله کاشانی نیزکه دیگر نمی توانست آنها را مهار کند ،خود داری نمی کردند. در ۲۲ بهمن ۱۳۳۱ جوانی وابسته به گروه فداییان اسلام در تلاشی به قصد قتل فاطمی او را زخمی کرد و مصدق را به مدت چند ماه از یکی از دوستان وفادار و مشاور لایق خود محروم ساخت. در میان صفوف طرفداران مصدق چند نفر روحانی نیز وجود داشتند ولی شمار بیشتری مخالف او بودند. بعضی از خانواده های روحانی از قبیل بهبهانی در مخالفت با مصدق فعال بودند. چند نفر از وعاظ مشهور به سر کردگی شیخ محمد تقی فلسفی از منبر برای تبلیغ علیه دولت استفاده می کردند. در این هنگام از پشتیبانی عمومی مردم از مصدق چیزی کاسته نمی شد ولی وحدت و اشتیاق بعضی از پیروانش در حال نقصان بود.تلاشهای مخالفان جبهه ملی نیز بی اثر نمانده بود. به نظر زنیر تفرقه در میان اعضای جبهه ملی به عواملی بستگی داشت و این عوامل را برادران رشیدیان ایجاد ، اداره و کارگردانی میکردند.(برادران سه گانه رشیدیان از فعالان سیاسی طرفداران انگلیس و با سید ضیا روابط نزدیک داشتند) و در تاسیس حزب اراده ملی به او کمک کرده بودند. براران رشیدیان نقش قاطع در هماهنگ کردن فعالیت های

متزلزل کننده علیه دولت مصدق ایفا کردند. دشواری های مالی و اقتصادی گسترش می یافت لذا مصدق در آذر ماه ۱۳۳۰ از طریق برنامه قرضه ملی به مردم متوسل شد ولی همانگونه که انتظارمی رفت ثروتمندان از آن استقبال چندانی نکردند و مذاکرات با نمایندگان بانک ملی نیز با شکست روبرو شد و مصدق بعلت اصرار آنان در باز گرداندن کارشناسان انگلیسی ، خود داری آنان از اداره صنعت نفت به وکالت از جانب دولت ایران و انعطاف ناپذیری در مورد بهای نفت ، پیشنهادهای آنها را نپذیرفت و بدنبال آن مصدق به رغم ایرادهای بعضی از طرفداران خود و مخالفت شاه شروع به اجرای سیاست " اقتصاد بدون نفت " را اجرا کرد. در واقع موانعی که انگلیسی ها در راه فروش نفت ایران برقرار کرده بودند واتهامات مداوم که در این مورد که مصدق با انگلیسی ها سازش کرده یا به امریکاییان تسلیم شده است راه چاره ای در برابر او باقی نگذاشته بودند بجز اینکه کشور را بدون نفت اداره کند و متوسل به تدابیرصرفه جویی شود. انگلیسی ها همچنان به تبلیغ در باره سیاست عدم مذاکره با مصدق ادامه می دادند. آنها اطمینان داشتند که ایران در دادگاه لاهه شکست خواهد خورد وامیدوار بودند فعالیتهای آشکار و پنهانی ونیز مسایل مالی و اقتصادی سرانجام مصدق را وادار به تسلیم خواهد کرد. در بیان اینکه هر اندازه هم که اوضاع از نظر اقتصادی و مالی نگران کننده بود مصدق حاظر نبود از آرمانهای حاکمیت و حیثیت ملی و بی طرفی سیاسی ایران که اصول راهنمای سیاست خارجی او بودند چشم پوشی کند . کمک مالی امریکا که در آبان ۱۳۳۰ به مبلغ ۲۳ میلیون دلار آن بر اساس برنامه اصل ۴ پرداخت شده بود به شدت مورد نیاز بود ولی با وجود این مصدق و طرفدارانش از اشاره به " کشور های عقب مانده" در تخصیص این کمک مالی ناخشنود بودند کمک مالی مورد اشاره در دی ماه ۱۳۳۰ هنگامیکه مصدق پذیرفتن هر گونه تعهدی را در دفاع ازجهان آزاد دربرابر ادامه آن رد کرد به حال تعلیق در آمد. در این صورت تهدید هایی وجود داشت که این کار ممکن است به اخراج مستشاران امریکایی منجر شود. سرانجام به اصرار شاه ، مصدق در اواسط اردیبهشت ۱۳۳۱ با ادامه کمک امریکا و بدون پذیرفتن هیچگونه شرایط خاصی موافقت کرد. این همان اندازه که که متضمن پیروزی برای مصدق بود متضمن ناکامی برای مخالفانش بشمار می رفت. مجلس هفدهم به رغم مانورهایی که برای تعویق افتتاح آن بکار می رفت سرانجام در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۱ رسما گشایش یافت . دو روز بعد مصدق به رغم توصیه های برخی از مشاورانش نامه ای به نمایندگانی که قبلا انتخاب شده بودند فرستاد و از آنان خواستکه اعتبار نامه کسانی که با تقلب انتخاب شده اند و هیچگونه " وجهه ملی " ندارند رد کنند و ترتیبی بدهند که بقیه انتخابات به درستی انجام گیرد. مصدق در اشاره به کسانی که وجهه ملی ندارند بیش از همه یک نفر رادر نظر داشت یعنی امام جمعه که با حمایت شاه از شهر کرد نشینی و سنی مهاباد انتخاب شده بود.با

وجود این اکثریت نمایندگان نه تنها اعتبار نامه امام جمعه را تصویب کرده بودند بلکه برای انتخاب او به ریاست مجلس به فعالیت پرداختند. در اواسط تیر ۱۳۳۱ چنین به نظر می رسید که اعتماد به نقش شاه افزایش یافته است و تحولی که باز گشت اشرف پهلوی بـه کشور نمایانگر و تقویت کننده آن بود در حالی که تحولاتی نظیر گزارش مالی تیره وتار محمد علی وارسته وزیر دارایی توجیهی برای اقدام شاهانه فراهم می کرد. گذشته از این ،عزیمت مصدق بـه دادگاه لاهه در ۷ خرداد ۱۳۳۱ زمینه های جدیدی برای دسیسه های شاهانه فراهم کرد که نخست وزیر کاملا از آنها آگاه بود. با بازگشت قوام از اروپا در اواسط اردیبهشت ۱۳۳۱ فعالیتهای کاندیداها ی دیگر تحت اشعاع قرار گرفت و مبارزه همه جانبه به نفع او مجددا آغاز شد وتلاشهایی برای اینکه قوام دوباره مورد توجه انگلیسی ها قرار بگیرد ونیز برای جلب پشتیبانی از امریکایی ها تلاشهایی صورت گرفت . وقتی مصدق از دادگاه لاهه بازگشت شاه عقب نشینی نسبی کرد ولی حمایت او از امام جمعه دلیل بر این بود که او سرانجام علیه مصدق وارد عمل شده است. هر چند هنوز در مورد جانشینی او مصمم نبود. با این اوضاع در اواسط تیر ۱۳۳۱ مخالفان سرسخت مصدق به پشتوانه و حمایت سفارتخانه های انگلیس و امریکا خود را آنقدر مطمئن یافتند که درگیر رویارویی کامل با مصدق و طرفدارانش شوند. پس از بازگشت مصدق از دادگاه لاهه در سوم تیر ۱۳۳۱ وی با چندین مانور پارلمانی مختل کننده روبرو شد و مخالفانش در مجلس مانع از آن شدند که مجلس رسما شروع بکار کند و با این اوضاع مصدق به شاه اظهار داشت که اگر مجلس تا ۱۷ تیر ۱۳۳۱ شروع بکار نکند او مسئولیت نخست وزیری را خودش سلب خواهد کرد. در ضمن طبق سنت پارلمانی استعفای تشریفاتی خود را به شاه تسلیم کرد و از طریق رادیو پیامی خطاب به ملت فرستاد که ضمن آن به شدت به مخالفانش حمله کرد. در همین حال فعالیت به نفع قوام بخصوص از جانب امام جمعه به مرحله ای رسیده بود که طبق گزارشی که سفارت انگلستان دریافت کرده بود سید ضیا نیز توصیه قوام را به شاه میکرد . شاه سرانجام با انتصاب قوام موافقت کرد مشروط بر اینکه "رای تمایل" هر دو مجلس را کسب شود . امام جمعه معتقد بود ترتیب این کار را می توان داد ولی در جلسه ۱۵ تیر ۱۳۳۱بعلت فقدان رهنمود صریح شاه ۵۲ نفر از۶۳ نماینده حاضر در جلسه به مصدق" رای تمایل " دادند و ۱۰ نفر از دادن رای تمایل امتناع کردند. این یک پیروزی بزرگ برای جبهه ملی بود ولی مصدق به رای سنا نیز احتیاج داشت و در آنجا بود که از مدتی پیش یک هسته فعال مخالفت، در نتیجه فعالیت های چند سناتور چندین نقشه احتمالی برای رویارویی با مانورهای مختلف مصدق طرح شده بود سناتورها قصد داشتند از دادن **"رای تمایل"** به مصدق خودداری کنند و اعلام کردند تا وقتی که برنامه کاراو را بررسی نکرده اند، رای نخواهند داد. مصدق به سهم خود اصرار کرد که بدون تایید قبلی

و تصویب هر دو مجلس زمامداری را نخواهد پذیرفت. شاه که از احتمال بروز یک بحران قانون اساسی به شدت نگران شده بود خودش را ناچار دید که سناتورها به رای دادن مصدق تشویق نماید. هر چند سناتورها در ابتدا بی میل بودند ولی پس از توصیه شاه از ۳۶ سناتور حاضر در جلسه ۱۴ نفر به نفع مصدق رای دادند در حالی که ۱۹ نفر از سناتورها رای ندادند. موضع مجلس سنا مصدق را مطمئن نساخت ولی هیاتی از سناتور ها ضمن ملاقات اورا قانع کردند که زمامداری را بپذیرد. فردای آن روز (۱۹ تیر ۱۳۳۱) مصدق رسما از جانب شاه مجددا به نخست وزیری منصوب گردید و دو روز بعد مجلس سنا به مناسبت تعطلات تابستانی تعطیل گردید. انتظار و تصور مخالفان مصدق این بود که رای دیوان دادگستری بین المللی که قرار بود به زودی صادر شود علیه ایران خواهد بود بدین جهت به اقدامات ضد مصدق کمک خواهد کرد و شاه هنوز امیدوار بود برکناری او را از طریق مجلس ترتیب بدهد بوسیله " بهبودی" یکی از سناتور ها پیامی به امام جمعه و "حکمت" فرستاد به این مضمون که باید نمایندگان بکوشند تاوقتی رای دادگاه لاهه اعلام نشده است به مصدق رای اعتماد ندهند. با این همه دشمنان کینه توز مصدق بخصوص امام جمعه که در نقشه هایش در مورد نخست وزیری قوام شکست خورده بود نه تنها مصمم به تشدید فعالیت های پارلمانی خود علیه مصدق بودند بلکه به نظر می رسیدند که آماده اند از هر وسیله ای برای سرنگون ساختن او استفاده کنند. در همین حال مصدق در نظر داشت که امام جمعه را از ریاست مجلس برکنار کند. بنابراین تقاضا کرد اختیارات شش ماهه به شخص امام جمعه تفویض شود این تقاضا در جلسه خصوصی ،۲۲ تیر ۱۳۳۱ مجلس شوای ملی مطرح شد. هرچند گزارش شد که در آنجا مورد تایید قرار گرفت ولی مشاجره و گفتگوهای تندی را بین نمایندگان برانگیخت. مصدق بدون آنکه منتظر نظر رسمی مجلس در باره مسئله اختیارات بماند کابینه خود را به شاه معرفی کرد وخواستاراحراز سمت وزارت جنگ و حق انتصاب ریيس ستاد ارتش و فرماندهان نیروی های سه گانه گردید. شاه بدنبال یک بحث داغ تقاضاهای اورا رد کرد و مصدق بی درنگ استعفای خود را تقدیم کرد و تقصیررا به گردن شاه گذاشت و اعلام کرد با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه ای را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندانه به مقصود برساند. این بار شاه استعفای مصدق را بدون توجه به عواقب آن پذیرفت و بدین سان نخستین دوران نخست وزیری مصدق در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ به پایان رسید. استعفای مصدق ناشی ازبازشناخت این واقعیت بود که با توجه به دشمنی خستگی ناپذیر و ترفند ها و توصیه های خنثی کننده مخالفان پارلمانی و غیر پارلمانی ادامه زمامداری موثر او غیر ممکن خواهد بود.

قیام سی ام تیر ۱۳۳۱

بلافاصله پس از آنکه استعفای مصدق اعلام شد مجلس شورای ملی در جلسه ای که با شتاب و بدون رعایت حد نصاب تشکیل شده بود با ۴۰ رای از ۴۲ نفرنمایندگان حاضر در جلسه به قوام **رای تمایل** داد و قوام همان روز رسما از جانب شاه به نخست وزیری منصوب شد و در ضمن شاه لقب **"جناب اشرف"** را دو سال پیش از وی گرفته بود دوباره به او ا عطا کرد. با توجه به وفاداری تعداد نسبتا زیادی از نمایندگان به مصدق ، قوام نمی توانست با حضوردر مجلس امید هیچ کاری را داشته باشد.او امیدوار بود که پشتیبانی سفارتخانه های انگلیس و امریکا را برای متقاعد کردن شاه به انحلال مجلس کافی باشد بخصوص که خودداری شاه از این کار به منزله بازگشت مصدق و کاهش بی سابقه حیثیت و قدرت خود شاه بود. قوام بخوبی آگاه بود که شاه با بی میلی به زمامداری او تن درداده است. در آستانه انتصاب نخست وزیری اعتراف کرده بود که هیچ اعتمادی به شاه ندارد و انتظار دارد فعالیت هایش در میان نمایندگان مجلس فعالیت متقابل شاه را برانگیزد. با این همه شاه هراحساسی نسبت به قوام داشت نمی توانست خطر انحلال مجلس را بپذیرد. قوام به محض اینکه به نخست وزیری منصوب شد با این امید که سیمای اطمینان بخشی از خودش نشان دهد به ابراز شکیبایی با بی تفاوتی خاص خود و تکبر پرداخت وخوش بینی بی جا و اعتماد به نفس ناموجه اعلامیه معروف ۲۷ تیر همان سال انعکاس یافت.

در این اعلامیه، او تاکید کرده و وعده داده بود که مسئله نفت را حل کند، نظم و امنیت را برقرار سازد ، سیاست را از دیانت جدا کند. او در واقع **" عوامفریبی در امور سیاسی و ریاکاری در امور مذهبی"** را محکوم نمود و به کسانی که به بهانه **" مبارزه با افراطیون سرخ ارتجاع سیاه"** را تقویت کرده اند , حمله کرد و تهدید نمود که " دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صد ها تبهکار را از هر طبقه بموجب حکم خشک و بی شفقت قانون به حال تیره روزی سازد " انتشار این اعلامیه یک حرکت خالی از دور اندیشی و دوراز احتیاط بود و ثابت کرد که برای موقعیت قوام بسیار مخرب و زیان بخش بوده است. در حالیکه قوام بدون پشتیبانی صریح شاه و با حضور مجلس نمی توانست امیدوار باشد که گفتارش را با کردارش توام کند. بدین ترتیب انحلال مجلس ضروری تر شده بود اما شاه همچنان متعهد باقی مانده بود و امام جمعه و حکمت می کوشیدند قوام را تشویق کنند که بدون انحلال مجلس به کارش ادامه دهد وبا این کار نظر شاه را منعکس می کردند. بعضی از دوستان قوام به او فشار وارد می کردند که هر چه زودتر کابینه خود را تشکلیل بدهد اما قوام با وجود مجلس موقعیت را عملا معلق و متزلزل می دید واین کار سردر گمی و اغتشاش و فقدان فعالیتهای هماهنگ در میان اطرافیانش را تشدید می

کرد. او همچنین شاه را متقاعد میکرد که بدون انحلال مجلس هیچ کاری پیش نخواهد رفت. در برابر مخالفتهای رو به افزایش, قوام دیگر نمی توانست بیکار بماند و طی تلاشی به منظور ساکت کردن آیت الله کاشانی که نقش مهمی در تحریک احساسات مردم علیه او داشت هرچند هیچ امیدی به سازگاری وهمکاری نمی رفت و تماس قبلی کاشانی با قوام نیز به نتیجه مثبتی نرسیده بود. قوام به ابتکار خودش و بدون جلب نظر شاه و محرمانه دستور باز داشت آیت الله کاشانی را صادر کرد ولی این اقدام قبل از اینکه نقشه او اجرا شود عقیم ماند. گزارش این اقدام از رادیو بی بی سی آسیب زیادی به قوام زد زیرا بعنوان " نمودار آنچه دولت انگلستان مایل است که قوام انجام دهد" تلقی شد و بدین ترتیب برای قوام بسیار دشوار تر شد که به اقدامی علیه آیت الله کاشانی دست یازد. در حالی که این شکست قوام را دچار نا امیدی ساخته بود . دراین میان آیت الله کاشانی جرات یافت و ازارتش درخواست کرد که از دولت اطاعت نکند و جبهه ملی ، قوام را دست نشانده انگلستان نامید و او را متهم کرد که قصد دارد رژیم ارتجایی و سلطه خارجی را باز گرداند. فعالیت های طرفداران مصدق برای برکناری قوام در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به اوج خود رسید. و در پاسخ به دعوت نمایندگان وفادار به مصدق مردم به خیابانها ریختند و اعتصابها ، تظاهرات ، شورشها و درگیری های خونینی که با نیروهای پلیس و ارتش صورت گرفت و تلفات سنگینی برجای گذاشت و هواداران مصدق بر نخبگان سنتی و ابزارهای قهری دولت پیروز شدند. حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ جنبه های قوی ضد سلطنتی داشت و عمیق ترین هراسهای شاه همچنین صحت دیدگاههای بعضی از مشاورانش را که برکناری مصدق موجب چنین بی نظمی های شدید خواهد شد ، را تایید می کرد.در حالیکه شاه کاملا در جریان جزییات این رویداد بود قوام تقریبا بی اطلاع بود. بطوریکه قوام از ساعت ۹ صبح روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در انتظار اجازه شرفیابی به حضور شاه برای قطعی ساختن انحلال مجلس بود ولی شاه مشغول مذاکره با نمایندگان جبهه ملی بود و هنگامیکه قوام سرانجام در ساعت پنج بعد از ظهر با شاه ملاقات کرد استعفایش قبلا از رادیو که تحت کنترل طرفداران مصدق قرار داشت اعلام شده بود. تهران در اختیار هواداران مصدق بود ونیرو های نظامی به سربازخانه ها عقب نشینی کرده بودند و حتی یک پاسبان را برای راهنمایی وسایل نقلیه دیده نمی شد. شکست مفتضحانه قوام نتیجه مستقیم اشتباه محاسبه های خود قوام و ناتوانایی پشتیبانان بیگانه و داخلی او در درک موضع شاه ومهمتر از آن وخامت اوضاع سیاسی و قدرت نهضتی بود که مصدق مظهر آن بشمار می رفت

دومین دولت مصدق (تیر ۱۳۳۱- مرداد ۱۳۳۲)

طی روز هایی که به حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ منتهی شد مصدق خودش رادر خانه اش محصور کرده بود وبا طرفدارانش در تماس نبود و هیچگونه تلاشی برای بازگشت به قدرت نکرد او رویداد سی ام تیر ۱۳۳۱ را که رسما از جانب مجلس شورای ملی **قیام ملی** شناخته شد وخواست ملت برای اعاده دوباره نخست وزیری بخود تلقی کرد. تحولی که برای او یک منبع مشروعیت بود و به اوقدرت و اعتماد به نفس بخشید و یکبار دیگراهدافش را مورد تایید قرار داد. تجدید زمامداری اوپس ازآنکه مجلس شورای ملی با ۶۲ رای از ۶۴ نماینده و مجلس سنا با ۳۳ رای از ۴۲ سناتور به او رای تمایل دادند که با اعلام رای دیوان دادگستری بین المللی مبنی بر عدم صلاحیت خود در رسیدگی به اختلاف نفت ایران و انگلیس مصادف شد و این برای مصدق و طرفدارانش خوش یمن بود. کابینه مصدق همراه با برنامه ۹ ماده ای اصلاحات به اتفاق آرا مورد تایید مجلس قرار گرفت . برنامه کابینه عبارت بود از : اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری ها- اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه - اصلاح اموراقتصادی- اصلاح قوانین پولی و بانکی- بهره برداری از معادن نفت کشور - تهیه و تدوین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران- اصلاح سازمان های اداری و قوانین استخدام کشوری , قضایی ولشکری- ایجاد شوراهای محلی دردهات به منظور اصلاحات اجتماعی- اصلاح قوانین دادگستری- اصلاح قوانین مطبوعاتی- اصلاح امور فرهنگی , بهداشتی وارتباطی . لایحه اختیارات مصدق مورد تصویب مجلس شورای ملی و با کمی دشواری مورد تصویب سنا قرار گرفت و به این ترتیب اقتدار کابینه اش افزایش یافت. مصدق وزارت جنگ را که نام آن به وزارت دفاع ملی تغییر یافت خودش عهده دار گردید و عملا برای نخستین بار در تاریخ مشروطیت ایران ارتش تخت اختیار رسمی و موثر دولت قرار گرفت. موفقیت مصدق در کسب دوباره آنچه که تنها چند روز پیش از دست رفته بود به حیثیت شاه و دربار شاهی لطمه شدیدی وارد کرد و با این نتیحه که ملکه مادر و اشرف پهلوی (خواهر شاه) و سایر اعضای خانواده سلطنت مجبور به ترک کشور شدند و بقیه مخالفان نیز از آسیب برکنار نماندند بطوریکه قوام (نخست وزیر قبلی) مخفی شد و امام جمعه استعفا داد و هومن معاون فعال ضد مصدقی کنار نهاده شد. در فضای احساساتی شدید سی ام تیر ۱۳۳۱ چند نفر از طرفداران آیت الله کاشانی (امام جمعه قبلی) با اصرارهر چه تمامتربه مصدق فشار وارد می کردند که انتقام بگیرد ولی او بیشترعلاقه داشت که قدرت جدید و بخصوص اختیارات خود را در راه اجرای برنامه اصلاحات بکار برد و به این منظور کمسیون هایی ایجاد شد تا اقدامات پیشنهادی را بررسی و به موقع اجرا بگذارد و تا جایی که امکانات و منابع و اوضاع و احوال اجازه می داد هیچ نکته ای در برنامه او نادیده گذاشته نشد. *یک نکته مهم که در برنامه دولت گنجانده نشده بود سیاست اصلاحات ارضی بود که در مهر ۱۳۳۱طی تصویبنامه ای

اعلام شد. دولت همچنین دست به چندین اقدام اصلاحی دیگر زد. از جمله لایحه قانون مالیات بر اراضی مزروعی و لایحه قانونی تجدید نظر در قانون مالیات بردرآمد مصوبه تیر ۱۳۲۸ را تصویب کرد. همچنین تصویب لایحه قانونی جامعی در مورد بیمه های اجتماعی کارگران بود که در ۲۱ بهمن ۱۳۳۱ اعلام گردید و لایحه قانونی جامعی در مورد مطبوعات که آزادی معقولی برای روزنامه ها و رسیدگی به جرایم مطبوعاتی توسط هیات منصفه را دربرداشت. در نهایت دولت مصدق آنقدردوام نیافت که این قوانین و سایر اصلاحات را که در نظر داشت به موقع اجرا درآورد و بسیاری از کارهایی که انجام شده بود پس از سقوط مصدق ادامه نیافت. از سوی دیگر انگلیسی ها همچنان به تاکتیک های موثر خود در تحت تاثیر قراردادن امریکا ادامه می داد که اگر مصدق بر سرکار بماند کمونیست ها احتمالا قدرت را در دست خواهند گرفت . آنان طوری رفتار می کردند که گویی واقعا به پیشگویی خود در مورد تغییر ناگهانی اوضاع ایران که مرتب تکرار می کردند اعتماد دارند ولی در دوران پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ انگلیسی ها در وضعیتی نبودند که شرایط خود را به مصدق تحمیل کنند و به این نتیحه رسیدند که یک کودتای نظامی موثر سقوط او می باشد. رد پای فکر کودتا علیه مصدق را می توان از اوایل زمامداری او دنبال کرد.

(بیوگرافی : محمد مصدق در سال ۱۲۶۱در تهران بدنیا آمد و پس ازاتمام تحصیلات در سنین نوجوانی متصدی نظارت بر امور خراسان شد و در ۲۵ سالگی به نمایندگی مجلس از اصفهان انتخاب گردید ولی بعلت کمی سن نتوانست این وظیفه را عهده دار شود . او درسال ۱۲۸۸برای تحصیل علوم مالی به فرانسه عزیمت کرد و در سال ۱۲۹۲ درجه دکترای حقوق خود را از سویس دریافت کرد. مصدق یکسال بعد به ایران بازگشت وبه تدریس در مدرسه علوم سیاسی پرداخت و پس از چندی بعد به معاونت وزارت مالیه منصوب گردید. وی پس از یک سفر مجدد به اروپا و اقامت کوتاهی در سویس درسال ۱۲۹۹ به ایران بازگشت و هنوز به تهران نرسیده بود که والی استان فارس شد . ولی در اواخر آن سال بدنبال کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ودر دوران نخست وزیری سید ضیا از سمت والی گری فارس استعفا داد و ازخرداد تا دی ماه ۱۳۰۰ شمسی در کابینه قوام وزیر مالیه بود. سپس والی آذربایجان شد ودر سال ۱۳۰۲ در کابینه مشیرالدوله شغل وزارت امور خارجه را به عهده گرفت. مصدق در اواخر همان سال به نمایندگی مجلس پنجم انتخاب شد و همراه با شماری دیگر از نمایندگان با انتقال سلطنت از سلسله قاجار به پهلوی مخالفت کرد. او سپس به نمایندگی مجلس ششم نیز انتخاب گردید و سپس رضا شاه مانع فعالیت های سیاسی او گردید. در تیرماه ۱۳۱۹وی را به بیرجند تبعید کرد . مصدق در نتیجه وساطت

محمد رضا وليعهد در آذر ماه همان سال به ملک شخص خود به احمد آباد انتقال يافت و فقط پس از تهاجم متفقين به ايران به او آزادی تغيير مکان داده شد. مصدق در دوران بعد از شهريور ۱۳۲۰ به نمايندگی مجالس چهاردهم و پانزدهم انتخاب گرديد و قبل از تصدی مقام نخست وزيری در ارديبهشت ۱۳۳۰ به مدت يک سال نماينده مجلس شانزدهم بود).

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

عمليات شبکه بدامن (BEDAMN) از سال۱۹۴۸م برای مقابله با نفوذ شوروی سابق و حزب توده ايران آغاز شده بود . بدامن يک برنامه فعاليت سياسی و تبليغاتی بود که در راس شبکه مجری آن دو ايرانی جای داشتند اين دو ايرانی با اسامی مستعار " نرن" و" سيلی" شناخته می شوند . عمليات بدامن ظاهرا بودجه ای معادل يک ميليون دلار در سال در اختيار داشت . بخش تبليغاتی عمليات بدامن شامل درج مقالات و کاريکاتورهای ضد کمونيستی در روزنامه های ايران و تهيه و توزيع کتب و جزوات عليه اتحاد شوروی سابق و حزب توده ايران و پخش شايعات در اين زمينه و اقدامات مشابه بود . بخش سياسی عمليات بدامن حملات مستقيم به متحدان شوروی سابق در ايران و "عمليات سياه" را در بر ميگرفت و هدف از عمليات سياه تحريک ايرانيان عليه حزب توده بود و حمله به متحدان شوروی سابق شامل اقداماتی چون اجير کردن دسته های اوباش خيابانی برای برهم زدن گرد همايی های حزب توده ايران می شد و تغذيه مالی سازمان های افراطی ضد کمونيست مانند سومکا و پان ايرانيست که در خيابان های تهران بطور منظم به نبرد با هوا داران حزب توده مشغول بودند. اين افراد، توده ای ها را به اقدامات افراطی وقانون شکنانه تشويق می کردند. شاخه سياسی شبکه بدامن حمله به مساجد و شخصيت های اجتماعی را بنام حزب توده سازمان می داد. همچنين شبکه بدامن به تضعيف جبهه ملی ايران نيز اشتغال داشت و برای جدا کردن آيت الله کاشانی وپيروانش از جبهه ملی اقداماتی انجام داد. فعاليت ها از طريق تبليغات و غالبا تبليغات کاملا عاميانه صورت می گرفت . در اين تبليغات مصدق به عنوان يک شخص فاسد و بی اخلاق معرفی می شد که از کاشانی سوء استفاده می کند و تلاش هايی انجام شد تا احزاب زحمتکشان و پان ايرانيست عليه مصدق موضع گيری کنند ودر اين سازمان ها تحريکاتی برای ايجاد انشعاب صورت گرفت. طرح کودتا در فوريه ۱۹۵۳م / بهمن – اسفند ۱۳۳۱ در ملاقات مقامات بلند پايه سرويس های اطلاعاتی بريتانيا وايالات متحد امريکا تنظيم و در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳م / ۴ تير ۱۳۳۲ بطور نهايی به تصويب دولت امريکا رسيد . در اين طرح مقرر شد که امکانات شبکه بدامن در زمينه تبليغات و عمليات سياسی بلافاصله عليه مصدق بکار گرفته شود. از اين زمان ايالات متحد امريکا

از طریق شبکه بدامن بطور گسترده و در جهت تضعیف مصدق تلاش می کرد . دست اندر کاران سیا این اقدامات را به عنوان "یک برنامه هماهنگ ثبات زدایی و یک تلاش با تمام قدرت" توصیف می کنند. در اواخر بهمن و اوایل اسفند ۱۳۳۱ ناگهان انتشار شش روزنامه جدید ضد مصدقی در تهران آغاز شد. شبکه بدامن در عملیات کودتا شرکت فعال داشت و از جمله در ۱۶ اوت ۱۹۵۳م / ۲۵مرداد ۱۳۳۲ " نرن و سیلی" تصویر فرامین شاه دال بر خلع مصدق و انتصاب زاهدی را توزیع کردند.در عصر همان روز " نرن و سیلی" جمیت بزرگی را اجیر کرد و در روز ۱۷ اوت م / ۲۶ مرداد ۱۳۳۲جمعیت را به خیابانهای مرکزی تهران ریختند و شعار های حزب توده را فریاد می زدند وآرم هایی در طرد شاه حمل می کردند . این جمعیت " از توده ای های بدلی" که در عصر روز قبل در ازای پنجاه هزار دلاری که یک افسر سیا به " نرن و سیلی" پرداخت و اجیر شده بود ، باید وحشت از سلطه حزب توده و حمایت از زاهدی را برمی انگیخت . اعضای واقعی حزب توده نیز به سرعت به جمعیت پیوستند. جمعیت مرکب از توده ای های واقعی و بدلی به مقبره رضا شاه حمله کردند و در خیابان های تهران مجسمه شاه و پدرش را پایین کشیدند. این تظاهرات تا روز بعد ادامه یافت و منجر به آن شد که هندرسون از مصدق متوقف کردن آشوب را بوسیله نیروی پلیس خواستار شود.مصدق به درخواست هندرسون تصمیمی گرفت که سرنوشتش را رقم زد. یکی از فعالان سیاسی نخستین فردی بود که طرح مفصلی در خصوص برکناری مصدق بوسیله کودتا تسلیم انگلیسی ها کرد و نخستین افسری که او برای اجرای این طرح پیشنهاد کرد سرلشکر زاهدی بود که در آن هنگام سمت وزارت کشور را به عهده داشت و امید بخش ترین کاندیدا برای رهبری کودتا زاهدی بود که از سمت وزارت کشور استعفا داده بود ودر اواخر تیر ۱۳۳۱ به مخالفان مصدق پیوسته بود. حتی قبل از نخست وزیری نافرجام قوام، انگلیسی ها زاهدی را بعنوان جانشین او تلقی می کردند در صورتی که شاه زیر بار نخست وزیری قوام نرود اورا پیشنهاد کنند . اکنون چشم انداز موقعیت زاهدی تا حد زیادی افزایش یافته بود. زاهدی مشتاق بود یک "نجیب ایرانی" بشود او تلاشهایش را به منظور جلب حمایت مخالفان خودی و بیگانه مصدق تشدید کرده بود و مرتبا به انگلیسی ها و امریکایی ها تاکید می کرد که هر گونه حرکتی از جانب آنان که بعنوان آمادگی برای مذاکره با مصدق تلقی شود نقشه های او را نقش برآب خواهد کرد ولی فعالیت های زاهدی از چشم مصدق دورنمانده بود. پس از حادثه سی ام تیر ۱۳۳۱ مجلس سنا مجبور به عقب نشینی شد و به مصدق رای اعتماد داد. مصدق در خاطراتش ایفای هرگونه نقشی در انحلال مجلس سنا را انکار کرده است ولی بنا به اظهار یکی از مشاوران انگلیسی، مصدق سعی کرد شاه را تشویق به این کارکند ولی شاه نپذیرفت و حکیمی به شاه هشدار داد که انحلال سنا **حکم قتل** سلطنت را امضاء خواهد

کرد. سرانجام مجلس شورای ملی در یک حرکت پیشگیرانه و جسورانه با تصویب قانونی که اصل پنجم قانون اساسی را تغییر می کرد و دوره مجلس سنا را به دو سال کاهش می داد که عملا آن را منحل مـی ساخت واکنش نشان داد و در سی ام مهر ۱۳۳۱ یک روز قبل از اینکه مجلس شورای ملی قانون انحلال سنا را تصویب کند روابط دیپلماتیک با انگلستان سرانجام قطع شد و افزون برآن دولت ایران از پـذیرش انتصاب رابرت هنکی بعنوان جانشین شبرد (از مشاوران انگلیسی) خودداری کرده بود و اصرار ورزیده بود که هیچ دیپلماتی که قبلا در مستعمیرات انگلیس خدمت کرده باشد نباید بـه ایـران اعزام شـود. قطـع روابط دیپلماتیک بطویکه نقطه عطفی در تاریخ طولانی روابط ایران و انگلیس بشـمار مـی رفـت پیامـد مستقیم شکست مذاکرات نفت ایران و انگلیس بود که پس از تلاشهای نافرجام بانک بین المللی دوبـاره از سرگرفته شده بود. نظر مصدق در باره حل مسئله نفت طبعا پس از بازگشت به قدرت با پشتیبانی عمومی سخت تر شده بود. سر انجام ترومن و چرچیل پیام مشترکی برای مصدق ارسـال کـرده و پیشـنهاد کردنـد که مسئله غرامت در ازای ملی شدن نفت به داوری واگذار شود. مصدق و مشاورانش این پیشـنهاد را در مقایسه با پیشنهاد های قبلی نوعی پس رفت تلقی کردنـد و دولـت انگلـیس را مـتهم کردنـد کـه متوسـل بـه تاکتیک طفره آمیز و تلاشی در زنده کردن قرارداد سال ۱۹۳۳ میلادی شرکت نفت انگلیس و ایران شـده است. مصدق تشخیص داده بود که شکاف بین طرفین در مورد مسئله غرامت که تبدیل به موضوع اصلی اختلاف شده بود قابل پر کردن نیست.مصدق طبق روال همیشـگی اش مجلـس شـورای ملـی و سـنا را از این وقایع آگاه ساخت و استدلال کرد که ایران بیش از این نمی تواند در برابر فشـار هـای دولـت انگلـیس ساکت بماند و دولـت او فقـط در برابـر دارایـی هـای شـرکت نفـت در هنگـام ملـی شـدن غرامـت خواهـد پرداخت. این نظر به اتفاق آرا به تایید مجلس شورای ملی و سنا رسید و مصدق را قادر سـاخت پیشـنهاد انگلیس و امریکا را رد کـرده و روابـط دیپلماتیـک بـا انگلسـتان را قطـع کنـد. افکـار عمـومی نیـز از او پشتیبانی کرد و رد پیشنهاد را طالب بود. قطع روابط با انگلستان اثر معکوس در روابط ایران و امریکـا داشت و پیام ترومن و چرچیل ضربه شدیدی به تصور آرزومندانه واهی بخشـی از ملیـون ایرانـی وارد کرد که گمان نمی کردند هنوز اختلافات زیادی بین سیاست های امریکا و انگلیس در مورد ایران وجـود دارد.در حقیقت انگلیسی ها همیشه کوشیده بودند یک جبهـه متحـد انگلیسـی و امریکـایی را علیـه مصـدق برقرار کنند. به اعتقاد مقامات انگلیسی با نشـان دادن شکسـت مصـدق در نیـل بـه نتـایج مثبـت در مـورد مسئله نفت وبی نتیجه ماندن مذاکرات نه تنها با انگلیسی ها بلکه بـا امریکـایی هـا در موفقیـت نـا مطمـئن کنونی او جدا متزلزل خواهد شد و خود مصدق از مدتها پیش همکـاری انگلـیس و امریکـا را مسـلم مـی دانست. مصدق وجود سفارت انگلیس در تهران را فقط به حال مخالفانش مفید می دانسـت بخصـوص کـه

توطعه کودتا پس از کودتای افسران آزاد در ژوییه سال ۱۹۵۲ مصر را محتمل تر به نظر می رسید وگذشته از این کاهش تدریجی دیپلمات های انگلیسی مقیم تهران این فکر را بوجود آورده بود که ممکن است انگلیسی ها خودشان ابتکار قطع روابط دیپلماتیک را در دست بگیرند و مصدق نمی توانست اجازه چنین کاری را بدهد. از نظر هواداران مصدق قطع روابط با انگلستان پیامد منطقی موضع ضد امپریالیستی و پیگیر او به شمار می رفت. ولی از نظر انگلستان این کار تنها گامی دیگر در تحویل دادن ایران به کمونیستها و نمودار دیگری از موقعیت مصدق در تحقیرآنان بوده است.قطع روابط ایران و انگلیس نتیجه ناگزیربر انعطاف ناپذیری دوحانبه برسر مسئله نفت بوده است. بسته شدن سفارت انگلیس در تهران در میان مخالفان مصدق احساسات متضادی بوجود آورد. از یک سو آنان حمایت مستقیم سفارت را از دست داده بودند و از سوی دیگر ثابت شده بود که هرگونه توافقی با مصدق غیر ممکن است. شاه از قطع روابط ایران و انگلیس بسیار آشفته و نگران شده بود و شایعاتی وجود داشت که او تهدید به استعفا کرده است. مید لتون گزارش داده بود که از "منابع موثق شنیده است که ثریا همسر شاه در آن زمان اصرار داشت که شاه این کار را بکند " و این در حالی بود که دیگران شاه را تشویق به حفظ تاج و تخت می کردند. موضع شاه در دوران پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ دست کم بصورت ظاهری چیزی بیش از تحمل و تسلیم در برابر رویدادها نبود. مصدق نقشی به او تحمیل کرده بود که عینا منطبق با تفسیر معارضان سلطنت از قانون اساسی بود. پخش شایعات مربوط به استعفای شاه به احتمال قوی صرفا یک تدبیر تاکتیکی بود. هر چند بعضی ها معتقد بودندکه مصدق شخصا او را از اتخاذ چنین تصمیمی باز داشته است. اگر چه مصدق رسما تصدی وزارت دفاع را عهده دار بود ولی تلاشهایش در کنترل و اصلاح ارتش لزوما محدود بود. او از تحریک شاه و ارتش با ایجاد اظطراب در میان امریکاییان که از تضعیف ارتش نگران بودند خودداری می کرد. او به حفظ یک ارتش کارآمد به منظور حفظ امنیت داخلی دلبستگی داشت و هیچ تمایلی به تهدید منافع جمعی و سازمانی سران نظامی نداشت. مقام وموقعیت رسمی آیت الله کاشانی بعنوان رییس مجلس موجب می شد قسمتی از اقدامات اوبه دستپاچکی و آشفته خیالی دولت بانجامد یا فوق العاده دست و پا گیر باشد بعنوان مثال او با حمله به سیاست امریکا در ایران تلاشهای دولت را در ایجاد این احساس که با امریکایی ها روابط حسنه دارد متزلزل می کرد او برخلاف تمایل صریح مصدق نمایندگانی به کنفرانس صلح وین فرستاد و حال آنکه مصدق چنین کاری را مغایر با بی طرفی می دانست. از سوی دیگر مصدق روابط کاری نزدیکی با آیت -الله بروجردی بزرگترین مرجع تقلید کشور حفظ کرده بود و با این کار توانایی خود را در رویارویی با آیت الله کاشانی افزایش داده بود. او بموجب تصویبنامه ای اهانت به بروجردی را جرم قابل مجازات

شناخت در حالی که آیت الله کاشانی از هیچ گونه مصونیت خاصی در این زمینه برخوردار نبود. این حرکت، آیت الله کاشانی را بشدت رنجاند و تلخی خود را پنهان نکرد.علاوه برآن مصدق دستور داد به توصیه نامه های آیت الله کاشانی ترتیب اثر داده نشود.اختلاف بین مصدق و آیت الله کاشانی ناگزیر به ترکیب گروه های وابسته به جبهه ملی تاثیر گذاشت.حزب ایران پس از یک دوره کسوف طولانی دوباره بعنوان یکی از سازمانهای عمده طرفدار دولت روی صحنه آمد .حزب نیروی سوم به رهبری مکی که در مهر ۱۳۳۱ با انشعاب از حزب زحمتکشان بقایی تاسیس شده بود تبدیل به بزرگترین سازمان سیاسی طرفداردولت گردید. اختلاف در جبهه ملی فقط منحصر به مصدق و آیت الله کاشانی نبود، مکی نماینده اول تهران براین باور بود که تنها قهرمان خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران است ولی نقش او شناخته نشده است. در نتیجه بنای مخالفت با کابینه ولایحه اختیارات مصدق گذاشت. پس از آنکه مصدق موفق به کسب اختیارات شد موضع او در برابرمجلس که هنوز هم منبع اصلی حمایت و هم منشا اصلی دشواری بسیارتقویت گردید. نمایندگانی که در حمایت از مصدق و مخالفت با قوام با یکدیگر متحد شده بودند فراکسیون نهضت ملی را تاسیس کردند که از ۳۴ عضو تشکیل می شد و تکیه گاه پارلمانی دولت بشمار می رفت. نحستین دشواری در روابط دولت و مجلس برسر تمدید حکومت نظامی بروز کرد که در فروردین ۱۳۳۱ اعلام شده بود وقرار بود در ۲۱ مرداد ۱۳۳۱ خاتمه یابد .مخالفت نمایندگان مجلس ، دولت را وادار کرد که لایحه تمدید را پس بگیرد ولی اندکی بعد وقوع برخورد های خشونت آمیز خیابانی بین اعضای حزب توده از یک سو و پان ایرانیستها و حزب زحمتکشان به رهبری بقایی وحزب کوچک فاشیستی سومکا از سوی دیگرمنجر به این شد که دوباره حکومت نظامی اعلام گردد. در دوران تعطیلات تابستانی مجلس که مصادف با مراسم ماه محرم شد (از ۲۰ مرداد تا ۱۵ مهر ۱۳۳۱) حسنعلی راشد نماینده روحانی مجلس ضمن نطق هایش شروع به انتقاد از دولت کرد. مصدق وهمکارانش که مواجه با امکان خرابکاری یا عملیات اخلال گرانه دیگرحزب توده , عوامل و جاسوسان انگلیسی و دیگران در سازمانهای دولتی و مراکز صنعتی شده بودند متقاعد به لزوم گسترده تر نظم و قانون گردید. بنابراین یک لایحه قانونی ۹ ماده ای بنام " **امنیت اجتماعی** " را تصویب کردند که قرار شد به مدت سه ماه بطور آزمایشی به موقع اجرا گذارده شود و هدف این قانون جدید افزایش امنیت و کاهش امکان تحریک و اغتشاش و دیگر فعالیتهای مخل نظم عمومی بود. اختلافات سیاسی چنان عمیق شده بود که هر موضوع و مسئله جدیدی تبدیل به بحران می شد بحران بعدی بر سر قانون انتخابات پیشنهادی دولت بود که در ۲۶ آذر ۱۳۳۱ منتشر شد و بر اساس آن انتخابات بقیه کرسی های مجلس هفدهم می بایست انجام شود و این ترس وجود داشت که افزایش تعداد نمایندگان که قانون پیش بینی می کرد و افزایش حد

نصاب دو سوم که نتیجه منطقی آن بود مجلس را عملا برای مدتی فلج سازد و افزون براین کار موثر بودن اقلیت کوچک ولی پر سروصدا را کاهش می داد . در این مورد مصدق بیدرنگ عکس العمل نشان داد و در یک نطق رادیویی امضا کنندگان طرح را به شدت و تلخی مورد حمله قرار داد و مستقیما به مردم مراجعه کرد بطوریکه این تکتیک موثر واقع شد و مجلس به اتفاق آرا به مصدق رای اعتماد داد. بلا فاصله پس از این پیروزی مصدق تقاضای تمدید اختیاراتش را به مدت دوازده ماه دیگر کرد و مکی بعنوان اعتراض از نمایندگی مجلس استعفا داد و مصدق را با هیتلر مقایسه کرد و سایر نمایندگان مخالفت خود را ابراز نمودند. مصدق طی ملاقاتی با نمایندگان فراکسیون نهضت ملی موضع خود را بر این اساس توجیه کرد که این تنها راه حل مسئله نفت و تسهیل در تصویب سریع قوانین است چون مجلس ایران براساس اصول حزبی ترتیب نیافته است اجازه آن را نمی دهد. او تاکید کرد که مجلس در هر حال از اختیارتش محروم نخواهد شد و مصدق پیشنهاد یکی از نمایندگان طرفدارش را مبنی بر اینکه لوایح خود را ظرف سه ماه از تاریخ انتشار به مجلس تقدیم کند را پذیرفت و آنگاه اکثریت قاطع نمایندگان عضو فراکسیون نهضت ملی با تمدید اختیارات موافقت کردند ولی این کار به اختلافات خاتمه نداد. بحران در روابط مصدق و آیت الله کاشانی پیامدهایی در سراسرطیف سیاسی داشت. در اوایل اسفند ۱۳۳۱ هفده نفر از اعضای حزب ایران از آن جدا شدند و به عقیده رییس کمیته مرکزی حزب ، آیت الله کاشانی باعث این کار شده بود چون همفکرانش در حزب، رهبران حزبی را بعنوان دست نشاندگان امریکا مورد حمله قرار می دادند. اختلاف آشکار مصدق و آیت الله کاشانی بر انشعاب در حزب زحمتکشان و خروج علنی مکی و بقایی و چند نفر دیگر از فراکسیون نهضت ملی شد که تاثیر زیادی داشت. و بسیاری از کسانی که در ملی شدن صنعت نفت مصدق را یاری کرده بودند، اکنون بطورعلنی برضد او بودند و جبهه ملی سرانجام فرو پاشیده بود.مصدق همیشه از دسیسه گری های دربار خشمگین بود ، دربار به تدریج بعنوان منشا عمده الهام و پشتیبانی از مخالفان دولت دوباره سر بلند کرد و از مدتها پیش مورد سوء ضن بود بطوریکه به گروههای مخالف دولت کمک مالی می کرد واوهمچنین از این ناخشنود بود که چرا دولت هیچگونه نظارتی بر چند و چون مصرف یا هزینه درآمدهای هنگفت دربار ندارد. مصدق احساس می کرد که دیگر تاب شکیبایی ندارد و تهدید کرد که اگر شاه دست از دسیسه ها و اعمال نادرست خود بر ندارد استعفا خواهد کرد و دلیل آنرا به اطلاع عامه مردم خواهد رساند شاه، علاء وزیر دربارشاهی را نزد مصدق فرستاد و مصدق نیز فهرست طولانی شکایات خود را به او تسلیم کرد. مصدق تقاضا داشت که شاه از ملاقات با مخالفان دولت دست بردارد واز نظارت بر تولیت آستان قدس رضوی و حق تقسیم عایدات آستان قدس و املاک سلطنتی صرفنظرکند. شاه امیدوار

بود که بتواند مصدق را بدون برداشتن گامی که موقعیت خودش را تضعیف کند تسکین بدهد. بنابراین علاء (وزیر دربار)به مصدق گفت شاه آماده است کشور را ترک کند. لیکن مصدق چنین اقدامی را تایید نکرد و بحران ادامه یافت و این امر مورد استقبال مخالفان قرار گرفت وآیت الله کاشانی در دیداری با علاء خوشحال به نظر می رسید و به او گفت اگر مصدق در مجلس به شاه حمله کند مجلس یکپارچه از شاه پشتیبانی خواهد کرد و اسامی زاهدی و صالح را بعنوان جانشینان او برشمرد.عده ای از نمایندگان مجلس به منظور میانجیگری قدم به میدان گذاشتند و بحران ظاهرا فرو کش کرد. علاء با آسودگی خاطر به هندرسون خبر داد که "اختلافات بطور موقت برطرف شده است و مصدق ترغیب شده که شکایاتش را پیگیری نکند" همچنین از جانب برخی نمایندگان مجلس پیشنهاد شد که شاه گام هایی در بهبود روابطش با نخست وزیربردارد و با تشویق ارتش به شناسایی مصدق بعنوان فرماندهی آن و یا اینکه از ملاقات با مخالفان دولت و یا تعلیق برنامه تقسیم املاک سلطنتی خودداری کند. شاه در برابر نکته آخر مقاومت ورزید ولی برای مذاکره با مصدق تا حدودی اظهارآمادگی کرد. در این میان امکان حصول **تفاهم** بین شاه و مصدق البته مخالفان دولت را به وحشت انداخت. ولی معلوم شد که " آشتی" موهوم بوده است ، نه دیدار مصدق با شاه در پنجم اسفند ۱۳۳۱و نه مذاکرات بعدی او با علاء هیچکدام به تفاهم محسوسی نیانجامیده بود. شاه که از طرز رفتار طرفداران پیشین مصدق ترغیب شده بود اصرار ورزید که کشور را به مدت دو ماه ترک کند. مصدق سر انجام موافقت کرد که ترتیبات مقدماتی سفر را تدارک کند. در نهم اسفند ۱۳۳۱ مصدق به دربار(شاه) رفت تا با شاه خداحافظی کند ودر آنجا دریافت که فریب خورده است. شاه از مصدق خواسته بود که موضوع سفرش را محرمانه نگه دارد ولی خودش ترتیب داده بود که جزییات آن به خارج درز کند. در نتیجه آیت الله کاشانی دو نامه سرگشاده منتشر کرد و بطور علنی از شاه خواسته بود که از مسافرتش صرفنظر کند و همراه آیت الله بهبهانی از مردم خواسته بود که مانع از سفر شاهانه شوند. مصدق که با تظاهرات طرفداران شاه روبرو شده بود کاخ را ازطریق یک در عقبی ترک کرد چون گمان می کرد نقشه ای برای قتل او کشیده اند. او به خانه اش برگشت ولی به زودی مجبور شد در حالیکه فقط پیژاما به تن داشت در برابر هجوم جمعیت بگریزد. بطوریکه در این رویداد کانون افسران بازنشسته نقش مهمی در تظاهرات ۹ اسفند ۱۳۳۱ ایفا کرده بود بصورتی که کامیونهای نیروی هوایی برای حمل روستاییان از حومه تهران یعنی جاهایی که املاک سلطنتی تقسیم شده بود به داخل شهر تهران بکار رفته بود و افسران یونیفورم پوش از جمله چند نفر از امرای ارتش تمام تلاش خود را برای تحریک هیجان تظاهرات بکار برده و طی سخنرانی هایی به مردم می گفتند که مصدق ، شاه را مجبور به ترک کشور کرده است و با این قصد که او را از سلطنت بر کنار کند. حزب

کوچک و سلطنت طلب آریا که از کمک مالی دربارشاه برخوردار بود تظاهر کنندگان را رهبری می کرد که شامل گروه های راست گرا و ارازل و اوباش حرفه ای اجیر شده ونیز فعالیت برادران رشیدیان که وجوه پولی که آنها از طرف انگلیسی ها گرفته و توزیع می کردند. امریکایی ها و انگلیسی ها انکار نکردند که تظاهرات بطور مصنوعی ترتیب داده شده است. فشار مصدق به شاه یک فرصت طلایی در اختیار کاشانی قرار داد تا زمینه از دست رفته اش را دوباره بدست آورد. در حقیقت تظاهرات سلطنت طلبان در ۹ اسفند ۱۳۳۱ یک شبه کودتا برای ساقط کردن دولت بود چون چند روز قبل از آن جریان اردشیر زاهدی به سفارت امریکا اطلاع داده بود که پدرش سرلشکر زاهدی ممکن است بزودی نخست وزیر شود. خواه مصدق از این نقشه آگاه بود یا نه ولی دستور بازداشت سرلشکر زاهدی را صادر کرد و در عین حال طرفداران مصدق توانستند بر تظاهر کنندگان سلطنت طلب پیروز شوند و دولت توانست یکبار دیگر قدرت خود را تحکیم کند. مصدق که از عزیمت اجباری از خانه اش تکان خورده بود ابتدا به ستاد ارتش و سپس از آنجا به مجلس شورای ملی رفت و با خشم و تاثر حوادثی را که روی داده بود برای نمایندگان بر شمرد و یک اتمام حجت ۴۸ ساعتی به آنان داد که نخست وزیر جدیدی پیدا کنند. مصدق تهدید کرد که مردم را از حقایق آگا خواهد کرد و اظهار داشت " من نخست وزیر ملت هستم نه نخست وزیر مجلس و شاه " وهمچنین به اشاره تهدید کرد که ممکن است متوسل به همه پرسی شود. مصدق که وضعیت نه چندان همدلانه مجلس را احساس کرده بود به تشویق عده ای از نمایندگان به خانه اش برگشت و در اخذ رای اعتماد اصرار نورزید. به نظر می رسید که بحران فروکش کرده است و مخالفات دولت بطور موقت عقب نشینی کردند و مصدق گر چه تا اندازه ای خویشتن داری نشان داد ولی تدابیری برای تحکیم موقعیت خود اتخاذ کرد و سرتیپ ریاحی را که با حزب ایران ارتباط داشت به ریاست ستاد ارتش منصوب کرد و دستور داد چند نفر از مقصران اصلی حادثه نهم اسفند ۱۳۳۱ را بازداشت کنند. اما به زودی روشن شد که مخالفان پارلمانی مصدق بخصوص آیت الله کاشانی هر چه توان داشته در جلوگیری از تحکیم قدرت او بکار خواهد گرفت. این گونه مبارزه جویی های سرسختانه مسئله اصلی رویارویی دولت شد. بطوریکه در روزهای پس از بحران نهم اسفند آیت الله کاشانی که دستپاچه شده بود مجبور شد یکبار دیگر بطور علنی پشتیبانی خود را از مصدق اعلام کند و هرگونه ارتباط با دربارشاه را انکار نماید. اما با استفاده بیشتر ازموقعیتش بعنوان رییس مجلس دوباره شروع به تشد ید فعالیت هایش علیه دولت کرد.کوشش در متزلزل ساختن دولت ،منحصر به فعالیتهای فلج کننده شبه پارلمانی نبود. در اوایل اردیبهشت ۱۳۳۲ سرتیپ محمود افشارطوس رییس جدید و تازه انتصاب شده شهربانی که فردی بهره مند از نیرو و پویایی بود ربوده شد و به طرز وحشیانه ای به قتل رسید.

ظـاهرا بنـا بـود ربـودن افشـا ر طـوس کـه از جانـب شـماری از فعـالان طرفـداران سرلشـگرزاهدی و نیزعوامل و جاسوسان انگلیسی طراحی شده بود بـا یـک رشـته عملیـات خرابکـاری دنبـال شـود و هـدف رباینـدگان در وهله اول این بود که اطلاعاتی از افشار طوس کسب کنند وروحیه دولـت را تضـعیف کننـد ولی رفتار جسوانه او با عوامل شکنجه گران و دشنام دادن به شاه، رباینـدگان را بـه قتـل او وادار کـرد. پس از وقوع این قتل سرلشکر زاهدی که پس از مدت کوتاهی بازداشت در رابطـه بـا واقعـه نهـم اسـفند ۱۳۳۱ آزاد شده بود به فرمانداری نظامی احضار شد اما با تحصن در مجلس از بازداشت گریخت وآیـت الله کاشانی شخصا دستور داد از وی خوب پذیرایی شود. اکر چه قتل افشار طوس ضربه شدیدی به دولت وارد کرد ولی شرکت انبوه عظیمی از مردم در مراسم تشـییع جنـازه او سـند محکومیـت قـاتلان و نشـانه پشتیبانی مداوم از مصدق بود. ادعای همدست بودن و تبانی با قاتلان امکان آشتی را بیش از پیش دشوار ساخت. مصدق در گذشته ضوابطی برای رفتاراقلیت تعیین کرده بود که اکنـون مخالفـانش علیـه او بکـار می بردند و هنگامی که به بی نظمی پارلمانی متوسل می شدند استفاده از این حربه را توسط مصدق علیه دولت خاطر نشان می کردند و اورا ابداع کننده این تاکتیک محکوم می کردند.همچنین مخالفان اغلـب بـه مخالفت های سابق مصدق با حکومت نظامی، احتیارات تام وتضعیف مجلس اشاره می کردند و از اصـل حد نصاب که مصدق همیشه با تغییر آن مخالفـت ورزیـده بـود حـداکثر اسـتفاده را مـی بردنـد. در گذشـته هیچکس به استواری مصدق از قدرت مجلس طرفداری نکرده بود ولی اکنون او معتقد شده بـود کـه همـه پرسی تنها راه چاره است . طرفداران مصدق امیدوار بودند که با انتخاب معظمـی بـه ریاسـت مجلـس از این کار پرهیز شود در حالی که مخالفـان بـه پیـروزی کاشـانی اطمینـان داشـتند . بنـابراین هـر دو گـروه موافقت کردند که جلسه علنی مجلس به منظورانتخاب رییس مجلس تشکیل شود. این انتخاب در دهـم تیـر ۱۳۳۲ صورت گرفت و معظمی با کسب ۴۱ رای دربرابرآیت الله کاشانی که ۳۱ رای آورد پیروز شد . یکی از طرفداران بقایی برای اینکه تاثیر پیروزی دولت را کاهش دهد و توجه ها را از آن منحـرف کنـد بلافاصله ورقه استیضاح را علیه دولت تقدیم مجلس کرد و دولت را متهم کرد که شرکت کنندگان ادعایی در قتل افشار طوس او را شکنجه داده است.این دومـین استیضـاحی بـود کـه در طـول مـدت زمامـداری مصدق علیه دولت او بعمل می آمد و حرکتی بود که اختلافات موجود را تشدید می کرد. نماینـدگان اقلیـت موفق شدند که با در دست گرفتن چند کمسیون مهم پارلمانی و بـا کنتـرل دولـت بـر هیـات رییـس مجلـس مقابله کنند. شواهد بی شماری حاکی از این بود که روابط دولت با مجلـس بـیش از پـیش رو بـه وخامـت نهاده است و دکتر صدیقی نایب نخست وزیر و وزیر کشور اعلام کرد کـه دولـت بـرای پاسـخ گـویی بـه استیضاح آماده است و برای این منظور تاریخی تعیین کرد. در همان روزی که این خبر اعلام شد (۱۸

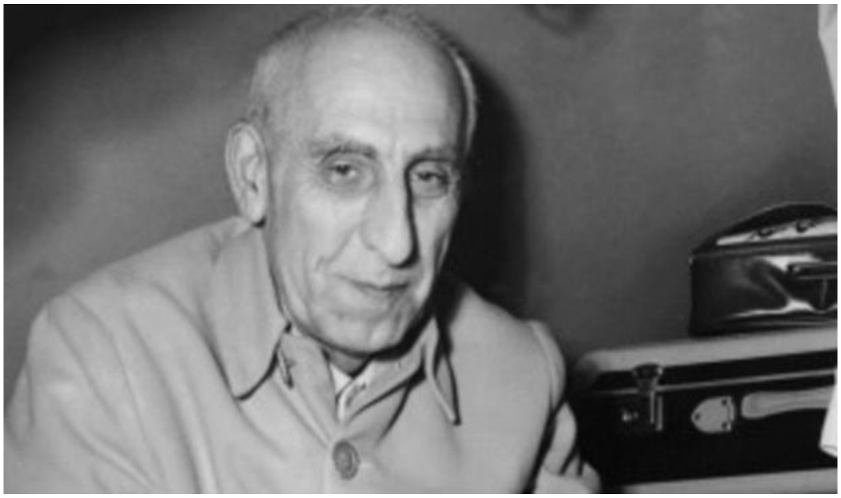
تیر ۱۳۳۲) مکی و نماینده دیگری با اکثریت بیش از ۴۰ رای به عضویت هیات نظارت بر اندوخته اسکناس انتخاب شدند و این مورد مصدق را با مسئله واقعی روبرو کرد. چون او به منظور رفع نیاز های دولت و با توصیه مشاوران اقتصادی خارجی در مهر ۱۳۳۱ دستور داده بود مبلغ ۳۱۰۰ میلیون ریال اسکناس منتشر شود ولی آنرا پنهان نگه داشته بود تا آثار تورم اقصادی جلوگیری کند. البته این کار دشمنی مخالفان را نیز برمی انگیخت. در این صورت اگر مسئله نشر اسکناس اضافی علنی می شد این کار منظور دولت را با شکست روبرو می ساخت و دشواری های مالی و اقتصادی را تشدید می کرد که این امریک عامل قطعی در متقاعد ساختن مصدق به لزوم همه پرسی بوده است. پس از حوادث اسفند سال ۱۳۳۱ بیشتر مبارزات ضد دولتی بنام شاه صورت گرفت و با پشتیبانی شاه بود که تصویب گزارش هیات ۸ نفری عقیم مانده بود. با این وجود مصدق موفق شد که شاه و خانواده اش را از درگیری مستقیم در مسایل سیاسی برکنار دارد . بسیاری از اعضای خاندان سلطنت در خارج ازایران به سر می بردند و شاه هم بیشتر اوقات خود را در کرانه دریای خزر می گذراند و قادر نبود دیپلمات های خارجی را بپذیرد و بدون رضایت مصدق مسافرت کند. البته سلطنت طلبان دامنه فعالیتهای خود را بسیار گسترده کرده بودند و به همراه طرفداران پیشین مصدق که اکنون به اردوی سلطنت طلبان پیوسته بودند شاه را پادشاه بی گناه و قانون دوست جلوه می دادند که در باره او سنخنان ناروا فراوان گفته شده است. مصدق با توجه به این فعالیتها و ادعاها هنوز قادر بود از تجدید حیات دربار شاه بعنوان مرکز ثقل سیاست جلوگیری کند. استعفای علاء وزیر دربارشاه در ۵ اردیبهشت ۱۳۳۲ و انتصاب ابواقاسم امینی به کفالت وزارت دربارشاه تحول دیگری به نفع مصدق بود ، از زمانی که علاء اعلام کرده بود که فکر سفر شاهانه در اسفند سال ۱۳۳۱ ابتدا از جانب سه نفر از اعضای فراکسیون ملی عنوان شده بود ، این ادعا تکذیب های شدیدی را برانگیخته بود و روابط مصدق با علاء دستخوش سردی و دشواری شده بود. مصدق در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۲ یه یک پیروزی بسیار زیادی دست یافت وآن استرداد املاک سلطنتی به دولت بود که به موجب قانون مصوبه بیستم تیر ۱۳۲۸ به شاه واگذار شده بود و در مقابل دولت موافقت کرده بود که سالی ۶۰ میلیون ریال به بودجه سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی کمک کند که با نظارت دولت به مصرف امور رفاهی برسد. اگر چه این یک شکست بزرگی برای شاه بشمار می رفت او می توانست آنرا یک ناکامی موقتی بداند زیرا در اثر فعالیتهای مخالفان و مشکلات مالی و اقتصادی دولت به شدت ترغیب شده بود.بزرگترین شکست مصدق که مهمترین عامل تسریع کننده سقوط او دانسته می شد این بود که هنوز توافقی با انگلیس در مورد نفت نشده بود ومصدق هنوز نسبت به پرداخت غرامت طبق شرایط خودش اصرارمی ورزید در حالی که انگلیسی ها خواستار پرداخت غرامت

برای نقض قرارداد بودند و حاضر نبودند که از قبل میزان ادعاهایشان را اعلام کنند. اگرچه انگلیسی ها ایران را محاصره اقتصادی کرده بودند اما دولت قادر بود به بعضی از کشور ها از قبیل ایتالیا و ژاپن نفت بفروشد. انگلیسی ها به دادگاه های ونیز و توکیو شکایت کردند ولی آنان به نفع ایران رای دادند، هرچند این یک دستاورد مهم بشمار می رفت ولی تاثیر آن به سبب ۵۰ درصد تخفیفی که دولت ایران در بهای فروش نفت می داد زیاد نبود. سیاست مصدق مبنی بود برپایداری تا هنگامیکه انگلیسی ها امتیازی بدهند یا در واقع او می خواست به همان استراتژی علیه انگلستان دست یازد که آنان علیه او بکارگرفته بودند. در نخستین دوره زمامداری مصدق اعضای اقلیت به سرسختانه تر شدن موضع انگلیسی ها نسبت به اوکمک کرده بوند ولی اکنون او را تضعیف می کردند و امید انگلیسی ها را دامن می زدند بطوریکه بتوانند مقاومت کنند خواهند توانست با جانشین مصدق به توافق برسند. در هشتم تیر ۱۳۳۲ آیزنهاور به مصدق اطلاع داد که تا زمانی که ایران بتواند راه حلی برای مسئله نفت بیابد نمی تواند هیچگونه انتظار کمک مالی مهمی از امریکا داشته باشد. ایالات متحد امریکا نفت ایران را نخواهد خرید و کمک نظامی وفنی خود را افزایش نخواهد داد . نامه آیزنهاور همه امید ها را در حصول توافقی در مورد نفت را برباد داد. آیزنهاور تاکید کرده بود " هر گاه بنا شود صرفا بر مبنای از دست رفتن دارایی های مادی یعنی تاسیسات شرکتی که ملی شده است مسئله غرامت حل گردد, این روش راه حلی نخواهد بود که بتوان آنرا عادلانه خواند.باین ترتیب از تقاظای انگلیسی ها در خصوص غرامت برای فسخ قبل از موعد قرارداد پشتیبانی کرده بود. انتشاراین نامه سرانجام اسطوره پشتیبانی مداوم امریکایی ها از مصدق را از میان برد. موضع امریکا مسایل مالی و اقتصادی دولت را تشدید کرد ولی این مسایل آنقدر وخیم یا کافی نبودند که دولت را سرنگون سازد. درواقع دولت با وجود تمام دشواری ها توانسته بود ترتیب حل بخشی از این مسایل را بخصوص در زمینه تجارت خارجی بدهد بطوریکه میزان صادرات در آن زمان افزایش یافت و مقداری ارز مورد نیازرا تامین کرده بود. دولت به منظور میزان از دست دادن درآمد نفتی , توجه خود را به توسعه صنایع دخانیات و نساجی متمرکز ساخت و به تلاشهای خود در تثبیت نرخ ارز ادامه داد. محدودیت واردات و کاهش ارزش ریال با وجود پیامد های تورمی آن کمک به راه اندازی صناع داخلی کرد بطوریکه این دوره را یکی از ادوار " بهبود صنعتی" نامیده اند. تا این تاریخ مصدق مانند سالهای قبل در مورد بودجه تحت اقتدار مجلس بود ولی این بار با استفاده از اختیارات لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۳۲ را تصویب کرد. رد پای توجه مصدق به همه پرسی را می توان دست کم از اوایل زمستان ۱۳۳۱ و آغاز مشکلات جدی دولت و مجلس دنبال کرد اما توسل به همه پرسی که در این امر بعنوان هشدار بکار می رفت در نظر بعضی ها لافی بیش نبود . اما

به تدریج که روابط دولت با مجلس رو به وخامت گرایید جدی تر شد اغلب نمایندگان مجلس با این تاکتیک مخالف بودند که نه تنها فراکسیون های اتحاد و کشور بلکه بسیاری از طرفداران مصدق نیز می کوشیدند او را از این کار منصرف سازند. وقتی معلوم شد که مصدق حاضر نیست عقیده اش را تغییر دهد اعضای فراکسیون نهضت ملی استعفای خود را تقدیم کردند و بعضی دیگر از نمایندگان نیز در ششم مرداد۱۳۳۲ (حدود ۵۶ نفر) استعفا کرده بودند. با توجه به اینکه دیگر مجلس قادر به انجام وظیفه نبود امید می رفت که نیاز به همه پرسی برطرف شده باشد. ولی نمایندگان مخالف دولت هنوزاز مصونیت پارلمانی برخوردار بودند و می توانستند به مخالفت شان ادامه بدهند.در نتیجه مصدق همچنان مصمم به انحلال مجلس بود و می خواست از طریق مراجعه به آرای مردم عمومی مشروعیت تازه ای را برای خود جلب کند. برخلاف ادعای بعضی از روزنامه ها مصدق نمی توانست برای انحلال مجلس به شاه متوسل شود و چنین کاری هم نکرد. برگزاری همه پرسی که بعنوان یک حرکت خلاف قانون اساسی جلوه داده شد بیش از هرعامل دیگری شاه را قادر می ساخت که بنام حفظ قانون اساسی قدم به پیش بگذارد. اکنون او بیشتر از گذشته مصمم بود ولی اطمینان قطعی از پشتیبانی انگلیس و امریکا بود که سرانجام او را به تصویب یک عمل حاد واداشت. هدف از بازگشت مرموز اشرف پهلوی به تهران تایید مجدد این پشتیبانی بود و او را مطمئن ساخت که آنچه برادران رشیدیان و دیگر عوامل بیگانه می کنند کاملا مورد تایید انگلیسی ها و امریکایی ها است. ظاهرا شاه موافقت کرد دو فرمان برای برکناری مصدق و انتصاب زاهدی امضاء کند با این همه ترجیح داد در وضعیتی باشد که اگر کودتا موفق نشد بتواند خود را از کشور خارج سازد و هنگامی که تلاش چند واحد نظامی بخصوص گارد سلطنتی در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ شکست خورد، شاه با شتاب هر چه تمامتر کشور را ترک کرد. در این مرحله بعضی ازمقامات وزارت خارجه امریکا در باره امکان شکست مصدق شروع به ابراز تردید کردند بصورتی که به زاهدی پناهگاه مطمئنی داده شد و اوباش اجیر وغیراجیر بوسیله عوامل محلی و بعضی ازروحانیان بسیج شده بودند، و از فضای پر هیجان و احساسات سلطنت طلبی که دراثر فرار شاه و تحریک وحشت از کمونیسم و جمهوریت دامن زده شده بود نهایت استفاده بعمل می آمد ، بطوریکه عاملین ایجاد اغتشاش وتحریک ، برادران رشیدیان را به تهران گسیل داشته بودند. طبق یک روایت برادران رشیدیان در پاسخ به تقاضای رزولت رییس عملیات سیا در ایران دایر براینکه او را با آیت الله کاشانی در ارتباط قرار دهند بصورتی که دو نفر از ماموران سیا در صبح روز ۲۸ مرداد۱۳۳۲ با احمد آرامش ملاقات کردند و مبلغ ۱۰۰۰۰ دلار به او دادند که ظاهرا به آیت الله کاشانی رد کرده بود تا در بسیج جمعیت ضد مصدق بکار رود. استفاده از این پول منجر به کاهش شدید نرخ دلار در بازار سیاه

گرديد. عوامل ايجاد اغتشاش در عملياتی نظير تخريب مجسمه های شاه و پدرش شركت كردند بطوريكه تقصير آن كار به تمامی به گردن حزب توده و طرفداران افراطی مصدق گذاشته شد. سه روز بعد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با كمک قاطعانه ارتش كودتای نا فرجام تبديل به پيروزی گرديد. مصدق وطرفدارانش ازاين واقعيت كه كودتايی در شرف وقوع است بخوبی اطلاع داشتند. در واقع روزنامه های حزب توده در ۱۸ مرداد ۱۳۳۲ گزارشهای كما بيش دقيق ودرستی از آن منتشر كرده بودند. كيانوری يكی از رهبران حزب توده ادعا كرد كه جزييات كودتا را از طريق شبكه نظامی حزب دريافت كرده و به مصدق اطلاع داده بود. بنا براين خنثی سازی كودتای اول امكان داشت ولی وسيله موثری برای جلوگيری از تكرارآن نبود و هيچ سازمانی برای بسيج توده ها و هماهنگ ساختن اقدامات متقابل وجود نداشت. وقوع كودتاي امريكايي ۲۸مرداد ۱۳۳۲ بطوريكه از اسناد محرمانه آن زمان روشن است دولت امريكا نيز نقش مهمي و موثري در هدايت نيروهاي مخالف دولت ايران در جهت سرنگوني دولت مصدق به عهده داشت. براي اين منظور مقامات امريكايي با همكاري دولت انگليس ، آقاي فضل الله زاهدي را به عنوان فرمانده نظامي كودتا انتخاب و شاه را متقاعد مي كنند كه از وي حمايت كند . سپس رزولت (سياستمدار آمريكايي) در ۲۸ تير ماه ۱۳۳۲ وارد ايران مى گردد ودرمخفيگاه زاهدي با او ديدار كرده و توانست جمعي از نظاميان پادگان هاي تهران را به سر پيچي از دستورات دولت وادار كند. همچنين سيا تصميم گرفت برعليه مصدق جنگ رواني را به اجرا در آورد . در ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ شاه عزل نخست وزيري دكتر مصدق و انتصاب زاهدي را امضا كرد وسپس شاه همراه ثريا (همسر دوم) به بغداد و بعدا به شهر روم (ايتاليا) فرار كرد و همزمان در سراسر ايران تظاهرات عمومي برگزار گرديد. در آن موقع دكتر فاطمي كه وزير امور خارجه ايران بود اعلام كرد نظام سلطنتي بايد برچيده وحكومت جمهوري بر پا گردد. با تلاش كودتا چيان و بي توجهي دولت با كودتاي مقدماتي موجب شد كه كودتاچيان بدون برخورد با موانع جدي حكومت ملي را ساقط و رژيم امريكايي را مستقر كنند. بدين ترتيب كودتاچيان با هدايت سيا و بدون كمك نظامي توانستتند با كمك بسيجي از اوباش تهران كه پول هاي مراكز انگليسي و آمريكايي سازمان دهي شده بودند نقشه هاي خود را عملي كنند. همزمان بااين اقدامات عوامل نظامي كودتا ، مناطق حساس ازجمله ستاد ارتش و ايستگاه راديو و مراكز پليس و ژاندارمري ومراكز تلفن وتلگراف و نيز خانه دكتر مصدق را تصرف كردند. اما مصدق كه پس از واقعه نهم اسفند ۱۳۳۱ ترتيبات دفاعی خانه اش را تقويت كرده بود ولی كار چندان مهم ديگری صورت نگرفته بود چونكه رييس ستاد وارتش او را مطمئن ساخته بودند كه همه چيز را تحت كنترل دارند و بدنبال كودتا سرلشكر زاهدي نخست وزير شد و محمد رضا پهلوي به كشور باز گشت.مصدق از

خطرکودتا غافل نبود و هر کاری می توانست در جلوگیری آن ، ازجمله اعطای جـایزه بـرای دسـتگیری زاهدی کرده بود او آیت الله کاشانی را در کمک به تدارک کودتا و ناتوان کردن دولت برای مقابله بـا آن مقصر می دانست.



مصدق نحست وزیرایران از سال ۱۳۳۰تا ۱۳۳۲



دکتر مصدق در بین مردم – ۲۹ اسفند ۱۳۳۱ سالگرد و روز ملی شدن صنعت نفت ایران

فصل دوم

سیاست های دولت امینی (دهه چهل)

پس از تصويب قانون اصلاحات اراضي و شروع اجراي آن توسط دولت اميني گروهي از روحانيان شيعه و مراجع تقليد ديني با آگاهي از اهداف اين طرح ها و سياست هاي شاه و زواياي پنهان انقلاب سفيد شاه و مردم به مخالفت با رژيم شاه برخاستند. پس از رحلت آيت الله بروجردي در فروردين سال ۱۳۴۰ كه مرجع بزرك تقليد شيعيان ايران بود ومحمدرضا شاه تصور مى كرد كه زمينه اي براي جانشيني مرجع به جاي آيت الله بروجردي وجود ندارد و فرصت را براي اجراي اصلاحات مورد نظر امريكا مناسب دانست .محمد رضا شاه در فروردين سال ۱۳۴۱ به همراه اسد الله اعلم به آمريكا رفت و با كمك سران انگليس توانست آمريكا را به بر كناري اميني راضي كند و خود مجري اصلاحات مورد نظر امريكا در ايران شود. بنابراين در تيرماه سال ۱۳۴۱ شاه علي اميني را به بهانه اختلاف درجه نظامي بركنار و اسدالله اعلم را كه از نزديكان اوبود به نخست وزيري منصوب كرد. او تصميم گرفت قانون انتخابات انجمن هاي ايالتي و ولايتي را در غياب مجلس شوراي ملي تغيير دهد.

(آيت الله بروجردي كه از شاگردان مراجع بزرگي چون آخوند خراساني بود علاوه بر تحول در حوزه علميه قم نقش بسيار مهمي در حفظ جامعه مسلمانان ايران از آفت ها و بحرانهاي سياسي و اجتماعي آن مقطع زماني حساس ايفا كرد و عده زيادي از افراديكه در شكل گيري انقلاب اسلامي نقش داشتند از شاگردان ايشان بودند). محمد رضا شاه در پوشش تصويب لوايح مذكور اهداف خاصي را دنبال مي كرد و او مي خواست علاوه بر سنجش ميزان حساسيت علماي ديني و توان مذهبي مردم ، روحانيت و جريان مذهبي را كه همواره سدي در برابر خود و نفوذ بيگانگان در ايران به شمار مي آمدند در يك زور آزمايي كنار بزند.به همين منظور مطبوعات رسمي كشور به انعكاس تصويب اين لوايح و اخبار مربوطه پرداختند.تصويب اين لايحه , علماي ديني و مردم مسلمان ايران را را برانگيخت و در آن زمان آيت الله خميني نيز كه ازعلماي طراز اول قم بود اعضای حوزه را به نشست ها و گفتگوهاي متعدد براي لغو اين لوايح فرا خواند وي با تشريح نقشه هاي استعماری و توطعه هاي آن مسئوليت علما را درقبال صيانت از اسلام و استقلال كشور ياد آور شد و مقرر شد با ارسال تلگراف هايي به شاه لغو تصويب لايحه مذكور را درخواست نمايد . در پي مبارزه پيگير آيت الله خميني ، مراجع تقليد وديگر علماي ديني سرانجام شاه و دولت مجبور به عقب نشيني و لغو تصويب نامه شدند . برخي از علماي ديني اين اقدام را كافي

دانسنتند ولي مقرر شد با ارسال تلگراف هايي به شاه لغو تصويب لايحه مذكور را درخواست نمايد خميني با هشياري به تشريح اهداف پشت پرده رژيم پهلوي پرداخت و ماهيت دخالت آمريكا را در امور كشوررا افشا كرد .

اجراي مفاد انقلاب سفيد رژيم شاهی

تصويب نامه انجمن هاي ايالتي و ولايتي مقدمه اي بر اجراي حركتي در جهت خواسته آمريكا براي جلوگيري از نفوذ شوروي سابق در ايران بود كه بعد ها از سوي شاه ايران و دربارشاه به انقلاب سفيد شاه ومردم نام گرفت و بعداز لغو تصويب نامه انجمن هاي ايالتي و ولايتي ، در اثر فشار عوامل آمريكا خود شاه به ميان آمد واعلام كرد كه قصد دارد اصول ششگانه به اصطلاح انقلاب سفيد را به نظر خواهي بگذارد . در اين هنگام آيت الله خميني با آگاهي از اهداف شاه و نتايج زيانبار سياست هاي مداخله جويانه آمريكا مراجع و علماي قم را به شركت در يك نشست اضطراري فرا خواند كه براي اطلاع بيشتر در باره همه پرسي و اهداف آن از شاه توضيح بخواهند. در اين ميان آيت الله كمالوند به نمايندگي از سوي مراجع قم به ديدار شاه رفت و در اين ديدار شاه بجاي جوابگويي به سوالات مراجع و علماي قم زبان تهديد گشود . دراين ديدار محمد رضا شاه به آيت الله كمالوند اعلام كرد " اگر آسمان به زمين بيايد و يا زمين به آسمان رود" من بايد اجراي اين برنامه را انجام دهم او ضمن شكايت از علماي ديني خواست تا بجاي مخالفت مانند روحانيون ساير كشورهاي مسلمان دعا گوي شاه باشند. در پاسخ شاه ، آيت آلله كمالوند اعلام كرد " علماي شيعه در تاريخ هزار ساله خود هيچ گاه مامور حكومت ها نبوده و نخواهند بود" بدنبال اين جواب آيت الله خميني و ساير علماي ديني دريافتند كه شاه با حمايت آمريكا به هر نحوي كه شده مصصم به اجراي اين برنامه است و آيت الله خميني طي سنخراني فرمودند " اكنون طرف حسا ب علماي ديني شخص شاه است نه دولت زيرا او در مرز مرگ وزندگي قرار گرفته است .با انتشار اعلاميه ای از طرف آيت الله خميني و اعلاميه هاي ديگر از ساير علما و مراجع ديني نسبت به غير قانوني بودن رفراندم (همه پرسي) كه تحريم اعلام شد مردم تهران و قم و ديگر شهرستان ها به خيابان ريختند. در اين موقع دانشجويان دانشگاه تهران نيز با صدوراعلاميه اي اقدامات ضد اسلامي و غير قانوني رژيم شاه را محكوم كردند. بازار تهران تعطيل شد و مردم در بخش هاي جنوبي شهر تهران تظاهرات اعتراض آميز بر پا كردند و رژيم شاه نيز براي كنترل اوضاع ، تهران را به اشغال نظامي درآورد و به سركوب مردم پرداخت وهجوم برد به دانشگاه تهران وتعدادي از روحانيون مبارز را دستگير و روانه زندان كرد. در كنار مخالفت علما و روحانيون ، گروه نهضت آزادي نيز با تصويب

لايحه ايالتي و ولايتي وبا برگزاري رفراندم از طرف شاه مخالفت كرد. در روز چهارم بهمن ۱۳۴۱ شاه به قم رفت تا با سخنراني در اين شهر ثابت كند كه علما در مخالفت با اصول ششگانه يكپارچه نيستند ، ولي علمای قم به رهبري آيت الله خميني استقبال از شاه را تحريم كردند و شهر قم كلا تعطيل شد در اين صورت شاه با ديدن اين جريان سياسي با عصبانيت به روحانيت و اسلام اهانت كرد، در چنين شرايطي انتخابات تحريم شد ، ولي شاه با اعمال فشار و خشونت همه پرسي فرمايشي خود را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ اجرا كرد و در پي آن رييس جمهور آمريكا و ملكه انگليس اين رفراندم را به شاه تبريك گفتند و چند روز بعد دولت اسدالله اعلم تصويب نامه لغو شده انجمن ايالتي و ولايتي را بصورت اصلاحيه قانون انتخابات به مورد اجرا گذاشت واين كارنيز مورد اعتراض آيت الله خميني واقع شد.

قيام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

با نزديك شدن نوروز ۱۳۴۲ آيت الله خميني در اعتراض به سياست هاي رژيم محمد رضا شاه پهلوي اعلام عزاي عمومي كرد و ديگر علما و مراجع ديني نيز از او پيروي كرده و متعاقب آن در دوم فروردين ۱۳۴۲ در جريان برگزاري مراسم عزاداري شهادت امام صادق (ع) نيروهاي ساواك و كماندوهاي ارتش شاه در لباس غير نظامي به مدرسه فيضيه قم حمله كردند و تعدادي از روحانيون را كشتند و يا زخمي كردند عوامل شاه در حجره ها را شكستند و قران و كتاب هاي ديني را پاره كردند و به بيرون ريختند و حتي به مجروحان اين ماجرا را نيز در بيمارستان قم همزمان حمله بردند و با اين فاجعه همزمان نيروهای امنيتي شاه به مدرسه طالبيه تبريز نيز حمله بردند و چند تن را در اين ماجرا كشتند ويا مجروح كردند و هدف رژيم شاه از اين يورش به مدرسه فيضيه ايجاد وحشت در بين مردم ايران بود. در عصر سيزده خرداد ۱۳۴۲ آيت الله خميني به مدرسه قم رفت تا درباره مسايل سياسي روز سخنراني كند و يك روز بعد از سخنراني سياسي ايشان در بامداد ۱۴ خرداد ۱۳۴۲ آيت الله خميني درخانه خود دستگير و به تهران منتقل شد وهمزمان چند تن ديگر از علماي ديني شهرستانها نيز دستگير و زنداني شدند ، با انعكاس خبر دستگيري آيت الله خميني در ۱۵خرداد ۱۳۴۲ موجي عظيمي از اعتراض مردمي در قم به پا شد و بدنبال آن در تهران و ساير شهرستانها ازجمله مشهد، قزوين ، كاشان ، شيراز ، تبريز و اصفهان و چند شهر ديگر تظاهرات اعتراض آميز به راه افتاد. در اين موقع اسدالله اعلم نخست وزيروقت به فرمان شاه كشتار بيرحمانه مردم را صادر كرد. در تهران و قم دامنه تظاهرات بسيار گسترده تر بود به همين سبب حكومت نظامي اعلام شد . در اين تظاهرات حضور زنان معترض قم چشمگير بود و در قم با حركت روحانيون به سمت حرم درگيري نظامي و صداي رگبار مسلسل ها

شدت يافت و ماموران نظامی با محاصره تظاهر كنندگان آنان را مثل برگ پاييزي مي كشتند وبه زمين مي ريختند و در اين ميان بازار تهران تعطيل گرديد و مردم به خيابانها سرازير شدند و دانشجويان دانشگاه تهران باشنيدن خبر دستگيري آيت الله خميني كلاس هاي درس را تعطيل و با شعار مرگ بر ديكتاتور خواستار آزادي آيت الله خميني شدند كه با نيروي هاى نظامي مواجه شدند ، با ورود گارد شاهنشاهي , قتل صد ها نفر از مردم شروع شد ونخست وزير وقت در مورد كشتار مردم روز ١۵ خرداد همان سال اعتراف كرد كه شاه نه تنها دستور تيراندازي داد بلكه از قتل مردم پشتيباني كرد. در آن زمان بدليل نبود برنامه اي سازمان يافته تظاهرات و خودجوش بودن حركت اعتراض آميز مردم موجب شد كه دولت امكان سركوبي تظاهركنندگان را بيابد و پس از سركوب وكشتار مردم در قيام ١۵ خرداد ١٣۴٢ موجي از دستگيري و تبعيد ها در سراسر كشور آغاز گرديد و ياران آيت الله خميني يكي پس از ديگري روانه زندان و تبعيد شدند و عدهاي از طرفداران آيت الله خميني نيز پس از دستگيري و شكنجه هاي شديد تيرباران شدند. پس از خاموش شدن شعله هاي قيام ١۵ خرداد ١٣۴٢ اعدام سران قيام عشاير فارس كه به پشتيباني از نهضت آيت الله خميني و روحانيت برخاسته بودند شروع شد .& بعد از دستگيري آيت الله خميني عده اي ازعلما ی تهران و شهرستان ها و نيز روحانيون شهرهاي نجف و كربلا نيز با صدور اعلاميه و تلگراف هاي زياد ضمن محكوم كردن قتل و كشتار مردم عزادار ومعترض در روز هاي ١۵و ١۶ خرداد همان سال خواستار آزادي بي قيد وشرط آيت الله خميني را وساير روحانيون شدند . نخست وزير وقت اعلام كرده بود كه آيت الله خمينی را محاكمه صحرايي خواهد كرد كه برنگرانيهاي مردم و روحانيون افزوده شد و در پي اين تهد يد در ١٧ خرداد ١٣۴٢ گروه زيادي از علماي برجسته سراسر كشور در اقدامي هماهنگ به سوي تهران مهاجرت كردند تا از آيت الله خميني حمايت اعلام كنند. رژيم شاه به ممانعت از مهاجرت علما كرد و سرانجام تحصن و اعتصاب ١۴ روزه و تلاش آنها موجب شد تا رژيم از محاكمه عقب نشيني كند و پس از مدتي آيت الله خمينی را از زندان آزاد وبه خانه اي در قيطريه شميران منتقل كردند و تحت نظر ماموران امنيتي قرار داده شد تا اينكه به دنبال اعتراض شديد و تند آيت الله خمينی به تصويب لايحه كاپيتولاسيون و برقراري حكومت نظامي در تهران و قم در نيمه شب ١٣ آبان ١٣۴٣ عوامل ساواك آيت الله خميني را دستگير و به فرودگاه تهران منتقل و بعد به تركيه تبعيد كردند. تبعيد آيت الله خميني علاوه بر واكنش مردم كه همراه با تظاهرات و اعتصابات بازتاب جهاني واكنش شخصيت هاي علمي و سياسي و دانشجويان خارج ازكشور نيز بود .
پس از تبعيد آيت الله خميني يكي ازاعضاي هيات موتلفه اسلامي ، حسنعلي منصور نخست وزير وقت را به جرم خيانت به مردم در جلوي مجلس شوراي ملي ترور كرد البته بعد از دستگيري وي به همراه ٣

نفر ديگر از اعضا آن گروه تيرباران شدند و پس از حسنعلي منصور, شاه هويدا را بـه نخسـت وزيـري منصوب كرد و با روي كار آمدن اميرعباس هويدا در بهمن ١٣٤٣ كه شروع دوران تحكيم ديكتـاتوري محمد رضا شاه پهلوی بود بطوريكه از دوام نخست وزيري هويدا كه به مدت سيزده سـال طـول كشـيد اين بود كه وي مطيع مطلق شاه بود كه پس از پيروزي انقلاب اسلامي در زندان اعدام گرديـد. در همـان زمان با قدرت گرفتن جمهوري خواهان در امريكا و روي كار آمـدن نيكسـون بـه عنـوان رئـيس جمهـور امريكا و عملا امريكا نقش ژاندارمري خاورميانه را به حكومت پهلوي واگذار كرد وبـدين ترتيـب قـدرت هاي بزرگ انگليس و امريكا رقابت هاي ديرينه خود را به تعامل و همكاري براي تقسيم نفت ، ذخـاير و ثروت هاي ايران و خاورميانه داده بود. شاه باگسـترش پيونـد هـاي سياسـي و نظـامي بـا امريكـا احسـاس امنيت و اقتدار بيشتري كرد وپس از تاجگذاري رسـمي درسـال ١٣٤٦ شـروع بـه اجـراي اصـلاحات ظاهري وآباداني كشور كرد.



آيت الله خميني پس از يكسال اقامت در تركيه در سيزدهم مهر١٣٤٤از تركيه به نجف اشرف در عراق تبعيد شد. شاه با تبعيد آيت الله خميني مي خواست رهبري نهضت ملي را از ايران دور نگاه دارد تا شعله هاي بيداري را در ايران خاموش كند به همين منظور ساواك تلاش زيادي كرد تا ارتباط مردم با آيت الله خميني و ياران او قطع شود، حتي از چاپ و توزيع رساله آيت الله خميني به شدت جلوگيري كرد آيت الله خميني دردوران تبعيد پيوسته مردم را به استقامت دعوت مي كرد و نيزمي كوشيد تـا ميـان روحـانيون و دانشگاهيان در مبارزه علني با شاه وحدت ايجاد كند بهمين ترتيب در شهرهاي مختلف ايران يك يـا چنـد

روحاني برجسته به عنوان نمايندگان آيت الله خميني حضور داشتند كه علاوه بر انجام امور ديني وحدت مردم را با نهضت آيت الله خميني بطور مستمر زنده نگاه دارند. در اين دوره فعاليت هاي سياسي و مذهبي بصورت پنهاني و مخفيانه در ايران شروع گرديد و جنبش دانشجويي نيزازسال ۱۳۴۴ شروع و خواهان آرمانهايي مانند عدالت اجتماعي،آزادي و استقلال وپيشرفت كشور بود تااينكه از سال ۱۳۵۰ انجمن هاي اسلامي كه قبلا در دانشگاه تهران شكل گرفته بود در ساير دانشگاه ها ي ايران توسعه يافت و بطور محسوسي فعاليتها ي سياسي كم كم در تمام دانشگاها نيز نمود پيدا كرد وگروهي با معرفي و توزيع كتاب هاي مختلف سياسي و فرهنگي وتاريخي و اجتماعي به دانشجويان جوان دانشگاه ها ، آنان را از اقدامات و عملكرد هاي غلط و نوكر گونه شاه مطلع مي ساخت . تااينكه با افزايش مبارزات سياسي براي سقوط شاه و رژيم پهلوي شدت يافت و همزمان با اين امر ساواك و شهرباني و ژاندارمري وقت نيز براي مقابله با اين فعاليت ها بسيج شدند ونيزهمزمان از سوي استانداري ها در مراكز استان ها شروع به تاسيس مراكز تفريحي بنام خانه جوانان و يا كاخ جوانان به ظاهر مراكز سرگرمي و هنري جوانان و دانشجويان بود و لي با اهداف شناسايي دانشجويان سياسي اقدام كردند .مخالفان رژيم پهلوي سه گروه بودند ، گروه اول مسلمانان انقلابي كه با اعتقاد به رهبري آيت الله خميني مبارزه مي كردند و به مبارزه به عنوان يك وظيفه اسلامي و تكليف شرعي مي نگرستند. گروه دوم چپ گرايان بودند ، اين طيف ازجوانان و دانشجويان با تاثير پذيری از انديشه هاي ماركيسستي راه رهايي را در پيروي از نظريه هاي ماركسيستي مي ديدند و از ديدگاه آنها تنها راه رهايي جنگ مسلحانه و تعليم وتربيت چريك وبه راه انداختن جنگ چريكي عليه حكومت پهلوي از اهداف اصلي آنان بود و گروه سوم ملي گريان بودند و اعتقادي به تغيير رژيم سلطنتی پهلوي نمي دانستند و معتقد بودند بايد اصل سلطنت را پذيرفت ولي در جهش كاهش خودكامگي شاه تلاش كرد. كم كم گرايش هاي سياسي فوق در بين دانشجويان دانشگاه ها رواج پيداكرد. البته رژيم شاهي درآن دوره هم بيكار نبود و با تاسيس كلوپ هاي جوانان و تشويق دانشجويان به پيوستن بااين كلوپ ها و سرگرم كردن آنان داشتجوانان را از پيوستن به اين گروههاي سياسي دور كنند .ولي هدف اصلي رژيم شاهي شناسايي جوانان و دانشجويان سياسي مخالف بود . در اين اماكن تفريحي ودر بين اين كلوپ ها جاسوسان جوان نيز گماشته شده بود والبته اگر گروهي از دانشجويان مخالف را پيدا مي كردند آنان را دستگير ومورد آزارو اذيت حتي تحت شكنجه قرار داده ودر صورت محرز بودن عضويت آنان در گروههاي سياسي مخالف به زندان سياسي انداخته و سپس تحت شكنجه قرار مي دادند . لازم به ذكر است كه از زمان تبعيد آيت الله خميني بيشتر آخوند ها و طلبه هاي جوان مخالف شاه و ضد دولتي در زندان هاي سياسي شاه در حبس بودند . از اوايل ۱۳۵۰

به بعد ساواك دست به وحشييانه ترين شيوه هاي شكنجه و دستگيري مبارزان زد و اعدام مبارزان به صورت امري روزمره درآمده بود و بسياري از انقلابيون زير شكنجه هاي ساواك به شهادت رسيدند.

فصل سوم

بحران سیاسی محمد رضا شاه پهلوی (دهه ۵۰)

در دي ماه ۱۳۵۶ رئيس جمهور آمريكا كارتر وارد تهران شد و سرمستي شاه از تمجيد كارتر و حمايت آمريكا و كشورهاي غربي از حكومتش موجب شد كه پس از پايان سفر كارتر , شاه ايران دستور داد مقاله اي شديد اللحن عليه آيت الله خميني نوشته شودو يك هفته پس از بازديد كارترازايران مقاله معروف " ايران و استعمار سرخ و سياه " در روزنامه اي بنام " اطلاعات" در دي ماه ۱۳۵۶به چاپ رسيد . انتشار مقاله اهانت آميز در روزنامه اطلاعات با واكنش فوري طلاب حوزوي، روحانيون و مردم قم روبرو شد و تظاهرات ۱۹ دي ماه همان سال منتهي به حمله نيروهاي نظامي به مردم شد كه تعدادي از مردم كشته و تعداد زيادي هم مجروح و جمعي از علماي ديني نيز دستگير وتبعيد شدند ، اما دامنه اعتراض ها افزايش يافت و در ۲۹ بهمن ماه همان سال مردم تبريز كه براي شهداي قم مراسم اربعين برگزار كرده بودند ارتش رژيم شاهي وارد صحنه گرديد ومردم را به گلوله بست و در يزد و اصفهان و شهرضا نيز حكومت نظامي اعلام شد. در پي اين فاجعه و همچنين آتش سوزي سينما ركس آبادان , آموزگار نخست وزير وقت مجبور به استعفا شد و بجايش شريف امامي با تظاهر به شعار آشتي ملي به نخست وزيري منسوب گرديد اما او نيز با طرح تغيير سياست هاي رژيم شاهي نتوانست از گسترش اعتراض هاي مردم جلوگيري كند . تظاهرات گسترده مردم تهران كه پس از اقامه نماز عيد فطر در ۱۳ شهريور ۱۳۵۷ برگزار شد وحشت شاه ، دولت و آمريكا را افزايش داد. سه روز بعد حدود پانصد هزار نفر از مردم تهران با شعارهاي " مرگ برشاه " "امريكا يي برو بيرون" " حسين سرور ماست خميني رهبر ماست " و نيز شعارهاي " استقلال ، آزادي ، جمهوري اسلامي " راهپيمايي كردند و مقرر شد فرداي آن روزتظاهرات در ميداني بنام ژاله (ميدان شهداي امروز) برگزار شود اما شب هنگام وقتي مردم خواب بودند در تهران و يازده شهر ديگرايران حكومت نظامي اعلام شد . صبح روزهفده شهريور همان سال مردم به خيابانها آمدند و در تهران هزاران نفر در ميدان ژاله (شهدا) اجتماع كردند و نظاميان و كماندوها ي ارتش نتوانستند مردم را متفرق كنند ، سپس با مسسل تانك ها مردم را به گلوله بستند و نيز هليكوپتر ها هم براي متفرق كردن مردم از مسسل و مواد تخريبي استفاده كردند. پس از كشتار بيرحمانه مردم ايران، كارتر از شاه ايران پشتيباني و از اقدام هاي او در برگردان نظم حمايت كرد. اما در درون كاخ سفيد بر سر چگونگي مقابله با انقلاب اسلامي ايران اختلاف

نظرهاي جدي وجود داشت و اين اختلاف نظرها سبب سر در گمي كارتر و شاه ايران در سركوبي مردم و انقلاب اسلامي شده بود، با افزايش تظاهرات مردمي درايران در همان سال دولت عراق در پي يك توافق محرمانه و هماهنگي با آمريكا اقدام به اخراج آيت الله خميني از كشور عراق كرد، آيت الله خميني در ۱۳ مهر ۱۳۵۷ به سمت كويت رفت ولي دولت كويت نيزاجازه ورود به آيت الله خميني نداد واين در حالي بود كه عراق نيز به آيت الله خميني اجازه بازگشت نداد و در نتيجه آيت الله خميني و همراهانش در15 مهر ۱۳۵۷ به فرانسه رفتند ولي رييس جمهور فرانسه به محض اطلاع از ورود غير منتظره آيت الله خميني نظر شاه را دراين مورد جويا شد و بعد به آيت الله خميني اجازه اقامت داد. تصور شاه و آمريكا اين بود كه دور شدن آيت الله خميني از ايران موجب جدايي وي از جريان انقلاب خواهد شد ، ولي شرايط بهتر ارتباطات دانشجويي در فرانسه به كمك رهبري انقلاب آمد و از آن پس تماس ها راحت تر و پيام ها بيشتر گرديد. در سيزده آبان ۱۳۵۷ جمع زيادي از دانشجويان و دانش آموزان تظاهر كننده در دانشگاه تهران توسط نيروهاي نظامي وانتظامي به شهادت رسيدند و پخش صحنه هايي از اين ماجرا در تلويزيون هاي ايران احساسات مردم را برانگيخت و همزمان با تظاهرات دانشجويي در تهران ودانشجويان ایرانی مقيم كشورهای اروپايی و امريكا و نيز از سوي دانشجويان ايراني واسلامي مقيم پونا درهند نيز مقابل درب كنسولگري ايران درممبئي تظاهرات گسترده اي برگزار گرديد. به دنبال تظاهرات دانشجويي در تهران و ساير شهرهاي ايران و انجمنهاي دانشجويي در خارج از كشور، شريف امامي از نخست وزيري بركنار شد و ارتشبد ازهاري به جاي او منصوب گرديد . اما همان روز مجددا توسط مردم در تهران تظاهراتي شديد تري برگزار گرديد و طي آن بخشي از سفارت انگليس در تهران به آتش كشيده شد و در ۱۵ آبان همان سال محدرضا شاه طي سخنناني اعتراف كرد كه پيام انقلاب ملت ايران را شنيده است و سوگند ياد كرد كه خطا ها ، فساد و ظلم بر ملت ايران را ديگر تكرار نخواهد شد .ازهاري در اولين اقدام براي ايجاد كاهش نارضايتي و برقراري آرامش ، جمعي از سران را نظير اميرعباس هويدا نخست وزير سابق و ارتشبد نصيري رئيس ساواك را دستگيركرد ولي آيت الله خميني به مردم هشدار داده بود كه اين اقدام ها ظاهري و فريبكارانه است. يكي ديگر از فراز هاي مهم و سرنوشت ساز انقلاب اسلامي ايران تظاهرات و راهپيمايي تاريخي مردم در عاشوراي سال ۱۳۵۷ بود . آيت الله خميني مردم را به راهپيمايي دراين روز بزرگ دعوت كرد و مردم در اولين شب محرم به خيابانها آمدند اما رژيم شاهي مردم عزادار را به گلوله بست و كشتار بي رحمانه مردم در جنوب تهران و ساير شهرهاي كشور زمينه را براي راهپيمايي عظيم عاشورا فراهم كرد و جمعيتي بسيار از مردم با نظم شگفت انگيزي به سوي ميدان آزادي حركت كردند كه حدود ۴ تا ۵ ميليون نفر از

جمعيت در تهران و در سراسر كشور هم بالغ بر ۱۶ ميليون نفرجمعيت حضور در تظاهرات آنروز برآورد شده بود . لازم به ذكر است كه درآن دوران كل جمعيت ايران حدود ۳۶ ميليون نفر اعلام شده بود . عظمت و گستردگي تظاهرات در اين روز و نظم و انسجام آن وحشت شاه را بيشتر كرد. بيانيه اين راهپيمايي روزعاشورا توسط آيت آلله بهشتي قرائت شد.و تاكيدي مجدد برسرنگوني نظام سلطنتي و بازگشت آيت الله خميني به كشور وتشكيل حكومت جمهوري اسلامي و همچنين دعوت از ارتش ايران براي پيوستن به مردم بود . درچنين شرايطي ارتشبد ازهاري از نخست وزيري كناره گيري كرد و شاپور بختيار از اعضاي جبهه ملی به نخست وزيري منصوب شد . در اين ميان اختلاف نظر ميان سياستمداران آمريكايي، شرايط را براي كارتر و شاه ايران وخيم تر كرده بود در اين هنگام شوراي امنيت ملي آمريكا بدنبال كودتا و به راه انداختن جوي خون در ايران بودند بطوريكه وزارت امور خارجه امريكا و سازمان سيا به فكر فريب مردم ايران از طريق جايگزيني بختيار بجاي شاه ايران و سوار شدن بر موج انقلاب بودند. با بسته شدن همه راه ها و دست آويزها براي ابقاي شاه در كشور تلاش آمريكا به جهت حفظ ساختار ارتش ايران بود به همين منظور ژنرال هايزر معاون نيروهاي آمريكا در اروپا در دي ماه سال۱۳۵۷ به ايران فرستاده شد . وظيفه ژنرال ها يزر هماهنگي با سران ارتش براي حمايت از دولت بختيار و در صورت لزوم انجام كودتاي نظامي عليه انقلاب و حفظ مراكز راهبردي مورد نظر آمريكا بود. در اين هنگام تلاش دولتمردان آمريكايي براي غلبه بر تظاهرات مردمي و ايجاد تفرقه در بين نيروهاي انقلابي به نتيجه نرسيد و مردم همچنان خواستار سقوط سلطنت شاه وبرقراري جمهوري اسلامي بودند. روز ۲۶ دي سال ۵۷ محمد رضا شاه و همسرش فرح پهلوي پس از تشكيل شوراي سلطنت از ايران گريختند و با اين كه شاه قرار بود ابتدا به آمريكا برود ولي كارتر با فريب كاري اورا به مصر فرستاد و مردم ايران بدنبال اعلام خبر فرار شاه از راديو و تلويزيون جشن وسرور در سراسر كشور بر پا گرديد. با فرار شاه از ايران تظاهرات در شهرهاي مختلف ايران ادامه يافت و در برخي از شهرها عوامل رژيم شاهي مردم را به گلوله بستند . در اين ميان آيت الله خميني با ارسال اعلاميه اي از فرانسه از نظاميان خواست پادگان ها و خدمت در ارتش را ترك كنند در پي آن اعلاميه فرار افسران و سربازان ازپادگانها سرعت گرفت و در ۲۹ دي ماه ۱۳۵۷ مصادف با اربعين سيد شهدا با راهپيمايي بزرگ بار ديگر مردم ايران نفرت و انزجار خود را از حكومت پهلوي دوم ودرخواستشان را براي استقلال وآزادي و جمهوري اسلامي تكرار كردند, در اين موقع آيت الله خميني اعلام كرد كه به زودي به ايران باز خواهد گشت . در اين هنگام با استعفاي سيد جلال الدين تهراني به عنوان رياست شوراي سلطنت ،نظام شاهی عملا از هم پاشيد و با وجود احتمال

سوء قصد به جان آيت الله خميني، وي دردوازدهم بهمن ۱۳۵۷ در ميان عظيم ترين استقبال تـاريخي بـه ايران باز گشت . آيت الله خميني در سخنراني خود در بهشت زهراي تهران در همان روز و در ضـمن تسليت گفتن به خانواده هاي شهدا در باره مشروعيت نداشتن رژيم پهلوي دوم سخناني ايراد كرد و بعد با پيشنهاد شوراي انقلاب مهندس مهدي بازرگان به عنوان نخست وزير دولت موقت انتخاب شد و در ۱۶ بهمن همان سال رسما به اطلاع عموم مردم رسيد . در پي شنيدن ايـن خبـر ، بختيـار آخـرين دولـت رژيم شاهی در همان روز طي اقدامي خيانت آميز قرارداد تحويل تجهيزات نظامي به ارتش ايران راكه قبلا از آمريكا خريداري شده بود ,به ارزش هفت ميليـارد دلار را لغـو كـرد و بـا توجـه باينكـه وجـه ايـن قرارداد به آمريكا پرداخت شده بود كل اين مبلغ نيز به جيب دولت آمريكا رفت . بـا سـقوط رژيـم پهلـوی دوم شاپور بختيار پس از يک دوره اختفا در تهـران بـا حمايـت دسـتهای مرمـوزی بـه خـارج از ايـران گريخت و در پاريس مستقر شد. در اين زمان در تهران درگيري ميـان نيـرو هـاي ارتـش شـروع شـد و بسياري از سربازاني كه مجبور بودنـد بـه طـرف مـردم تيرانـدازي كننـد سـلاح هـاي خـود را بـه سـوي فرماندهان خود نشانه رفتند و يا از ميدان گريختند . آيت الله خميني در همان روز اعلام كـرد ، اعلاميـه امروز فرماندار نظامي خلاف شرع است و مردم به هيچ وجـه بـه آن اعتنـا نكننـد در نتيجـه بـا صـدور اعلاميه جديد آيت الله خميني در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ مردم از نيروي هوايي كه لشكر گارد شاهنشاهي به آن حمله كرده بود حمايت كردند و در مدت كوتاهي با مشاركت وسيع مـردم در سراسـر كشـور مراكـز حساس نظامي وشهري به تصرف مردم درآمد و پايگاه هاي رژيـم يكـي پـس از ديگـري سـقوط كـرد .&
لازم است بدانيد كه افسران همافرنيروي هوايي تهران كه از مخالفـان رژيـم شـاهي بودنـد بـا در گيـري شديد وزد وخورد شديد با نيروهاي گارد شاهنشاهي در ميدان ژاله (شهدا) تهران با فداي جان خـود بـه نيروهاي گارد شاهمنشاهي پيـروز شـدند و همزمـان بـا ايـن وضـعيت گـروه هـاي انجمـن هـاي اسـلامي دانشجويان خارج از كشور نيز اقدامات مشابه اي جهت تصرف سفارتخانه ها و يا كنسولگريها در خارج از كشور انجام دادند .(نگارنده : بطوريكه در شـهر پونـای هنـد نيـز بـا صـدور اعلاميـه اي از طـرف انجمن اسلامي دانشجويان ايراني مقيم پونـا تعـدادی ازدانشـجويان ايرانـی همـراه گـروه انجمـن اسـلامي دانشجويي، شبانه از پونـا راهـي بمبئـي شـده و دراقـدامي غيـر منتظـره كنسـولگري ايـران در بمبئـي را محاظره كرده و تعداد مشخصـي از افراد با سرپرستي فردي بنام (ق) نيز به داخـل كنسـولگري ايـران در بمبئي هجوم بردند وكارمندان كنسولگري را بوسيله اسلحه هـاي قلابـی بـه گروگـان گرفتنـد و بقيـه افـراد گـروه دوبـاره بـه پونـا برگشـتند وپـس از يـک هفتـه بـا دريافـت اخبـار روزودسـتور از ايـران كارمنـدان كنسولگري را اخراج كردند و مدتي بعد كنسـولگري ايـران در بمبئـي تعطيـل گرديـد. در ايـران نيـز بـا

مشاهده وضعيت سقوط مراكز حساس , شوراي فرماندهان ارتش طي اعلاميه اي بي طرفي خود را اعلام كردند و سر انجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رژيم شاهي بطور كامل سقوط كرد .ومردم با شنيدن صداي انقلاب از راديو در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سرور و شادي وصف ناپذير پايان حكومت شاهنشاهي ايران و طليعه انقلاب اسلامي را جشن گرفتند. مهندس مهدي بازرگان كه در پانزده بهمن ۱۳۵۷ از طرف آيت الله خميني به نخست وزيري موقت منصوب شد با استقراردر دفتر نخست وزيري كار خود را شروع كرد . آيت الله خميني طي حكمي چهار وظيفه براي دولت موقت تعيين كرد كه عبارتند از :۱– اداره مملكت ۲– اجراي رفراندم در باره تعيين نظام سياسي كشور ۳– تشكيل مجلس منتخبان مردم براي تدوين و تصويب قانون اساسي ۴ - برگزاري انتخابات مجلس نمايندگان ملت سابق (قانون اساسي جديد) . در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ مهندس بازرگان كابينه خود را كه تقريبا همگي از اعضا و طرفداران نهضت آزادي و جبهه ملي بودند معرفي كرد.

"مروري بر زندگينامه مهندس بازرگان : (مهندس مهدي بازرگان درسال ۱۲۸۷ ش درتبريز متولد شد و پس از طي تحصيلات ابتدايي و متوسطه در تهران براي ادامه تحصيل به فرانسه رفت و پس از گذراندن تحصيلات خود در رشته مهندسي ترمو ديناميك و بازگشت به ايران به تدريس پرداخت وي فعاليت سياسي خود را در جبهه ملي شروع كرد و پس از كودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از جمله موسسان نهضت مقاومت ملي بود و به همين علت در سال ۱۳۳۴دستگير و زنداني شد و در سال ۱۳۴۰ به همراه دكتر سحابي و آيت الله طالقاني نهضت آزادي ايران را تاسيس داد وي در دي ماه ۱۳۴۱ نيز همراه با ديگر سران نهضت آزادي دستگير و تا سال ۱۳۴۶ در زندان به سر برد وي انديشه هاي خود را در كتاب هاي متعدد به رشته تحرير در آورده است . مهندس بازرگان در روشن نگه داشتن مشعل مبارزه عليه رژيم شاهنشاهي پهلوي تلاش های ارزندهاي كرد . مهندس بازرگاندر زمان اوج انقلاب اسلامي از سوي آيت الله خميني به عنوان نخست وزير دولت موقت تعيين شد و در سال ۱۳۷۳ از دنيا رفت)." ناگفته نماند كه سران امريكا و انگليس در بركناری محمد رضا شاه ايران نقش بزرگی داشتند بطوريكه ازاطلاعات مدارک منتشر شده سيا چنين درج شده كه اواسط دهه ۵۰ شمسی زمانی كه شاه ايران رييس اوپک بود و به دليل افزايش دادن قيمت جهانی نفت ، با نظر شاه ايران در سال ۱۳۵۶ شمسی ، سران امريكا و اروپايی ها جهت جلوگيری از اين وضعيت قيمت بالای نفت خاورميانه تصميم به بركناری شاه ايران گرفته وبه روايتی در يكی از ضيافت های سياسی و رسمی شاه ايران را ترور بيولوژكی نموده (ايشان سرطانی شدند) و پس از آن طی سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی با تبليغات گسترده جهانی مبنی

بر ضد ایشان اقدام کردند و آیت الله خمینی را در اروپا بخصوص در فرانسه تحت حمایت قرار دادند. بطوریکه شاه ایران پس از فرار از ایران دی ماه ۱۳۵۷ پس از دربدری و اقامت در کشورهای امریکای جنوبی سرانجام تحت حمایت انور سادات رییس جمهور مصر قرار گرفته وپس از بستری شدن در یکی از بیمارستان های قاهره پایتخت مصر با تحمل ناراحتی زیاد و افسردگی در سال ۱۹۷۹ م (۱۳۵۸) درگذشت. بطوریکه شاه ایران در کتاب "پاسخ به تاریخ" ، دلایل رفتنش از ایران در پی انقلاب سال ۱۳۵۷ را اینگونه بیان می کند : " نمی خواستم اسمم در تاریخ به عنوان پادشاهی ثبت بشود که با کشتار مردم تاج وتختش را حفظ کرد". "امریکایی ها و اروپایی ها بخاطر بالا بردن قیمت و برکناری من تصمیم گرفته بودند و مقاومت بی فایده بود . چون نمی توانستم بدون همراهی ملتم به جنگ آمریکا و غرب بروم." دکتر شاپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی در فرانسه مورد حمایت کامل سرویس های اطلاعاتی غرب قرار گرفت و با تغذیه مالی کلان محافل صهونیستی ، فعالیت های توطعه گرانه علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی را آغاز کرد و از مهمترین این توطعه ها کودتای نا فرجام نوژه و طرح تجزیه خوزستان بود ، بطوریکه طبق این طرح ارتش عراق می بایست در یک حمله سریع خوزستان را اشغال می کرد و بختیار" دولت آزاد" خود را در این سرزمین اعلام می کرد. شاپور بختیار حدود ۱۲ سال به عملیات خیانت بار خود علیه استقلال و آرمانهای یک ملت و تمامیت ارضی ایران ادامه داد و سرانجام در روز ۱۵ مرداد ۱۳۷۰ در ویلای مسکونی خود در حومه فرانسه به قتل رسید.



آیت الله خمینی

بخش دوم تحولات سیاسی پس از انقلاب اسلامی

فصل چهارم

تحولات ونظام سياسي انقلاب اسلامی

پس از سقوط كامل رژيم شاهي و پيروزي انقلاب اسلامي وشنيدن صداي انقلاب از راديودر روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ملت ايران پايان حكومت شاهنشاهي را جشن گرفتند . در اين ميان مهندس مهدي بازرگان از طرف آيت الله خميني به سمت نخست وزيري موقت منصوب گرديد و بعد از تعيين جمهوري اسلامي به عنوان نظام سياسي كشور در ۱۲ فروردين ۱۳۵۸ آيت الله خميني طي فرماني از دولت موقت خواستار برگزاري انتخابات براي تشكيل " مجلس خبرگان" و تدوين وتصويب قانون اساسي شد . اين مجلس با انتخاب هفتاد دو نماينده توسط مردم در مرداد ماه ۱۳۵۸ تشكيل شد . مجلس خبرگان با توجه به قانون اساسي سابق كشور وبرمبناهاي فقهي و اسلامي و همچنين با توجه به نظرات نمايندگان گروههاي مختلف سياسي و فكري تدوين قانون اساسي جمهوري اسلامي را شروع كردند و با جدي شدن تصويب اصول مربوط به " ولايت فقيه" مخالفت ها با مجلس خبرگان از سوي گروه مخالفان بيشتر شد ولي آيت الله خميني و گروههای انقلابي به دفاع از اصل مذكور پرداختند . سپس براساس قانون اساسي جديد در اسفند ۱۳۵۸ شوراي نگهبان تشكيل شد تا علاوه بر تشخيص عدم مغايرت و تعارض مصوبات مجلس شوراي اسلامي با احكام اسلام و قانون اساسي بر انتخابات مجلس رهبري و مجلس شوراي اسلامي و انتخابات رياست جمهوري نظارت از آراي مردم پاسداري كند. در ضمن چنانكه اشاره شد بلافاصله پس از پيروزي انقلاب اسلامی آيت الله خميني با درايت تشكيل نهاد هاي انقلابي را يكي پس از ديگري صادركرد وبه همين منظور كميته انقلاب اسلامي با هدف برقراري نظم و امينيت شكل گرفت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسيج مستضعفان براي دفاع از كشور بوجود آمد ونيز به منظور رفع محروميت در روستا ها و سازندگي، جهاد سازندگي تاسيس شد و نيز كميته امداد امام به قصد دستگيري از محرومان و نهضت سواد آموزي براي كاهش نرخ بالاي بي سوادي در ايران فعاليت خود را آغاز كردند. در اين ميان با پيروزي انقلاب اسلامي ايران , آمريكا كه يكي از پايگاههاي امن خود را در خاورميانه كه حدود ده هزار نفراز مستشارانش در ايران مستقر بودند از دست داد و در اين صورت

پیروزي انقلاب اسلامي ايران را بزرگترين خطر براي خود تلقي مي كرد و به توطعه چيني جهت نابودي انقلاب اسلامي ايران كمر بست و تضعيف و حذف و ترور انديشمندان و متفكران ديني و ياران خمینی كه از اركان اصلي انقلاب اسلامي تلقي مي شدند ، ايجاد روش هاي سياسي مخالف ، حمايت از ساواكي ها , ايجاد آشوب در استانها ، حملـه نظامي بـه طبس , تحريم و محاصره اقتصادي , جنگ تبليغاتي و شايعه پراكني عليه انقلاب اسلامي ، طراحي كودتا و جنگ تحميلي هشت ساله از رئوس اصلي توطعه آمريكا عليه ملت ايران وحكومت اسلامی بود. در اين ميان بهترين ابزار براي آمريكا گروه هاي سياسي مختلفي بود كه آن زمان فرصت خود نمايي يافته بودند. آن گروه ها چنان در فعاليت هايشان افراط كردند كه گويي وارثان اصلي انقلاب اسلامي قلمداد شده اند و اين گروه ها با پيش گرفتن خط مشي هاي مختلف از جمله با انتشار نشريه ها و بيانيه ها ، پوستر ها وشبنامه ها ی گوناگون دستاورد هاي انقلاب اسلامي را نفي می كردند و نيز با تشكيل دادن ستاد ها و كانون هاي عملياتي و خانه هاي تيمي در دانشگاه ها ، مدارس و حتي ميادين و خيابانها به جذب جوانان پرداختند و كشور را با يك بحران مواجهه ساختند. اين گروه ها خواستار ايجاد سه تغيير اصلي در جريان انقلاب اسلامي بودند.

۱– تغيير در تركيب شوراي انقلاب ۲- مسلح كردن گروهك ها ۳- انحلال ارتش . اصلي ترين گروه ها عبارت بودند از حزب خلق مسلمان در آذربايجان شرقي – حزب دمكرات كردستان – حزب خلق عرب در خوزستان و نيز تشكل هاي مشابه در بلوچستان و تركمن صحرا بودند. حزب خلق مسلمان در تابستان ۱۳۵۸ همزمان با انتخابات مجلس خبرگان حمله به مراكز نظامي رسمي كشوررا شروع كرد و سركرده اين حزب ابتدا تهديد كرد كه انتخابات را تحريم خواهند كرد و سپس به نتيجه انتخابات اعتراض كردند و به آشوب واغتشاش ادامه دادند . مردم مسلمان آذربايجان شرقی با حضور حماسي در صحنه مبارزه ، كار اين گروهك را يكسره كردند . در اين جريان بطوريكه بعدا شنيده شد تعداد زيادي از طرفداران اين حزب در تبريز دستگير و سپس اعدام شدند . ديگر توطعه دشمن در كردستان بود ، بارزترين و مهمترين جريان سياسي نمونه آشوب هاي منطقه اي كه توسط عوامل دمكرات كردستان آغازگر اين بحران بود، بصورتيكه ريشه آن به جريان هاي ماركسيستي دهه ۱۳۲۰مي رسيد و با پيروزي انقلاب اسلامي حزب دموكرات دوباره فعاليت سياسي خود را شروع كرده و كمونيست هاي داخل و خارج از آن حمايت كردند كه به موازات حزب دموكرات كردستان ساير احزاب و گروههاي ديگر نيز در كردستان شكل گرفت كه همگي خواهان خود مختاري و سپس استقلال كردستان بودند .

لازم است كه بدانيد از سوي ديگر عوامل كشورهاي غربي (آمريكا درراس آنان) و بلوك شرق (شوروي سابق) و عوامل آنان در منطقه مانند رژيم بعث عراق با ارسال پول و اسلحه به اين غائله دامن زدند وهدف اصلي آنان توطعه اي بود كه از آذربايجان در شمال غربي ايران تا خوزستان و حتي مناطق مركزي و مرزهاي شرقي را در بر مي گرفت . از آنجايي كه اكثريت مردم و علماي كردستان اعم از شيعه و سنني حامي انقلاب اسلامي و حافظ تماميت اراضي ايران بودند فتنه هاي تجزيه طلبانه در كشور نتوانست راه بجايي ببرند. بلواي تركمن صحرا نيز از فروردين ۱۳۵۸ شروع شد و تا زمستان همان سال ادامه يافت. اين آشوب با سوء استفاده از اختلافات و تفاوت هاي مذهبي و قومي آغاز شد و اين اختلاف ها ناشي از عملكرد بد حكومت پهلوي و سياست هاي غلط آن در منطقه بر سر مالكيت زمين هاي كشاورزي بود كه ازديگر عوامل مورد بهره برداري اين گروها محسوب مي شدند. اين آشوب ، شرايطي در منطقه بوجود آورد كه چريك هاي فدايي خلق كه يك سازمان كمونيستي طرفدار شوروي بودند با تشكيل ستاد خلق تركمن دست به مصادره خودسرانه زمين ها و اموال در اين منطقه زدند .اين توطعه نيز با هوشمندي مردم منطقه و حضور نيروهاي انقلاب اسلامي خنثي شد . همزمان با اين آشوب گروهكي ديگر بنام خلق عرب در خوزستان و با حمايت برخي از كشورهاي عربي به خصوص عراق و با نيروهاي انقلابي اسلامي درگير و به جنگ برخاستند . در سيستان و بلوچستان نيز گروهكي بنام خلق بلوچ حركت هاي تجزيه طلبانه را شروع كردند. وجوه مشترك اين گروها ,اغلب ماهيت چپگرايی ، ماركسيستي و وابستگي هركدام به يك يا چند قدرت خارجي يا بين المللي و سوء استفاده از تفاوت هاي مذهبي وقومي و در جهت تفرقه اندازي و فتنه گري در ايران بود. باروي كار آمدن دولت موقت با نخست وزيري مهندس بازرگان، اميد آمريكا براي حفظ منافع خود درمنطقه خاورميانه افزايش يافت بطوريكه اين دولت خط مشي ليبرال داشت و در عين حال به علت وجود فضاي انقلابي در كشور و برداشته شدن حصارهاي آهني مردم و بخصوص جوانان سياسي كه خواستار برخورد انقلابي با موانع بودند در نتيجه، انرژي زيادي وارد فضاي كشور شد ودر اين ميان تنها در يك روز پس از پيروزي انقلاب اسلامي در ايران چند تن از فرماندهان ارتش و ساواك به جوخه اعدام سپرده شدند و موج بازداشت های رجال ومقامات وابسته به رژيم شاهي سابق شروع شد و سه روز بعد در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۷چريك هاي فدايي خلق به سفارت آمريكا درتهران يورش بردند ولي با پيگيري معاون نخست وزير " ابراهيم يزدي " مهاجمان با دخالت نيروي پليس از سفارت بيرون رانده شدند. با وجود اين جريان مهندس بازرگان در دواقدام جداگانه ای قرارداد ساخت دو نيروگاه اتمي در بوشهر رامنعقد كرد كه اين قرارداد مابين دولت ايران و شركت زيمنس آلمان بود و بعد از آن قرارداد خريد اسلحه به ارزش ۹

ميليارد دلاراز آمريكا را بصورت يكجا لغو كرد .در مهر ماه ۱۳۵۸ حال شاه مخلوع ايران در اثر بيماري سرطان وخيم شد ودولت آمريكا از دولت موقت ايران خواست كه در مورد سفر شاه به امريكا عملا سكوت كند . ولي مهندس بازرگان و ابراهيم يزدي مخفيانه با برژنسكي در حاشيه اجلاس سازمان ملل ديدار كردند تا بر سر موضوع شاه و نيز دارايي هاي بلوك شده ايران در آمريكا مذاكره كننند.به دليل ملاقات محرمانه مهندس بازرگان با برژنسكي مشاور امنيت ملي كارتر كه از عوامل مستقيم كشتار مردم ايران در زمان شاه بود مورد اعتراض شديد گروههاي سياسي و انقلابيون واقع گرديد و نيز بعلت نگراني هاي مداخله جويانه سفارت آمريكا در تهران موجب شد تا در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ سفارت آمريكا در تهران توسط گروهي از دانشجويان خشميگين وانقلابي كه بعد ها به پيروان خط امام معروف شدند ، تسخير گرديد و اعضاي سفارت آمريكا نيز به گروگان گرفته شدند . انتخاب تسخير سفارت آمريكا در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بدليل اين بود كه سالروز تبعيد آيت الله خميني در سال ۱۳۴۳ از ايران به تركيه بود. (ازجمله دانشجويان سياسي و خط امامي كه در تسخير سفارت آمريكا كه بعدا به لانه جاسوسي معروف گرديد بايد به محموداحمدي نژاد اشاره كرد كه در سال ۱۳۸۴ به رياست جمهوري رسيد ولي تعدادي از اين دانشجويان خظ امام وارد بدنه سپاه پاسداران شدند و تعدادي نيز در زمان جنگ تحميلي ايران وعراق راه جبهه را در پيش گرفتند و شهيد شدند وعده كمي از آنها ازجمله آقايان مهندس دادمان ومهندس بيطرف كه درمقام وزيري در وزارت راه و نيرو خدمت كردند وهمچنين خانم ابتكاركه در سمت سرپرست سازمان محيط زيست در دولت آقاي خاتمي در بدنه دولت قرارگرفتند ولي آقاي كمال تبريزي كه فارغ التحصيل دانشكده هنر و كارگرداني بود بعدها در زمينه كارگرداني فعاليت كرد).

درطي ۴۴۴ روز بازداشت كارمندان و ديپلمات هاي سفارت آمريكا موجب شد كه كارتر رئيس جمهور وقت آمريكا همه گزينه ها را از تحريم اقتصادى تا تجاوز نظامي روي ميز كارخود قراردهد اما در نهايت همه گزينه ها باشكست روبرو شد و در اين صورت مهندس بازرگان مجبور شد كه از مقام خود استعفا دهد، بطوريكه آيت الله خميني نيز پس از قبول استعفاي وي اداره كشور را به شوراي انقلاب اسلامي سپرد. پس از استعفاي مهندس بازرگان در اولين دوره رياست جمهوري در بهمن ۱۳۵۸ ابوالحسن بني صدر به عنوان اولين رييس جمهور ايران انتخاب گرديد كه در آن زمان آيت الله خميني بدليل بيماري قلبي در بيمارستان بستري بودند بطوريكه حكم رياست جمهوري ايشان را در حضور اعضاي شوراي انقلاب اسلامي و مقامات ديگر كشور و پس ازسوگند وفاداري بني صدر به قانون اساسي تنفيذ كرد و مقام نيابت فرمانداري كل قوا را به بني صدر واگذار كرد. پس از پيروزي انقلاب اسلامي با پيشنهاد آيت الله بهشتي براي سازمان دهي تشكيلات و همبستگي هاى ملي، حزب جمهوري

اسلامي تاسيس شد كه اعضاي اين حزب سرپرستي بعضي از حياتي ترين نهاد هاي كشور را به دست گرفتند و از همان ابتدا مورد دشمنی و مخالفت نيروهاي معارض وانقلاب اسلامي قرارگرفتند . بني صدر درهمان سال روزنامه انقلاب اسلامي را تاسيس و منتشر كرد بطوريكه جمعي را در اطراف خود گرد آورده بود و از همان اول به ضد يت آشكار با اين حزب جمهوري اسلامي پرداخت. بعدا اين مخالفت ها وارد مرحله جديدي شد زيرا در اسفند سال ۱۳۵۸ انتخابات مجلس شوراي اسلامي برگزارگرديد و حزب جمهوري اسلامي و نيروهاي طرفدار آيت الله خميني و انقلاب اسلامي توانستند اكثريت قاطع كرسي هاي مجلس را بدست آورند و درنتيجه مواضع قدرت ميان دوگروه تقسيم شد و رقابت آشكار آنان در جريان انتخاب نخست وزير واعضاي كابينه همراه با كشمكش بود.ريشه اصلي اختلافات نيز مسايلي بود كه نيروهاي اصولگرا و انقلابي با ليبرالها داشتند . بنابراين جريان هاي سياسي به دوجناح كلي تقسيم شده بود بطوريكه نيروهاي مخالف اين جريان شامل جناح ليبرالها ونيروهاي چپگرا به تدريج با حمايت بني صدر شروع به فعاليت و جوسازي و اخلال در كشور كردند در اين ميان رسانه هاي تبليغاتي غربي نيز با ايجاد جو تبليغاتي مسموم از بني صدر حمايت كردند. در اين موقع بني صدر و گروههاي طرفداراو براي تحميل كردن فرد مورد نظر خود به مجلس اقدام به جو سازي گسترده كردند ولي بدليل ايستادگي نمايندگان مجلس سرانجام بني صدر مجبور شد محمد علي رجايي را كه مورد اعتماد مجلس هم بود معرفي كند و با راي قاطع نمايندگان محمد علي رجايي نخست وزير گشت.در اين دوره بحران زده ، اكثر دانشگاهها محل مجادلات ودرگيري هاي سياسي شده بود زيرا گروه هاي دانشجويي سياسي و انقلابي كلاس هاي درس را در دانشگاه ها و حتي دبيرستان ها را به دفترهاي گروهي خود تبديل كرده بودند و نيز در كلاس هاي درس اسلحه و لوازم و تجهيزات نظامي نگهداشته بودند كه به همين دليل در ارديبهشت سال ۱۳۵۹ شوراي انقلاب اسلامي به پيشنهاد دانشجويان مسلمان دانشگاه ها را تعطيل كرد. در ۳۱ شهريور ۱۳۵۹ توطعه سنگين تر از اختلافات داخلي يعني جنگ تحميلي با حمله عراق به ايران شروع شد .در حالي كه مردم به زندگي عادي خود مشغول بودند يكباره هواپيماهاي نظامي ارتش بعثي عراق در آسمان چند شهر ايران از جمله تهران ظاهر شدند وبه بمباران مناطقي ازشهر ها وبخصوص فرودگاه هاي مراكز استان ها پرداختند . بدين ترتيب جنگ عراق بر عليه ايران بطور رسمي شروع گرديد . طولي نكشيد كه نيروهاي زميني عراق نيز مرزهاي غربي و جنوبي ايران رامورد حمله همه جانبه نظامي قرار دادند و اين دربرهه زماني بود كه مردم و مسئولان ايران بدليل اختلافات داخلي پس از انقلاب اسلامی براي مواجهه با لشگر كشي عراق از آمادگي كافي برخوردار نبودند.ارتش صدام حسين رئيس جمهور وقت عراق پس از عبور از

مرز هاي بين المللي و تجاوز به خاك ايران به پيشروي تا عمق ۶۰ كيلومترى و با حمله به شهرها و روستا هاي مناطق جنوب وغرب و بي دفاع ايران نشان داد كه هدف اصلي او حل اختلافات مرزي نيست بلكه از سوي همه دشمنان ايران ماموريت يافته است تا انقلاب اسلامي را به زانو در بياورد براين اساس حمله با توپخانه ، موشك و هواپيما به شهر ها و روستا هاي بي دفاع از همان ابتدا در دستور كار خود قرار داد و فجايع انساني بسياري را در سايه سكوت محافل بين المللي به وجود آورد. ولي با اين حال آيت الله خميني با صدور اعلاميه اي تكليف دفاع مقدس همگان را در برابر تجاوز دشمنان روشن ساخت. با توجه به اينكه با وقوع انقلاب اسلامي درايران و تضعيف ارتش و نيرو هاي مسلح و بروز بحران هاي داخلي ، رژيم بعثي عراق تصور مي كرد كه زمينه خوبي براي تجاوز به ايران فراهم شده است و بدليل وقوع انقلاب اسلامي كشور ما آمادگي رويارويي با جنگ خارجي را ندارد به همين دليل سردمداران رژيم بعثي عراق گمان مي كردند با حمله همه جانبه به ايران مي توانند در كمترين زمان ممكن به اهداف از پيش تعين شده خود برسند. وقتي اختلافات داخلي كشور به مرحله اي رسيد كه امكان اصلاح ديگر باقي نمانده بود دراينصورت آيت الله خميني در بيستم خرداد ۱۳۶۰ طي حكمي بني صدر را از فرماندهي كل قوا عزل كرد ونيزبه دليل كجروي وعدم احساس مسوليت بني صدر در شرايط حساس و خطير كشور، مجلس نيز با اكثريت آرا به عدم صلاحيت بني صدر راي داد. بني صدر پس از مدتي كوتاه از طريق هوايي به خارج از ايران فرار كرد . در اين مقطع زماني ترورهاي شخصيت هاي طراز اول كشور شروع شد واين ترورها ي فيزيكي در دو مرحله انجام گرديد . در مرحله اول در اوايل ارديبهشت سال ۱۳۵۸ تيمسار قرني اولين رئيس ستاد مشترك ارتش جمهوري اسلامي به شهادت رسيد و بعد در ۱۲ ارديبهشت همان سال رئيس شوراي انقلاب اسلامى آيت الله مرتضي مطهري به شهادت رسيد . استاد مطهري از معماران فكري و فرهنگي انقلاب اسلامي بود. مدتي بعد آيت الله قاضي طباطبايي در تبريز و در آذر ماه همان سال دكنر محمد مفتح استاد دانشگاه الهيات تهران ويكي ديگر از علماي برجسته انقلابي به شهادت رسيدند. اين ترورها توسط گروه فرقان انجام مي گرفت كه بادستگيري اعضاي اصلي گروه فرقان در دي ماه ۱۳۵۸ اين مرحله از ترورها خاتمه يافت.مرحله دوم ترور ها كه ابعاد وسيع تري داشت و بسياري از ترورها توسط سازمان مجاهدين خلق انجام گرفت كه در فاصله كوتاهي عده اي از برجسته ترين شخصيت هاي كشوري به شهادت رسيدند بطوريكه پس از عزل بني صدر از رياست جمهوري آغاز شد.(اضافه كنم كه اعضاي سازمان مجاهدين خلق در پادگاني بنام اشرف در عراق اسكان يافته بودند واز حمايت هاي مالي و تجهيزات و تسليحات نظامي از طرف دولت صدام حسين رئيس جمهور وقت عراق برخوردار بودند) و اولين اقدام آنان در ششم تير ماه ۱۳۶۰

متوجه آيت الله سيد علي خامنه اي شد و او به شدت مجروح گرديد .& روز بعد در هفتم تير ماه همان سال بر اثر انفجار بمب در محل دفتر حزب جمهوري اسلامي كه بيش از هفتاد نفر از نمايندگان مجلس , وزيران و دولتمردان انقلاب اسلامي كه در تدوين قانون اساسي و هدايت انقلاب نقش موثري داشتند به شهادت رسيدند.در اين مقطع زماني دكتر بهشتي رئيس ديوان عالي كشور در راس قرار داشت كه اين اقدام به تنهايي مي توانست نظام جمهوری اسلامي را به سقوط بكشاند اما قدرت رهبري و نقش برجسته مردم انقلابی دو عامل اصلي حفظ نظام در گرداب اين حادثه وحشتناك بود .از آن پس در پي هرترور ,ترور ديگري انجام مي شد با وجود اين اقدامات تروريستي مردم و مسئولان حكومت با صبر و استواري و شجاعت حضور خود را در صحنه ادامه دادند وبه دنبال بمب گذاري در محل تشكيل هيات دولت در هشتم شهريور ۱۳۶۰ آقايان محمد علي رجايي رئيس جمهور ودكتر باهنر نخست وزير وقت به شهادت رسيدند. در اين زمان بني صدر كه در خارج از كشوراقامت داشت از پرسنل ارتش ايران خواست تا به افسران فراري در خارج از كشور بپيوندد . ترورها ي پي در پي گروه منافقين تنها شخصيت هاي بلند پايه كشور را دربر نمي گرفت بلكه آنان در طي يك ماه فقط ۳۷۰ نفر از زن ومرد و حتي كودك را مورد حملات خود قرار دادند . تروريست هاي منافقين حتي درمساجد ومراكزديني و مصلا ي نماز جمعه به انفجار بمب و ترور ائمه جمعه اقدام مي كردند كه يكي از اين بمب گذاري ها در حرم امام رضا (ع) در مشهد اتفاق افتاده بود كه عده زيادي از زوار در اين حادثه به شهادت رسيدند . در اين ترورها شهداي محراب آيت الله دستغيب در شيراز ، آيت الله مدني در تبريز ، آيت الله صدوقي در يزد،آيت الله اشرفي اصفهاني دركرمانشاه و حجت الاسلام هاشمي نژاد در مشهد از اين جمله فقها بودند. ترورها ی مذكور توسط منافقين و تهاجمات نظامي زماني اجرا شد كه ارتش عراق درمنطقه جنوب ايران وارد حمله نظامي شده بود وبه شهرهاي جنوبي استان خوزستان تجاوزكرده و آبادان و خرمشهر را به تصرف خود در آورده بودند و با حملات پي در پي مدام اقدام به كشتار عده اي ازمردم بيگناه كرده و يا اينكه مردم از شهر هاي خودآواره گشته بودند. در يك جمع بندي دشمنان انقلاب اسلامي با حمايت آمريكا براي سقوط كشاندن انقلاب اسلامي چنين تزورها و با اهداف زير انجام مي پذيرفت :۱- تقويت و تشويق گروهك هاي ضد انقلاب براي آشفته و بحراني كردن جو سياسي و اجتماعي ۲- بوجود آوردن آشوب هاي استاني در قالب حركات قومي ۳- ايجاد اختلاف در اركان اصلي نظام ۴ - ترور شخصيت هاي برجسته انقلاب ۵- جو سازي و ايجاد جنگ داخلي و رواني و ايجاد وحشت بين مردم ۶- حمله نظامي امريكا به ايران . در اين مقطع زمانی سران آمريكا پس از تسخير سفارت آمريكا در تهران و براي رهايي از اين بحران تصميم گرفتند به بهانه نجات گروگان ها به

عمليات تلافي جويانه اي دست بزنند, اين عمليات كه با ۹۰ كماندوي آمريكايي و با هشت چرخبال نيروي دريايي و شش هواپيما انجام شد بصورتيكه از ماه ها پيش در امريكا طراحي شده و پس از آزمايشات طولاني به اجرا درآمده بود . درموقع اجراي اين عمليات با پيش بيني هواشناسي آمريكا درشب عمليات هواي كوير ايران مهتابي بود و مهاجمان وارد حريم هوايي ايران شدند و در كوير طبس در تاريكي شب فرود آمدند و طبق برنامه چرخبال ها و هواپيماها براي اجراي مرحله بعدي عمليات اقدام به سوخت گيري كردند ولی يكي از چرخبالها دچار نقص فني شد و فرمانده تيم آمریکایی تصميم گرفت وضعيت را به كاخ سفيد آمريكا گزارش دهد اما زمان كافي نبود زيرا توفان شن شروع شد و آنها را دچار حيرت كرده بود بطوريكه در اثر برخورد يك هواپيما با يك چرخبال هر دو منهدم شدند و هشت تن از متجاوزان آمریکایی در آتش سوختند و سايرين فورا منطقه را ترك كردند .تااينكه خرمشهر درسوم خرداد سال ۱۳۶۱ بدست نيرو هاي بسيج مردمي از اشغال ارتش عراق آزاد شد . در طول جنگ تحميلي هشت ساله ايران و عراق بجز نيروهاي زميني و هوايي و دريايي ارتش , نيروهاي سپاه پاسداران و نيزنيروهاي خود جوش بسيج در دفاع مقدس نقش موثري داشتند ودر طول اين هشت سال جنگ تحميلي عراق ، تعداد زيادي از زنان بسيجي نيز در مساجد جهت جمع آوري ملزومات و مايحتاج سربازان ويا درپشت جبهه هاي جنگ در بيمارستانهاي صحرايي خدمت مي كردند . همچنين از تمام ادارات دولتي نيروهاي بسيجي و حتي دانشجويان و دانش آموزان مدارس كليه استانها در اين جنگ تحميلي به نحوي خدمات دفاع از سرزمين انجام داده و همچنين بازاريان و اهل كسبه هر روز مقادير زيادي از اجناس مايحتاج مربوط به تغذيه رزمندگان را تامين مي كردند و تعدادي از مردم و ادارات و كارخانه ها هم بصورت نقدي كمك هاي مالي خودرا به ستاد هاي جمع آوري تقديم مي كردند . در سالهاي بعد از ۱۳۶۱ و پس از آزاد سازي آبادان و خرمشهر جنگ در مرز هاي دريايي و زميني و هوايي ادامه داشت و مرتبا تعدادي از رزمندگان ونیروهای ارتشی نيز از هر دو طرف اسير جنگي شده و به اردوگاههاي اسراي جنگي منتقل شدند و تا سال ۱۳۶۷ جنگ فرسايشي ادامه يافت .

از موارد خاص اوضاع نظامي وسياسي ايران در دهه ٦٠ و از بارزترين عمليات جنگي كه عليه عراق در يازدهم شهريور سال ١٣٦٥ رخ داد مى توان به عمليات معروف كربلاي ٣ اشاره كردبطوريكه ايده انجام عمليات نظامي دراين دوره توسط فرماندهان نيروي زميني سپاه پاسداران وپس از عدم موفقيت عمليات جنگي ولفجر مقدماتي و براي دفاع از تعرض منافع عراق در خليج فارس طراحي شد بود.اين امرموجب شد كه فرماندهان لشكر ها و تيپ ها به آموزش يگانهاي خود جهت

عمليات در دريا بپردازند به همين منظور انجام عمليات نظامی , طراحي حمله به اسكله العميه عراق در خليج فارس تصويب و اجراي اين ماموريت به عهده نيروي دريايي سپاه پاسداران واگذار شد . يكي از يگان هاي با تجربه سپاه از لشگر ۱۴ امام حسين (ع) براي انجام اين عمليات مامور گرديد و در سا عت ۱و۳۰ دقيقه بامداد روز سه شنبه يازدهم شهريور ۱۳۶۵و با رمز مقدس آغاز شد ،اهداف اصلي اين عمليات تصرف و انهدام دو اسكله العميه و البكر عراق بود ودر كنار اين هدف اصلي اهداف ديگري ازجمله تسلط به سكوهاي مذكورعراق قبل از جنگ و تكميل عمليات ولفجر هشت با ساقط كردن مهمترين پايگاه دريايي دشمن و كوتاه كردن دست دشمن از شمال خليج فارس و ايجاد فضاى امن و منطقه سالم دريايي براي كشتيراني و اجراي يك عمليات دريايي و نشان دادن حضور مقتدرانه نيروي دريايي سپاه در خليج فارس بود و اين دو اسكله عراقی از عمده ترين محل هاي صدور نفت عراق بودند كه كشتي هاي بزرگ با پهلو گرفتن در كنار اين اسكله ها بارگيري مي كردند و به دليل موقعيت جغرافيايي خاص اين دو اسكله عراقی تقريبا يك سوم ميزان نفت عراق از اين منطقه صادر مي شد . لازم است بدانيد كه ايران در دوران جنگ تحميلي و به علت محدود بودن توليدات نفتي امكان صادرات نفت به شدت كم شده بود. ارزش سياسي عمليات كربلاي ۳ اين بود كه تصرف اين دو اسكله تسلط بر شمال خليج فارس را بدنبال داشت و نيز اين عمليات همزمان با تشكيل كنفرانس سران غير متعهد ها در حراره بود ، بنابراين قبل ازاينكه اين عمليات را نظامي نامگذاري كنيم بايد به عنوان يك عمليات سياسي ونظامي قلمداد كرد.دراين هنگام صدام حسين (رئيس جمهور وقت عراق) وقتي بامقاومت مردم ايران روبرو شد و پيروزي هاي ايران در جبهه هاي جنگ روزبه روز اورا نگرانتر ساخت به جنايت هاي تازه اي دست زد . او شهرهاي بي دفاع ايران را مورد حمله موشكي قرار داد و اين حمله موشكي به شهر ها با هدف شكستن روحيه مقاومت مردم ايران شروع شد . برخورد اولين موشك دشمن به تهران در نهم اسفند ۱۳۶۶ به منزله شروع مرحله جديدي از حملات نيروهاي صدام حسين به مردم بي دفاع واماكن غير نظامي ايران بود در گزارشي آمده كه در اين حملات موشكی شهر دزفول در استان خوزستان بيش از ۲۰۰ بار مورد اصابت موشك هاي غول پيكرعراق قرار گرفت وعلاوه بر اين حملات موشكي ، دزفول بيش از ۵۰۰ بار توسط هواپيما ها ، راكت و توپخانه دشمن بمباران شد ، با وجود اين مردم دزفول دليرانه در برابر تجاوزات عراق ايستادگي كردند و علاوه بر مردم استان خوزستان ، مردم استان هاي مرزي ايلام ، كرمانشاه ، كردستان ، آذربايجان شرقي وغربي هم مورد تهاجم موشكي و بمباران هوايي قرار گرفتند كه در طول هشت سال دفاع مقدس مردم اين استان ها با رشادت و ايثاراز خاك ميهن اسلامي حفاظت كردند . علاوه بر اين ، رژيم بعثي عراق در جنگ رواني با

شایعه استفاده از سلاح هاي شيميايي در شهرهاي بزرگ ايران سعي مي كرد تا هسته مركزي دفاعي و قدرت جمهوري اسلامي ايران را كاهش دهد . ارتش عراق در طول مدت جنگ شهرها از موشك هاي دور برد جهت تخريب بسياري از شهرهاي ايران بكار برد و نيز استفاده از گازهاي شيميايي درجبهه هاي جنگ را درپيش گرفت . در اين هنگام ، آمريكا رسما به كمك نيروهاي صدام حسين آمد واعزام واستقرار ناوگان جنگي به خليج فارس و هدف قراردادن هواپيماي مسافربري ايران در تير ماه سال ۱۳۶۷ از جمله اقدامات ناجوانمردانه دولت آمريكا بود. درعرصه سياسي و بين المللي ، وزارت امور خارجه جمهوري اسلامي ايران با اقدام هاي روشنفكرانه خود به تدريج متجاوز بودن دولت حاكم برعراق را به دنيا ثابت كرد و در تير ماه سال ۱۳۶۷ در قطعنامه اي بنام ۵۹۸ سازمان ملل متحد وبراي اولين بار وپس از ۷سال از شروع جنگ تحميلی دو خواسته ايران " عقب نشيني به مرزهاي بين المللي پس از آتش بس و تعيين متجاوز جنگی" مورد توجه سازمان ملل متحد قرارگرفت و در نتيجه ايران اين قطعنامه را پذيرفت و مذاكرات ايران و عراق بين وزراي خارجه دو كشور شروع شد و حدود ۲ سال به درازا كشيد و سرانجام در پي ايستادگي هيات مذاكره كننده ايراني در حفظ حقوق ايران در اروند رود و پافشاري بر اجراي قرارداد مرزي سال ۱۹۷۵، مذاكرات با پيروزي ايران به پايان رسيد . درآن زمان رييس جمهور وقت عراق با ارسال نامه اي به رئيس جمهور ايران , به اعتبار قرارداد سال ۱۹۷۵(الجزاير) صحه گذاشت و خط تالوگ در اروند رود به عنوان مرز آبي دو كشور تثبيت شد ، سپس از مرداد ماه ۱۳۶۷ مبادله اسراي جنگي هر دو كشور با توجه به مفاد قطعنامه ۵۹۸ شروع و تا مدت دو تا سه سال به درازا كشيد. لازم است بدانيد كه در همان سال نیروی دریایی آمریکا كه در آب های خليج فارس مسقر بود و مشغول ماموريت حفاظت نظامی منطقه بود ناگهان با دستور فرمانده نیروی دریایی آمریکا بسمت هواپیمای مسافربری ایران که از بندرعباس عازم دوبی بود موشکی شلیک می شود و هواپیمای مسافربری شرکت هواپمایی ایران ایر، همراه با تمام خدمه ومسافرانش متلاشی وبه خلیج فارس سقوط می کند ومنجر به مرگ کلیه افراد خدمه ومسافرین ایران ایر می گردد . در این زمان دوباره مردم ايران در تمام شهرهای بزرگ ایران این اقدام نظامی خود سرانه ضد انسانیت آمریکا را در آن وقت كه ريگان رئيس جمهور آمريكا بود با راه پيمايی و شعار های كوبنده محكوم كردند . در اين ميان روح بزرگ بنيانگذارجمهوري اسلامي ايران حضرت امام خميني در شب چهاردهم خردادماه سال ۱۳۶۸ به ملكوت اعلا پيوست . امام خميني با رحلت خود انقلاب ديگري برپا كرد وميليون ها نفربا دل بيقرار برپيكر او گرد آمدند و چند ميليون نفر هم در سراسر جهان در غم او عزادارشدند . بلافاصله پس از عروج ملكوتي بنيانگذار جمهوري اسلامي ايران مجلس خبرگان رهبري تشكيل جلسه داد و به

اتفاق آراء آيت الله سيد علي خامنه اي را بدليل داشتن شرايط ويژگي هاي مندرج در اصل يكصد و نهم قانون اساسي جمهوري اسلامي و بينش صحيح سياسي و اجتماعي ، فرهنگي ، درايت ، تدبير ، شجاعت و توانمندي مديريتي لازم براي هدايت امت اسلام به مقام رهبري برگزيد . آيت الله سيد علي خامنه اي در اولين پيام خود اعلام نمودند كه هدف و راه امام خميني را به دقت دنبال خواهيم كرد و به ترتيب مردم ايران كه به رهبري امام ، انقلاب اسلامي را تشكيل داده وبا همه وجود از آن حراست كرده بودند پس از رحلت امام خميني با بيعت با آيت الله خامنه اي براستمرار و ادامه آن عملا تاكيد كردند.

اوضاع دوران جنگ تحميلی

پس ازانهدام احزاب و تشكيلات گروههاي اخلال گردر سال ۱۳۶۲ و با فرار اين گروهك هاي منافقين به خارج از كشور، انتخابات رياست جمهوري دوباره در سال ۱۳۶۳ برگزار گرديد و رياست دولت را آيت الله سيد علي خامنه اي به عهده گرفت و همچنين رياست مجلس شوراي اسلامي نيز به عهده آيت الله هاشمي رفسنجاني بود و همچنان جنگ تحميلي ايران وعراق در جبهه هاي غربي و جنوب ايران به شدت ادامه داشت وكشور از لحاظ اقتصادي تا حدود زيادي با ركود توليدات صنعتي و مواد خوراكي مواجه بود بطوريكه پس از انقلاب اسلامي بيشتر كارخانه های توليدي و صنعتي خصوصي پس از مصادره از طرف شوراي انقلاب اسلامي به دست بنياد مستضعفان افتاده بود بدليل اينكه صاحبان اكثرشركت های توليدي وصنعتي بزرگ ومتوسط به خارج از ايران مهاجرت كرده بودند و تمام مديران شركت های توليدی خصوصي نيز ازمديران دولتي انتخاب شده بود و ميزان توليدات و محصولات در آن زمان خيلي محدود بوده و تنها صنايع مهمي از جمله شركتهای توليدی سيمان جهت استفاده در جبهه هاي جنگ ومقدار كمي نيروگاه ها و پالايشگاه ها جهت نياز مردم به برق و سوخت كشور به مقدار محدودي توليد داشتند .البته از اواخر سال ۱۳۶۳و طي سالهاي اين دهه تا ۱۳۶۸ مدام كمبود و قطعي برق در كشور وجود داشت . ديگر اينكه همچنين اغلب سرمايه داران و ثروتمندان و صاحبان صنايع بزرگ كه عقايد غيرمذهبي داشتند از بيشتر شهرها ي ايران با ديدن اوضاع و شرايط جنگي و شرايط نابسامان ميزان توليدات محصول كه عدم امكان فعاليت اقتصادي شان را شاهد بودند به خارج از ايران مهاجرت كرده بودند ويا در حال مهاجرت بودند، ازاوايل دهه ۶۰ ونيز در زمان جنگ تحميلي اغلب خوانندگان وموسيقي دانان كشور نيز بدليل نداشتن فرصت فعاليت هنري خود در ايران به كشورهاي اروپايي و يا آمريكا مهاجرت كرده بودند ، چون مطابق قوانين شوراي اسلامي فعاليت اينگونه مشاغل هنري ممنوع بود ،بيشتر سالهاي دهه ۶۰ ايران از لحاظ سياسي و اقتصادي و فرهنگي روز گار پر تنشي داشت و بي امان وگاه گاهي با بمباران شهرهاي كشور همراه بود ولي با اوضاع اقتصادي بسته كه امكان هيچ گونه فعاليت اقتصادي در بخش خصوصي ازجمله واردات و صادرات كالا وجود نداشت و تنها وزارت بازرگاني ونهاد جهاد كشاورزي مجوز واردات محدود كالا هاي اساسي خوراكي و كوپني و مايحتاج مردم را داشتند كه توزيع مواد خوركي وارداتي توسط مراكز توزيع دولتي صورت مي گرفت.



سال ۱۳۶۳ سمت چپ آیت الله سید علی خامنه ای رییس دولت و سمت راست آیت الله هاشمی رفسنجانی رییس مجلس شورای اسلامی

فصل پنجم

سیاست های داخلی وخارجی پس از خاتمه جنگ تحمیلی

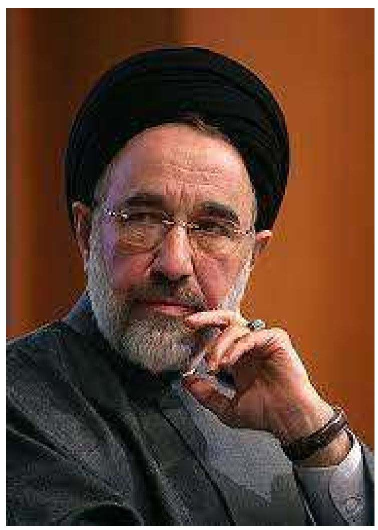
ابعاد اقتصادي ايران در دوران قبل از انقلاب كه وابسته به صادرات تك محصولي نفت خام بود بطوريكه بر مبناي فروش مهار گسيخته نفت ودر چارچوب معيار هاي توسعه غربي و بدون در نظرگرفتن زمينه هاي تاريخي و فرهنگي و اجتماعي اين كشور استوار بود در نتيجه به كارگيري چنين سياستي بجاي فعاليت هاي زيربنايي و عمراني و توجه به توليد و صادرات غير نفتي سرمايه كشور عمدتا صرف برنامه هاي غير بنيادي و غير مولد مي شد . با وجود مشكلات بيشمار اقتصادي بازمانده از دوران قبل از انقلاب و نيز معضل هاي اقتصادي بزرگ ناشي از جنگ تحميلي و كارشكني ها و تحريم هاي اقتصادي ، انقلاب اسلامی توانست از شروع پيروزي انقلاب توليد بيشتر كالا هاي مورد نياز كشوررا در داخل و حتي صدور بعضي از آن ها به خارج از كشور نايل آيد. لازم است در خصوص ابعاد علمي و فنآوري هاي نوين فني مروري داشته باشيم . يكي ديگر از كوشش هاي موثر در دوران پس از انقلاب اسلامي توسعه روزافزون صنايع سنگين و اقدام هاي بنيادي وزيربنايي در اين زمينه است ، توسعه روزافزون در صنايع دفاعي ، نفت، پتروشيميايي، ذوب آهن ، فولاد، توليد برق و نيز ساخت سد هاي بزرگ و گسترش ويا نوسازي راه هاي كشوردراين دوران نقشي مهم در رشد و شكوفايي ساير بخش هاي اقتصادي كشور دارد . ناگفته نماند كه در اوايل دوره رياست جمهوري آقاي هاشمي رفسنجاني روابط ميان ايران و آمريكا در قالب استراتژي كلي ايشان كه در سال ۱۳۶۸ مطرح بود، براسا س اين استراتژي بطوريكه آقاي رفسنجاني در همان سال تاكيد كرده بودند سايست خارجي ايران مبني بر دشمن تراشي نيست و در عمل نيز ديده شد كه سرمايه گذاري خارجي در ايران افزايش يافت ولي روابط ايران وآمريكا به دنبال حوادث تسخير سفارت امريكا و نيز كمك هاي مالي امريكا به رژيم عراق در دوره دولت آقاي هاشمي نيز سرد بود و همچنين در همان دوره در مقطع زماني كه حمله آمريكا به عراق براي آزاد سازي كويت سر وصدا هايي از داخل ايران براي ياري رساني به صدام حسين شنيده مي شد وحتي مجلس دوره سوم نيز به صراحت از لزوم اين مسئله سخن مي گفت اما در مجموع نگرش دولت ورهبر انقلاب متفاوت بود بطوريكه از سوي ايران در مورد اين موضوع اعلام بي طرفي صورت گرفت . و در آن زمان سياست خارجي دولت آقاي هاشمي رفسنجاني در قبال آمريكا بدين

روش بود که ایران براي کاهش مخاطرات ناشي از سیاست دوجانبه سعي کرده بود که روابط بازرگـاني خود را با غرب بهبود بخشد و قراردادهاي پر سود نفتي را با شرکت هاي آمریکایي منعقد کرده بود بـه بصوریکه تا سال ۱۳۷۳ دولت آمریکا خود به پنجمین صـادر کننـده کـالا بـه ایـران و شـرکت هـاي نفتـي امریکایي نیزبه سومین وارد کننده و خریداران اصلي نفت خـام ایـران تبـدیل شـده بودنـد. امـا ایـن رفتـار دوگانه آمریکا که موجب ارتقـاي موفقیـت آمیزآمریکـا بـه صـادر کننـده عمـده کـالا بـه ایـران شـده بـود . اعتراض رهبران کشورهاي اروپایي را برانگیخت و بدین ترتیب این اعتراضات اروپایي سـبب شـد کـه ریس جمهور وقت آمریکا کلینکتون در بهار ۱۹۹۵ بطور رسمي دست از این سیاست برداشت و سیاسـت تحریم همه جانبه بازرگاني ایران را دنبال کرد تا اینکه تاکید بر ضـرورت تحـریم اقتصـادي و بازرگـاني ایران همزمان گردید. ناگفته نماند که جهت گسترش علوم و فرهنگ و نیز توسعه دانشگاه هاي ایران بـه دستور رئیس جمهوروقت، دانشگاه آزاد اسلامي ابتدا در تهران و بعدا درتمام شهرستانها و درتمام رشته هاي فني و پزشکي وعلوم انساني و در مقاطع کارداني و کارشناسي در دوره زمامداري آقاي رفسـنجاني تاسیس شد. از سال ۱۳۶۸ تـا سـال ۱۳۷۶ کـه همزمـان بـا دو دوره اول و دوم ریاسـت جمهـوري آقـاي هاشمي رفسنجاني بود، ایران از لحاظ سیاسي در وضعیت صلح با عراق قرار داشـت وروابـط سیاسـي و اقتصادي ایران بجز دولت هاي آمریکا و اسراییل با اغلب کشورهاي اروپایي و آسیایي تقریبا خوب بـوده است. ودراین دوره از مرداد ماه سال ۱۳۶۹ اسراي جنگي طرفین ایران وعراق به تدریج رد و بدل مي- شد و نیزپس از شناسایي اسراي ایرانـي از سوي کمیته صلح سازمان ملل متحد پس از هشت سال جنـگ تحمیلی آزاد شده وبه تدریج به ایران بازمي گشتند و در ضـمن بـا قـرارداد معـروف ۵۶۸ دولـت عـراق مقصرآغازگر جنگ تحمیلي شناخته شد ومي بایست غرامت جنگي به ایران مي پرداخـت . در ایـن میـان نماینده سازمان امنیت ایران با تلاش زیاد جهت محکوم کردن صدام حسین درجهان اقدامات وسیعي انجام داد و سرانجام صدام حسین رئیس جمهور وقت عراق پس از مخفي شدن در غاري در شهر تکریت (محل تولدش) درعراق توسط خود عراقیها پیدا شد و پس از دستگیري بجرم اقدام به جنایات جنگـي از طـرف دادگاه بین المللي لاهه محکوم به اعدام گردید و سپس وي در ملا عام اعدام گردید . اما در ایران با توجه به تخریب بیشتر شهرها دردوره جنگ تحمیلی بخصوص شـهرهاي غربـي وجنـوبي ایـران بخصـوص آبادان و خرمشهر و اهواز دولت وقت شروع به ساخت وساز در این مناطق کرد و در مدت حدود هشـت سال سازندگي در شهرهاي مذکور و همچنین نسبت به ساخت وسـاز پـروژه هـاي نفتـي و پتروشـیمایي و صنایع دفاع و صـنایع سیمان و نیزپـروژه هـاي نیروگـاهي بـا همکـاري و مشـاوره پیمانکـاران داخلـي و خارجي در ایران با شدت زیاد ادامه یافت وهمچنین نیروهاي سپاه پاسداران نسبت به پاك سازي منـاطق

جنگي از وجود مين گذاري شده مناطق جنگي توسط ارتش بعثي عراق در جنگ تحميلي اقدام کردنـد. در اواخرارديبهشت سال ۱۳۷۶ دوره رياست جمهوري آقاي رفسنجاني بـه اتمـام رسيد و دردوم خـرداد ۱۳۷۶ انتخابات دوره هفتم رياست جمهوری برگزار گرديد. دراين انتخابات رياست جمهوري آقاي سيد محمـد خـاتمي پيـروز گرديـد . نتـايج ايـن انتخابـات تكـان دهنـده و سرنوشـت سـاز بـود بطوريکـه از نظردرگيری و تقابل قدرت بين جناح های حاکميت يعنی اينکه يک جناح توانست رقيـب را بـا فاصـله ای خيره کننده مغلوب کند و از نظر مقايسه برنامه ها اينکه مردم برنامه های سياسی - فرهنگی و اقتصادی را او را می پسنديده اند لذا به صاحب آن برنامه ها رای دادنـد. برخـی علـت ايـن مشـارکت وسـيع و بـی سابقه را تبليغات حاکمان در دعوت به رای دهی می دانستند اما ايـن نمـی توانسـت علـت باشـد زيـرا اول اينکه در تمام انتخابات گذشته چه در انتخابات مجلس و چه در انتخابـات رياسـت جمهـوری تمـام اينگونـه تبليغات وجود داشت ، بطوريکه نسبت شرکت کنندگان را به دو برابر انتخابات دفعه قبل افـزايش داد. در واقع عامل و علت ايجاد کننده اين اقبال بی نظير و آن **" آری"** به يک جناح که در حقيقت **" نه"** قاطع و کوبنده به جناح انحصار طلب بود. بطوريکه توده عظيم شرکت کننده در رای گيری فاصله زياد با قريـب به سه برابر رای خاتمی نسبت به مجموع سه کانديدا و يک حاکميت چنان بود کـه ايـن انتخابـات را در زمره گزينش نامزد های انتخاباتی در رديف "همه پرسی" های تاريخی کشور و ملت قرار داد. در طـي دوره چهار ساله اول رياسـت جمهوري،آقـای خـاتمی نيزاقـدام بـه ادامـه سـاخت و توسـعه و راه انـدازي پروژه هاي مذكور نفتي و گازي وپتروشيمايي و نيروگاههای گازي و سيكل تركيبي و نيزصـنايع دفـاع و وصنايع فولاد و سلاير صنايع سبك و سنگين پرداخت و همچنين اقدام به ادامه اجـراي سـاخت نيروگـاه اتمي بوشهر و غني سازي اورانيم بدون سرو وصدا مبادرت کرد و مهمترين اقدام دولت آقاي سـيد محمـد خاتمي در روابط خارجي راه انـدازي فرهنـگ گفتگـوي تمـدن هـا بـود كـه بـا اسـتقبال بيشـتر كشـورهاي اروپايي و آمريكا و اتحاديه اروپا و ساير کشور های جهان روبروگرديد ، بطوريکه در اوايل دهه هفتـاد فدراسيون ورزش فوتبال كشور كه فعاليت خـود را شـروع كـرده بـود ، درتابسـتان سـال ۱۳۷۶و مقـارن بازمان بدست گرفتن زمام امور كشور توسط دولت آقاي خاتمي تيم ملي فوتبـال كشـورمان در مسـابقات فينال آسيايي براي اولين بار بر تيم ملي فوتبـال اسـتراليا پيـروز شـد و در آن زمـان مـردم كـل كشـور بـه خيابانها ريختند و اين پيروزي ملي را جشن گرفتند. در طی دهه هفتاد به علت رونـق گـرفتن واردات و صادرات نرخ برابـري ارز دلار در اوايـل دهـه هفتـاد در حـدود دسيصـد تومـان و در اواخـر دهـه هفتـاد حدودابه پانصد تومان رسيده بود و نيز صنايع گردشگري و توريسم خارجي فعاليـت خـود را شـروع وتـا اواخر دهه هفتاد در حال ادامه فعاليت بودند. اما از لحـاظ روابـط اقصـادي وسياسـي بـا روي كـار آمـدن

دولت سيد محمد خاتمي در دوم خرداد ۱۳۷۶ با توجه باينكه درسال ۱۳۷۵ وپيرو حكم دادگـاه ميكونـوس كـه برخـي از مسـئولان ايـران را درترورهـاي رسـتوران ميكونـوس مجـرم شـناخته شـده بـود و اكثـر كشورهاي اروپايي سفراي خود را از ايران بازگردانده بودند و روابط اقتصادي اتحاديه اروپا وغـرب و ايران وارد مرحله جديدي شده بود تااينكه از طرف مهاجراني معاون پارلماني وقت دولـت آقـاي هاشـمي رفسنجاني مقاله اي مبني بر مذاكره مستقيم با غـرب تهيـه و در روزنامـه اطلاعـات چـاپ شـد كـه اشـاره ميكند به پيشنهاد "مذاكره مستقيم ايران با آمريكا هيچ اشكالي ندارد " كه با بازتاب جنجالي گسترده اي در برداشت و مخالفت هاي جدي با آن شد و در نهايت با سخنان رهبر انقلاب اسلامي كه از شخصيت آقاي مهاجراني دفاع كرد قضيه به پايان رسيد ، ولي طرح" گفتگوي تمدن هـا " مربـوط بـه ايـده سـيد محمـد خاتمي در سازمان ملل كه با استقبال اكثر كشورهاي جهان مواجه شد تا حدودي زمينه سـاز شكسـتن يـخ هاي ديپلماسي ميان ايران و آمريكا گرديد ، اما ديري نپاييد كه متاسـفانه بـه دليـل مـاجراي ۱۱ سـپتامبر ۲۰۰۱ طرح گفتگوي تمدن ها تحت تاثير جريان و ايده صليبي جرج بوش رئيس جمهور وقت آمريكـا و جريان جمهوريخواهان آمريكا قرار گرفت و بخصوص اينكه آمريكا به منطقـه خلـيج فـارس لشـكر كشـي دريايي كرد , اما با وجود اينكه ايران همكاري هاي اقتصادى زيادي در افغانستان انجام داده بود باز هـم در محورشرارت هاي منطقه اي قرار گرفت و دولت خـاتمي خيلـي زود حـوادث ۱۱ سـپتامبر ۲۰۰۱ را محكوم كرد وبعد ارتش آمريكا پس از خروج نظاميان شوروي سابق از افغانستان وبـا همكـاري نـاتو بـه بهانه موارد سياسي حمله به افغانستان را شروع و سرزمين افغانستان را به اشـغال خـود درآورد . پـس از انتخاب سيد محمد خاتمي در سال ۱۳۷۶ به عنوان رئيس جمهور ايران، ريس جمهور وقت آمريكا بيل كلينتون انتخاب خاتمي را نشانه اميد دانست ولي در عين حال موضع قبلي خود را در قبال ايران تكـرار كرد كه روابط ميان ايران و آمريكا عادي و برقرار نخواهد شد مگراينكه ايران به گفته او تروريسـم را محكوم و مردود شمارد و به ابراز مخالفت و كار شكني هاي خود در قبال روند صلح خاور ميانـه خاتمـه دهد و تلاش هايش را در جهت دستيابي به سلاح هاي هسته اي متوقف كند , اما سيد محمد خـاتمي و مادلين البرايت (وزير خارجـه وقـت آمريكـا) در سـال ۱۹۹۸ سـخنان اميدواركننـده وگرمـي نسـبت بـه روابط با طـرف مقابـل ابـراز داشـتند ، در ايـن ميـان آقـاي سـيد محمـد خـاتمي در مصـاحبه اش بـا شـبكه تلويزيوني سي ان ان آمريكا در ژانويه ۱۹۹۸ بر مبادلات فرهنگي ميان ايران و آمريكـا و بـه منظـوراز ميان برداشتن ديوار بلند بي اعتمادي بين دو كشور اشاره نمود و تاكيد كرد كـه ميـان مـا و دولـت آمريكـا ديوار بلند بي اعتمادي وجود دارد و اين بي اعتمادي كه ريشه در رفتارهاي نـادرست دولت آمريكا دارد و با اين حال ضرورت گفتگوي حكومت با حكومت را رد كرد ولي طرح گفتگوي تمـدن هـا را بـه منظـور

شناسايي و درك متقابل دو ملت از يكد يگر و به مبادله فرهنگي ميان ايران وآمريكا وايجاد زمينه بازديد دانشمندان، پژوهشگران ، دانشجويان، ورزشكاران وهنرمندان و جهانگردان در كشور تاكيد كرد. بيل كلينكتون در سال ۱۳۷۷ يك نامه محرمانه حاوي پيام هاي دوستانه و بوسيله نماينده وليعهد عربستان سعودي براي شخص سيد محمد خاتمي ارسال كرد اما نامه محرمانه مذكور را عوامل گروه هاي راستگرا و ذي نفوذ واصولا طرفدار گسترش روابط اقتصادي و نفتي با انگلستان و نيزبدليل اينكه اين گروه راستگرا شديدا مخالف با ايجاد رابطه با آمريكا و البته مخالف سياست هاي خارجي سيد محمد خاتمي بودند افشا كردند و پس از آن موجي از مخالفت ها و تبليغات سياسي عليه دولت سيد محمد خاتمي به راه افتاد. در اين ميان وزير امورخارجه آمريكا درفروردين سال ۱۳۷۷ طي گزارشي از سياست خارجي آمريكا به كنگره از وضعيت جديد در روابط ايران و آمريكا تمجيد كرد.



سيّد محمّد خاتمی

در فروردين سال ۱۳۷۸ ، بيل كلينكتون رئيس جمهور وقت آمريكا مدتي بعد براي تامين خواسته ايران طي سخناني در كاخ سفيد اعلام كرد " ايرانيان حق دارند به خاطر آنچه كشورمن يا فرهنگ من حدود ۱۰۰يا ۱۵۰ سال پيش به سر كشورشان آورده است ، عصباني باشند و بدنبال اين تحركات و سخنان مساعد بيل كلينكتون و مادلين البرايت در قبال ايران دولت آمريكا تحريم هاي اقتصادي متوجه ايران را كاهش داد و مجوز فروش مواد خوراكي اساسي و پزشكي و دارو را به ايران صادر كرد و در حدود

سه ماه بعد نيز وزارت امور خارجه آمريكا به منظور كـاهش تـنش بـين ايـران وآمريكـا نـام " سـازمان مجاهـدين خلـق (منـافقين) را در ليسـت سـازمان تروريسـتي قـرار داد.در اوايـل سـال ۱۳۷۸ سـخنگوي وزارت امور خارجه آمريكا رسما اعلام كرد كه دولت آمريكا براي استقراركنسولگري درتهران و بـراي سهولت صدور ويزاي ايرانيان آمادگي دارد و خواستار همكاري دولت ايران دراين مورد شد ، اما ايـران به هيچكدام از گام هاي آمريكا براي از ميان برداشتن ديوار بي اعتمادي جواب مساعد نداد و دستگيري و محاكمه چند يهودي در شيراز موجب شد دوباره بحران سياسى در روابط ايران با غرب گـردد. مـادلين آلبرايت در فروردين سال ۱۳۷۹ رسما ضمن ارسال پيام تبريك سال نو به ايرانيـان بـه نقـش آمريكـا در كودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگوني حكومت دكتر مصدق و حمايت از تجاوز عراق به ايران در سـال ۱۳۵۸ را اشاره كرد و تاسف و ناراحتي خود را ابراز كرد. در ۱۱ سـپتامبر ۲۰۰۱ يـك رخـداد عجيبـي قلـب تجـاري و نظـامي –سياسـي آمريكـا را در نيويـورك و واشـنگتن هـدف قـرار داد و دو آسـمانخراش تجارت جهاني و ساختمان پنتاگون آمريكا مورد حمله قرار گرفت و حدود شش هـزار نفـر از مليـت هـاي گوناگون در آن حادثه جان باختند . جرج بوش رئيس جمهور وقت آمريكا در همان روز هاي اول حادثه ، از آن به عنوان شروع يك جنگ صليبي جديد مسلمانان عليـه مسـيحيان يـاد كـرد. از نكـات قابـل توجـه دراين دوره تاريخي ، هماهنگي آشكار آمريكا با اروپا در قالب ارايه تشويق هـايي بـه ايـران بـراي كنـار گذاشتن كامل غني سازي بود. از اقدامات وسياست اساسي و داخلى كه در دوره زمامـداري سيد محمـد خاتمي صورت گرفت تعويض شناسنامه هاي كهنه مردم در كل كشور و صدور كارت هاي شناسايي ملي با ايده گرفتن از برنامه هاي كشور هاي اروپايي توسط اداره كل ثبت احوال كشور بود. در ادامه روابط ديپلماسي و خارجي رئيس جمهور وقت ايران در اوايل دهه ۸۰ به مصاحبه ايشا با روزنامه امريكـايي اشاره مي شود، بطوريكه در آبان سال ۱۳۸۰ سيد محمد خاتمي در نخستين مصاحبه اش با يـك روزنامـه آمريكايي اعلام كرد كه تفسيرو تعبير ويژه " اسامه بن لادن" از اسلام منطبق با اكثريت مسـلمانان جهـان نيست و سيد محمد خاتمي اتهام مستقيم آمريكا درمورد حمايت ايران از تروريسم را رد كرد وگفت اين اتهام يكي از بي انصافي هاي دولت آمريكا عليه ايـران اسـت . جـرج بـوش در اسـفند سـال ۱۳۸۰ طـي ارسال پيام نوروز سال ۱۳۸۱ را پيشاپيش به ايرانيان تبريك گفته و به مشاركت كامل جامعه بيش از يك ميليون امريكايي هاي ايراني تبار در محكوميـت تروريسـم و نقـش ارزنـده آنـان در حفـظ ميـراث ايـران اشاره كرد. ولي در ابتداي سال ۱۳۸۱ شاهد تحرك جديدي در سياست خارجي ايران در نزديكي به غرب شديم به استناد يك گزارش منتشره در نشريه فاينشال تايمز كـه مـدعي شـده بـود، رهبـران اصـلاح طلـب ايران تحركاتي را براي نزديك شدن به آمريكا و گشودن بـاب مـذاكره و بهبـود روابـط بـا آمريكـا شـروع

كردند.باگسترش و جدي تر شدن بحث مذاكره با آمريكا وحركت به سوي بهبود و حل اختلافات فيمابين، دادگستري كل استان تهران با صدور اطلاعيه اي تبليغ واطلاع رساني وجانبدارانه پيرامون مذاكره با امريكا را طبق قانون مطبوعات و با توجه به منع مذاكره با امريكا از سوي مقام معظم رهبري جرم دانست و پيرو تحركات ياد شده جرج بوش در تيرماه همان سال بيانيه اي صادر و مدعي شد كه گروه غير منتخبي كه حاكمان واقعي ايران هستند به صداي ملت گوش نميدهند . در همان زمان دكتر حسن روحاني دبير وقت شوراي عالي امنيت ملي بعنوان يك نهاد مهم در واكنش به اين بيانيه اعلام كرد" ما نبايد فكر كنيم كه اين پيام به نفع دسته اي (اصلاح طلب) و عليه دسته ديگر (اصولگرا) است و سيد محمد خاتمي هم در واكنش به اين بيانيه جرج بوش اعلام كرد " همه اركان دولت در ايران از رهبري تا ساير دست اندر كاران دولت مبتني برانتخاب و راي مردم است ." اما با قراردادن نام ايران درمحور شرارت هاي منطقه اي توسط جرج بوش اوج فشار هاي آمريكا پس از اشغال عراق متوجه ايران شد و سايت هاي هسته اي نطنز و اراك مورد توجه جدي قرار گرفت و همچنين در اين ميان از سوي نمايندگان سازمان مجاهدين خلق مطالبي در باره برنامه هسته اي ايران منتشر گرديد و براين اساس آمريكا با لشگر كشي به دو همسايه غربي و شرقي ايران و با پرداخت هزينه سنگين جنگ در عراق و افغانستان در سال ٢٠٠٢ ايران را متهم كرد كه تعهدات خود را در قبال پيمان منع گسترش هسته اي را نقص كرده است و درصدد توليد سلاح هاي هسته اي است كه ايران هم با رد اين اتهام ها اعلام كرد فقط آژانس انرژي هسته اي حق قانوني پرداخت به مسائل هسته اي دارد. در اين مورد مذاكرات ميان دبير وقت شورايعالي امنيت ملي دكترحسن روحاني و وزراي خارجه ٣ كشوراروپايي آلمان ، فرانسه و انگلستان در تهران سبب شد كه امريكا نيز بصورت احتياط آميزي از روند مذاكرات فوق اعلام رضايت نمايد و در ايران نيز مسئولان و كارشناسان مختلف امضاي پروتكل و تعليق داوطلبانه فعاليت هاي هسته اي را گامي در جهت خلع سلاح ارزيابي كردند. پس از تعليق داوطلبانه ايران محمد البرادعي رئيس وقت سازمان بين المللي انرژي اتمي در نوامبر ٢٠٠٦ پس از اظهارنامه ، تعليق فعاليت هاي هسته اي ايران را و با توجه به قطعنامه اي را كه از طرف اتحاديه اروپا و آمريكا كه در آن از برنامه هسته اي ايران انتقاد شده بود تصويب كرد ، مدتي بعد آمريكا براي تاثيرگذاري بر پرونده هسته اي ايران مدعي شد كه ايران درمنطقه لويزان در حال ساخت تاسيسات هسته اي جديد است و در واقع آنچه در جريان پرونده هسته اي ايران واضح است دخالت و تاثير گذاري غير قابل انكار آمريكا است . موضع گيري آمريكا دراين زمان مهم است تا اينكه جمعي از تاثير گذاران سياست خارجي آمريكا اعلام كردند كه توافقنامه پاريس راه حل قطعي و نهايي براي رفع نگراني هاي غرب در مورد برنامه هسته اي ايران

نیست . تا اینکه در اسفند سال ۱۳۸٤ سفر جرج بوش به اروپا به نزديكي مواضـع اروپـا و آمریکـا کمـك كرد و تهديد هايي مبني براين كه اگر ايران بخواهد غني سازي را از سر بگيـرد پرونـده هسته اي ايـن كشور به شوراي امنيت ارسال مي شود، مطرح شد در نتيجـه دور جديد مـذاكرات در بهـار سـال ٨٤ و پیش از انتخابات رياست جمهوري در ايران پيشرفت كمي داشت و بدبيني ها در هر دو طـرف افـزايش يافته بود. بين سالهاي ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ كه مصادف بود با دوره دوم دولت سيد محمد خـاتمي ايـران از لحاظ سياسي با توجه به خط مشي ميانه روي و ايجاد روابط اقتصـادي بـين كشـورهاي اروپـايي نسـبتا اوضاع ثباتي داشت و اقتصاد ايران با توجه به ميزان واردات وصادرات تا حدي رو به رونق بود وطـي اين دوره رشد تورم اقتصادي خيلي نامحسوس بـود و از لحـاظ پيشـرفت صـنعتی ,سـاخت پـروژه هـاي صنايع نفتي و پتروشيمايي و نيروگاهي در حال اجرا بوده و حتي پروژه هاي ساخت نيروگاه اتمي بوشهر و پروژه ساخت و نصب سانتريفيوژهاي غني سازي اوانيوم براي اسـتفاده در نيروگـاه اتمـي بوشـهر در اصفهان بدون سرو صداي سياسي در حال اجرا بود . تا اينكه با روي كارآمدن احمدي نـژاد بـه عنـوان رئيس جمهور دولت نهم اوضاع اقتصادي ايران بهم ريخت.

برنامه های سیاسی دولت نهم و دهم

احمدي نژاد كه از گروه اصولگرا ودارای عقاید سیاسي واسلامی افراطي بود بطوريكه درسيزدهم آبان سال ۱۳۵۸جزء دانشجويان خط امامی و از تسخير كنندگان سفارت آمريكا بود كه بعد از جنگ تحميلی ايران و عراق ابتدا فرماندار استان اردبيل و سپس در دوره دوم دولت خاتمي شهردار تهران منصوب شد بطوريكه در زمان پست شهرداري در تهران چندان خدماتي نسبت به توسعه آبادانی وعمراني تهران كاري نكرد ولي در دوره زمامداري و رياست جمهوري فقط سفرهاي استاني پر هزينه را باب كرد و نه تنها به مراكز استان ها بلكه براي شناساندن خود و با اهداف خالي بندی ودرغگويي و قول هاي الكي به مردم شهرهاي بزرگ وكوچك ,ملت را فقط اميدوار مي كرد ، بصورتيكه در زمان انتخابات دوم خرداد ۱۳۸۴ آنطوريكه گزارش شده بود با توزيع سيب زميني در بين مردم تمام روستا ها و شهرهاي كوچك ايران توانست راي بيشتري درانتخابات همان سال كسب نمايد و بعد از گذشت دوسال از اداره نابسامان دولت در سفرهاي خارجي نيز با سخنراني هاي سياسي عليه سياست هاي آمريكا و اسراييل موضع مخالفت هاي سياسي آنهارا عليه ايران تشديد كرد. البته در اوايل دهه ۸۰ نيروهاي نظامي امريكا كشور عراق را اشغال كرده بودند و استخراج نفت خام عراق را در اختيار داشتند و نيز كشتار مردم زيادي توسط نيروهاي اشغالگر امريكا در بيشتر شهرهاي مذهبي عراق رواج داشت .

مورد ديگري از ديپلماسي نادرست احمدي نژاد اينكه وي در يكي از سخنراني اش كه از سوي رئيس دانشگاه كلمبياي امريكا دعوت شده بود پس از ايراد گيری ازگزارشات و اخبار سياسي آن زمان عملا برضد سياست هاي امريكا سخنرانی كرده بود كه برخي از سياست هاي ضد مردمي امريكا مربوط به كشتارهاي مداوم نيروهاي نظامي امريكا در عراق مي شد ودر آن زمان بعد از اين سخنراني احمدی نژاد، رئيس دانشگاه كلمبيا ازطرف كنگره امريكا مورد انتقاد قرار گرفت و ازسمت خود بركنار گرديد و در اين ميان مسئله تحريم هاي اقتصادي ايران كه از سال ها قبل در كنكره آمريكا مطرح شده بود با در خواست سناتور هاي آمريكايي فعال گرديد و همزمان با اعلام و ادامه اجراي تحريم هاي اقتصادي و تجاري ايران ، اتحاديه اروپا نيز از اين تحريم هاي امريكايي عليه ايران پشتيباني كردند و در نتيجه ايران با قطع واردات مواد اوليه كارخانه ها و تامين و خريد و حمل تجهيزات وماشين آلات پروژه هاي در حال اجراي نيروگاهي ونفتي وپتروشيميايی , فولاد از كمپاني ها وسازندگان اروپايي و امريكايی

روبرو گرديد. در اين ميان اكثر مبادلات فايناس بين بانكي ايران و بانكهاي خارجي همچنين به دليل تحريم های اقصادي بانك هاي دولتي ايران قطع شد. البته قابل ذكر است كه درسال هاي ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ با توجه به بازديد هاي مكرر رئيس آژانس بين المللي اتمي ، فرايند غني سازي اورانيم در ايران به حالت تعليق قرار گرفته بود و تا حدودي از فشار تحريم هاي اقتصادي برعليه ايران كم شده بود ولي ايران ازلحاظ صادرات نفت به كشور هاي آسيايي مثل كره جنوبي و هند و مالزي و برخي از كشورهاي افريقايي بهرمند بود در اين ميان نه تنها تحريم هاي صادرات نفت خام بلكه صادرات مواد پتروشيمايي و تردد شركت كشتيراني ايراني نيز تحت تحريم هاي شديد اتحاديه اروپا و امريكا قرارگرفتند. در سال ۱۳۸۸ احمدي نژاد براي دور دوم در انتخابات رياست جمهوري برنده شد ، البته احمدي نزاد با ترفند دروغ گويي ودادن وعده هاي مبهم توخالي به ملت ايران اختيار دولت دهم را بدست گرفت. دراين هنگام نامزدهاي اصلاح طلب همچون مهندس موسوي وآيت الله كروبي به مخالفت با اين انتخابات به پاخاستند و اوضاع داخلي كشور چند روزي بهم خورد و تعدادي از افراد جوان و هواداران اصلاح طلبان نيز به خيابان ها ريخته و به نحوه شمارش آرا اعتراض كرده وآشوب راه انداختند و در همين موقع با مبارزه و سركوبي ازطرف نيروهاي ضد شورش مواجه شدند بطوريكه تعدادي كشته و يا زنداني گشته وهمچنين تعداد زيادي ازخبرنگاران و روزنامه نگاران اصلاح طلب نيز گرفتار شده وبه زندان افتادند، بصورتيكه ، تعدادي ازاين گرفتار شد گان در بازداشتگاه كهريزك توسط تعدادي ازماموران بازداشتگاه مورد تجاوز و فساد اخلاقي قرارگرفتند. يكي از موارد مهمي كه درسال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد جريان كشته شدن شخصي بنام پاليزدار دربازداشتگاه كهريزك توسط ماموران بود كه اين مورد با دستور دادستان كل وقت بنام سعيد مرتضوي رخ داده بود و بعد از شكايت اولياي دم "پاليزدار" هنوز پرونده او در دادگاه تهران باز مانده بود و ديگر رسيدگی نشد. البته پس از اين جريان مرتضوي از پست قبلي بركنار و به مديريت ورياست صندوق تامين اجتماعي از سوي رئيس جمهور منصوب گرديد. در جريان فتنه سال ۱۳۸۸ حتي مهندس موسوي و آقاي كروبي نيز كه جزء گروه اصلاح طلبان بودند در خانه هاشان در حبس وحصرشدند و اجازه فعاليت سياسي به آنان داده نشد ورييس **دولت دهم** با تمام دروغ گويي هايش از طريق صدا و سيما شروع كرد به ارايه آمار و اخبار دروغين اجتماعي واقصادي به ملت بيچاره ايران.


محمود احمدی نژاد

فصل ششم

چرخش قدرت در کرسی های انتخابات کشور:

دهمين دوره انتخابات مجلس شوراي اسلامي به همراه پنجمين انتخابات مجلس خبرگان رهبري در تاريخ هفتم اسفند ۱۳۹۴ در حالی برگزارشد که گروه ها وجناح هاي سياسي خودرا آماده يک رقابت ديگرکردند. شواهد موجود حکايت ازآن داشت که اصلاح طلبان واصولگرايان اصلی ترين ارکان اين رقابت بودند.بطوريکه دردوره هاي گذشته نيزکما بيش چنين بوده است. بااين حال درتمامی ادوارانتخابات مجلس درکنار ارکان وگروه های اصلی سياسی گرايشهای ديگری نيزبه ميان آمدند که ازقضا درتعيين نتيجه نهايی انتخابات وپيروزی يکی ازدوجناح اصلی کشورنقش مهمی ايفا کردهاند. با توجه به اينکه در دهمين انتخابات مجلس شوراي اسلامي همچنين جريانی که به طرفداران اعتدال شهرت پيداکرده بودند ازچنين موقعيتی برخورداربودند.اعتدال گرايان يا ميانه روهاعزم خودرا جزم کردند تا انحصاررقابت بين دوجناح رادراين دوره بشکنند. در اين دوره با ائتلاف فراگير اصلاح طلبان و حاميان دولت ۳۰ نفر از نامزد های تهران در اين اتخابات پيروز شدند و در مراکز ساير استانها و شهرستانها هم چنين نامزد های اصلاح طلبان با اکثريت رای مردم به مجلس دهم راه يافتند. لازم به يادآوری است که در انتخابات مجالس دوره نهم و دهم اغلب گروه های افراطی اصول گرايان و حاميان دولت احمدی نژاد در تهران وشهرستانها اکثريت آرا را کسب کرده بودند (با توجه به اينکه ۷۰ در صدر مردم در تهران و مراکز ساير استانها در انتخابات مجالس نهم و دهم شرکت نکرده بودند). در خصوص شيوه تعيين صلاحيت برخی نامزد های انتخاباتی ناگفته هايی است که سخنگوی شورای نگهبان در مرداد ماه ۱۳۹۵ بيان کرده است.

ناگفته های سخنگوی شورای نگهبان از انتخابات سال های ۱۳۸۸و۱۳۹۲

سخنگوی شورای نگهبان در گفت وگويی با «باشگاه خبرنگاران»، صحبت های جديدی را از روايت ها يی تازه از رد صلاحيت های انتخابات سال ۱۳۹۲ تا موضع گيری درباره وضعيت قانون انتخابات مطرح کرد. او در اين مصاحبه می گويد که شورای نگهبان در انتخابات سال ۱۳۹۲ دو بار توسط حسن روحانی و علی لاريجانی از آيت الله هاشمی

درخواست کرده بود تا وی انصراف دهد، چرا که رأی این شورا به رد صلاحیت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام قطعی شده بود. او همچنین با تأکید بر اینکه هیچ فشاری باعث نمی شد تا این شورا از موضع رد صلاحیت رحیم مشایی عقب برود. تلویحا عدم احراز فرد سیاسی بودن مشایی را علت این رأی عنوان کرد. سخنگوی شورای نگهبان در بخش دیگر سخنان خود موضوع قانون انتخابات و لزوم اصلاح آن را مورد اشاره قرار داد و تأکید کرد که در مواردی از جمله شیوه احراز صلاحیت نامزدها و قانون انتخابات بایداصلاح شود. کدخدایی البته "خرید و فروش" رأی در انتخابات را اتفاقی دانست که بسادگی رخ می دهد. پیش از این هم آیت الله جنتی به همین مورد اشاره کرده بود و بعد از آن سخنان، اظهارات سخنگوی شورای نگهبان می تواند چراغ سبزی جدی برای اصلاح قانون انتخابات باشد.

وقوع خرید رأی بساد گی - سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه «قانون انتخابات، یک سری اشکالاتی دارد» و «باید جراحی شود»، تأکید کرد: «وقتی دیدیم که قانون اثرگذار نیست یا متروک است، باید آن را اصلاح کنیم.» وی افزود: «سرگذ شتی که ما در مورد قانون انتخابات با آن روبه رو هستیم، خیلی بهتر از سایر قوانین مان نیست و شاید بیشتر مشکلات در دوره گذشته انتخابات، به چشم آمده. از یک سو، داوطلبان احساس می کنند حقوق شان تضییع شده و از سوی دیگر، دستگاه های ناظر یا مجری انتخابات نمی توانند قوانین را بخوبی اجرا کنند که این وجهه خوبی برای نظام انتخاباتی ما ندارد.» کد خدایی مواردی همچون **«روش های احراز صلاحیت»، «تبلیغات نامزدها»، «خرید و فروش رأی» و «مشکلات قانون احزاب»** را از مشکلات اصلی قانون انتخابات برشمرد که باید مورد بازنگری و اصلاح قرار بگیرند. وی با بیان اینکه «خرید و فروش آرا بسادگی اتفاق می افتد» و «تکلیف این موارد در قانون انتخابات مشخص نیست و اینکه چگونه باید با آنها برخورد شود و چگونه به این موارد رسیدگی شود»، گفت: برخی راهکارها مانند ثبت نام از رأی دهندگان، یکی از کارهایی است که برای جلوگیری از خرید و فروش آرا می توان انجام داد. وی همچنین تأکید کرد: «می توانم بگویم خرید و فروش رأی، متأسفانه در کشور ما مانند بقیه تخلفات انتخاباتی وجود دارد و خرید و فروش آرا هم در کشور ما بسادگی اتفاق می افتد و شایع است.»

انتقاد سخنگو از شیوه احراز صلاحیت - سخنگوی شورای نگهبان درباره اشکال روش احراز صلاحیت ها نیز توضیح داد: «در ماده های ۲۸ و۲۹ قانون انتخابات بحث

التـــزام به اســـلام و نظـــام اســـلامی آمده اســـت. باید مشـــخص شـــود التزام بـه اســـلام، حـــدودش از کجـــا تـــا کجاســـت و یا چه مصادیقی را شامل می شود؟ حقیقت ایـــن اســـت کـــه معیارهـــایی کـه در اختیـار شـــورای نگهبـان هستند بـرای احـراز صـلاحیت، کامـــل و کارآمـــد نیســـتند.» کدخدایی همچنیـــن دربـــاره احتمـــال برگـــزاری انتخابـات الکترونیـک بـــرای جلوگیری از برخـی اشـــکالات پیش آمده در روند انتخابات گفت: «انتخابات الکترونیکی می تواند به جلوگیری از خرید و فروش رأی کمک کند ولی آیـــا خود انتخابات الکترونیکی بـــا توجـه بـه امکانـات فعلـی مـــا، مـی توانـد در مقیـاس وســـیع برگزار شود یا خیر؟ این ســـؤالی است که باید پاســـخ صحیـــح و صـریح بـــه آن داده شـود.» نامزدهای معترض سال ۱۳۸۸بسختی تأیید صلاحیت شدند - عباســـعلی کد خدایـــی در بخـــش دیگـــری از ایـن مصـاحبه بـــه انتخابـات سـال ۱۳۸۸ اشـــاره کـرد و در ابتـــدا گفـت : نامزدهـای معتـــرض این انتخابات «بســـختی» تأییـــد صلاحیت شـــدند و «البتـــه مخالفان جـــدی هم در شـــورای نگهبان داشتند.» وی توضیح داد: «بحث های جـــدی در شـــورای نگهبـــان دربـــاره صلاحیـــت برخی از نامزد ها مطـــرح بـــود امـــا در نهایت صـلاحیت شـــان بـــرای حضـور در انتخابـات تأیید شـد.» ســـخنگوی شـــورای نگهبان درباره احتمال شکایت این شورا از نامزدهای معترض سال ۱۳۸۸ نیـــز گفـــت: «مـــا معمولا رویکرد مان در شورای نگهبان، شـــکایتی نبـــوده اســـت. ممکن اســـت تذکـــر بدهیم اما تا به حال شـــکایت از هیچ رســـانه ای و فردی نداشتیم. البته می تواند به عنوان یک موضـوع حقوقی مطرح باشـــد و تلاش مان این بوده که رابطه مـــا با همـه گـروه هـا، رابطـه خـوبی باشـــد و در عیـــن حـــال، جاهایی کـــه تخلفات انتخاباتـــی رخ می دهد، آنجـــا طبق قانون عمل می کنیم.»

پیام شـــورای نگهبان بـرای هاشـمی رفسنجانی در سـال ۱۳۹۲ - ایـن عضـو حقوقـدان شـورای نگهبان در بخـــش دیگـــری از ایـــن مصاحبـــه اش نـــکات جدیدی را درباره انتخابـات ســـال ۱۳۹۲و عـــدم تأیید صلاحیـــت آیت الله هاشـــمی رفســـنجانی و اســـفندیار رحیم مشـــایی مطـرح کـرد. وی درباره بررســـی صلاحیـــت رئیـــس مجمـــع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه «نمـی تـوان در حـال حاضر دلیل خاصی را بـــرای موضوع رد صلاحیت ایشـــان مطرح کرد»، گفت: «هر یک از اعضا به دلیلی رأی به احراز نشـــدن صلاحیت وی دادنـــد. تعـــداد آرایی کـــه آیت الله هاشمی داشت، بـه میـزان کافی نبود.» کد خدایـــی افـــزود: «آنچه کـــه بنده می توانـــم بـــدون ذکـــر نـام اشـــخاص عنـوان کـنم، این است که افراد مختلفی معتقد بودند شـــاید مصلحت باشـــد تـــا صـلاحیت آیـــت الله هاشـــمی تأیید شـــود اما اعضای شـــورای نگهبـــان بر ایـن عقیده بودنـد کـه آیت الله هاشـــمی رأی لازم را کســـب

نکـــرده؛ لـــذا نتیجه آرای مأخـــوذه را هر چه که بوده، اعلام مـی کنـیم.» وی توضیـــح داد: «معمـولا شورای نگهبان نسبت بـه خیلـی از افـراد چــــه در انتخابـات مجلـــس یـا مجلس خبـــرگان و چــــه در انتخابات ریاســـت جمهوری احساس کند که دلایل کافی و آرای لازم بـــرای احـــراز صلاحیـــت یـک شـــخص وجود ندارد، برای حفظ احترام شخص مذکور از وی درخواست انصـــراف مـی کنـد و اگـر فـــردی مایل به انصراف باشد، شورا دیگر بـه پرونـده وی ورود نمـی کنـد. از طرفـــی، ایـن موضـوع فقـــط به آیت الله هاشـــمی هم مربوط نمی شود. متأسفانه یـا خوشبختانه، در آن زمـان شـورای نگهبـان مأموریت این کار را برعهـــده بنده قرار داد و اینجانب مسئول ارتبـاط بـا نامزدهـا بـودم. در ایـن میـان، برخـــی انصراف دادند و عده ای دیگـــر نپذیرفتنـد و رویــــه انتخابـات را تـا انتهــــا ادامــــه دادنـد. در مـــورد آیت الله هاشـــمی، بـــا دو واســـطه از ایشـــان درخواست انصراف کردیم اما وقتی که جواب از طرف ایشـــان منفی بود، شورا تصمیـــم گرفت که نظر خـــود را اعلام کند.» کد خدایی در ادامـه اعـلام کرد که حجت الاســـلام حســـن روحانی و علی لاریجانـــی در آن مقطـــع واســـطه ایـن شــــورا بـرای اعلام درخواست انصراف آیت الله هاشمی به وی بوده اند. ایـــن عضـــو حقوقـــدان شـــورای نگهبـــان همچنیـــن دربـــاره بررســـی صلاحیـــت رحیم مشـــایی نیز توضیح داد: «مجموعــــه ای از گزارش هـا دال بر تخلفـــات وی وجود داشـــت که تمامی آنها در پرونده مربوط به او در شـــورای نگهبـــان مکتوب و مضبوط اســـت و در نهایـــت، همین مســـائل منجـــر به رد صلاحیت وی شد.» وی درخصوص فشار رئیس دولت وقت بــــه شـــورای نگهبان بـــرای تأیید صلاحیـــت رحیم مشـــایی نیـــز عنوان کـرد کـه «در مورد مشـــایی، با مجموعه شـــورای نگهبان و یا با شخص بنده که در آن مقطع مســـئولیت اجرایی داشتم، تماســـی حاصـــل نشـــد. چنانچــــه اگر تماسی هم گرفته می شـــد، تأثیری در فرآیند رد صلاحیت ها نداشـــت. اگر از جانب رئیس جمهوری وقت یا هر فـرد دیگری، فشـــاری نیز نســـبت بـه شـورای نگهبان در مـــورد آقای مشـــایی وجود داشـــت، فایده ای دربـر نداشـــت. در ایـن میـان مـرگ آیـت الله هاشمی رفسنجانی در ۱۹ دی ماه ۱۳۹۵ بعلت ایست قلبی اتفاق افتاد.

نمو دار زیر مراحل زندگی و فعالیت های سیاسی آیت الله هاشمی رفسنجانی را نشان می دهد.



دولت یازدهم و دوازدهم

نگاهی به بخشی از کارنامه دوره اول دولت روحانی (دولت یازدهم)

۱- دور شدن سایه جنگ، تحریم و انزوا از کشور.

۲- به رسمیت شناخته شدن برنامه هسته ای ایران، خروج از ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد و بلا اثر شدن ۶ قطعنامه شورای امنیت بدون درگیری نظامی، بسته شدن پرونده PMD در آژانس.

۳- رفع تحریم های نفتی، حمل و نقل، خودروسازی، بیمه ای، کشتیرانی، بانکی .

۴- پایان ایران هراسی، رشد ۵۰ درصدی ورود گردشگران خارجی و انتخاب ایران به عنوان یکی از مقاصد برتر گردشگری در نشریات معتبر خارجی. .

۵- بهبود ۲۷ پله ای شاخص فضای کسب و کار طبق گزارش بانک جهانی

۶- بهبود ۱۴ پله ای شاخص فساد مالی و اداری در گزارش سازمان شفافیت بین الملل با تمهیداتی چون تعامل با کارگروه FATF، مبارزه با پولشویی و اصلاح نظام بانکی.

۷- کاهش تورم از ۴۰ درصد به ۸ درصد و افزایش رشد اقتصادی از منفی ۷ درصد به مثبت ۵ درصد طبق آمارهای رسمی داخلی و خارجی (بانک مرکزی، مرکز آمار، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی).

۸- مثبت شدن تراز تجاری و پیشی گرفتن صادرات غیرنفتی بر واردات طبق آمار رسمی گمرک برای اولین بار در ۸۰ سال اخیر.

۹- رشد ۲۰ درصدی صادرات در سال اول دولت.

۱۰- ایجاد ۷۰۰ هزار شغل در سال گذشته.

۱۱- کاهش نرخ سود بانکی، آرامش در بازار ارز و مهار رشد نقدینگی.

۱۲- کاهش قاچاق کالا از ۲۵ میلیارد دلار به ۱۵ میلیارد دلار.

۱۳- جذب بیش از ۱۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در پسابرجام.

۱۴- اختصاص بیش از ۷ نوبت سبد کالا به اقشار کم درآمد.

۱۵- اجرای طرح تحول سلامت و بیمه همگانی.

۱۶- بهبود ۹ پله ای در رده بندی جهانی محیط زیست.

۱۷- آغاز احیای دریاچه ها و تالاب هایی چون ارومیه، هامون، بختگان، هورالعظیم.

۱۸- لغو مصوبه دولت قبل برای فروش پارک پردیسان.

۱۹- بیش از دو برابر شدن تعداد روزهای پاک و سالم در کلانشهرها با اقداماتی چون حذف بنزین سرطان زای پتروشیمی.

۲۰- عملیات بیابان زدایی در سطح ۵۹ هزار هکتار و عملیات جنگل کاری در سطح ۹۰ هزار هکتار.

۲۱- تصویب طرح های مقابله با خشونت و افراطی گری، مقابله با گرد و غبار و... با ابتکار ایران در مجمع عمومی سازمان ملل.

۲۲- احیای سازمان برنامه و بودجه، احیای سازمان اداری و استخدامی، احیای شورای عالی محیط زیست، راه اندازی صندوق ملی محیط زیست.

۲۳- افزایش ۶۰% درصدی صادرات پتروشیمی و رشد ۶۰ درصدی تولید خودرو.

۲۴- دو برابر شدن صادرات نفتی و بازپس گرفتن سهم ایران از اوپک.

۲۵- افزودن روزانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب به ظرفیت تولید گاز و محصولات پتروشیمی در میدان گازی مشترک با قطر.

۲۶- آغاز نوسازی ناوگان فرسوده هوایی، ریلی بعد از دهه ها تحریم و تکمیل مسکن مهر.

۲۷- گازرسانی و آبرسانی به مناطق روستایی، محروم و مرزی از جمله سیستان و بلوچستان.

۲۸- توسعه بنادر و جذب سرمایه گذاری در مناطق محروم از جمله توسعه بندر چابهار.

۲۹- دوبرابر شدن تولید گندم و خودکفایی در تولید آن بعد از ۱۲ سال.

۳۰- خودکفایی ۹۰ درصدی در تامین مواد غذایی و خودکفایی در تولید بنزین و گازوئیل

۳۱- مقاومت در برابر فشارها برای فیلترینگ شبکه های اجتماعی و پیام رسان (تلگرام، اینستاگرام، واتس اپ و...).

۳۲- افزایش پهنای باند، راه اندازی اینترنت G۳ و G۴، افزایش ۲۰ میلیونی کاربران اینترنت موبایل و افزایش ۳۰ میلیونی کاربران اینترنت پرسرعت.

۳۳- بیش از دو برابر شدن بودجه نظامی کشور.

۳۴- بازگشایی خانه سینما و حدود ۵ برابر شدن فروش سینماها.

۳۵- راه اندازی خانه احزاب، بازگشایی تشکل های سیاسی، مدنی و دانشجویی.

۳۶- تسهیل صدور مجوز برای مطبوعات و امضای منشور حقوق شهروندی

۳۷- انتصاب سفرا و فرمانداران از میان زنان و اهل سنت برای اولین بار بعد از انقلاب.

۳۸- آموزش زبان کردی و ترکی در دانشگاه ها و مدارس به عنوان یک رشته تحصیلی برای اولین بار در تاریخ آموزش عالی کشور.

۳۹- عرف شدن عذرخواهی رئیس جمهور و وزرا از مردم بخاطر نواقص و کاستی ها، استعفا یا برکناری مدیران بدون خط قرمز در ماجرای حقوق های نامتعارف، تشکر رئیس جمهور از رسانه های افشاگر.

۴۰ بازگشت تمام ۲۳ میلیارد تومان حقوق نامتعارف به خزانه (با تایید دیوان محاسبات و دادستان کل کشور).

انتخابات هیات رئیسه مجلس سال ۱۳۹۶

در اوایل سال ۱۳۹۶ انتخابات هیات رییسه برای رییس مجلس و نواب آن انجام گرفت بطوریکه علی لاریجانی از ۲۶۸ آرای فراکسیون امید و نمایندگان ولایی و مستقلین با ۲۰۴ رای مثبت رییس مجلس انتخاب شد و تلاش گروه پایداری ها ناکام ماند و علی مطهری و مسعود پزشکیان نواب مجلس دوباره انتخاب شدند. جزئیات آرای رییس و دو نایب رئیس مجلس به شرح زیر است :

با ادامه شمارش آرا، مسعود پزشکان ۱۷۹رای و علی مطهری ۱۶۳ رای کسب کردند. با این حساب پزشکیان نایب رییس اول و مطهری نایب رییس دوم مجلس شدند.

پیروزی بزرگ فراکسیون امید در انتخابات هیات رئیسه مجلس سال ۱۳۹۶

از میان ۲۵۳ راي ماخوذه در اين انتخابات، حاجي بابايي و قوامي به ترتيب با ۱۰۷ و ۶۷ راي، رقابت را به نامزدهاي فراكسيون اميد واگذار كردند. فاصله آراي آنان گوياي شكست سنگين فراكسيون ولايي و فراكسيون مستقلين در برابر فراكسيون اميد گرديد.

انتخابات ریاست جمهوری دوره دوم دولت روحانی (دولت دوازدهم)

شش کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم برای ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ مشخص شدند

ستاد انتخابات کشور اسامی نامزدهای احراز صلاحیت شده توسط شورای نگهبان را برای انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اعلام کرد. بر این اساس اسامی به شرح زیر است:

۱- حسن روحانی ۲- سید ابراهیم رئیسی ساداتی ۳- محمد باقر قالیباف ۴- اسحاق جهانگیری کوشایی

۵- سید مصطفی آقا میرسلیم - ۶ سید مصطفی هاشمی طبا .



شش کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم

نظر یک کارشناس ارشد جامعه شناسی در باره هراس تیم اصولگرای قالیباف/ رئیسی از مناظره انتخاباتی به شرح زیر است.

دلایل محمدرضا جلائی‌پور برای نگرانی حریفان روحانی از مناظره:

۱- ضعف بیان و مناظره‌ی رئیسی. ۲- مهارت روحانی در مناظره زنده و کنایه‌های موثر به قالیباف.

۳- تسلط جهانگیری بر جزئیات آمار و نقش مکملی که برای روحانی بازی کرد. ۴- نقش مناظره‌ها در شکل‌گیری جنبش انتخاباتی و افزایش مشارکت در انتخابات که به نفع روحانی بود. ۵- ترس از افشاشدن با مستندات معتبر روی آنتن زنده. ۶- پیشگیری از رسیدن صدای روحانی به حاشیه نشینان شهری و اقشار کم‌درآمد.

سرانجام در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم در روز بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۹۶ دکتر حسن روحانی با حدود ۲۴میلیون رای مردم و ۵۷ درصد کل آرا پیروز انتخابات ریاست جمهوری گردید. نمودار های زیر با زبان آمار این پیروزی را نشان می دهد. لازم به ذکر است که قبل از آخرین روز قانونی تبلیغات ریاست جمهوری جهانگیری به نفع دکتر روحانی و قالیباف به نفع رییسی کنار رفتند.

در نهایت نتیجه نهایی انتخابات ریاست جمهوری با آمار زیرتوسط شورای نگهبان اعلام شد

حسن روحانی با ۵۷ درصد آرا رئیس دولت دوازدهم شد

- آرای اخذ شده: ۴۱ میلیون و ۲۲۰ هزار و ۱۳۱ رای

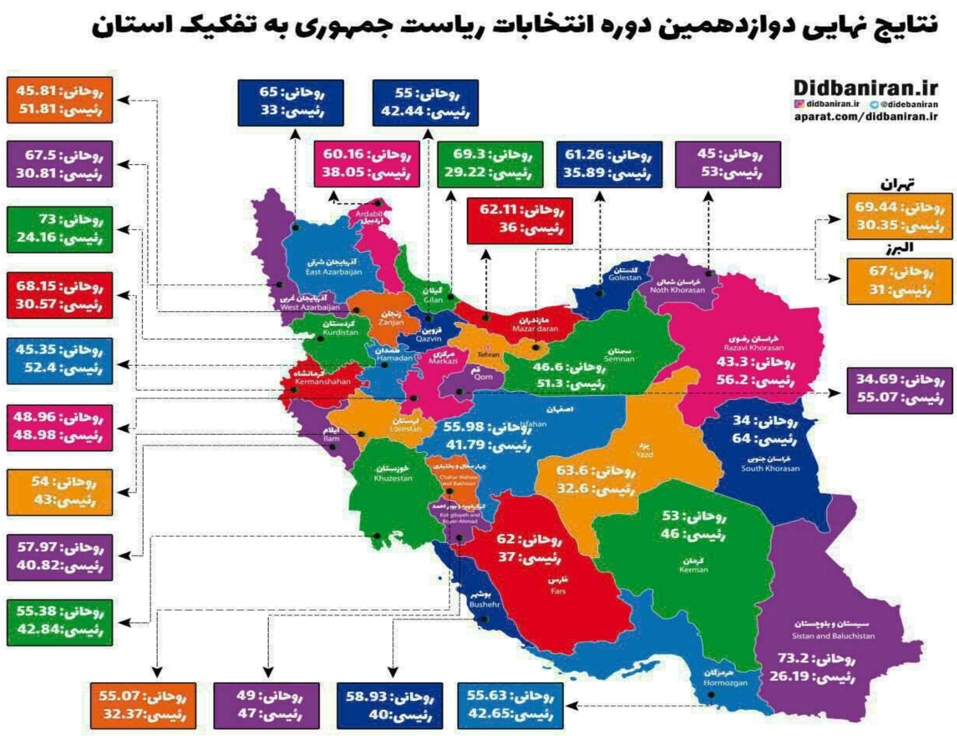
– روحانی: ۲۳ میلیون و ۵۴۹ هزار و ۶۱۶ رای (۵۷ درصد)

– رئیسی: ۱۵ میلیون و ۷۸۶ هزار و ۴۴۹ رای (۳۸/۵ درصد)

– میرسلیم: ۴۷۸ هزار و ۲۱۵ رای

– هاشمی_طبا: ۲۱۵ هزار و ۴۵۰ رای.


دکتر حسن
روحانی آمد


نتایج نهایی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان
Didbaniran.ir
didbaniran.ir @didebaniran
aparat.com/didbaniran.ir
تهران
روحانی: 69.44
رئیسی: 30.35
البرز
روحانی: 67
رئیسی: 31
روحانی: 45.81
رئیسی: 51.81
روحانی: 67.5
رئیسی: 30.81
روحانی: 73
رئیسی: 24.16
روحانی: 68.15
رئیسی: 30.57
روحانی: 45.35
رئیسی: 52.4
روحانی: 48.96
رئیسی: 48.98
روحانی: 54
رئیسی: 43
روحانی: 57.97
رئیسی: 40.82
روحانی: 55.38
رئیسی: 42.84
روحانی: 65
رئیسی: 33
روحانی: 55
رئیسی: 42.44
روحانی: 60.16
رئیسی: 38.05
روحانی: 69.3
رئیسی: 29.22
روحانی: 61.26
رئیسی: 35.89
روحانی: 45
رئیسی: 53
روحانی: 62.11
رئیسی: 36
روحانی: 46.6
رئیسی: 51.3
روحانی: 43.3
رئیسی: 56.2
روحانی: 34.69
رئیسی: 55.07
روحانی: 55.98
رئیسی: 41.79
روحانی: 34
رئیسی: 64
روحانی: 63.6
رئیسی: 32.6
روحانی: 53
رئیسی: 46
روحانی: 62
رئیسی: 37
روحانی: 73.2
رئیسی: 26.19
روحانی: 55.07
رئیسی: 32.37
روحانی: 49
رئیسی: 47
روحانی: 58.93
رئیسی: 40
روحانی: 55.63
رئیسی: 42.65
East Azarbaijan
West Azarbaijan
Ardabil
Gilan
Zanjan
Kurdistan
Qazvin
Hamadan
Markazi
Tehran
Qom
Kermanshahan
Mazar daran
Golestan
Noth Khorasan
Razavi Khorasan
Semnan
Isfahan
Lorestan
Ilam
Khuzestan
Yazd
South Khorasan
Kerman
Fars
Bushehr
Hormozgan
Sistan and Baluchistan

در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم بیشترین شرکت کنندگان بین استان‌ها اول یزد با بیش از ۹۳ درصد مشارکت و مازندران با ۹۱ درصد مشارکت دوم بود و کمترین مشارکت هم برای خراسان جنوبی و قم بود.

حاشیه های انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم

۱- با وجود ادعاهای ابراهیم رئیسی و برخی نزدیکان وی نسبت به نتیجه انتخابات، شورای نگهبان صحت انتخابات را تأیید کرد.

۲- اتهامات اخیر رئیسی البته متعلق به امروز و دیروز نبود. او در جریان رقابت انتخاباتی هم خیلی از همین مسائل را مطرح کرده بود.

۳- رئیسی در سخنان خود بعد از آن که دولت را متهم به استفاده از امکانات عمومی در انتخابات کرد، گفته بود: « بنده تاکنون از حق تولیت آستان قدس رضوی استفاده نکرده‌ام و تا آخر عمر نیز استفاده نخواهم کرد.

۴- این در حالی بود که در هشتم فروردین ماه ۱۳۹۶ و در همان بحبوحه مطرح شدن نام وی به عنوان کاندیدای اصولگرایان صدها تن «آرد تبرکی» در میان محرومان خوزستان توزیع کرد. و این تنها یک مورد از تخلفات بود که رسانه ای شده بود.

نامزدهای انتخابات با خود و جناح شان چه کردند

احمد غلامی، سردبیر اظهار داشت: فارغ از نتیجه انتخابات، اصلاح طلبان، بخصوص حسن روحانی پیروز این میدان‌اند؛ میدانی که رئیسی و اصولگرایان در آن شکست خورده‌اند. شکست آنان جدا از برگه‌های رأی، نتیجه گفتمان شان بود. اصولگرایان بیش از آنکه به آموزه‌ها و اصول خود پایبند بمانند، برای رسیدن به پیروزی دست به هر کاری زدند. مایه خرسندی نیست جریانی که همواره می‌توانست با مجادله و مناقشه به آنتاگونیسمی سیاسی دامن بزند، این‌گونه از معنا تهی شود. شکست اصولگرایان با مواضع قالیباف در مناظره‌ها رقم خورد. تندخویی و ستیزه جویی که چاشنی کلامش تهمت بود و افترا. مردی که خود پرونده قابل دفاعی نداشت چنان با تکیه بر جایگاهش می‌تاخت که حتی اندک حامیان خود را هم بیمناک کرده بود که این مجادله را چگونه به انتها خواهد رساند. قالیباف با این کار حامیانش را سرخورده کرد و بعید است دیگر کسی به او باور جدی داشته باشد.

مصطفی میرسلیم روی دیگر سکه قالیباف است. مردی که یک تنه توانست مردم را از طیف مؤتلفه که جناحی تاریخی است، ناامید کند. او تعریف درستی از جایگاهش نداشت. اگر میرسلیم دوره ناموفق وزارتش در ارشاد را از یاد برده باشد، روشنفکران و نخبگان جامعه، آن دوران تلخ را هرگز از یاد نخواهند برد. مناظره‌ها و سخنرانی‌های حسن روحانی در دوران تبلیغات انتخابات اخیر از او چهره‌ای متفاوت خلق کرد؛ چهره‌ای که مردم توانستند به او باور داشته باشند و تکیه کنند؛ و این دستاورد کمی نیست. ازاین رو حسن روحانی قبل از شمارش آرا پیروز این میدان بود. اینک اصلاح طلبان و مردم چهره‌ای دیگر در کنار خود دارند که می‌توانند از طریق او مطالبات شان را پیگیری کنند. انتخابات دوره دوازدهم افق روشنی در مسیر توسعه ملی و بین المللی ایران گشود.

در روز ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ انتخابات شورای شهر تهران انجام گرفت و عیسی فرهادی فرماندار تهران در نشستی خبری نتایج انتخابات پنجمین دوره شورای شهر تهران، ری و تجریش را بر اساس آمار اولیه و شمارش آرای ۲۵۲۳ صندوق از مجموع ۳۹۵۷ صندوق اخذ رای تهران اعلام کرد و بر اساس اعلام فرهادی، ۲۱ عضو لیست امید تهران، به شورای شهر تهران راه یافتند.

زیر پوست انتقاد از رئیس جمهوری

کسی فکر نمی کرد که کمتر از ۱۰ روز بعد از پایان نا آرامی‌هایی که به کشته شدن حداقل ۲۵ شهروند و نیروهای انتظامی و بازداشت قریب ۵۰۰ نفر در تهران و شهرهای دیگر انجامید، صدر اخبار کشور در سیطره مناظره رسانه‌ای ، شماری از روحانیون و مسئولان قضایی بر سر سخنان تکذیب شده رئیس جمهوری باشد. در حالی که دفتر رئیس جمهوری در اطلاعیه‌ای رسمی تأکید کرد: انتساب جمله «امام زمان (عج) هم قابل نقد است» به رئیس جمهوری، کذب محض است؛ اما برخی همچنان بر حسن روحانی خرده می گیرند. دو روز پس از نا آرامی ها آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی در حساب توئیتری خود نوشت: « می‌گویند مردم می‌توانند بر امام معصوم هم خرده بگیرند، انتقاد کنند و در جایی فرمانش را اطاعت نکنند. این مطالب را نه در پشت کوه قاف بلکه در پایتخت جمهوری اسلامی ایران گفته اند! با وجود اینان، امام زمان چقدر باید خون دل بخورد؟!» او در توئیت دیگری هم نوشت: «اگر (امام زمان) بخواهد شمشیر بکشد، بلافاصله خواهند گفت: خشونت از هر کسی که باشد محکوم است. تعصبات را کنار بگذارید و به بحث و گفت وگوی منطقی روی بیاورید!» آن گونه که ایسنا گزارش داده بود ، چند روز بعد هادی صادقی، معاون فرهنگی قوه قضائیه نیز در این باره گفت: «به معصومین اعتراض، نقد و اشکال نمی‌توان وارد کرد و این عمل نه عقلاً و نه شرعاً جایز نیست و این مسأله بر

همه مؤمنین روشن و مسلم است که کفر است.» این در حالی است که روزنامه «کیهان» نیز درهمآن روز ها در یادداشت های جداگانه ای، خواستار «توبه» رئیس جمهوری شد .در خلال این مباحث برخی ناظران و تحلیل گران چند نکته را قابل تأمل دانسته اند. نکته نخست، اینکه فضای کشور در دو هفته اول دیماه ۱۳۹٦ شاهد اعتراضات مردمی بود. از هفتم دی ماه ۱۳۹٦ تجمعات اعتراض آمیزی از مشهد آغاز و در یک هفته به شماری از شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها سرایت کرد. نخستین تجمع تحت عنوان «نه به گرانی» برگزار شد و آن گونه که در تصاویر و فیلم‌ها موجود است، تجمع کنندگان دقایق اول ضمن بیان مطالبات اقتصادی خود، شعار های تند علیه روحانی را مطرح کردند. اما ساعتی بعد شعارهایی علیه سایر مسئولان و نهادهای حکومتی مطرح شد. در تجمع‌های بعدی اگرچه در برخی شهرستان‌ها شعارهای اقتصادی نیز مطرح شد اما حجم شعارهای ساختارشکنانه در شماری از این تجمعات قابل قیاس با شعارهای معیشتی و اقتصادی نبود. به گونه‌ای که در شعارهای روزهای منتهی به ۱۳ دی ۱۳۹۶، کمتر شعاری درباره روحانی و دولت سر داده شد. اگرچه برخی چهره‌ها و مسئولان تلاش داشتند شعارهای مطرح شده در اعتراض‌ها را به دولت و وضعیت اقتصادی تقلیل بدهند، اما حسن روحانی در قامت رئیس جمهوری که برای دفاع از حقوق تک تک مردم سوگند خورده است، در سخنان مکرری تأکید کرد که مطالبات مردم تنها «اقتصادی» نبود. رئیس جمهوری در جلسه با مسئولان ارشد وزارت امور اقتصاد و دارایی اینکه خواسته مردم فقط به اقتصاد محدود شود را « آدرس غلط » و « توهین به مردم» دانست و تأکید کرد: « نسل جوان ما یک حرف بیشتر ندارد و آن این است که می‌گوید من هم می‌فهمم و حرف دارم و باید به حرف من گوش کنید. مردم هم صراحتاً اعلام می کنند که حرف دارند و باید به حرف مردم گوش داده و بالاتر از آن به آن عمل کنیم و اگر اکثریت کشور با نسل جوان است به معنای آن است که باید به نظر اکثریت عمل کنیم.» رئیس جمهوری با اشاره به تلاش‌ها و فشارهایی که برای فیلترینگ و محدودیت شبکه‌های اجتماعی به دولت اعمال می‌شود، گفت: «عده‌ای از فضای مجازی خوش شان نمی‌آید. یک عده می‌گویند که مردم فقط باید به صدا و سیما نگاه کنند البته معتقدیم که صدا و سیما باید صدای ملت را منعکس کند نه صدای جناح خاصی را.» او در همین جلسه سخنانی را در باب لزوم نقد مسئولان و نهادها از سوی مردم مطرح کرد که از سوی عزت‌الله ضرغامی رئیس سابق صدا و سیما تحریف و نیز تقطیع شد و هجمه به روحانی را کلید زد و البته برخی نیز ترجیح دادند توضیح رسمی دفتر رئیس جمهوری را نبینند و بر شدت و حدت هجمه بیفزایند. & هجمه‌ای که می‌تواند این شائبه را به دنبال داشته باشد آیا زوم کردن روی بخشی از سخنان تحریف شده و منتسب به رئیس جمهوری برای سایه افکندن روی بخش عمده سخنان صریح و شفاف روحانی برای شنیدن

صدای مردم نیست؟ آن گونه که سیدرضا تقوی، رئیس سابق شورای سیاستگذاری ائمه جمعه در جلسه تودیع خودش گفت معترضان دست کم به دفاتر ۱۵ ائمه جمعه در شهرهای مختلف حمله کردند و آن گونه که در بسیاری از ویدئوهای تجمعات ثبت و ضبط است، بخش قابل توجهی از شعار معترضان متوجه برخی از اشخاص روحانیون و نهادهای مذهبی است. کمتر کسی تردید داشت که درکنار اعتراض های مردمی، عده ای هم پا را فراتر نهادند و با شعارهایی چون «جمهوری ایرانی» یا شعارهایی با محتوای حضور نداشتن روحانیون (افراد مذهبی) در مسئولیت‌ها، به‌دنبال آشوب و اغتشاش و به خیال خود تغییر نظام جمهوری اسلامی بودند، اما آیا می توان مدعی شد مردمی که به وضعیت اقتصادی انتقاد داشتند، عملکرد یا رویکرد برخی از روحانیون را محل نقد نمی‌دانند؟ در چند ماه گذشته روحانیونی چون آیت‌الله بیات زنجانی، آیت‌الله حسین موسوی تبریزی، سیدمهدی طباطبایی، مسیح مهاجری و... از کاهش نفوذ روحانیت که به اعتقاد آنها متأثر از عملکرد و رویکرد برخی روحانیون یا ائمه جمعه است ابراز نگرانی کرده‌اند و حتی سید رضا تقوی بر کاهش شمار مشارکت کنندگان در نمازهای جمعه اشاره کرد؛ در جریان همین انتخابات اردیبهشت ماه ۱۳۹٦ بود که انتقادهای مردم از مشی برخی از روحانیون ارشد در مشهد مقدس، خود را در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و شورای اسلامی این شهر نشان داد. این در حالی است که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری که همین ۸ ماه پیش برگزار شد، به رغم طرح وعده های دلفریب اقتصادی تحت عنوان یارانه چند برابری، کارانه و تقسیم بندی جامعه به ٤ درصدی و ٩٦ درصدی از سوی رقبای اصولگرای روحانی، اکثریت مردم به حسن روحانی رأی دادند تا نشان دهند تنها اقتصاد، دغدغه آنان نیست. از سوی دیگر حتی افرادی که دغدغه اقتصادی داشتند نیز برنامه های اقتصادی حسن روحانی را قابل قبول تر از برنامه های ارائه شده از سوی رقیبان وی دانستند. حال این سؤال مطرح است آیا می‌توان همه کسانی را که حتی با شعار های تند علیه حسن روحانی اعتراض خود را به وضعیت اقتصادی نشان داد «مردم» دانست و دیگرانی که علیه نهادهای غیردولتی شعار می‌دادند را «آشوبگر» خواند؟

نکته قابل تأمل دیگر تفاوت و زاویه قابل توجه ادبیات رئیس جمهوری فعلی و رئیس جمهوری قبلی در حیطه مقدسات و واکنش روحانیون ارشد به آن هاست. در زمانی که محمود احمدی نژاد در رأس دستگاه اجرایی کشور بود، هر چند ماه یکبار فیلم، سخنرانی یا حرف و حدیثی در حوزه دینی و مذهبی مطرح می‌شد که حرف و حدیث زیادی به دنبال داشت. نخستین آن‌ها، سخنان احمدی نژاد در دیدار با آیت‌الله جوادی آملی درباره «هاله نور» بود. بنا به فیلمی که از آن دیدار موجود و قابل دسترسی است، رئیس دولت نهم بعد از نخستین حضورش در اجلاس عمومی سازمان ملل می‌گوید: «من روز آخری که

سخنرانی کردم، تقریباً همه سران بودند یکی از همان جمع به من گفت: «وقتی تو شروع کردی «بسما...» و «اللهم» را گفتی، من دیدم یک نوری آمد، تو را احاطه کرد و تو رفتی تو یک حصاری. تا آخر؛ من خودم هم این را احساس کردم که فضا یک دفعه عوض شد و همه حدود بیست وهفت، هشت دقیقه تمام، این سران مژه نزدند. اینکه می‌گویم مژه نزدند، غلو نمی‌کنم، اغراق نیست. چون نگاه می‌کردم، همه سران مبهوت مانده بودند.» در همان دوران بود که محمدرضا رحیمی رئیس وقت دیوان محاسبات که بعدها معاون اول احمدی نژاد شد، گفت: «یکی از مسلمانان سوریه معتقد بود اگر بنا بود بعد از پیامبر(ص)، پیامبری بیاید آن، احمدی نژاد بود»! اما آیت‌الله مصباح یزدی بجای مقابله با این اظهار نظرها گفت: « رئیس جمهوری وقتی از طرف ولی فقیه منتصب شد، می‌شود عامل او، آن پرتو قداستی که او دارد بر این هم می‌تابد. وقتی رئیس جمهوری اسلامی شد، حکمش را از رهبر - یعنی جانشین امام(ع)- دریافت کرد، یک پرتوی از آن قداست بر این هم می‌تابد؛ آن وقت اطاعت از رئیس جمهوری و اطاعت از مجلس و سایر امور هم می‌شود اطاعت از خدا.» محمد ناصر سقای بی‌ریا شاگرد مورد وثوق آیت‌الله مصباح یزدی و مشاور احمدی‌نژاد در امور روحانیت هم با تأکید بر اینکه «مردم عاشق شعارها و حرکات احمدی‌نژاد هستند» گفته بود:«احمدی‌نژاد می‌گفت که در سفر شانگهای خانم‌های هندو آمدند و با دست مالیدن بر شیشه اتومبیل رئیس جمهوری می‌خواستند خودشان را تبرک کنند.» به این سیاهه می‌توان موارد پرشمار دیگری افزود اما به اعتقاد ناظران، چگونه می‌شود آیت‌الله مصباح یزدی در ایامی که احمدی نژاد رئیس جمهور و تحت حمایت مطلق او بود، نه تنها در برابر این سخنان که به احمدی نژاد تقدس می‌بخشید، هیچ نمی‌گفت بلکه خود و شاگردانش از مولدان چنین اندیشه‌ای و انگاره‌ای بودند؟ & سؤال اساسی تر اینکه کسانی که امروز به خاطر سخنان تقطیع شده و منتسب به حسن روحانی، او را آماج نقد قرار داده‌اند، در برابر مقدس سازی‌های رئیس دولت قبل و به تعبیری خرج کردن از مقدسات برای احمدی نژاد، چه کردند؟ در این میان شاید بازخوانی سخنان حسن روحانی در آن ایام خالی از لطف نباشد؛ او سال ۱۳۸٦ بعد از درگذشت آیت‌الله محمدرضا توسلی در خلال جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت:« یکی از عصبانیت‌های لحظات آخر آیت‌الله توسلی بحث خرافه بود. این چه بازی است که ما اینقدر مردم را عوام فرض کرده‌ایم؟ می‌ترسم که فردا مهر امام زمان را هم درست کنند و به مردم نشان دهند. اگر لازم باشد همه جزئیات را برای مردم خواهیم گفت. عده‌ای وقتی نماز می‌خوانند جلوی خود یک جانماز خالی پهن می‌کنند و می‌گویند این را برای امام زمان گذاشته اند یا در سر سفره یک بشقاب غذا برای امام زمان می‌کشند یا شنیده‌ام که می‌گویند فلان جلسه مهم را روز جمعه بیندازید تا با حضور آقا تصمیم بگیریم. این چه بازی است و چه خرافاتی است که راه افتاده

است؟» در جریان انتخابات سال ۱۳۹۶ ریاست جمهوری نیز روحانی با اشاره به توزیع اقلام منتسب به آستان قدس رضوی با اهداف انتخاباتی لب به انتقاد گشود که: «ما نبات امام رضا(ع) را برای شفا می خواستیم نه برای رأی » و خطاب به سید ابراهیم رئیسی (رقیب ریاست جمهوری) گفت:«از شما خواهش می‌کنم امام رضا(ع) را برای مردم بگذارید و امام رضا(ع) را حزبی و جناحی نکنید«. مروری گذرا بر این موارد که هر کدام گاه هفته‌ها کشور را درگیر خود کرد، به وضوح نشان می‌دهد حسن روحانی زمانی که حتی روحانیونی بلند پایه تر از وی که در دفاع از مفاهیم و آموزه‌های دینی مسئولیت شرعی و قانونی داشتند، چشمان خود را بر مقدس سازی‌های رئیس دولت قبل بسته بودند، یا برای پیشبرد اهداف انتخاباتی خود از امام زمان(عج) و امام رضا(ع) خرج می کردند، دغدغه دین و تحریف آن را داشت. قاعدتاً سخنان و دیدگاه‌های حسن روحانی در حوزه دینی که همواره به صورت شفاف و صریح مطرح شده است، هم به‌عنوان یک معمم و هم به‌عنوان رئیس جمهوری قابل نقد است اما سؤال اینجاست، آیا مهم‌ترین مسأله این روزهای کشور پرداختن به سخنان تقطیع شده روحانی است یا شنیدن صدای اعتراضی که برای یک هفته نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، نظارتی و اجرایی را درگیر خود کرد و نه تنها پس لرزه‌های آن همچنان ادامه دارد، بلکه به اعتقاد بسیاری آتش زیر خاکستر است و می باید برای عموم مردم از جمله جوانان و نوجوانان که گاه دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی شان از دل نگرانی‌های اقتصادی شان بیشتر است، حل و فصل شود.

تحریف کنندگان سخنان روحانی انگیزه سیاسی دانشتند

در اواخر دی ۱۳۹۶ ، که برخی از چهره‌های سیاسی و دینی همچنان درباره سخنان رئیس جمهوری در جمع مدیران وزارت اقتصاد اظهار نظر می کنند ، حسن روحانی در تشریح ضرورت وجود نقد در زمان حاضر، به نقادی مسائل اجتماعی و سیاسی در زمان زندگی معصومین استناد کرده بود. منتقدان اما این را رد و عنوان می کنند که چنین رویکردی قابل قبول نیست. از این میان برخی چهره‌هایی همچون آیت‌الله مصباح یزدی، درحالی سخنان رئیس جمهوری را به چالش کشیده بود که خود عباراتی شبیه آن بیان کرده بود.

حاشیه‌های پررنگ از جلسه استیضاح وزیر کار ورفاه اجتماعی در مرداد ۱۳۹۷

پرونده افکار عمومی در انتظار تعیین تکلیف اتهامات است. بطوریکه علی ربیعی چند روزی است که در خانه نشسته و رایزنی‌ها برای معرفی گزینـه جدید وزارت تعـاون، کـار و رفـاه اجتمـاعی آغـاز شـده است. استیضاح ربیعی پایان یافت و حالا سؤالات بی‌پاسخی نزد افکار عمومی باقی مانـده اسـت. تکلیـف آن همه اتهام و افترایی کـه در صـحن علنـی بهارسـتان(محل مجلـس شـورای اسـلامی) در مـرداد ۱۳۹۷ مطرح شد، چه می‌شود. اعتراض‌ها بـه حاشیه‌های آن جلسـه محـدود بـه کارشناسـان و فعـالان سیاسـی و رسانه‌ها نیست و خود نمایندگان هم منتقد جدی کنش‌هـای برخـی همکـاران خـود هسـتند. اینکـه از پشـت تریبون زنده نمایندگان علیه همدیگر و علیه برخی مسئولان در نهادهای دیگـر مـواردی بـزرگ شـده کـه انتظار می‌رود مورد بررسی قرار گیرد. چه اگر آن ادعاها ثابت شـود بیشـتر از هـر جـای دیگـری، ایـن مجلس است که زیر سؤال می‌رود و باید پاسخگو باشد و البته اگـر اثبـات هـم نشـود بـاز ایـن نماینـد گـان هستند که باید پاسخگو باشند که برای رسیدن به یک هدف سیاسی چرا آبرو و اعتبـار همکـاران خـود یـا برخی مسئولان دولتی را به حراج گذاشتند. مهم تر از همه اینکه این موج افشاگری با اعتماد زخم خورده عمومی چه کرده است؟ رسانه ایسنا در گزارشی در همین باره نوشت: «سخنان و رفتارهایی که در روز استیضاح علی ربیعی اتفاق افتاد علاوه بر ابعاد داخلی، ابعاد خارجی نیز داشت. رادیوها و تلویزیون‌های بیگانه با استناد به مباحث مطرح شده در روز استیضاح، این جلسه را نشان از تعمیق شکاف بین دولت و مجلس و شکل گیری گسست بین ارکان حکومت جمهوری اسلامی توصیف کردند.» این رسانه بر اساس همان اتهامات مطرح شده در مجلس تأکید کرده است: «اتهام زدید، استیضاح کردیـد، حـالا سـند بیاوریـد. حمید رضـا حـاجی بابـایی رئـیس فراکسـیون اصـولگرایان مجلـس در همـین بـاره گفتـه اسـت: «اگـر ایـن صحبت‌ها دروغ باشد باید افرادی که آن را مطـرح کردنـد مجـازات شـوند. اگـر راسـت باشـد بایـد هیـأت رئیسه و مجلس برای برخورد ورود کرده و به مردم اعلام کنند چون حیثیت مجلس از یـک وزیـر و کـل هیأت وزیران بالاتر است بنابراین نباید این حیثیت از سوی موافقان یا مخالفان وزیر یا هر کـس دیگـری خدشه دار شود. باید افراد صحبت‌هایشان را مبتنی بر مستندات بیان کنند، اینکه وزیر موفق بوده یا نـه و اینکه آیا اقدامات قانونی انجام داده یا اقداماتش غیرقانونی بوده است.» پـیش از ایـن محمـد قسـیم عثمـانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه که اتفاقاً خود از امضا کنندگان طرح استیضاح ربیعی بود، در یادداشـتی برای رسانه «ایران» نوشت که « آنچه در این جلسه اتفاق افتاد نـه استیضـاح وزیـر کـار بلکـه استیضـاح نظام بود.» به نوشته وی « مسأله اصلی جایی است که از حیثیت نظام برای برکناری آقای ربیعی هزینه

شد و آنچه تبدیل به بهای این برکناری شد، چیزی جز پایین تر آوردن سطح اعتماد عمومی نبود. طیبه سیاوشی نماینده تهران هم به رسانه «ایران» گفت:« در شرایطی که کشور ما در موقعیت خطیری از نظر اعتراضات موجود در کف جامعه به سر می‌برد و همزمان فضای عمومی آماج حملات رسانه‌ای راست و دروغ و هدایت شده یا برای کاهش اعتبار نظام با برجسته کردن مفاسد و ناکارآمدی‌ها است، اتفاقات مجلس جز همسویی با این روند چیزی نبود. ما شاهد هستیم که تا چه اندازه آمار مفاسد و مشکلات موجود در کشور توسط رسانه‌های خارجی با برخی اکاذیب مخلوط شده و دوباره به خورد جامعه داده می‌شود تا نوعی پمپاژ بی‌اعتمادی را در پی داشته باشد. اتفاقی که مرداد ماه در مجلس رخ داد چیزی جز تکمیل این پروژه نبود. حالا افکار عمومی در انتظار آن هستند تا تکلیف این اتهامات روشن شود. مقدم بر دستگاه قضایی یا هر نهاد و رسانه‌ای دیگر، خود بهارستان باید این مسئولیت را پذیرا باشد و جواب قانع کننده‌ای برای حاشیه‌های پررنگ تر از متن جلسه ۱۷مرداد۱۳۹۷ مجلس پیدا کند.

با تغییر کابینه دولت قرار است چه تغییری حاصل شود ؟

نظر یکی از کارشناسان در مورد تغییر کابیه دولت چنین است.

اولاً ، معدل ظرفیت و توان مدیریتی کشور که بر اساس معیارهای گزینشی نظام اجازه ورود به ساختار مدیریت کشور را دارد توانی بالاتر از توان موجود نیست ، زیرا در چهل سال گذشته بطور ثابت لیستی حدوداً دویست نفره چه اصولگرا و چه اصلاح طلب بیش از ۹۵٪ پست های مدیریتی های بالای کشور را در اختیار دارند . عمده تغییر در ساختار مدیریتی کشور صرفاً جابجایی از پستی (هر چند بی ارتباط) به پستی دیگر است و به ندرت فرد جدیدی به لیست مذکور اضافه می‌شود. پس با تغییر کابینه دولت تغییر چندانی در مدیریت کشور ایجاد نمی‌شود.

ثانیاً و مهم تر از مورد بالا ، به فرض محال ، فرض می‌کنیم آقای روحانی توانمند ترین افراد موجود را برای جایگزینی وزرای قبلی انتخاب کرده و از فردا در محل کار خود حاضر می‌شوند . وزرای جدید و تازه نفس برای برون رفت از مشکلات مبتلا به کشور چکار می‌توانند انجام دهند ؟ آیا دولت را کوچک می‌کنند ؟ ساختارهای فساد زا و ناکارآمد را اصلاح می‌کنند ؟ برای کارآمدی بیش تر اقتصاد را رقابتی می‌کنند ؟ شاخصهای بهبود فضای کسب و کار را ارتقاء میدهند ؟ باید و نبایدهای ایدئولوژیک در حوزه اقتصاد را کنار میگذارند ؟ از علوم انسانی مغضوب برای شناخت پیچید گیهای مشکلات و پیدا کردن راه

حل برای رفع آنها بهره می برند؟ در جهت کنار گذاشتن نهادها و سازمانهای قدرتمند از اقتصاد که فلسفه وجودی شان اصولاً اقتصادی نیست اقدام خواهند کرد ؟ اگر بعضی جهت گیری های اصلی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی کشور را مانعی بر سر راه حل مشکلات کشور ببیند علناً حاضر به نقد و تشریح مضرات آنها هستند ؟ آیا می‌توانند در مذاکره با همتایان خارجی خود فقط یک صدا را از داخل کشور به آنها منتقل کنند ؟ متاسفانه میدانیم جواب تمام سوالات بالا و همچنین سوالات مشابه آنها منفی است . زیرا آنها اصولاً اختیار چندانی درحوزه های مذکور ندارند. بدون تغییر ساختارها وجهت گیری هائی که کشور را به وضعیت فعلی رسانده امکان ندارد از این وضعیت خارج شد ، حتی اگر ترکیب دولت ، کارآمدترین ترکیب ممکن باشد . وجود مدیران توانمند برای توسعه و رفع مشکلات شرط لازم است ولی کافی نیست ، مثلاً وقتی مقصد تبریز باشد ولی در مسیر زاهدان در حرکت باشید چه فرقی می‌کند راننده ماهر باشد یا ناشی ؟ . ضمناً توجه داشته باشیم حتی این ساختارها و جهت گیرهای مناسب هستند که سیستم گزینش مدیران توانمند و پاکدست را تعیین می‌کنند . ساختارهای نامناسب ، جهت گیریهای غلط ، تعیین اهداف آرمانی ، پرهزینه و دست نیافتنی و الویت بندی های اشتباه عامل اصلی مشکلات کشور هستند و الا تغییر چند وزیر با ثابت ماندن دیگر عوامل منجر به هیچ تغییرمثبتی نمی‌شود.تغییر ساختارها و جهت گیری ها به هیچ وجه به معنای براندازی نیست . حاکمان کمونیست چین بعد از سی سال با تجربه چند ناکامی بزرگ مثل برنامه جهش بزرگ و انقلاب فرهنگی و همچنین با دیدن تجربه ناموفق شوروی سابق بخوبی متوجه شدند برنامه آنها جواب نمی دهد ، بجای سرسختی و اصرار بر ادامه مسیر اشتباه گذشته با درایت و شجاعت استراتژی ها را عوض کردند و ده ها برابر توانمند تر ، امن تر و مرفه تر از گذشته ، با اینحال با تغییر بنیادین ساختار ها و جهت گیری ها هنوز هم عکس مائو بر روی تمام اسکناس های آنها نقش بسته است.

انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۹)

انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۹۸ و همزمان با نخستین انتخابات میان‌دوره‌ای دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری استان‌های تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، فارس و قم برگزار شد؛ داوطلبانی که نتوانند حداقل ۲۰ درصد آرای اخذ شده در حوزهٔ انتخابیهٔ خود را کسب کنند، باید در دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۹ برگزار می‌شود، به رقابت بپردازند در این دوره، با۲۰درصد، کم‌ترین میزان مشارکت در یازده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی رقم خورد. ثبت‌نام یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با

نام‌نویسی نزدیک به ۱۴ هزار نفر در سراسر کشور به پایان رسید. در این گزارش به بررسی برخی جزئیات آماری از داوطلبان شرکت در انتخابات این دوره و حضور چهره‌های سیاسی پرداخته شده است

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری تسنیم، مهلت ثبت نام در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با دستور وزیر کشور درتاریخ ۱۶ آذر ۱۳۹۸ پایان به پایان رسید. سید اسماعیل موسوی سخنگوی وقت ستاد مرکزی انتخابات در نشست خبری که پس از روند رسمی نام نویسی از کاندیداهای شرکت در انتخابات مجلس با اصحاب رسانه داشت، به تشریح آمار نهایی داوطلبان شرکت در این دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخت. به گفته موسوی، در این دوره ۱۳ هزار ۸۹۶ داوطلب موفق به ثبت‌نام نهایی در انتخابات مجلس شدند که در قیاس با دوره گذشته ۱۵ درصد ثبت‌نام‌ها افزایش داشت. سخنگوی ستاد مرکزی انتخابات ادامه داد: از مجموع کل داوطلبانی که موفق به ثبت‌نام نهایی در این دوره از انتخابات شدند، ۱۶۰۵ نفر زن و ۱۲۲۹۱ مرد که نسبت آنها ۱۲ درصد برای خانم ها و ۸۸ درصد برای آقایان بوده است. موسوی همچنین با اشاره به نوع و سطح تحصیلات شرکت کنندگان در یازدهمین دوره انتخابات مجلس گفت: از میان داوطلبان شرکت در انتخابات این دوره، تعداد ۶۰۱ نفر معادل ۴ درصد دارای تحصیلات حوزوی، ۱۴ درصد تحصیلات دکترا، ۷۷ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و مابقی لیسانس و پایین‌تر از آن هستند . وی در ادامه با بیان اینکه ۳۷ درصد از داوطلبان زیر ۴۰ سال سن دارند، اظهار داشت : از میان مجموع نامزدهای این دوره از انتخابات، ۲۶ درصد ایثارگر، ۴ درصد سابقه نمایندگی ادوارقبل و ۲۳ درصد دارای سابقه نمایندگی در دوره‌های گذشته مجلس را داشته‌اند. سخنگوی ستاد مرکزی انتخابات کشور با اشاره به آمار تفکیکی حوزه‌های انتخابیه بزرگ گفت: بر اساس برآوردها تعداد داوطلبان شرکت در حوزه انتخابیه تهران ۳۱۳۸ نفر، اصفهان ۱۰۹۹، خراسان رضوی۹۸۰، خوزستان ۸۰۰ نفر و استان فارس ۷۳۹ نفر بوده است.همچنین نظام ملکشاهی معاون سیاسی و اجتماعی وقت فرماندار تهران دقایقی پس از پایان روند نام‌نویسی در فرمانداری تهران با اشاره به آمار نهایی داوطلبان پایتخت در جمع خبرنگاران گفت: در حوزه انتخابیه تهران، در روز پایانی ثبت نام از داوطلبان یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۲۸۴۰ نفر ثبت نام کرده بودند که از این تعداد، ۱۴۷۰ نفر معادل ۱۷ درصد از نامزدها، خانم و ۲۳۷۲ نفر معادل ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان از آقایان بودند. به گزارش تسنیم، تعداد ثبت‌نام کنندگان در این دوره ۱۵ درصد بیشتر از دوره پیشین بود. عدم ثبت‌نام علی لاریجانی پس از ۱۲ سال ریاست مجلس و ثبت نام محمد باقر قالیباف در دقایق پایانی از اتفاقات مهم ثبت‌نام‌ها بود اگرچه افراد دیگری نظیر محمدرضا عارف از جبهه اصلاح طلبان نیز که در مجلس دهم ریاست فراکسیون امید را

برعهده داشت، در این دوره مجلس حتی ثبت نام هم نکرده بود.* از نکات جالب ثبت نام های یک هفته ای این دوره انتخابات، حضور تقریبا تمامی سلیقه های سیاسی برای حضور در پارلمان بود به طوریکه از نهضت آزادی تا اصلاح طلبان رادیکال و میانه رو، و اصولگرایان تا حامیان احمدی نژاد برای کاندیداتوری ثبت‌نام کرده بودند. این حضور به نوعی اطمینان تمام جریان‌ها به پروسه انتخابات در ایران و در واقع پیروزی زود هنگام انتخابات محسوب می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق ثبت‌نام کنندگان هدف اصلی خود را تغییر وضع موجود و اصلاح عملکرد مجلس و دولت کنونی عنوان کردند و حالا باید صبر کرد و دید آیا مجلس آینده می‌تواند مهمترین خواسته داوطلبان خود را برآورده کند؟ همه اینها درحالیست که برخی اصلاح طلبان به دلیل کارنامه غیرقابل دفاع خود طی چند سال گذشته خصوصا حمایت از دولت برای کاندیداتوری در انتخابات حضور داشتند به طوری که از نکات قابل توجه، عدم ثبت‌نام برخی چهره‌های مطرح لیست امید تهران از جمله محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید، محمدجواد فتحی، عبدالرضا هاشم زایی، پروانه سلحشوری، علی نوبخت حقیقی، سیده فاطمه حسینی، کاظم جلالی بودند.

اعلام نتایج انتخابات مجلس یازدهم

نتایج قطعی شمارش آرای انتخابات مجلس ۱۱ در رسانه‌ها منتشر شد.رسانه ها نوشتند:مجلس این دوره در قبضه اصولگرایان خواهد بود. در انتخابات این دوره اعلام شد که از ۳۰ نماینده آتی تهران پنج نفر زن هستند و از حوزه انتخابیه مریوان و سروآباد کردستان برای اولین بار یک کاندیدای زن رای آورده است. خبرگزاری فارس گزارش داد، میزان مشارکت نزدیک به اصولگرایان و نظامیان، در انتخابات مجلس یازدهم را ۴۲ درصد اعلام کرده بود که به معنای ریزش ۱۹ درصدی مشارکت عمومی به نسبت چهار سال قبل بود. فارس همچنین از رفتن یک میلیون و ۹۰۰هزار تهرانی به پای صندوق‌ها خبر داده بود ولی در حالی که استاندار تهران تعداد شهروندان واجد شرایط رای دادن را ۹میلیون و ۶۰۰ هزار نفر عنوان کرده بود. رسانه‌های داخلی نتایج قطعی شمارش آرا در تهران و شهرستان‌ها را منتشر کردند. در عین حال، وزارت کشور که وظیفه اعلام نرخ مشارکت مردم را دارد، در این زمینه سکوت کرده بود. حمیدرضا جلایی پور، فعال سیاسی اصلاح طلب، در یادداشتی در کانال تلگرام شخصی خود با اشاره به پایین‌ترین نرخ مشارکت در انتخابات پس از انقلاب نوشته بود: " راه یافتگان به مجلس مورد حمایت اقلیت کوچکی از شهروندان هستند. برای مثال، اکثر راه یافتگان به مجلس یازدهم از تهران فقط رای کمتر از ۷ درصد تهرانی‌های واجد حق رای را دارند" . عمار ملکی، فعال سیاسی جمهوری

خواه نیز در توییتر نوشت: " در کتاب‌های تاریخ خواهند نوشت جمهوری اسلامی؛ آغاز ۱۲ فروردین **۱۳۵۸** با ۷۵٪ رای "آری" - پایان ۲ اسفند **۱۳۹۸** با حدود ۷۵٪ رای "نه" . طبق جداول منتشره، همه کرسی‌های نمایندگی تهران در اختیار اصولگرایان بود. شهردار قبلی تهران که دو مرتبه در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورده بود ، نماینده اول شد و در دومین رده، نام مصطفی میرسلیم، دیگر کاندیدای ناکام انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ دیده می‌شد. به جز تهران و نمایندگان اقلیت‌های دینی، ورود ۱۹۱ اصولگرا، ۱۶ اصلاح طلب و ۳۴ نماینده مستقل به مجلس قطعی شد و تکلیف برخی کرسی‌ها در مرحله دوم مشخص می‌شود. مسعود پزشکیان، وزیر بهداشت دولت خاتمی و نایب رئیس مجلس فعلی، از معدود اصلاح طلبان راه یافته به دور بعدی است. او در صدر آرای شمارش شده تبریز قرار داشت و چهار نماینده دیگر این شهر اصولگرا بودند. در قم، امیرآبادی، ذوالنور و زاکانی، سه چهره شاخص اصولگرایان وارد مجلس بعدی می‌شوند. فهرست سایر شهرها مملو از اسامی مردانه است و نام زن‌ها تک و توک به چشم می‌خورد. دو کاندیدای اصولگرا، پروین صالحی از مبارکه و هاجر چنارانی از نیشابور و فیروزه به مجلس بعدی می‌روند. در کرج فاطمه آجرلو و علیرضا عباسی به دور دوم رفته‌اند. در میان نامزدهای مستقل، الهام آزاد در نایین و مبارکه، سمیه محمودی در شهرضا، سارا فلاحی در ایلام و معصومه پاشایی از مرند و جلفا رای آورده‌اند . در میان زنانی که به مجلس یازدهم می‌روند، شیوا قاسمی پور از مریوان و سروآباد نخستین زنی از کردستان لقب گرفته اند که بعد از انقلاب وارد مجلس می‌شود. مجلس دهم ۱۷ نماینده زن داشت که ۱۱ نفرشان اصلاح طلب بودند. در صورت تایید و اعلام رسمی زنی در دور دوم رای بیاورد، مجلس یازدهم در بهترین حالت ۱۳ نماینده زن با اکثریت اصولگرا خواهد داشت .

انتخابات مجلس یازدهم؛ اصولگراها پیشتاز و قالیباف در صدر

نتایج مقدماتی تهران نشانگر تصاحب کرسی‌های مجلس از سوی اصولگراها بود. سردار سابق سپاه و شهردار قبلی تهران، کادر مرکزی موتلفه و دبیرکل جبهه پایداری سه نفر اول شدند. خبرگزاری فارس گفت نرخ مشارکت کشوری در انتخابات این دوره مجلس ۴۰درصد بوده است. ۴۸ ساعت پس از آغاز رای گیری در ایران سرانجام وزارت کشور میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را اعلام کرد. به گفته وزیر کشور ۴۲/۵۷ درصد واجدان شرایط رای دهی در این رای گیری شرکت کرده بودند. این رقم کمترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی ایران بوده است. پیشتر

رهبر ایران، با اشاره به آنچه که او دستگاه‌های تبلیغاتی بیگانه می‌نامد گفته بود: " در دو روز آخر به بهانه یک بیماری و ویروس، رسانه‌های آنها از کمترین فرصت برای منصرف کردن مردم از حضور در انتخابات مجلس چشم‌پوشی نکردند." رهبر ایران که از " درخشش مطلوب ملت ایران در امتحان بزرگ انتخابات مجلس" یاد کرده بود پیش تر در استان آذربایجان شرقی انتخابات مجلس شورای اسلامی را "جهاد عمومی" و "جشن ملی" نامیده بود. پس از سخنان رهبر ایران بطوریکه خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در حساب توییترش میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم را در "حدود ۴۲ درصد" عنوان کرده بود. ولی خبرگزاری فارس بعدا از "کاهش ۱۹ درصدی مشارکت" در انتخابات مجلس شورای اسلامی نسبت به دوره گذشته گزارش داده بود. میزان مشارکت در انتخابات دوره‌های مختلف مجلس ایران بالاترین میزان مشارکت معادل ۷۱٪ و مربوط به مجلس پنجم بود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، رهبر ایران در سخنرانی ابتدای جلسه درس خارج فقه خود گفت: " انتخابات در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که دین مظهر کامل یک دموکراسی همه‌جانبه است و برگزاری ۳۷ انتخابات در طول ۴۱ سال نشان‌دهنده اهتمام بی‌نظیر نظام اسلامی به مردم سالاری است." عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور درباره دلایل مشارکت ۴۲ و ۵۷ دهم درصدی به خبرنگاران گفته بود : "ما هم ورود بیماری کرونا را داشتیم و هم شرایط سیاسی و مسائلی مثل سقوط هواپیمای اکراین، حوادث آبان و دی ۱۳۹۸را داشتیم و در این شرایط این میزان حضور و مشارکت مردم در انتخابات کاملا قابل قبول است." بر اساس نتایج قطعی، اکثریت کرسی‌های مجلس یازدهم را اصولگرایان کسب کرده‌اند. برگزاری این انتخابات با رد صلاحیت گسترده داوطلبان نزدیک به جناح اصلاح طلب از سوی شورای نگهبان قانون اساسی همراه بوده است. علی ساری، نماینده اهواز در مجلس دهم شورای اسلامی پس از اعلام نتایج شهر تهران در توییتر نسبت به مشارکت در انتخابات واکنش نشان داده و نوشت: "مردم ایران اسلامی مجلس یازدهم را از دقایق اول پیگیری کنید، شاید برای انتخابات سال ۱۴۰۰با صندوق رای آشتی کردید". همچنین عزت الله ضرغامی، رئیس پیشین سازمان صدا و سیما هم ساعاتی پیش از اعلام رسمی میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، با انتشار توییتی از اعلام نکردن نرخ مشارکت انتخابات روز جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۸ انتقاد کرد. وی نوشت: " الکترونیکی کردن کل انتخابات پیش کش! لااقل رقم نهایی مشارکت که بلافاصله بعد از پایان رای گیری، از طریق تعداد تعرفه های مصرف شده قابل تشخیص است را اعلام کنید. ظاهرا ویروس اطلاع رسانی، از سقوط هواپیما به نتیجه انتخابات هم سرایت کرده است. تغذیه افکار عمومی را به دیگران واگذار

نکنیم". باید توجه داشت که رئیس سازمان صدا و سیما در ایران از سوی رهبر حکومت منصوب می‌شود.

آرای پایتخت در سبد فرمانده اسبق نیروی هوایی سپاه

محمد باقر قالیباف، سرلیست فهرست وحدت اصولگرایان با کسب بیش از یک میلیون و ۲۶۵ هزار رای، نا مزد اول حوزه انتخابیه تهران شد. آقای قالیباف فرماندهی نیروی هوایی سپاه پاسداران، فرماندهی نیروی انتظامی و شهرداری تهران را در کارنامه خود دارد. مصطفی آقامیرسلیم، مرتضی آقاتهرانی، الیاس نادران، سه چهره اصولگرا پس از آقای قالیباف بیش‌ترین رای را در پایتخت کسب کردند. بر اساس اعلام وزارت کشور مشارکت در حوزه انتخابیه تهران یک میلیون و ۸۴۱ هزار و ۸۹۱ تن برابر با ۲۵ و ۴ دهم درصد بوده است. انوشیروان محسنی بندپی، استاندار تهران پیش تر شمار شهروندان واجد شرایط رای دهی در استان تهران را ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر عنوان کرده و گفته بود که ۲۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تعرفه در این استان توزیع شده است. وزیر کشور اعلام کرده بود که "بیشترین مشارکت در استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۱ درصد و کمترین هم در استان تهران با ۲/۲۶ درصد بوده است." در ایران ۵۷ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۱۵۹ تن واجد شرایط رای دهی بودند. از این تعداد ۴۸ درصد مشارکت کنندگان در انتخابات مجلس یازدهم را زنان و ۵۲ درصد را مردان تشکیل داده بودند. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور وقت گفته بود : " پس از آنکه فرمانداری‌ها نتایج را ابلاغ کنند، کسانی که اعتراض دارند می‌توانند اعتراضشان را به هیئت‌های اجرایی بفرستند و هیئت‌ها صرف ۷ روز رسیدگی کرده و بعد ۷ روز هم شورای نگهبان رسیدگی می‌کند." رای گیری در ۱۱ حوزه انتخابیه به دور دوم کشیده شد. و نامزدهای انتخابات بیجار در استان کردستان، میانه در استان آذربایجان‌شرقی، لنجان و سمیرم در استان اصفهان، دهلران، دره شهر، آبدانان و بدره در استان ایلام، کرج، اشتهارد و فردیس در استان البرز، کردکوی، ترکمن، بندر گز و گمیشان در استان گلستان، اهواز، باوی، حمیدیه و کارون در استان خوزستان، اسلام‌آباد غرب، دالاهو، شهر کرمانشاه در استان کرمانشاه و زنجان نتوانستند حد نصاب ۲۰ درصد رای را کسب کنند. قرار بود که دور دوم این رای گیری برای تعیین تکلیف حوزه‌های انتخابیه باقی مانده در۲۹ فروردین سال ۱۳۹۹ برگزار شود. انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۸ (۲۱ فوریه ۲۰۲۰) با رای گیری در ۵۵ هزار شعبه اخذ رای در سراسر ایران در ۲۰۸ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۲۹۰ نماینده مجلس برپا شد و بر

سر تصاحب کرسی‌های مجلس شورای اسلامی، ۵ هزار و ۲۳۲ تن داوطلبانی که تائید صلاحیت شده بودند، در این انتخابات شرکت کردند.

۰۸ خرداد ۱۳۹۹ .

باقر قالیباف در روز اول ریاستش بر مجلس یازدهم



در دوره‌های (دهه ۹۰) مجلس شورای اسلامی عبارت رئیس مجلس تنها "سخنگوی مجلس است" که از سوی بعضی از نمایندگان مطرح شده. با وجود این سخنان، اما در قانون اساسی به رئیس مجلس جایگاه خاص و متفاوتی با دیگر نمایندگان حتی نایب رئیسان داده شده است.

رئیس مجلس در ایران چقدر قدرت دارد؟

در مجلس ششم شورای اسلامی برخی از اعضای حزب جبهه مشارکت اعلام می‌کردند که رئیس مجلس سخنگوی مجلس است با این حال در این دوره نمایندگان برای کاهش اختیارات رئیس مجلس تلاش نکردند. در دوره ریاست علی لاریجانی نیز معترضان او را به "استبداد" متهم کرده و از تلاش برای استیضاح رئیس و اعضای هیئت رئیسه سخن گفتند اما این تهدیدها اجرایی نشد. اینک نیز محمود احمدی بیغش منتخب مجلس یازدهم و استاندار خراسان شمالی در دولت محمود احمدی نژاد، از تهیه طرحی برای کاهش قدرت رئیس مجلس خبر داده است. محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای، نوشته بود که طرفداران محمود احمدی نژاد و اعضای جبهه پایداری تلاش می‌کنند نقش محمد باقر قالیباف را " در حد مبصر

کلاس تنزل دهند تا قدرت خودشان بیشتر شود." با این حال مشخص نیست که این تهدیدها برای کاهش اختیارات رئیس مجلس تا چه حد اجرا شود. اما اختیارات رئیس مجلس در قانون چیست؟

اصول شماره ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی

بخشی از اختیاراتی که به رئیس مجلس شورای اسلامی داده شده در قانون اساسی گنجانده شده و تغییر آن در شرایط فعلی ناممکن است. این اختیارات البته بیشتر مربوط به ارتباط مجلس با دیگر قوا است و به اختیارات رئیس مجلس که مورد مناقشه نمایندگان است ارتباط ندارد. یکی از اختیارات مهم رئیس مجلس که در برخی از دولت‌ها موضوع مناقشه بوده در اصول شماره ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی به او داده شده است. بر اساس این اصول قانون اساسی، تصویب نامه‌های دولت و شوراهای زیر نظر دولت که جنبه قانون گذاری دارد باید به تایید رئیس مجلس برسد. اجرای این اصل در برخی از دولت‌ها و به خصوص دولت محمود احمدی نژاد درگیری‌های دامنه داری بین دولت و مجلس را به دنبال داشت.

ابلاغ قوانین

یکی از اختیارات دیگر رئیس مجلس، ابلاغ قوانین است و اگر رئیس جمهور، مصوبات مجلس را که به تایید شورای نگهبان رسیده را نادیده بگیرد، رئیس مجلس آن را ابلاغ خواهد کرد. در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، علی لاریجانی رییس مجلس وقت در چند مورد از این قدرت استفاده کرد و قوانینی که آقای احمدی نژاد به دلیل مخالف بودن با آنها، ابلاغ نکرده بود را، ابلاغ کرد.

عضویت در چند شورای "بالادستی"

عضویت رئیس مجلس در شورای عالی امنیت ملی ، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز جایگاه او را با دیگر نمایندگان و نایب رئیسان متفاوت می‌کند. رئیس مجلس همچنین یکی از اعضای شورای موقت ریاست جمهوری اسلامی است که در صورت استعفای رئیس جمهور تشکیل می‌شود و تا زمان تعیین جانشین او فعالیت می‌کند.

اختیارات در مجلس

در خود مجلس نیز هر چند رئیس بیشتر با اداره جلسات علنی مجلس شناخته می‌شود اما اختیارات دیگری نیز دارد. از جمله اینکه همه امور اداری و سازمانی مجلس جزو اختیارات او است. در آیین نامه مجلس، اختیاراتی نیز برای هیئت رئیسه مجلس تعیین شده است که رئیس نیز در آن نقش دارد که از جمله آنها تصویب بودجه سالانه مجلس است. رئیس مجلس در اداره نهادهای زیر نظر مجلس از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اختیار دارد.

اختیارات فرا قانونی

به جز اختیاراتی که در قانون برای رئیس مجلس پیش‌بینی شده، نشست سران قوه در دوره رهبری آیت الله خمینی و همچنین در مقاطعی از رهبری آیت الله خامنه‌ای اختیارات فرا قانونی داشته است.علاوه بر اختیارات قانونی، قدرت فردی روسای مجلس به نسبت شرایط متفاوت بوده است. اکبر هاشمی رفسنجانی به دلیل نزدیکی خود با آیت الله خمینی در جایگاه رئیس مجلس عملا بیشتر از روسای دیگر قوا قدرت داشت. مهدی کروبی که جانشین هاشمی رفسنجانی در مقام رئیس مجلس سوم شد در این مدت و دوره ریاست مجلس ششم نیز اگر چه فرد موثری در سیاست ایران بود اما به نسبت هاشمی رفسنجانی قدرت نداشت. غلامعلی حداد عادل با وجود رابطه فامیلی با رهبر جمهوری اسلامی نتوانست چهره قدرتمندی از خود به نمایش بگذارد و حتی ریاست او بر مجلس یک دوره بیشتر دوام نداشت. علی لاریجانی با ۱۲ سال سابقه بیشترین زمان ریاست بر مجلس را داشت و تلاش کرد که نقشی مانند اکبر هاشمی رفسنجانی داشته باشد و به یک شخصیت سیاسی مستقل و تاثیرگذار بدل شود. محمد باقر قالیباف نیز اینک در شرایطی مانند مجلس هفتم و دوره ریاست حداد عادل به عنوان رئیس مجلس انتخاب شده است. در دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ شایع شد که او خود را " رضا خان اسلامی" خوانده بود اما این شایعه تکذیب شد. جدای از این شایعه، او پیش از این بارها سعی کرده بود چهره‌ای شبیه به این فرد از خود ارائه دهد و خود را " مدیر مقتدری" معرفی کند. هر چند که او در مجلس یازدهم با گروه‌ها و فراکسیون‌های مختلف مواجه است که برای کاهش قدرتش تلاش می کنند.

فصل هفتم

رخداد های امنیتی ، نظامی وسیاسی دهه ۹۰

تیراندازی در مجلس شورای اسلامی

در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ افراد مسلح در حالی که تیراندازی می کردند، به زور وارد مجلس شورای اسلامی شدند. این افراد مسلح که به گفته یکی از نمایندگان ۴ نفر بودند با تیراندازی وارد مجلس شده و با هدف قرار دادن تعدادی از نیروهای حفاظت مجلس به تیراندازی خود ادامه می‌دادند که ظاهراً سه نفر زخمی شدند. یکی از نمایندگان مجلس با تایید این حادثه تیراندازی گفت که این افراد در دفاتر نمایندگان حضور داشتند و محاصره شده بودند اما اوضاع تحت کنترل بود ولی در آن موقع از خروج نمایندگان از صحن مجلس و خروج خبرنگاران جلوگیری می شد. در همان روز خبرنگار باشگاه خبرنگاران از محل مجلس چنین گزارش داد : "ضاربان ۴ نفر بودند که به سمت دفاتر نمایندگان متواری شدند و در این حادثه ۴ نفر زخمی شدند هیچکدام از ضاربان تا این لحظه دستگیر نشدند. درب های خروج خبرنگاران به خارج بسته شده بود و همه ضاربان به سمت طبقات بالا و اتاق نمایندگان متواری شدند." براساس مشاهدات خبرنگار ایسنا فرد یا افراد مسلح به سمت جایگاه خبرنگاران در بیرون از طرف مجلس نیز تیراندازی کرده بودند که این امر باعث هدایت خبرنگاران به سمت داخل صحن شده و درهای صحن مجلس به روی خبرنگاران بسته شده بود و آنها نمی توانستند از صحن خارج شوند. ولی نماینده‌ای مجروح نشده بود وافراد مسلح خود را در دفاتر نمایندگان محبوس کرده بودند. در این خصوص رنجبرزاده،عضو هیأت رئیسه مجلس اظهار داشت : افراد مسلح خود را در دفاتر نمایندگان محبوس کرده و سیستم‌های امنیتی و حفاظت مجلس در تلاش برای دستیگری آنها بودند. کسی از نما یندگان مجروح نشده بود، همه نمایندگان در صحن مجلس بودند و صحن مجلس در وضعیت عادی به برنامه قانون گذاری می پرداخت. گزارشی از کشته شدن و به شهادت رسیدن فردی به ما نرسیده بود اما تعدادی از افراد مجروح شده بودند. درهمان روز درچنین اوضاعی علی لاریجانی با همراهی تعدادی از نمایندگان وارد صحن مجلس شد و پس از وقفه‌ای کوتاه در جایگاه رئیس مجلس قرار گرفت. وپس از اتفاق تروریستی در همان روز مجلس خبرهای متفاوتی از نمایندگان به گوش می‌رسید اما مجلس همچنان به کار خود ادامه می‌داد و نمایندگان به طور مستمر درحال تردد و تجمع در صحن مجلس بودند .

جزئیاتی مربوط به هلاکت رساندن تروریست‌ها در مجلس

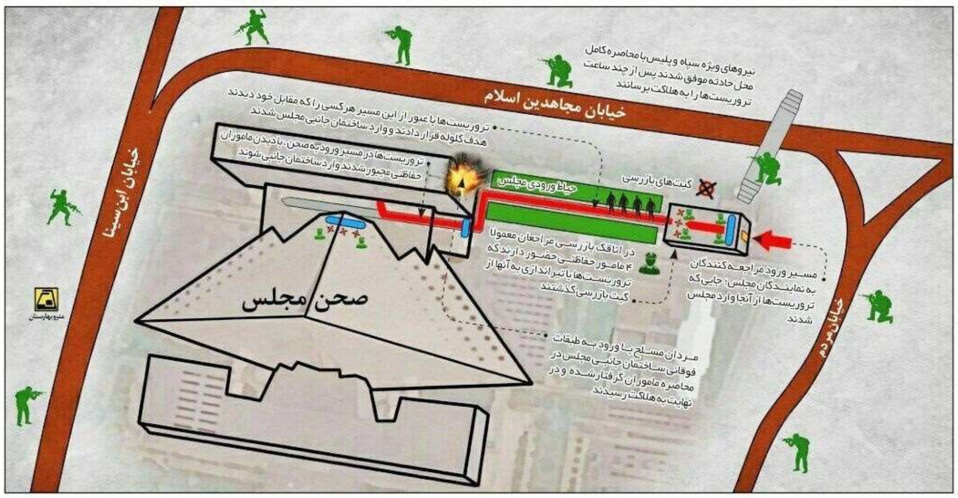
تروریست اول: لحظاتی پس از ورود نیروهای ویژه سپاه به ساختمان مجلس، یک تیم از این نیروها موفق می‌شوند به طبقات بالایی ساختمان مجلس نفوذ کرده و یکی از تروریست‌ها را به هلاکت برساند. تروریست دوم: نیروهای ویژه سپاه به سرعت موفق می‌شوند خود را به طبقات فوقانی رسانده و در یک لحظه غافلگیرانه یکی دیگر از تروریست‌ها را پیش از آنکه جلیقه انتحاری خودش را منفجر کند، به هلاکت برسانند. تروریست سوم و چهارم: در همین حین، ۲ تروریست دیگر که متوجه حضور نیروهای امنیتی در محل و کشته شدن دیگر عضو گروه می‌شوند، جلیقه انتحاری خود را پیش از رسیدن نیروهای ویژه سپاه منفجر کرده و به هلاکت می‌رسند.



روابط عمومی مجلس شورای اسلامی در مورد حادثه تروریستی ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ بیانیه ای به شرح زیر منتشر کرد. چهار تروریست صبح امروز در عملیاتی کور، حوالی ساعت ۱۰ صبح با سلاح گرم از درب مراجعات مردمی مجلس شورای اسلامی وارد شدند و اقدام به رگبار به سوی تعدادی از مردم که برای دیدار با نمایندگان خود به خانه ملت آمده بودند کردند که با اقدام قاطع نیروهای حفاظتی سپاه پاسداران و یگان نیروی انتظامی مواجه شدند و در نهایت هر چهار تروریست به هلاکت رسیدند. لازم به

ذکر است که تروریستها به هیچ وجه نتوانستند وارد محوطه نزدیک پارلمان شوند و در طول مدت درگیری ، جلسه علنی مجلس بطور معمول ادامه داشت. در حادثه تروریستی ۱۲ نفر از مردم مراجعه کننده به مجلس و کارمندان مجلس به شهادت رسیدند و ۴۲ نفر مجروح شدند. این اقدام کور و بزدلانه نتوانست به اهداف شوم خود دست یابد و موجب روسیاهی بیش از پیش تروریست ها و حامیان آشکار و نهان آنها شد.

در پلان زیر نقشه ورود تروریست ها به صحن مجلس را نشان می دهد.



در همان روز(۱۷ خرداد ۱۳۹۶) همزمان با اقدامات تروریستی در مجلس شورای اسلامی در حرم امام خمینی نیز اقدامات تروریستی انجام گرفت. در این مورد روایت یک شاهد عینی در حادثه تروریستی در حرم امام خمینی (ره) چنین است. «سید محمد کرمانی» قاری محفل حرم امام خمینی در گفت‌وگو با فارس گفت : پس از پایان محفل در حال خروج از درب غربی حرم بودیم که چند فرد مسلح به سمت مردم تیراندازی کردند. یکی از عوامل تیراندازی در حالی که بقچه‌ای در دست داشت قصد ورود به داخل حرم را داشت که توسط مردم و نیروهای امنیتی دستگیر شد. مردم پس از تیراندازی به سمت درهای ورودی حمله کردند و نیروهای امنیتی درب های حرم را بستند و مردم در حرم محبوس شدند. تروریست‌ها دو خود رو داشتند و یکی از آنها خود را منفجر کرد.

تصویر زیر برخی از عملیات تروریست ها را نشان می دهد.





حادثه تیراندازی در مجلس ایران و رسانه‌های جهان

با گذشت نزدیک به یک ساعت از انتشار اولین خبر ازحادثه تیراندازی درمجلس شورای اسلامی ایران و حرم امام خمینی (ره)، رسانه‌های معتبر خارجی نیز با به روزرسانی و در قالب خبر فوری، این رویداد را پوشش دادند. رویترز، گاردین، الجزیره، بی‌بی سی، سی‌ان‌ان، ایندی‌پندنت، یو اِس اِی تودی،

دیلی اکسپرس، راشا تودی و واشنگتن پُست از جمله رسانه‌ها و شبکه‌های خبری بودند که به پوشش لحظه به لحظه از آخرین تحولات این حادثه در ایران می‌پرداختند. برخی از این وب سایت‌های خبری خارجی، به نقل از خبرگزاری‌های ایرانی به انتشار اخبار مرتبط با حادثه تیراندازی در ایران اقدام می‌کردند. توضیحات ناجا درباره دو حادثه تروریستی روز۱۷ خرداد ۱۳۹۶ به شرح زیر بود ومرکز اطلاع رسانی پلیس گزارش داد: صبح روز۱۷ خرداد ۱۳۹۶ تروریست‌هایی قصد ورود به حرم حضرت امام خمینی (ره) و کلانتری حرم را داشتند که با ضرب گلوله تک تیراندازان پلیس ناکام ماندند. یکی از تروریست‌ها پس از اصابت گلوله خود را منفجر کرده که در پی این اقدام به کسی آسیب نرسید. تروریست دیگری که اقدام به تیراندازی به سمت مردم کرده بود، با ضرب گلوله‌ای به سرش از پای در آمد و قبل از منفجر کردن خودش تحت کنترل قرار گرفت که از این فرد مقادیری نارنجک و مواد منفجره کشف و ضبط شد. در این میان یکی از ماموران پلیس زخمی شد که حال عمومی وی کاملا مساعد شد.همچنین نیروهای انتظامی در محل حضور داشته و اوضاع محدوده را کاملا در دست داشتند و ضمن اینکه عوامل سپاه انصار نیز که مسوولیت حراست و حفاظت از حرم امام خمینی (ره) را بر عهده دارند در محدوده مستقر بودند . نیروی انتظامی با اشاره به حوادث رخ داده در مجلس شورای اسلامی گفت: مأموران یگان ویژه پلیس که به نوپو مشهور بودند در محل حضور داشته و در کنار عوامل سپاه وارد عمل شدند. عوامل پلیس در این محدوده مستقرشده بودند و محدوده‌های منتهی به مجلس شورای اسلامی نیز کاملا تحت کنترل بودند.

بازتاب حمله تروریستی تهران در خبرگزاری های مهم جهان

خبرگزاری های مهم جهان در تیتر اخبار منتشرشده خود به حمله تروریستی ایران واکنش نشان دادند. خبرگزاری بی بی سی در تیتر خود منتشر کرد « مجلس ایران و آرامگاه خمینی مورد حمله افراد مسلح قرارگرفت» . خبرگزاری رویترز نیزدر صدر اخبار خود به این حادثه پرداخت « ۷ کشته در حمله تروریستی به پارلمان ایران و مقبره آیت الله خمینی در ایران» . سی ان ان چنین تیتر زد« حملات دوقلو در تهران، حرم خمینی و مجلس » .

واکنش‌های جهانی به حادثه تروریستی تهران

- وزیر خارجه آلمان در نشست خبری مشترک با همتای سعودی‌اش، حمله تروریستی در تهران را محکوم کرد.

- رئیس پارلمان اروپا همبستگی خود را با رئیس مجلس ایران و مردم ایران ابراز کرد.

- وزارت خارجه فرانسه حملات تروریستی در تهران را محکوم کرد.

- وزارت خارجه ترکیه حملات تروریستی در تهران را محکوم کرد.

- وزارت خارجه سوریه حملات تروریستی در تهران را محکوم کردو به خانواده های قربانیان تسلیت گفت.

- «کمیته‌های مقاومت فلسطین» اقدامات تروریستی داعش در تهران را محکوم کردند.

- وزارت خارجه لیتوانی در واکنش به حملات تروریستی در تهران، خطاب به ایرانیان: تسلیت صمیمانه ما را بپذیرید.

- رئیس جمهورعراق، وزارت کشور ایتالیا و وزارت خارجه پاکستان نیز حملات تروریستی در تهران را محکوم کردند.

- عمان نیز حملات تروریستی در تهران را محکوم کرد و به خانواده های قربانیان تسلیت گفت.

- امارات هم اقدامات تروریستی در تهران را محکوم کرد.

- در جلسه ماموریتی اعضای سازمان ملل در ژاپن به مناسبت کشته شدن عده ای در حادثه تروریستی مجلس در تهران یک دقیقه سکوت اختیار کردند و به خانواده قربانیان حادثه تسلیت گفتند.

- روحانی در پی اقدامات کور و بزدلانه تروریستی در تهران اظهار داشت: رییس جمهور در پیامی با اشاره به اقدامات کور و بزدلانه چند مزدور تروریست در به شهادت رساندن جمعی از مردم بی دفاع و روزه داران، تاکید کرد که ملت ایران که برآمده از فرهنگ عاشورا است، بار دیگر ثابت خواهد کرد که هر دسیسه و توطئه بدخواهان را با وحدت و انسجام بیشتر و با ساختار قدرتمند امنیتی خود در هم خواهد شکست. دکتر حسن روحانی در این پیام با تسلیت به خانواده هایی که در ایام ضیافت الهی، عزیزان خود را در این حوادث تروریستی از دست دادند، اظهارداشت: قوا، دستگاهها و نهادهای امنیتی کشور با وحدت و هماهنگی و تا مشخص شدن همه ابعاد این اقدامات کوردلانه و حامیان پیدا و پنهان آنها از پای نخواهند نشست.

- پیام تسلیت حجت الاسلام شهيدي نماينده ولي فقيه، معاون رييس جمهور و رييس بنياد شهيد و امور ايثارگران در پي حادثه تروريستی در حرم امام خمینی (ره) و مجلس شورای اسلامی چنین اظهار نظر داشتند : گروه های ملحد تکفیری و تروریستی در حرکتی مذبوحانه به روی زائران حرم مطهر امام خمینی (ره) و کارکنان و رهگذران اطراف مجلس شورای اسلامی آتش کینه گشودند و شماری از هموطنان بی گناه را شهید و مجروح ساختند. این گروه های ددمنش و حامیان شیطان صفت آنان که با اقدامات غیر انسانی و ضد بشری همواره در طول تاریخ این مرز و بوم چهره پلید خود را به نمایش گذاشته اند، امروز نیز خشم و کینه خود را در مقابل عظمت و اقتدارنظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همبستگی و آرامش ملت شریف ما با چنین اقدام وحشیانه ای بروز دادند تا شاید به خیال باطل و توهم خویش بتوانند استواری جامعه ایران و امنیت آن را بر هم زنند که البته به لطف پروردگار و در سایه تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری، مانند همیشه در رسیدن به اهداف و توطئه شوم خود با شکست مواجه شده و خواهند شد. اینجانب ضمن محکوم کردن حملات تروریستی، شهادت جمعی از هموطنان عزیز را به ملت شریف ایران و تمامی خانواده های معزز این شهدای والا مقام تسلیت عرض می نمایم و برای آن شهدای معزز علو درجات و برای تمامی بازماندگان صبر جمیل مسألت می نمایم. همچنین از درگاه الهی آرزوی سلامتی و شفای عاجل برای مجروجان این حادثه دلخراش را دارم. در این راستا بنیاد شهید و امور ایثارگران در کنار سایر دستگاه های اجرایی مرتبط آمادگی خود را جهت هرگونه اقدامی اعلام می دارد.

پیام محمدرضا عارف در پی حادثه تروریستی در حرم امام خمینی و مجلس شورای اسلامی به این شرح است. اقدام مذبوحانه تروریستی در مرقد مطهر امام خمینی(ره) و مجلس شورای اسلامی بار دیگر نشان داد تروریست‌های کوردل به دنبال فرصتی برای ناامن کردن جمهوری اسلامی ایران هستند. امروز به برکت خون شهدای عزیزمان، ایران عزیز در منطقه آشوب زده از آنچنان ثبات و امنیتی برخوردار است که کشورهای استکباری و هم پیمانان آنان در آرزوی از بین بردن این امنیت پایدار هستند و چه گستاخانه سردمداران مرتجع منطقه، جمهوری اسلامی ایران را که خود قربانی تروریسم است را به حمایت از اقدامات تروریستی متهم می کنند در حالیکه آنان خود حامی و پرورش دهنده تروریست‌ها هستند .مطمئنا اقدام تروریستی امروز با جواب قاطع و پشیمان کننده جمهوری اسلامی ایران همراه خواهد بود. رمز موفقیت ما در طول ۳۸ سال گذشته وحدت و همدلی همه اقشار مردم و مسئولان بوده و اکنون هم در کنار دیپلماسی فعال در منطقه و هوشیاری نیروهای امنیتی و نظامی

می‌توانیم با هرگونه اقدامات ایذایی برای از بین بردن امنیت در داخل کشور مقابله کنیم. اینجانب ضمن تسلیت به خانواده های محترم شهدای حادثه تروریستی و آرزوی شفای عاجل برای مجروحان این حادثه، از تلاش نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی برای مقابله با تروریستها و هلاکت آنان سپاسگزاری می‌کنم و امیدوارم با تلاش نیروهای درمانی و دعای خیر مردم بزرگوار کشورمان در ایام ضیافت الهی مجروحان حادثه تروریستی به زودی به سلامتی کامل دست پیدا کنند.

اطلاعیه تکمیلی وزارت اطلاعات

مدیرکل ضد تروریسم وزارت اطلاعات گفت: حوالی ظهر چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ و در پی تنگ کردن حلقه محاصره نیروهای حفاظتی و امنیتی در مجلس شورای اسلامی، یکی از تروریست ها خود را منفجر کرد. پیش از این، مدیرکل ضد تروریسم وزارت اطلاعات از ورود چند تیم تروریستی به شهر تهران خبر داده بود که یکی از آن ها قبل از هر اقدامی دستگیر و تیم دیگر در حرم امام راحل مورد ضربه قرار گرفت. این مقام وزارت اطلاعات افزوده بود: صبح چهارشنبه چند تیم تروریستی در شهر تهران اقدام به عملیات تروریستی کردند که عوامل یک تیم قبل از هرگونه اقدام دستگیر شدند. وی ادامه داد: دو تیم دیگر حرم امام(ره) و ساختمان مجلس را مورد حمله قرار دادند که با هوشیاری ماموران حرم مطهر امام خمینی یک فرد انتحاری قبل از اقدام مورد اصابت گلوله قرار گرفت و فرد انتحاری دیگر خود را منفجر کرد. به گفته این مقام وزارت اطلاعات تیم دیگر در میدان بهارستان اقدام به تیر اندازی به مراجعین و یکی از ساختمان های اداری مجلس کرده که تیم مورد نظر تحت محاصره قرار داشت .

انتشار فیلم پشت پرده ای از تروریست ها که در ساختمان مجلس باقی ماند

ساعاتی بعد از حمله تروریستی ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ تهران، پایگاه «اعماق» وابسته به داعش یک ویدئوی کوتاه را از درون ساختمان پارلمان ایران منتشر کرد. در این فیلم، تروریست دوم ضمن شلیک، مي گوید: «اتظنون انا سنرحل؟ اتخالون انا سننتهي؟ اننا باقون باذن الله عز و جل.» آنچه تروریست مسلح بر زبان آورده، جمله‌اي معروف از ابومحمد عدناني از رهبران داعش است كه مي‌گويد: «أتظنون أنا سنرحل؟ أتخالون أنا سننتهي؟ أتحسبون أنا سنكل أو نمل؟ كلا إننا باقون بإذن الله إلى قيام الساعه وليقاتلنّ آخرنا الدجال.» ترجمه: آيا گمان مي‌كنيد ما رفتني هستيم؟ آيا مي‌پنداريد ما پايان يافتني هستيم؟ هرگز. ما به اذن الله تا قیامت پایداریم و آخرین نفر از ما در نبرد آخرالزمان، دجال را خواهد کشت. تحلیل

روانکاوانه سخنان اين تروريست نشان مي‌دهد که اولا اعضاي داعش به افول روزافزون گروه خود پي برده و زوال خود را دريافته‌اند و با خلق عبارات احساسي درحال روحيه بخشي به خود هستند. ثانيا خبرهاي چند ماه پيش مبني‌بر هلاکت شيخ عدناني به احتمال زياد درست بوده است و ازاين‌رو، اعضاي داعش خود را ملزم به زنده کردن ياد او دانسته‌اند. شيخ عدناني کيست؟ : ابومحمد عدناني (طه صبحي فلاحه) سخنگوي رسمي و يکي از رهبران ارشد داعش بوده که در همان سال اخباري مبني بر هلاکت وي منتشر شده بود. پيشتر، از وي به عنوان رهبر گروه در سوريه و رئيس عمليات خارجي آن ياد مي شد. او پس از ابوبکر بغدادي، دومين رهبر ارشد به شمار مي‌رفت. عدناني قبل از عضويت در داعش براي سازمان القاعده درعراق فعاليت مي کرد و طي سال‌هاي ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ در زندان‌هاي عراق زنداني بود. در آگوست ۲۰۱۶ منابع نزديک به داعش از کشته شدن عدناني خبر دادند و ويدئوي اخير نيز مي‌تواند قرينه‌اي مؤيد هلاکت وي باشد.

بیانیه وزارت اطلاعات: تیم تروریست های تهران تحت فرماندهی ابوعایشه بودند. به اطلاع ملت شریف ایران می رساند در پی رصدهای اطلاعاتی صورت گرفته هویت کامل عناصر تروریست تهران (حرم مطهر حضرت امام خمینی (ره) و مجلس شورای اسلامی) و همچنین هسته های مرتبط شناسایی گردیدند. براین اساس تیم عملیاتی داعش که در عملیات تروریستی حرم مطهر و مجلس شورای اسلامی مشارکت داشتند، ۵ نفر از عناصر تروریست سابقه دار وابسته به گروه‌های وهابی و تکفیری بودند که پس از جذب به گروهک تروریستی داعش، از کشور خارج گردیده و در جنایات این گروهک تروریستی در موصل و رقه مشارکت داشته‌اند. عناصر مذکور در اجرای عملیات تروریستی در مرداد ماه سال ۱۳۹۵، تحت فرماندهی ابوعایشه از فرماندهان رده بالای داعش وارد کشور شده و قصد اجرای عملیات های تروریستی در شهرهای مذهبی را داشتند که پس از انهدام کامل شبکه و ضربه به نفرات اصلی این مورد ازجمله هلاکت ابوعایشه؛ از کشور متواری گردیده بودند.

نکته مهم در حادثه تروریستی ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ اقدامات نیروهای امنیتی و انتظامی است که خیلی زود ماجرا را جمع کرده و تروریست‌ها را به هلاکت رساندند. به هرحال اگر آمادگی‌های قبلی و حضور فوری و برخورد قوی نیروهای امنیتی نبود، آنها می‌توانستند تعداد بیشتری از هموطنان ما را به شهادت برسانند حال آنکه به مدد این حضور و آمادگی تلفات به حداقل رسید. این امنیت ارزشمندی که در کشور وجود دارد، نتیجه انسجام ملی و اقتدار نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ماست که باید حتماً حفظ و تقویت شود. مردم حتماً توجه دارند که حفظ وحدت ملی همیشه از اولویت‌های کشور و نظام است و حال در

چنین شرایطی به رخ کشیدن این انسجام ضروری تر از هر موقعیت دیگری است. نکته قابل تأمل در این فضا ، خیز احتما لی برخی برای سوء استفاده‌های جناحی از این رخداد می باشد.

حمله تروریستی به رژه نیرو های مسلح در اهواز

به گزارش صدای ایران ازرسانه ایسنا در ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ حین برگزاری مراسم رژه نیروهای مسلح در اهواز از سوی افرادی ناشناس به جایگاه و مردم تیراندازی شد. در این حمله چند عنصر مسلح در مراسم رژه نیروهای مسلح در اهواز، حاضرین ومردم را به گلوله بستند. گزارش‌های اولیه از این حادثه حاکی است شماری به شهادت رسیدند یا زخمی شدند. طبق مشاهده خبرنگار ، "این حمله دقایقی پیش در هنگام برگزاری رژه نیروهای مسلح به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس در منطقه لشکر ۹۲ زرهی اهواز صورت گرفت. گزارش حاکی است که تیراندازی از پشت جایگاه مخصوص مسئولان انجام شد و حاضران برای احتیاط روی زمین افتادند. مهاجمان لباس نظامی به تن داشتند. از تعداد زخمی‌ها آماری در دست نیست. این تیراندازی حدود ۱۰ دقیقه ادامه داشت و تا لحظه مخابره خبر، صدای آژیر آمبولانس‌ها که به سوی محل می‌رفتند، شنیده می‌شد" .همچنین به گزارش رسانه مشرق، یک مقام مطلع گفت: تاکنون ۲ نفر از مهاجمان مسلح کشته شدند، و یک نفر زخمی و یک نفر توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. در این حمله دو نفر با اسلحه گرم پس از تیراندازی به سمت مردم قصد تیراندازی به سمت جایگاه را داشتند که توسط نیروهای مسلح مضروب شد.

تصاویر زیر حمله تروریستی به رژه نیرو های مسلح در اهواز را نشان می دهد





ساقط شدن پهپاد آمریکایی توسط سپاه پاسداران روز ۳۰ خرداد ۱۳۹۸

در ۳۰ خرداد ۱۳۹۸ یک فروند پهپاد جاسوسی بر فراز حریم هوایی ایران توسط پدافند هوایی سپاه پاسداران سرنگون شد. این پهپاد جاسوسی با نام گلوبال هاوک متعلق به نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در منطقه کوه مبارک استان هرمزگان توسط پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد هدف قرار گرفت.

طبق اطلاعیه روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نخستین ساعات بامداد پنجشنبه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۸، یک فروند پهپاد جاسوسی گلوبال هاوک متعلق به نیروی دریایی آمریکا بعد از تجاوز به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران در منطقه روبروی کوه مبارک استان هرمزگان، هدف آتش پدافند نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و سرنگون شد با این وجود، مقامات آمریکایی مدعی شدند که این پهپاد در حال پرواز بر فراز آب‌های بین‌المللی بوده‌است .

در ساعات اولیه پس از اعلام خبر، گمانه زنی‌های مختلفی دربارهٔ نوع و مدل پهپاد انجام شد. برخی مدل این پهپاد را اِم کیو-۴سی تریتون اعلام کردند در حالی که مقامات ایران این پهپاد را از نوع آر کیو-۴ گلوبال هاوک دانستند در نهایت **سنتکام** در بیانیه‌ای ادعای مقامات ایران را تأیید کرد و مدل پهپاد را آر کیو-۴ اِی گلوبال هاوک عنوان کرد

پیش از حادثه

به گفته مجید تخت روانچی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، ایران پیش از هدف قراردادن پهپاد آمریکایی اخطارهای رادیویی به آن داده که با بی‌توجهی همراه شده بود. جانشین قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا، نیز در روز جمعه در مصاحبه‌ای گفت که هواپیماهای آمریکایی در منطقه به دفعات وارد حریم هوایی ایران شده‌اند و هرگز به اخطارها تمکین نکرده‌اند که «عدم تمکین آمریکایی‌ها به قوانین بین‌المللی باعث شد بعد از بارها اخطار، هواپیمای آن‌ها مورد اصابت قرار گیرد و سرنگون شود .ایالات متحده ادعای ورود پهپاد به حریم هوایی ایران را رد کرده و ادعا کرد که این پهپاد در حال پرواز بر فراز آب‌های بین‌المللی بوده‌است. اما نیویورک تایمز به نقل از یکی از مقامات ارشد کاخ سفید گزارش کرد که در میان مقامات آمریکایی دربارهٔ اینکه آیا واقعاً این پهپاد در تمام مسیر خود خارج از حریم هوایی ایران بوده تردیدهایی وجود داشته‌است. معاون عملیات نیروی پدافند هوایی ارتش وقت در ۱۶ شهریور ۱۳۹۸ طی مصاحبه ای با خبرگزاری مهر به تشریح جزئیاتی از این حادثه پرداخت. او با اشاره به اینکه پهپاد آمریکایی از لحظه اول پرواز کاملاً تحت رصد شبکه یکپارچه پدافند هوایی ایران بود، گفت که این پهپاد، سامانه شناسایی خود را - که به هواپیماها این قابلیت را می‌دهد که خودشان را به رادارهای سامانه‌های پدافندی، معرفی کرده و بگویند که از چه نوعی هستند، ارتفاعشان چقدر است، دوستند یا دشمن؟ - خاموش کرده بود. با این حال در طول مسیرش که بیش از سه ساعت طول کشید تحت رصد و رفتارشناسی بود. در تمام مسیر به آن اخطار داده می‌شد که رفتارش را تصحیح کند و در قالب رفتارهای بین‌المللی قرار دهد. اما هیچ توجهی به این اخطارها نکرد

مبدا و مسیر پرواز

در شامگاه پنج شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۸ محمد جواد ظریف در پیامی توئیتری ادعا کرد که «در ساعت ۰۰:۱۴ [بامداد پنج‌شنبه] پهپاد آمریکایی در وضعیت پنهان کار از خاک امارات برخاسته و حریم هوایی ایران را نقض کرده‌است.» او همچنین گفت که این پهپاد در ساعت ۰۴:۰۵ در مختصات جغرافیایی ″۲۵°۵۹′۴۳ ۲۵°۵۹′۴۳ شمالی ″۵۷°۰۲′۲۵ شرقی نزدیک کوه مبارک هدف قرار گرفته‌است . خبرگزاری تسنیم نیز در همان شب با انتشار ویدئویی از لحظه اصابت پهپاد آمریکایی مبدأ حرکت این پهپاد را پایگاه هوایی الظفره کشور امارات متحده عربی معرفی کرد پس از آن خبرگزاری فارس فیلمی از مسیر پروازی پهپاد آمریکایی منتشر کرد که براساس آن این پهپاد از پایگاه هوایی الظفره امارات متحده عربی برخاسته و پس از پیمودن مسیر به سمت چابهار، در مسیر بازگشت حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران را نقض کرده و سرنگون می‌شود . رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح نیز با اشاره به پیدا شدن قطعات پهپاد در آبهای ایران گفت که پهپاد آمریکایی ۷ کیلومتر برابر با ۴ مایل دریایی به آب‌های سرزمینی نفوذ کرده بود در پاسخ ادعای دولت ایران، ایالات متحده در پاسخ به ایران، ادعا کرد که پهپاد آمریکایی درمختصات ″۲۵°۵۷′۴۲ شمالی و ″۵۶°۵۰′۲۲ شرقی در حال پرواز بوده، که بخشی از آب‌های بین‌المللی است، و نه آب‌های ایران . در ۲۵ ژوئن، نیکولای پاتروشف دبیر شورای امنیت ملی روسیه اعلام کرد که بنا بر اطلاعات به دست آمده توسط ارتش روسیه، این پهپاد در حریم هوایی ایران منهدم شده‌است.

جزئیات حادثه

فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روز جمعه در حاشیه رونمایی از قطعات لاشه پهپاد ساقط شده آمریکایی، گفت که پنجشنبه ۳۰ خرداد۱۳۹۸ پهپاد آمریکایی که ساعت ۱۴ دقیقه بامداد از پایگاه هوایی الظفره در نزدیکی شهر ابوظبی کشور امارات به پرواز درآمده بود و بعد از طی مسافتی طولانی، حدود ساعت ۴ بامداد وارد آب‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران شده بود. به گفته فرمانده نیروی هوافضایی ، این هواپیما دارای سیستم‌هایی است که به هنگام ارتباط با آن، اطلاعات را به ایستگاه‌های مرکزی خود مخابره می‌کند؛ نیروهای ایرانی در دو مرحله و چهار نوبت (دو بار در ساعت ۲:۰۵ و دو بار در ساعت ۳:۵۵ بامداد) به این هواپیما اخطار داده‌اند که آخرین اخطار توسط قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء در ساعت ۳:۵۵ صورت گرفته بود اما پاسخی به اخطارها داده نشد و به دلیل

اینکه پهپاد از آب‌های سرزمینی ایران دور نشد، ساعت ۴:۰۵ مورد هدف و سرنگونی قرار گرفت .به گفته کارشناس عملیات پدافند هوایی سپاه این پهپاد به هنگام ورود به مرزهای آبی ایران در ارتفاع بالای ۵۰ هزار پا در حال پرواز بوده‌است. به گفتهٔ فرمانده نیروی هوافضای ایران ،همراه با پهپاد آمریکایی سرنگون شده یک هواپیمای بوئینگ پی-۸ پوسایدون متعلق به نیروی دریایی این کشور با ۳۵ سرنشین نیز حضور داشت که به مرزهای ایران تعرض کرده بود و نیروهای ایران می‌توانستند آن را مورد هدف قرار دهند اما این کار را نکردند. او علت هدف قرارندادن هواپیمای P-8 و سرنگونی پهپاد آمریکایی را «اخطار به نیروهای تروریست آمریکایی» عنوان کرد در روز بعد، پنتاگون حضور این هواپیما را هم با ۳۸ سرنشین به همراه پهپاد تأیید کرد. این هواپیما یعنی بوئینگ پی-۸ پوسایدون، در حالت معمول ۹ نفر خد مه دارد و قادر به حمل اژدر و موشک‌های کروز است . دونالد ترامپ در روز شنبه ۲۲ ژوئن (۱ تیر۱۳۹۸) در جمع خبرنگاران تصمیم مقام‌های ایرانی مبنی بر شلیک نکردن به هواپیمای نظامی سرنشین دار آمریکا را «بسیار خردمندانه» توصیف کرد و گفت «ما بابت این تصمیم هوشمندانه از آنها سپاسگزاریم .



تصویری از لاشه پهپاد سرنگون شده

پس از حادثه

نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۸ نامه‌ای به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل ارسال نمود و در آن ضمن مطلع ساختن این شورا از آنچه آن را «اقدام غیرقانونی و

خطرناک ارتش آمریکا علیه تمامیت ارضی ایران» خواند، گفت که تهران پس از اخطارهای رادیویی لازم به پهپاد آمریکایی که به آن بی‌توجهی شد و بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد که حق دفاع مشروع کشورها از خود را بیان نموده، اقدام به ساقط کردن این پهپاد کرده‌است. در شامگاه پنجشنبه همان روز سید عباس عراقچی معاون سیاسی وزیر امور خارجه در تماس با سفیر سوئیس در تهران به عنوان حافظ منافع آمریکا، «اعتراض شدید» ایران به دولت آمریکا به دلیل تعرض به حریم هوایی ایران را به وی ابلاغ کرد و گفت «مدارک انکارناپذیری مبنی بر حضور این پهپاد در فضای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و حتی قطعاتی از لاشه این پهباد در آب‌های سرزمینی ایران به دست آمده‌است .وزارت خارجه ایران نیز در روز جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۹۸ سفیر سوئیس در تهران را احضار کرد و جزئیات بیشتری از حادثه را به وی ارائه نمود.

حمله سایبری آمریکا به سامانه تسلیحاتی سپاه

بنا برگزارش رسانه‌ها، بیستم ژوئن ۲۰۱۹(برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۹۸)، ایالات متحده آمریکا در پی انهدام پهباد آمریکایی، حملات سایبری علیه سامانه‌های تسلیحاتی سپاه پاسداران انجام داده‌است. به گزارش نشریه واشینگتن پست به دلیل حمله سایبری ایالات متحده، سیستم‌های کامپیوتری کنترل تجهیزات شلیک موشک سپاه از کار افتادند. به نوشته آسوشیتد پرس این حملات سایبری با فرمان رئیس جمهور دونالد ترامپ بوده‌است. نیویورک تایمز در مطلبی اذعان کرد که این حمله سایبری به تلافی سرنگونی پهپاد آمریکایی و نیز ماجرای حمله به نفتکش‌ها در دریای عمان (که آمریکا، ایران را عامل آن می‌داند) بوده‌است، اما در مؤثر واقع شدن آن تردید وجود دارد . مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز حملات سایبری آمریکا را ناموفق دانستند .محمد جواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات وقت ایران، با اشاره به خنثی شدن حملات سایبری آمریکا، آن را ناموفق خواند. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز ادعای آمریکا مبنی بر حمله موفق سایبری به تأسیسات نظامی سپاه پاسداران را «بی‌اساس» خواند و طرح این موضوع را در جهت «خنثی کردن موفقیت ایران در سرنگونی پهپاد آمریکایی» دانست .

واکنش مقامات ایرانی

وزارت امور خارجه ایران تجاوز به حریم هوایی این کشور را به شدت محکوم کرد . محمد جواد ظریف در پیامی توییتری با اشاره به نقض حریم هوایی ایران توسط پهپاد آمریکایی گفت ایران

بخش‌هایی از این پهپاد را در آب‌های سرزمینی خود در جایی که هدف قرار گرفت، یافته‌است خسروی سخنگوی شورای عالی امنیت ملی با اشاره به مأموریت ذاتی نیروهای مسلح در دفاع از مرزهای هوایی کشور گفت که ایران « به طور قطع، از آمریکا به دلیل تجاوز نظامی به حریم هوایی ایران به سازمان ملل شکایت خواهد کرد. حسن روحانی رییس جمهور وقت در روز سه شنبه ۴ تیر ۱۳۹۸ سرنگونی پهپاد آمریکایی « با استفاده از یک سامانه کاملاً ایرانی» را بسیار ارزشمند دانست و گفت: « من دست همه آنهایی که این صنعت داخلی را در وزارت دفاع ساخته و آنهایی که از این ابزار در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خوبی استفاده کردند، می‌بوسم.

واکنش مقامات آمریکا

در ابتدا پس از آنکه سپاه پاسداران از سرنگونی این پهپاد در استان هرمزگان خبر داد، ارتش آمریکا اعلام کرد که هیچ یک از هواپیماهای این کشور در این روز در حریم هوایی ایران عملیات انجام نداده‌است. ساعتی بعد دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا در حساب توییتر خود نوشت: «ایران مرتکب اشتباه بسیار بزرگی شد. نیویورک تایمز گزارش کرد که ترامپ دستور انجام حمله محدود به برخی اهداف در ایران نظیر سایت‌های موشکی و راداری را در بامداد روز جمعه هفتم تیر ۱۳۹۸به وقت ایران صادر کرد، اما هنگامی که حمله در مراحل اولیه بود دستور لغو عملیات را داد . این که حمله به‌طور کلی لغو شد یا صرفاً به تعویق افتاد مبهم باقی ماند .

دلیل لغو حمله

ترامپ دلیل لغو حمله را گزارش احتمال کشته شدن حدود ۱۵۰ نفر از طرف ژنرال‌های ارتش، و نامتناسب بودن آن با انهدام پهپاد بدون سرنشین اعلام کرد. رسانه‌ها گزارش کردند که او این تصمیم را بر خلاف نظر مشاوران امنیت ملی خود نظیر جان بولتون، مایک پومپئو و جینا هسپل که بر انجام حمله توصیه داشتند گرفته بود. یکی از افرادی که قویاً به ترامپ توصیه کرده که به ایران حمله نکند، تاکر کارلسن از مجری‌های مورد علاقه ترامپ در فاکس‌نیوز بوده‌است .نیویورک تایمز به نقل از یکی از مقامات ارشد کاخ سفید گزارش کرد که تردیدهایی درمیان مقامات آمریکایی دربارهٔ اینکه آیا واقعاً این پهپاد در تمام مسیر خود خارج از حریم هوایی ایران بوده وجود داشت . لئون پانه تا، وزیر دفاع اسبق آمریکا، در مصاحبه با روزنامه آلمانی اشپیگل دربارهٔ ادعای دونالد ترامپ، مبنی بر اینکه حمله به سه نقطه در ایران را ۱۰ دقیقه قبل از آغاز آن و به دلیل کشته شدن ۱۵۰ ایرانی لغو کرده، اظهارکرد و گفت: «اگر اتفاقی که افتاده همین باشد با وضعیت ناکارآمدی مواجه هستیم. نمی‌توانم تصور کنم که

وزارت دفاع برنامه‌ای برای حمله به اهداف مشخصی داشته باشد و شمار تلفات ناشی از هدف قرار دادن آن مواضع را مشخص نکرده باشد .او همچنین در این زمینه اضافه کرد: «وقتی که من در وزارت دفاع بودم، ما همیشه پیش‌بینی می‌کردیم که اگر شما، اهدافی اعم از سایت‌های موشکی یا تأسیسات یا دیگر اهداف در ایران را هدف قرار دهید، ایران قطعاً با شلیک موشک به پایگاه‌های نظامی ما در خلیج [خلیج فارس] یا اسرائیل واکنش نشان خواهد داد. آنها سیستم موشکی کارآمدی دارند .

پهباد آمریکایی



حمله به نفتکش ایرانی

در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۹۸ نفتکش ایرانی به نام سابیتی متعلق به شرکت ملی نفت‌کش ایران در ۶۰ مایلی ساحل جده در دریای سرخ مورد حمله دو موشک ناشناس قرار گرفت. خوشبختانه در جریان این حمله موشکی هیچ کدام از خدمه کشتی آسیب جسمی ندیدند، اما مقداری نفت خام به آب‌های دریای سرخ نشت کرد.



حمله به نفتکش ایرانی سابیتی در دریای سرخ



حمله به نفتکش ایرانی سابیتی در دریای سرخ که مورد اصابت ۲ موشک قرار گرفت باعث شد تا رسانه های داخلی به بررسی عوامل پشت پرده این حادثه بپردازند.

به گزارش گروه نشریات خبری ایرنا، پس از حمله به **نفتکش ایرانی سابیتی،** گمانه زنی ها درباره عاملان حمله به این نفتکش آغاز شد به گونه ای که آمریکا و رژیم اسراییل از متهمان اصلی در این حادثه نام برده شده اند هرچند این موضوع که چه طرفی این حمله را انجام داده است، در هاله ای از ابهام قرار دارد و همچنان در دست بررسی است. علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی هم در

واکنش به این موضوع اظهار داشت: کمیته ویژه بررسی موضوع حمله به شناور سابیتی که در نزدیکی سواحل عربستان سعودی در دریای سرخ هدف ۲ موشک قرار گرفت، تشکیل شده و گزارش آن به زودی برای اخذ تصمیم به مراجع مسئول ارایه می‌شود. با بررسی تصاویر ویدیویی موجود و شواهد اطلاعاتی جمع‌آوری شده، سرنخ‌های اصلی این ماجراجویی خطرناک به دست آمده است

بررسی حمله کنندگان به نفتکش ایرانی

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا، گفت : ما بررسی‌های دقیق را درباره نفتکش آسیب دیده انجام خواهیم داد هیچ تعارفی هم با تروریست‌ها نداریم، ما دشمنان و معاندانی داریم که نمی‌خواهند منطقه آرامش داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران در حال رصد و پیگیری است تا عوامل و افرادی که دست به این حمله تروریستی زدند مشخص شود.به گزارش سایت انتخاب، عبد الباری عطوان تحلیلگر مشهور عرب گفت **:** به نظر نمی‌رسد همزمانی حمله به نفتکش ایرانی حامل یک میلیون بشکه نفت، در راه آن به سمت سوریه، با اعلام وزارت دفاع آمریکا در مورد اعزام هزاران سرباز و سامانه موشکی تاد، به عربستان، تصادفی بوده باشد. بدیهی است به دنبال حملاتی که به تاسیسات نفتی بقیق و خریس در عربستان سعودی شد، منطقه خلیج فارس یا دریای سرخ، مرحله جدیدی از تنش‌ها را پیش روی خود دارد. در ادامه این مطلب آمده است : حمله‌ای که به نفتکش ایرانی «سابیتی» در سواحل شهر جده عربستان صورت گرفت، در نوع خود اولین حمله بود؛ چرا که تا کنون در ماه‌های اخیر، هیچ نفتکش ایرانی هدف حملات قرار نگرفته بود؛ بویژه آنکه در جریان حمله به نفتکش ها در بندر الفجیره امارات، حتی انگشت‌های اتهام متوجه ایران شد. شرکت ملی نفت ایران، که مالک این نفتکش است، شلیک این موشک‌ها از عربستان را رد کرد و این امر، علامت سوال‌های متعددی را در مورد طرف مسئول این حمله، به دنبال دارد. پیش بینی‌هایی وجود دارد که براساس آن، بعید نیست زیر دریایی‌های اسرائیلی، در جریان یک تهدید واضح، دو موشک را به سمت نفتکش ایرانی شلیک کرده باشند؛ آنچه که باعث تغییر مسیر نفتکش و بازگشت آن به آب‌های خلیج فارس شد. در سال‌های گذشته، اسرائیل در پشت پرده صدها حمله موشکی و هوایی قرار گرفته است و عجیب و دور از انتظار نیست که دایره حملات خود را تا دریای سرخ و حتی خلیج فارس، گسترش داده باشد.

یادداشت سخنگوی دولت ایران

به گزارش روزنامه آرمان ملی، سخنگوی دولت وقت و دستیار ارتباطات اجتماعی رییس جمهوری در مطلبی با عنوان «ماجراجویی علیه نفتکش ایرانی» نوشت: «در دورانی که منطقه ما بیش از هر زمان دیگری به آرامش و صلح برای ترمیم زخم برادرکشی‌های طولانی احتیاج دارد، هستند افراد، گروه‌ها و دولت‌هایی که بقای آنها وابسته به تجاوز به دیگران و منتفع شدن از جنگ است که کوچک ترین روزنه‌های آشتی و صلح را برنمی تابند و از چنگ زدن به هر فرصتی برای تشدید ویرانی دریغ نمی ورزند.» او در این یادداشت تلگرامی آورده است: «آخرین این اقدامات شرارت بار، حمله به نفتکش ایرانی در دریای سرخ بود که به نظر می‌رسد عواملی مشکوک در پس آن، یک بار دیگر همت خود را برای یک تنش دیگر به کار گرفته‌اند.» دستیار ارتباطات اجتماعی رییس جمهوری در این نوشته تاکید کرد: " با آگاهی از این مساله، جمهوری اسلامی ایران با پرهیز از شتابزدگی به دقت در حال بررسی ماجرا و کشف واقعیت‌های آن است. بدون تردید، پاسخ متناسب برای طراحان این حمله بزدلانه اتخاذ خواهد شد اما تا روشن شدن همه ابعاد این توطئه، منتظر خواهیم ماند" . ربیعی سخنگوی دولت وقت در پایان نوشت: " سوال اینجاست آیا آنهایی که بدون هیچ مدرک معتبری ایران را عجولانه متهم به اخلال در کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و دست داشتن در حمله به تاسیسات آرامکو کردند، امروز حاضرند که یک بار دیگر از اصول آزادی کشتیرانی در آب‌های بین‌المللی دفاع کنند و این‌گونه حملات به کشتی ایرانی را محکوم کنند؟"

بررسی حمله کنندگان به نفتکش ایرانی

به گزارش خبرگزاری تسنیم، یک عضو کمیسیون انرژی مجلس حمله اخیر به نفتکش ایرانی در دریای سرخ را اقدامی مذبوحانه دانست و تاکید کرد :این اقدامات تاثیری منفی بر اراده مردم ایران ندارد، بلکه باعث می شود با صلابت بیشتری از منافع خود دربرابر تهدیدات دفاع کند. در حال حاضر شاهد دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا در امور خاورمیانه هستیم این در حالی است که کشورهایی همچون ایران بارها اعلام کرده اند که باید امنیت در این منطقه از طریق همکاری کشورهای منطقه ایجاد شود. واکنش های رسانه های خارجی به گزارش تارنمای مشرق نیوز، " پارن شلدروب" تحلیلگر غربی به خبرگزاری فرانسه گفت : حمله به نفتکش ایرانی به مثابه دامن زدن به بحران در خاورمیانه و شعله ور کردن آن است. ثینا مارگیتی سالتویدت از دیگر تحلیلگران غربی به خبرگزاری فرانسه اعلام

کرد: " آنچه نگران کننده است، تبعاتی است که به بار می آید. بحث درباره اینکه نفتکش نفت داشته است و موجب فشار بر بازار نفت می شود، نیست بلکه نگرانی از بروز حملات دیگر است".اما وبگاه صهیونیستی دبکا مدعی شده است : دو احتمال وجود دارد اینکه دو موشک از ساحل عربستان یا موشک انداز سعودی پرتاب شده باشد و این اولین بار است که ریاض به حمله ۱۴ سپتامبر گذشته آرامکو واکنش نشان می دهد و احتمال دوم این است که طرف ثالثی که در دریای سرخ حضور موشکی دارد آنرا انجام داده باشد. اگر کار عربستان باشد که سبب شعله ور شدن اوضاع و تبادل موشکی میان ایران و عربستان خواهد شد و اما اگر کار طرف سوم باشد، تهران اسرائیل را مسئول حمله می داند.



تحلیلگران و ناظران امور با اشاره به حمله ای که به نفتکش ایرانی در نزدیکی جده عربستان و در دریای سرخ انجام شده است به واکاوی آن پرداختند. به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری مهر : روابط عمومی و امور بین الملل شرکت ملی نفتکش ایران اعلام کرد: نفتکش ایرانی سابیتی صبح روز جمعه ۱۱ اکتبر ۲۰۱۹ در ساعت های ۵ و ۵:۲۰ صبح روز جمعه ۱۹ مهرماه ۱۳۹۸ به وقت ایران در ۶۰ مایلی بندر جده عربستان سعودی دچار تخریب در بخش بدنه شده است که احتمال می‌رود دلیل آن اصابت دو موشک باشد. این سانحه آسیب دیدگی در مخازن ۱ و ۲ در قسمت سمت راست کشتی به

ابعاد نیم تا یک و نیم متر در بدنه کشتی ایجاد کرده است. منشا این حملات هنوز مشخص نشده است و تحت بررسی و رصد کارشناسی و امنیتی قرار دارد.این کشتی خوشبختانه دچار حریق نشده است و همه کارکنان کشتی در وضعیت سالم و ایمن به سر برده و کشتی نیز با تلاش کارکنان کشتی و هدایت کارشناسان حاضر در اتاق اضطرار شرکت ملی نفتکش در وضعیت با ثباتی قرار دارد.

واکنش ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به هدف قرار گرفتن نفتکش ایرانی «سابیتی» در دریای سرخ گفت: «بررسی‌های انجام شده توسط شرکت ملی نفتکش ایران نشان می‌دهد که کشتی ایرانی از مکانی نزدیک به کریدور عبوری این نفتکش از شرق دریای سرخ، دو بار و به فاصله حدود نیم ساعت مورد هدف قرار گرفته و آسیب دیده است. خوشبختانه خدمه نفتکش هیچ‌گونه آسیبی ندیده‌اند و شناور در حالت پایدار قرار دارد. در چند ماه گذشته برخی اقدامات تخریبی دیگر نیز علیه نفتکش‌های ایران در دریای سرخ صورت پذیرفته که بررسی‌ها درخصوص عوامل دخیل در این اقدامات در حال انجام است. کلیه مسئولیت‌های ناشی از این اقدام از جمله آلودگی شدید زیست محیطی ایجاد شده در منطقه بر عهده عوامل این ماجراجویی خطرناک است. بررسی جزئیات و عوامل این اقدام خطرناک ادامه داشته و پس از حصول نتیجه اعلام خواهد شد. لی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به حمله موشکی با مداد جمعه به نفت کش ایرانی در دریای سرخ، گفت: «راهزنی دریایی و شرارت در آبراههای بین المللی که با هدف ناامن سازی رفت و آمد شناورهای تجاری انجام می شود بدون پاسخ نخواهد ماند. کمیته ویژه بررسی موضوع حمله به شناور سابیتی که در نزدیکی سواحل عربستان سعودی در دریای سرخ هدف دوموشک قرار گرفت تشکیل شد و گزارش آن به زودی برای اخذ تصمیم به مراجع مسئول ارائه می‌شود.با بررسی تصاویر ویدیویی موجود و شواهد اطلاعاتی جمع آوری شده، سرنخ های اصلی این ماجراجویی خطرناک بدست آمده است . شمخانی به اقدامات تخریبی دیگری که طی ماه‌های گذشته بر علیه نفت کش‌های ایرانی «هپینس و هلم» در دریای سرخ صورت پذیرفته اشاره کرد و خاطرنشان کرد: ناامن سازی آبراه‌های بین المللی، مخاطرات نگران کننده‌ای را برای اقتصاد جهانی بدنبال خواهد داشت و مسئولیت عواقب آن متوجه برنامه ریزان، مجریان و پشتیبانی کنندگان از اینگونه اقدامات تحریک آمیز خواهد بود .

روایت سعودی ها

سخنگوی اداره مرزبانی سعودی در اولین واکنش به حادثـه بـرای نفـتکش ایرانـی در دریـای سـرخ و در نزدیکی ساحل «جده» مدعی شد که مرزبانی سعودی قصد کمک رسانی داشته اما نفتکش ایرانی جی پی اس خود را خاموش کرده و تماس‌ها را بی پاسخ گذاشته است. این مقام سعودی ادعا کرد کـه در سـاعت ۱۱:۴۷ دقیقه روز جمعه (به وقت محلی) ایمیلی از ایستگاه ساحلی جده دریافت شد که حاوی پیام ناخدای نفتکش (سابیتی) که پرچم ایران را حمل می‌کرد بود.



به ادعای مرزبانی سعودی، در پیام ناخدای نفتکش آمده بود که دماغه نفتکش دچار شکستگی شده و مواد نفتی در حال نشت کردن به داخل دریاست. وی مـدعی شـد: «هنگـامی کـه در حـال تحلیـل اطلاعـات از سوی مراکز هماهنگی جهت امدادرسانی بودیم، مشخص شـد کـه نفـتکش بـه مسیر خـود ادامـه داده و از مسافت ۶۷ مایل دریایی ساحل جده دور شده است و همچنین جی پی اس خود را نیز خاموش کـرده و بـه تماس‌ها پاسخگو نیست . مرزبانی دولت سعودی در ادامه ادعا کرد: در ساعت ۱۵:۵۰ دقیقه، بار دیگـر مکان نفتکش به روزرسانی و مشخص شد که در مسافت ۷۹ مایل دریایی در جنوب غرب ساحل جـده و در ۶۴ مایل دریایی نزدیک ترین ساحل قرار دارد و با سرعت ۹.۷ گره دریایی در درجه ۱۵۲ در حال حرکت است ..

ماجرای سقوط پرواز شماره ۷۵۲ اوکراین ۱۸ دی ۱۳۹۸

ماجرای پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین یکی از تلخ ترین اتفاقات سال ۱۳۹۸ محسوب می‌شود. در بحبوحه بحران سیاسی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، این هواپیما به همراه ۱۷۶ نفر مسافر در ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ از باند فرودگاه امام خمینی برخاست و پس از ۶ دقیقه، در پی یک حادثه دلخراش تمامی ۱۷۶ مسافر و خدمه این هواپیما جان خود را از دست دادند.

هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۳۷ خطوط هواپیمایی اوکراین، سحرگاه چهارشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ ، مدت کوتاهی پس از بلند شدن از فرودگاه امام خمینی تهران سقوط کرد و تمامی ۱۷٦ سرنشین آن جان باختند. اگرچه مقام‌های مختلف کشور و در راس آن‌ها رییس سازمان هواپیمایی ایران بارها علت این سانحه هوایی را نقص فنی هواپیما اعلام کرده‌اند اما یک روز پس از حادثه، مقام‌های کانادایی این ادعا را مطرح کردند که علت سقوط، ممکن است اصابت موشک زمین به هوا از **نوع تور-ام یک**، ساخت روسیه به هواپیما بوده باشد. این ادعا درحالی مطرح شد که بلافاصله رییس هواپیمایی کشوری برخورد موشک به هواپیمای اوکراینی را از لحاظ علمی غیرممکن دانست و گفت: «چنین شایعاتی هیچ گونه منطقی ندارد. همزمان با این هواپیما چندین پرواز داخلی و خارجی در فضای ایران و در همین ارتفاع هشت هزار پایی در حال پرواز بودند و موضوع برخورد موشک با این هواپیما نمی‌تواند صحت داشته باشد .طبق اعلام سازمان هواپیمایی، هواپیمای بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ با علامت ثبت UR-PSR با شماره پرواز ۷۵۲ در ساعت ۶ و ۱۲دقیقه صبح روز چهارشنبه ۱۸دی ۹۸ از فرودگاه امام خمینی در تهران به مقصد کییف، پایتخت اوکراین پرواز کرد. پس از قطع ارتباطات با بخش کنترل ترافیک در ساعت ۶ و ۱۸دقیقه در حوالی صبا شهر در استان تهران سقوط کرد. این هواپیما ۱۶۷ مسافر و ۹نفر خدمه پروازی داشت که همه آنها جان خود را از دست دادند. ۱۴۶ نفر از مسافران گذرنامه ایران، ۱۰نفر گذرنامه افغانستان، پنج نفر گذرنامه کانادا، چهار نفر گذرنامه سوئد و ۲نفر گذرنامه اوکراین داشتند. هر ۹نفر خدمه پرواز هم تبعه اوکراین بودند. تعداد زیادی از مسافران ایرانی این پرواز دارای تابعیت دوگانه بودند و ۱۴۶نفر ذکر شده بنا به گفته مقام‌های رسمی، با گذرنامه ایران به این کشور وارد شده بودند.

جعبه سیاه را به آمریکا نمی‌دهیم

جعبه سیاه، نخستین مولفه‌ای است که بازگشایی آن پس از هر سانحه هوایی اهمیت پیدا می‌کند. شرکت سازنده این هواپیما، بوئینگ، یا دولت آمریکا است که مسئولان ایران اعلام کردند جعبه سیاه کشف شده در محل سقوط را تحویل شرکت سازنده نخواهد داد و بررسی آن را ایران خود برعهده خواهد گرفت. طبق اعلام آن‌ها "در صورتی که نیاز به اطلاعات و کمک فنی در این مورد باشد، از کشورهای دارای فناوری لازم کمک گرفته خواهد شد". هرچند رییس سازمان هواپیمایی گفته بود که «جعبه‌های سیاه هواپیما شامل دستگاه ثبت اطلاعات پروازی (FDR) و دستگاه ضبط صدای کابین خلبان (CVR) توسط عوامل تجسس و نجات پیدا شده و در اختیار تیم بررسی سانحه است. هر دو دستگاه در اثر سانحه و آتش‌سوزی آسیب دیده بودند. قسمت حافظه هر دو دستگاه وجود دارد اما آسیب فیزیکی روی آنها قابل مشاهده است." به گفته عابدزاده «ایران حساسیتی درباره جعبه سیاه ندارد و منافع همه کشورهای درگیر در ماجرا این است که اطلاعات آن بازیابی شود تا جزییات حادثه مشخص شود" . علی عابدزاده همزمان با اعلام این خبر توضیح داد که گزارش اولیه سقوط هواپیما برای اوکراین به‌عنوان کشور محل ثبت هواپیما، آمریکا به‌عنوان کشور سازنده، سوئد و کانادا به‌عنوان کشورهای متقاضی ارسال شده است. با این توضیح که چند نفر از قربانیان این سانحه از شهروندان کانادا و سوئد بوده‌اند.

اعلام وضعیت غیرعادی نشد

به گفته رییس سازمان هواپیمایی کشوری «هواپیمای اوکراینی پس از برخاستن از باند فرودگاه تا ارتفاع هشت هزار پا صعود کرد و پس از آن، اطلاعات هواپیما از صفحه رادار حذف شد و با از دست دادن سریع ارتفاع، به زمین برخورد کرد. پیش از سانحه، هیچ پیامی رادیویی از خلبان در مورد وضعیت غیرعادی هواپیما دریافت نشده بود.» به گفته عابدزاده "مسیر برخورد هواپیما نشان می‌دهد که هواپیما ابتدا در حال خروج از فرودگاه به سمت غرب حرکت می‌کرده، پس از بروز مشکل به سمت راست چرخش کرده و در زمان سقوط دارای خط سیری در مسیر بازگشت به فرودگاه بوده است". این سخنان درحالی منتشر شد که رویترز به نقل از دبیر شورای امنیت اوکراین اعلام کرد که «بازرسان اوکراینی در جست وجوی قطعات احتمالی از یک موشک روسی در محل سقوط هواپیمای اوکراینی در ایران هستند.» او این سخنان را به‌دنبال انتشار عکسی در اینترنت بیان کرد. اولکسی دانیلوف در پیامی در فیس بوک اش نوشت: "اوکراین به دنبال دلایل احتمالی مختلف سقوط این هواپیما است، از جمله احتمال حمله موشکی، تصادم، انفجار موتور یا اقدام تروریستی".

آمریکا در کنار اوکراین است

همزمان وزیر خارجه آمریکا نیز در پیامی در توییتر خود سانحه هوایی را به بازماندگان قربانیان و ملت ایران تسلیت گفت. به گفته او "دولت آمریکا این واقعه را دنبال می‌کند و آماده کمک به اوکراین در تحقیقات پیرامون آن است". پس از آن، رییس سازمان هواپیمایی کشوری از همه کشورهای ذی نفع خواست تا نما یندگان خود را برای بررسی حادثه هواپیمای اوکراین در نزدیکی تهران معرفی کنند . به‌دنبال این خواسته مقام‌های ایران، ولودیمیر زلنسکی، رییس‌جمهوری اوکراین، در تماسی تلفنی با نخست وزیر بریتانیا از این کشور دعوت کرد تا به تیم تحقیق درباره سانحه هوایی اخیر شرکت هواپیمایی این کشور بپیوندد. بوریس جانسون نیز از این ایده حمایت و تاکید کرده که بهترین کارشناسان بریتانیایی باید در تحقیقات برای بررسی این فاجعه حضور داشته باشند. همزمان جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا نیز ضمن ابراز همدردی با بازماندگان قربانیان اعلام کرد که در روزهای آینده پیگیر روشن شدن دلالیل وقوع این سانحه خواهد شد.





اصابت موشک طبق رصد ماهواره‌ای

درحالی این سخنان به مرور داغ تر شد که سی بی اس و نیوزویک به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکایی که هویت شان فاش نشد، نوشتند که از نظر آنها هواپیمای اوکراینی با موشک ساقط شده است. همزمان خبرگزاری رویترز نیز به نقل از چند مقام آمریکایی نوشت که از نظر آنها این هواپیما با موشک ایرانی ساقط شده است. مبنای این گزارش‌ها نیز رصد ماهواره‌ای آمریکا عنوان شد. رسانه‌های آمریکایی از قول منابع اطلاعاتی شان نوشتند که از نظر آنها این ساقط شدن هواپیمای ادعایی با پدافند هوایی «به اشتباه» و «تصادفی» بوده است. هرچند تاکنون وزارت دفاع آمریکا حاضر به ارایه توضیحی در این باره نشده است اما دو مقام ارشد پنتاگون گزارش کرده‌اند که سیستم دفاع هوایی ایران به اشتباه به این هواپیمای مسافربری دو موشک شلیک کرد و بعد هواپیما منفجر شد. روزنامه گاردین نیز گزارش داد که شواهد آمریکا درباره ساقط شدن هواپیما، علاوه بر کانادا، در اختیار مقام‌های بریتانیایی هم گذاشته شده است.

اطمینان خاطر رییس جمهوری به اوکراین

پس از همه این خبرها، حسن روحانی و ولودیمیر زلنسکی، روسای‌جمهوری ایران و اوکراین با هم گفت‌وگویی تلفنی داشتند. در این مکالمه دو طرف بر همکاری مشترک در تحقیقات راجع به علت سقوط

هواپیما تاکید کردند. روحانی به همتای اوکراینی خود اطمینان خاطر داد: "دستور می‌دهم که تیم مشترکی از کارشناسان دو کشور برای بررسی دقیق علت این حادثه تشکیل شود". به دنبال این گفت وگو، رییس جمهوری اوکراین در بیانیه‌ای خواهان دسترسی به گزارش‌های جدید درباره سقوط هواپیما شد. او گفت: " کشور ما به دنبال کشف حقیقت است برای همین ما در حال گفت‌وگو با شرکای بین‌المللی خود هستیم. اگر شما هر نوع مدرک و شواهدی دارید که به ما در تحقیقات مان کمک می‌کند لطفا برای‌مان بفرستید".

انتشار عکس کلاهک منتسب به موشک

نکته دیگری که در مورد این سانحه وجود داشت عکسی بود که در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی دست به دست می شد و آن کلاهک منتسب به موشک ضدهوایی تور در محل حادثه بود. به دنبال انتشار این عکس، حسن رضایی‌فر، رییس کمیسیون سوانح سازمان هواپیمایی ایران ضمن رد احتمال ساقط شدن هواپیمای اوکراینی بر اثر برخورد موشک پدافندی درباره این عکس، به ایرنا گفته بود: «این عکس را رد می‌کنیم زیرا نخستین بار در یکی از سایت‌های خارجی و یک توئیت منتشر شد.» رضایی‌فر ادعای مقام‌های آمریکایی مبنی بر احتمال ساقط شدن هواپیمای اوکراینی به طور تصادفی را رد کرده و گفته بود: «ایران آماده است دلایل خود را در حضور همه رسانه‌ها مطرح کند.» به اعتقاد او " رسانه‌های خارجی می‌خواهند علیه ایران هجمه ایجاد کنند" .

واکنش سخنگوی دولت ایران

پس از این سخنان، علی ربیعی، سخنگوی دولت ایران نیز گفت: " امروز به روش کاملا حساب شده و شناخته شده در عملیات روانی به نقل از یک منبع آگاه از پنتاگون که خواسته نامش فاش نشود خبر اصابت دو موشک به هواپیمای اوکراینی را با آب و تاب در رسانه‌ها منعکس کرده است. در آینده که مشخص شد این ادعای دروغ عاری از حقیقت است هیچ‌کس مسئولیت این دروغ بزرگ را برعهده نخواهد گرفت" . با این حال، نخست وزیر کانادا اعلام کرده بود: «منابع مختلف اطلاعاتی دارند که هواپیما با موشک ایرانی ساقط شده است. ممکن است این غیرعمدی بوده باشد. مهم است که تحقیقات جامع بین‌المللی در محل حادثه انجام شود.» به گفته ترودو نخست وزیروقت کانادا " مقام‌های ایرانی تا به این جا نشان داده‌اند که متوجه حساسیت این موضوع هستند".

کشورهایی که پروازشان را لغو کردند

به دنبال این سانحه و گمانه زنی‌ها مبنی بر سقوط این هواپیما به‌دلیل اصابت موشک، پرواز فرانکفورت به مقصد تهران بازگردانده شد. شرکت هواپیمایی لوفت هانزا اعلام کرد که «پرواز این شرکت به تهران در یک اقدام احتیاطی به فرانکفورت بازگشته است. ارزیابی امنیتی ما از آسمان ایران و فرودگاه تهران تغییر کرده است. پرواز روز جمعه این شرکت هم لغو شد.» این شرکت همچنین گفته بود : " تمامی پروازها به تهران تا ۱۰روز آینده لغو شده است." همچنین وزارت خارجه بریتانیا به شهروندانش توصیه کرده بود که «از سفرهای هوایی به مقصد ایران، یا از ایران یا هرگونه پرواز در داخل ایران خودداری کنند.» خطوط هوایی اتریش نیز اعلام کرد بود که «به دلایل امنیتی پرواز دو روز آینده خود را به تهران لغو» خواهد کرد. آژانس حمل و نقل سوئد اعلام کرده بود که «تمامی پروازهای شرکت‌های هوایی از ایران به سوئد تا اطلاع ثانوی و به خاطر آنچه که آنان عدم اطمینان در خصوص حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی می‌دانند، لغو شده است.» دولت منطقه ویژه اداری هنگ کنگ نیز به دلیل اوضاع منطقه، هشدار قرمز را به شهروندانش برای سفر به ایران صادر کرده بود. یکی از آخرین اظهارنظرها درباره سقوط هواپیمای اوکراینی در آسمان تهران مربوط به وزیر خارجه آلمان است که گفته بود : «ایران نباید دلایل سقوط هواپیمای اوکراین در نزدیکی تهران را زیر فرش برند. به گفته هایکو ماس " این کار سبب می‌شود تا فضای بی‌اعتمادی در منطقه و فراتر از آن وخیم‌تر شود" . این سخنان درحالی است که عباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه خبرهای مربوط به ساقط شدن این هواپیما توسط موشک‌های ضدهوایی ایران را « فضاسازی‌های مشکوک » خوانده و گفته بود : « جمهوری اسلامی ایران تحقیقات درخصوص علت سقوط این هواپیما را طبق استانداردهای بین‌المللی و ضوابط ایکائو آغاز کرده است".

شهادت قاسم سلیمانی فرمانده سپاس قدس سپاه در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۸

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بامداد روز جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در حملهای تروریستی توسط پهپاد آمریکایی در فرودگاه بغداد به شهادت رسید. ریاست جمهوری آمریکا اعلام کرد شخصاً دستور حمله را صادر کرده است. سپهبد قاسم سلیمانی در این واقعه به همراه ابومهدی المهندس از رهبران گروه حشدالشعبی و ۱۰ تن دیگر به مقام شهادت نایل شدند. این موضوع در ایران بازتاب بسیار گستردهای داشت؛ به گونهای که در اقصی نقاط کشور مردم برای محکوم کردن این عملیات تروریستی به خیابانها آمدند. جمعیت به حدی زیاد بود که چند نفر از هموطنان کرمانی به علت ازدحام و شلوغی جان باختند. موضوع ترور سردار قاسم سلیمانی یکی از تلخترین اتفاقات سال ۱۳۹۸ به شمار میرود.



قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ شمسی از سوی آیتالله خامنهای رهبر جمهوری اسلامی ایران، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. پس از ظهور داعش در عراق و سوریه، سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی، به مبارزه با این گروه پرداخت. وی

در سال ۱۳۸۹ ، موفق به أخذ درجه سرلشکری شد. شامگاه جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در حمله موشکی هلی کوپترهای آمریکایی به دو خودرو در اطراف فرودگاه بغداد، سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی و تنی چند از اعضای حشدالشعبی در این حمله هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند .

دوران جنگ ایران و عراق

قاسم سلیمانی پس از انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۵۹ش عضو سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی شد و همزمان با شروع جنگ ایران و عراق، چند گردان را در کرمان آموزش داده و به جبهه‌ها فرستاد. وی در دوره‌ای فرماندهی سپاه آذربایجان غربی را بر عهده داشت. سلیمانی در سال ۱۳۶۰ش با حکم محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران، به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد. وی در جنگ عراق علیه ایران، از فرماندهان عملیات‌های والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ بود. عملیات کربلای ۵ از مهم‌ترین عملیات‌های ایران در دوران جنگ دانسته شده که تضعیف موقعیت سیاسی و نظامی ارتش بعث عراق و تثبیت اوضاع به سود قوای نظامی ایران از نتایج آن ارزیابی شده است.

فعالیت های پس از دفاع مقدس

سلیمانی پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ش، به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشراری شد که از مرزهای شرقی ایران هدایت می‌شدند. سلیمانی تا قبل از انتصاب به فرماندهی سپاه قدس، با باندهای قاچاق مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان می‌جنگید. او در بهمن سال ۱۳۸۹ش از سوی آیت الله خامنه‌ای، فرمانده کل قوای نظامی ایران درجه سرلشکری (بالاترین درجه نظامی در ایران) را دریافت کرد.

فرماندهی سپاه قدس

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۹ش از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. بر اساس گزارش نقل شده از مرکز ویژه اطلاعات اسرائیل، سپاه قدس در سال ۱۹۹۰میلادی جهت افزایش فعالیت برون مرزی ایران شکل گرفت و سلیمانی پس از احمد وحیدی دومین فرمانده سپاه قدس ایران شد. طبق این گزارش، قاسم سلیمانی نقش کلیدی در تقویت نفوذ ایران در خاورمیانه به ویژه در ناآرامی‌های منطقه‌ای معروف به بیداری اسلامی (بهار عربی) ایفا کرده است.

تأیید شهادت وی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بامداد روز جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای اخبار مربوط به شهادت سردار سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تایید کرد.سپاه پاسداران در اطلاعیه خود آورده بود : سردار سرافراز اسلام حاج قاسم سلیمانی پس از عمری مجاهدت بامداد امروز در حمله بالگردهای آمریکایی به شهادت رسید. بلافاصله پس از تأیید خبر شهادت سردار سلیمانی، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و فرمانده سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس در حساب توئیتری خود نوشت: سپهبد شهید قاسم سلیمانی به جمع برادران شهیدش پیوست، ولی انتقام سختی از آمریکا خواهیم گرفت.

بازتاب شهادت سردار سلیمانی در رسانه‌های خارجی

تلویزیون رسمی عراق بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ مدعی شهادت سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی ، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ابومهدی المهندس، معاون الحشدالشعبی در حمله آمریکا به نزدیکی فرودگاه بغداد شد. شبکه " بی بی سی " در گزارشی در بامداد جمعه ۱۳ دی همان سال گزارش داد: دولت عراق می‌گوید یک حمله هوایی در محدوده ترابری فرودگاه بغداد روی داده است. همزمان خبرگزای رویترز به نقل از حشد الشعبی گزارش کرد که یک مقام ارشد این گروه شبه نظامی شیعه به همراه چند نفر دیگر از جمله " دو میهمان مهم" در جریان یک حمله هوایی در فرودگاه بغداد کشته شده‌اند. بامداد جمعه، سوم ژانویه ۲۰۲۰، ابتدا دولت عراق گزارش کرد که سه موشک کاتیوشا در نزدیکی منطقه بارگیری فرودگاه بغداد فرود آمده و بر اثر آن چند غیرنظامی زخمی شده‌اند و دست کم دو خودرو آسیب دیده است. اما ساعتی بعد خبرگزاری رویترز به نقل از صفحه فیسبوکی منسوب به گروه حشد الشعبی نوشت این گروه از کشته شدن مسئول روابط عمومی و جذب نیروی خود طی یک حمله هوایی خبر داده است. بی بی سی افزود: با این حال، تلویزیون دولتی عراق بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ گزارش کرد که در جریان این حمله هوایی در فرودگاه بغداد به دو کاروان خودروهای گروه حشد الشعبی، قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران به همراه چند رهبر حشد الشعبی کشته شده است. ایران هنوز واکنشی به این خبر نشان نداده است. در این گزارش همچنین مدعی شد که در جریان این حمله هوایی ابو مهدی المهندس، معاون گروه حشد الشعبی هم کشته شده است و در

مجموع این حمله ۵ کشته و ۹ مجروح برجای گذاشته است. شبکه اسکای نیوز عربی نیز در گزارشی به نقـل از منـابع عراقـی خبـر از شـهادت قاسـم سـلیمانی و نیـز ابومهـدی المهنـدس داد. تارنمای ایند یپند نت فارسی نیز در گزارشی نوشت: تنها چند ساعت پس از اینکه مارک اسپر، وزیر دفاع آمریکا مدعی شد احتمالا نیروهای نیابتی ایران در عراق حملههای بیشتری انجام خواهند داد، رویترز از برخورد سه راکت کاتیوشا به فرودگاه بینالمللی بغداد خبر داد. گزارش تلویزیون الجزیره حاکی از آن است که قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در جریان این حملهها جان خود را از دست داده است، اما برخی منابع خبری در گفت: وگو با ایند یپند نت فارسی این خبر را تایید کردهاند. این رسانه افـزود: قاسـم سـلیمانی در ماههـای اخیـر بارهـا بـه عـراق رفـت و آمـد داشـته اسـت. یکی از خبرنگاران واشینگتن پست در عراق به نقل از منابع خود گزارش داده که مقامات حشدالشعبی و همراهان آنها در جریان حمله پهپادی به خودروهای شان در حال خروج از فرودگاه بغداد کشته شدهاند.

اعلام سه روز عزای عمومی در ایران - در پی شهادت سردار قاسم سلیمانی، رهبر معظم انقلاب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام کردند



انتصاب جانشین سردار سلیمانی

پس از شهادت سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس که در جریان یک عملیات تروریستی در کنار دیگر یارانش نظیر ابومهدی المهندس جانشین الحشد الشعبی عراق به شهادت رسیدند، مقام معظم رهبری طی حکمی سردار اسماعیل قاآنی را به عنوان فرمانده سپاه قدس منصوب کردند.

تشییع میلیونی پیکر شهید قاسم سلیمانی

پیکر شهید قاسم سلیمانی و دیگر همرزمانش که در حادثه تروریستی فرودگاه بغداد به شهادت رسیدند، در مجموعه مراسم‌هایی باشکوه و میلیونی در روزهای ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ دی ماه در شهرهای کاظمین، کربلا، نجف اشرف، اهواز، مشهد مقدس، تهران، قم و کرمان تشییع شد. در روز ۱۶ دی ماه ۱۳۹۸ در تهران مقام معظم رهبری بر پیکر شهید سلیمانی و دیگر شهدا در دانشگاه تهران نماز اقامه کردند؛ مراسم تشییعی که با حضور میلیونی مردم تهران به بزرگ ترین مراسم تشییع پس از مراسم امام خمینی (ره) تبدیل شد. پیکر شهید قاسم سلیمانی روز سه شنبه ۱۷ دی ماه و در نهایت در گلزار شهدای شهر کرمان به خاک سپرده شد. به گزارش رسانه العالم جهان اسلام : در حالی که با شهادت حاج قاسم سلیمانی آمریکا به شکلی ویژه انتظار داشت تا محور مقاومت را بی فرمانده، شکست خورده و ناکام ببیند اما تحولات این یک صد روز نشان داد مکتب قاسم سلیمانی ماندگار است و آینده آن امید بخش. تحلیل در فقدان حاج قاسم آنچه بیش از هر چیز خود را نشان می دهد حضور نگاه استراتژیک او در جای جای محور مقاومت و پیگیری دقیق آن در این محور است. دیدگاه "نقطه زن" سردار سلیمانی این روزها خود را در قالب "موشک های نقطه زن"در دستان مبارزان فلسطینی بازنمایی می کند. در فقدان شهید سلیمانی مفهوم جدیدی بنام "انتقام سخت" در جای جای محور مقاومت تئوریزه شد، مفهومی که در یک نگاه بسیار گذرا این روزها به عاملی تبدیل شده است که آمریکا را در عراق بر آن داشته است که نیروها و تجهیزات نظامی اش را از گستردگی پیشین به سوی تمرکز در چند منطقه محدود هدایت کند. در شرایط جدید دیگر سخنی از لزوم سقوط نظام قانونی سوریه شنیده نمی شود، هیچ کس از دست برتر ائتلاف سعودی در یمن و حتی امکان پیروزی اشغالگران سعودی - اماراتی ولو در آینده ای دور حرفی به میان نمی اورد، معامله ترامپ که با افتخار بعد از شهادت سردارسلیمانی رونمایی شد به جوهری بر کاغذ تبدیل شده است، حزب الله لبنان بیش از هر زمان قدرتمند است و از همه مهم تر

این روایت در حال تقویت است که به جای نظم نوین آمریکایی باسابقه ای چندین دهه ای این مقاومت در برابر آمریکاست که به عنوان رقیبی جدی در مقابل نظم نوین آمریکایی در منطقه خلق شده است و روز به روز بالنده تر می شود.

حمله موشکی به پایگاه عین الاسد ۱۸ دی ۱۳۹۸

نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جواب ترور حاج قاسم سلیمانی تعدادی موشک بالستیک به مواضع دولت آمریکا در پایگاه عین الاسد کشور عراق شلیک کرد. در طی حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی آمریکا که از آن با عنوان رسمی عملیات شهید سلیمانی یاد می‌شود، تجهیزات کاربردی و جنگی ارتش آمریکا از بین رفت.



پارس تودی- جمهوری اسلامی ایران در راستای وعده خود برای انتقام سخت از آمریکا به دلیل ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی و همراهان وی در بغداد، بامداد چهارشنبه ۸ ژانویه پایگاه آمریکایی عین الاسد را در عراق هدف حملات موشکی قرار داد.



در حملات سنگین موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایگاه آمریکایی عین‌الاسد در عراق که محل استقرار نیروهای آمریکایی است مورد اصابت قرار گرفت

به گزارش رسانه مشرق: در نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ و ساعتی پیش از به خاک سپردن پیکر سپهبد شهید سلیمانی، حملات سنگین موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه عین‌الاسد در عراق که محل استقرار نیروهای آمریکایی است، انجام شد. پایگاه عین الاسد بزرگترین و مجهزترین پایگاه نیروهای آمریکایی است. همچنین پایگاه التاجی در اربیل نیز هدف حمله موشکی ایران قرار گرفت. خبرنگاران محلی و آمریکایی از کشته و مجروح شدن دهها تروریست آمریکایی در این حملات خبر دادند.



پایگاه عین الاسد در ۱۰۸ کیلومتری غرب «الرمادی» قرار دارد. در سال ۲۰۰۳، تفنگداران آمریکایی این پایگاه را اشغال کردند و تا سال ۲۰۱۱ در آن باقی ماندند. در پایان سال ۲۰۱٤، به بهانه مبارزه با داعش، بار دیگر این پایگاه تحت اختیار نظامیان آمریکایی حاضر در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش قرار گرفت و تا کنون نیز نیروها و تجهیزات زیاد آمریکا در آن قرار دارد.

تایید خبر توسط سپاه پاسداران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای از حملات سنگین موشکی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه آمریکایی عین الاسد در انتقام از ترور ناجوانمردانه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و یارانش خبر داد. امت اسلامی داغدار، ملت بزرگ و شهید پرور ایران اسلامی زمان تحقق وعده صادق فرا رسید و به اذن خداوند متعال بامداد امروز در پاسخ به عملیات جنایتکارانه و تروریستی نیروهای متجاوز آمریکایی و انتقام ترور ناجوانمردانه و شهادت مظلومانه فرمانده قهرمان و فداکار نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سردار پرافتخار سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی و یارانش، رزمندگان شجاع نیروی هوافضای سپاه طی عملیات موفق بنام عملیات شهید سلیمانی با رمز مقدس یازهرا (س) با شلیک ده ها فروند موشک زمین به زمین پایگاه هوایی اشغالی ارتش تروریستی و متجاوز آمریکا موسوم به «عین الاسد» را درهم کوبیدند، که جزئیات آن متعاقبا به استحضار ملت شریف ایران و آزادگان جهان اسلام خواهد رسید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تبریک این پیروزی بزرگ به امت اسلامی به پا خواسته و مردم فداکار عظیم‌الشان ایران اسلامی اعلام می دارد:

۱ - به شیطان بزرگ، رژیم سفاک و مستکبر آمریکا هشدار می دهیم هر شرارت مجدد و تجاوز یا تحرک دیگر با پاسخ دردناک تر و کوبنده تری مواجه خواهد شد.

۲ - به دولت های متحد آمریکا که پایگاه های خود را در اختیار ارتش تروریستی این کشور قرار داده اند اخطار داده می‌شود هر سرزمینی، به هر ترتیب مبدا اقدامات خصمانه و تجاوزگرانه علیه جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، هدف قرار خواهد گرفت.

۳ - به هیچ وجه رژیم صهیونیستی را در این جنایات جدای از رژیم جنایت کار آمریکا نمی دانیم.

٤ - به مردم آمریکا توصیه می کنیم برای پیشگیری از خسارت های بیشتر، سربازان آمریکایی را از منطقه فراخوانده و اجازه ندهند با نفرت افزایی روز افزون رژیم ضد مردمی حاکم بر ایالات متحده جان نظامیان آن کشور بیش از این به خطر افتد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۱۸ دی ۱۳۹۸ اعلام کرد:

بیش از ۸۰ تروریست آمریکایی در حمله موشکی به عین‌الاسد کشته شدند

یک مقام آگاه در اطلاعات سپاه از حجم تلفات گسترده آمریکایی ها در حمله موشکی ایران خبر داد. وی گفت: مطابق گزارشات دقیق منابع ما در منطقه تا این لحظه دست کم ۸۰ نظامی آمریکایی کشته و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده اند که زخمی ها بلافاصله با بالگرد از این پایگاه بیرون برده شده اند. وی افزود: پایگاه عین الاسد یک مجموعه راهبردی برای آمریکا بوده که پشتیبانی از هواپیماهای بدون سرنشین دراین پایگاه انجام می شده است. این مقام آگاه افزود: ۲۰ نقطه حساس این پایگاه توسط ۱۵ موشکی که شلیک شد مورد اصابت قرار گرفت و تعداد قابل توجهی پهپاد و بالگرد منهدم شد .وی گفت : به رغم آماده باش کامل آمریکایی ها پدافند آنها نتوانست هیچ عکس العملی نشان دهد . این منبع آگاه افزود: ۱۰۴ نقطه حساس از مواضع آمریکا در منطقه شناسایی شده که به محض اولین خطای آمریکایی ها منهدم خواهد شد

"قصد ایران کشتن نظامیان آمریکایی بود"

ژنرال مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا درروزپنجشنبه ۹ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۹ دی ۱۳۹۸) گفت که حملات موشکی ایران با هدف کشتن خد مه نظامی آمریکا و وارد کردن خسارات عمده به پایگاه الاسد انجام شد. بلند پایه ترین نظامی آمریکا به علاوه گفت که هنوز نمی توان گفت که ایران دست به حملات دیگری خواهد زد یا نه . او به خبرنگاران گفت: "با توجه به آنچه که دیده ام و می دانم، معتقدم که هدف (حملات) وارد کردن خسارات عمرانی، انهدام وسایل نقلیه، تجهزات، هواپیما و کشتن خدمه نظامی بود. این ارزیابی شخصی من است.".



به رغم انکار اولیه دولت ترامپ در باره این که این حمله آسیب جانی نداشته است، اکنون به تدریج خبرهایی در این زمینه منتشر می شود. پایگاه خبری «دیفنس وان» روز جمعه ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰ زخمی شدن دستکم ۱۱ نظامی آمریکا و انتقال آنها به مراکز پزشکی این کشور در کویت و آلمان را تأیید کرد. ارتش آمریکا روز جمعه ۱۷ ژانویه ۲۰۲۰ اذعان کرد که بر اثر این حملات، ۱۱ نظامی به خاطر ضربه مغزی تحت مداوا قرار گرفته‌اند. کاپیتان «بیل ارین» سخنگوی فرماندهی مرکزی آمریکا در بیانیه‌ای گفت: «این نظامیان برای مداوا به مرکز پزشکی "لاندستول" در آلمان و بقیه به کمپ "عریفجان" در کویت اعزام شده‌اند تا تحت بررسی‌های بیشتر قرار بگیرند.» وی مدعی شد که هیچ نظامی آمریکایی در حمله روز چهارشنبه ۸ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۸ دی ۱۳۹۸) به پایگاه هوایی "عین

الاسد" در عراق کشته نشدند ولی برخی سربازان به خاطر علائم حاکی از ضربه مغزی بر اثر انفجار تحت معالجه قرار گرفته‌اند و ارزیابی وضعیت آنها همچنان ادامه دارد.» نکته عجیب این که ارتش آمریکا و پنتاگون مدعی شده اند که به تازگی در این باره کسب خبر کرده اند. «دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، «مارک اسپر» وزیر دفاع آمریکا و سایر مقام‌های دولت این کشور در چند روز گذشته بارها مدعی شده بودند حمله موشکی ایران به پایگاه عین الاسد هیچ تلفات یا زخمی نداشته است. ترامپ عامدانه تلاش کرد تا برای حفظ پرستیژ آمریکا که اولین بار پس از جنگ جهانی دوم یک پایگاه نظامی آن هدف حمله نیروهای مسلح کشور دیگری قرار گرفت، مساله آسیب جانی نیروهای آمریکایی را در این حمله انکار کند. دلیل دیگر ترامپ برای این که نتایج حمله موشکی ایران را به پایگاه آمریکایی در عراق بسیار ناچیز جلوه دهد، پرهیز از رویارویی با ایران بود که پیامدهای بسیار خطرناکی برای واشنگتن و متحدان منطقه ای آن دارد. ترامپ در واکنش به حمله موشکی ایران به پایگاه های نظامی آمریکا ضمن تکرار ادعاهای ضد ایرانی خود کوشید که این اقدام انتقامی ایران را کم اهمیت جلوه دهد و ادعا کرد: «هیچ آمریکایی آسیب ندید و فقط خسارت های اندکی به پایگاه های نظامی ما وارد شد. رئیس جمهوری آمریکا نشان داده که ادعاهایش صرفا لاف زنی است و اساسا جرئت رویارویی نظامی گسترده با ایران را ندارد. وی قبل از این حمله موشکی تهدید کرده بود که در واکنش به هر اقدام نظامی ایران ۵۲ نقطه ایران را هدف قرار خواهد داد. اکنون ترامپ که به دروغ گویی مشهور است بار دیگر یکی از دروغ های بزرگش افشا شده و رسوایی جدیدی برای دولت وی و پنتاگون به بار آمده است. مقامات آمریکایی از همان ابتدا درباره نتایج حمله موشکی ایران به عین الاسد سیاست مخفی‌کاری و سانسور اطلاعات را در پیش گرفتند. ترامپ در لحظات اولیه بعد از انتقام موشکی ایران، در صفحه توئیتر خود مدعی شد: «جای نگرانی نیست!» . دیگر مقامات نظامی و امنیتی آمریکا از جمله مارک اسپر وزیر دفاع و مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور نیز در نشست‌های خبری ادعای آسیب ندیدن نظامیان آمریکایی را در حمله ایران تکرار کردند. با گذشت یک هفته از عملیات موشکی ایران، روزنامه واشنگتن پست در گزارشی اذعان کرد: «در نتیجه این حملات موشکی، دست‌کم دو نظامی آمریکایی از پنجره یک برج مرتفع به بیرون پرتاب شده و ده‌ها نفر دیگر نیز بی هوش شدند». رسانه‌های آمریکایی به تدریج در حال درز دادن اطلاعات مربوط به تلفات حمله موشکی به عین الاسد هستند و این احتمال وجود دارد که این روند ادامه یابد. با این حال، تا همین‌جا اذعان به مجروح شدن ۱۱ نظامی آمریکایی نیز با سخنان صریح ترامپ که گفته بود همه نیروهای آمریکایی در عین الاسد در سلامت هستند، در تناقض است. این مساله با واکنش های زیادی در داخل و خارج آمریکا

مواجه شده است. برخی اعضای خانواده های نظامیان آمریکایی در تماس با شبکه های خبری مانند سی ان ان درباره بی اطلاعی از وضع بستگان نظامی خود در عین الاسد ابراز نگرانی کرده اند. این مساله نشان می دهد که دولت ترامپ عامدانه تلاش دارد برای حفظ پرستیژ خود همچنان سیاست حداکثر پنهان کاری را درباره تلفات ناشی از حمله موشکی ایران به پایگاه عین الاسد ادامه دهد.

مجروحان حمله موشکی به پایگاه عین الاسد در راه بغداد

یک سخنگوی نظامی در عراق اعلام کرد که هواپیماهای امریکایی در حال انتقال مجروحان در بامداد چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ حمله موشکی سپاه به پایگاه عین الاسد به بغداد هستند.

العالم به گزارش رسانه -عراق

تلویزیون عراق صبح چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ با اعلام این خبر به صورت فوری و بدون اشاره به نام سخنگوی نظامی افزود که پس از حمله موشکی سپاه به پایگاه نظامی عین الاسد هواپیماهای امریکایی برای انتقال مجروحان به بغداد پایتخت عراق با فوریت وارد عمل شدند. این سخنگوی نظامی بدون ارایه جزییات بیشتری ادامه داد، عملیات انتقال مجروحان از همان دقایق فرود آمدن موشک ها و انفجار پایگاه آغاز شده و همچنان ادامه داشت. در واکنش به اقدام تروریستی روز جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ دولت دونالد ترامپ که منجر به شهادت سردار سلیمانی شد، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بامداد چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۸ برابر با ۸ ژانویه ۲۰۲۰ از شلیک دهها موشک بالستیک به سمت پایگاه عین‌الاسد آمریکا واقع در استان الانبار عراق خبر داد. بر اساس اطلاعیه روابط عمومی سپاه انقلاب اسلامی ده ها موشک زمین به زمین به این پایگاه آمریکایی اصابت کرده است. انفجارها در پایگاه عین الاسد مهیب گزارش شده است. سردار قاسم سلیمانی فرمانده شهید سپاه قدس و ابومهدی المهندس معاون سازمان نیروهای مردمی عراق به همراه ۸ نفر دیگر بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در مسیر فرودگاه بغداد به دستور «دونالد ترامپ» رییس جمهوری آمریکا و با پهپادهای وزارت دفاع این کشور (پنتاگون) ترور شدند و به شهادت رسیدند.

محسن فخری‌زاده رئیس سازمان پژوهش وزارت دفاع در خیابان ترور شد

محسن فخری زاده، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع ایران، بعد از ظهر جمعه هفتم آذر ۱۳۹۹، در یکی از خیابان‌های نزدیک تهران ترورشد. وزیر خارجه و مقام‌های نظامی ایران اسرائیل را متهم کرده‌اند و مقام‌های امنیتی وعده "انتقام" داده‌اند. خبرگزاری‌های ایران گزارش دادند که ساعت ۱۴:۳۰ به وقت تهران "عناصر تروریست مسلح" به خودروی آقای فخری زاده حمله کردند. تصاویری که منتشر شده نشان می‌دهد دو سوی بلوار آبسرد در نزدیکی جاده فیروزکوه با چند ردیف خودرو بسته شده است.





جزییاتی از چگونگی شهادت محسن فخری زاده

بر اساس گزارش رسانه های ایران ، در این ترور از خودرو نیسانی که در فاصله ۱۵۰ متری ماشین فخری زاده متوقف بوده، از یک دستگاه تیربار اتوماتیک کنترل از راه دور، شلیک‌های متعددی صورت گرفت که در نهایت منجر به کشته شدن فخری زاده شد و در این حادثه ۱۱ پاسدار همراه فخری زاده بودند که انفجار نیسان هم به خاطر از بین بردن همان پاسداران بود. گفتنی است که تیرباری که داخل نیسان بود مجهز به سیستم هوشمند ماهواره ای بود که روز حادثه روی فخری زاده زوم شده و از هوش مصنوعی نیز بهره برده بود و در این حادثه به محافظان و همسر محسن فخری زاده آسیبی وارد نشد چرا که در این عملیات از یک سلاح بسیار دقیق اتوماتیک استفاده شد تا از آسیب وارد شدن به غیرنظامیان جلوگیری شود. خبرنگاران دفاعی امنیتی در ایران او را با جایگاه فرمانده مشهور ایرانی در آن سوی مرزها مقایسه کرده و "قاسم سلیمانیِ صنعت دفاعی" و "فخر ایران" خوانده‌اند. پیش از این رسانه‌های اسراییل خبر داده بودند که قرار بود محسن فخری زاده نیز همراه دیگر دانشمندان و دست اندرکاران اتمی ایران در سال ۱۳۸۸ ترور شود اما بنا بر ملاحظاتی از جمله لو رفتن برخی اقدامات، او دیگر ترور نشده است.

محسن فخری زاده مهابادی در شهر قم زاده شده و متولد ۱۳۳۶ بود. او و فریدون عباسی دوانی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران در دولت محمود احمدی نژاد، از جمله فرماندهان سپاه پاسداران بودند که بعدا

به برنامه اتمی ایران پیوستند. او پیش از ورود به فعالیت اتمی ایران از جمله نیروهای سپاه پاسداران بود که در برنامه موشکی ایران فعالیت داشت. بر اساس روایت برخی از افراد نزدیک به سپاه پاسداران ،او نیز جزو نیروهای سپاه پاسداران بود که برنامه موشک سازی ایران را با همکاری کره شمالی و لیبی راه اندازی کردند. بر اساس این گزارش‌ها او از جمله این نیروها بود که همراه حسن تهرانی مقدم به کره شمالی سفر کرده بود.بر اساس برخی گزارش‌ها شهرام امیری، کارشناس فیزیک هسته‌ای ایران نیز از جمله همکاران محسن فخری‌زاده بوده است.

ماجرای شهرام امیری، از بازگشت پرهیاهو تا اعدام بی‌خبر

شهرام امیری در کرمانشاه زاده شده و متولد سال ۱۳۵۷ بود. او پژوهشگر و متخصص رادیو ایزوتوپهای پزشکی در دانشگاه صنعتی مالک اشتر وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بود. او در سفر حج عمره به عربستان در خرداد ۱۳۸۸ ناپدید شد و حدود ۱۳ ماه بعد، پس از آنکه چندین ویدئو با سخنان متناقض از او منتشر گردید، در ۲۲ تیر ۱۳۸۹ به دفتر حافظ منافع ایران در آمریکا مراجعت کرد و دو روز بعد به ایران بازگشت و مورد استقبال مقامات ایرانی از جمله حسن قشقاوی قرار گرفت امیری پس از ورود به ایران دستگیر شد و به ادعای خانواده‌اش پس از آنکه ۲۰ ماه را در بازداشت گذراند محاکمه و به ۱۰ سال زندان و ۵ سال تبعید به شهرستان خاش محکوم شد سرانجام شهرام امیری در تاریخ ۱۳ مرداد سال ۱۳۹۵ در تهران اعدام شد.

گزارشی که شبکه تلویزیونی ای بی سی آمریکا در فروردین ۱۳۸۹ منتشر کرد، ادعا شده بود که وی در سازمان انرژی اتمی ایران کار می‌کرده‌است و به آمریکا پناهنده شده‌است.

علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران اما پیش از آن اعلام کرده بود که شهرام امیری را نمی‌شناسد و امیری هیچ گونه ارتباطی با سازمان انرژی اتمی ندارد. در ابتدا و در ژوئیه ۲۰۰۹ حسن قشقاوی سخنگوی وقت وزارت خارجه ایران اعلام کرد که شهرام امیری صرفاً یک بازرگان جوان و مشغول به فعالیت‌های اقتصادی است. در سال ۲۰۰۹ دولت ایران اعلام کرد که دولت آمریکا با همکاری دولت عربستان یک دانشمند اتمی ایران را که در عربستان برای انجام مراسم حج به سر می‌برد، دزدیده‌است در مارس ۲۰۱۰ آمریکا ادعا کرد شهرام امیری به غرب پناهنده شده‌است منوچهر متکی، وزیر امور خارجه وقت ایران، ابتدا ارتباط امیری با برنامه اتمی و سازمان انرژی اتمی ایران را رد کرده بود ایران از زمان مفقود شدن این تبعه خود در عربستان بر ربوده شدن او توسط سرویس‌های

امنیتی آمریکا تأکید داشته و همواره آمریکا را مسئول حفظ جان امیری دانسته‌است و برای مشخص شدن وضع این تبعه خود حداقل دو بار مسئولان سفارت سوئیس در تهران را به عنوان حافظ منافع آمریکا احضار کرده بود. حدود دو ماه پیش از ترور محسن فخری زاده ، نام امیری در نشست شورای ملی مقاومت ایران، شاخه سیاسی سازمان مجاهدین خلق، مطرح شد اما پیش از آن هم نخست وزیر اسرائیل از او نام برده بود. در نشست شورای مقاومت ملی ایران اعلام شده بود که دو سایت "سرخه حصار" در تهران و "مریوان" در آباده فعالیت‌هایی برای "تولید سلاح هسته‌ای" داشته‌اند و این سایت‌ها در اختیار سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی موسوم به "سپند" بوده‌اند. شاخه سیاسی سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۹۲ نیز اعلام کرده بود که بخش نظامی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی به سپند سپرده شده و ریاست آن با محسن فخری زاده مهابادی است.

ادعای شورای ملی مقاومت ایران : دولت ایران یک مرکز زیرزمینی هسته‌ای جدید می‌سازد.

ایران ادعای 'شورای ملی مقاومت' در رابطه با فعالیت مخفیانه اتمی را را رد کرد. این سازمان در سال ۱۳۹۷ نیز اعلام کرده بود که فخری زاده در سال ۲۰۱۳ برای شرکت در سومین آزمایش اتمی کره شمالی به این کشور سفر کرده است. محل ترور آقای فخری زاده نزدیک به محل استقرار برخی از سایت‌های اتمی و نظامی ایران است. بطوریکه در سال ۱۳۹۷ هم نخست وزیر اسرائیل از او نام برد و گفت نامش را به خاطر بسپارید.

نتانیاهو اعلام کرد: هزاران صفحه اطلاعات سری از برنامه هسته ای ایران به دست آورده ایم

بنیامین نتانیاهو در اظهارات ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ خود، درباره ۵۵ هزار صفحه و ۵۵ هزار فایل دیجیتال از اطلاعات مربوط به برنامه هسته‌ای نظامی ایران از جمله از طرحی به نام "آماد" برای تولید سلاح هسته‌ای نام برد. او از فخری زاده به عنوان یکی از دست اندرکاران این طرح نام برد. دو ماه پیش از این سخنان نخست وزیر اسراییل روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در مطلبی عنوان "آماد اسم رمز اتهام افکنی علیه برنامه موشکی ایران" نوشته بود: "می‌توان حدس زد در دور جدید فشارها هم به این اسناد به عنوان سابقه‌ای از تلاش ایران برای تجهیز موشک‌های بالستیک به کلاهک‌های اتمی استناد شود." این مطلب به نوعی نشان می‌داد که اقدامات زیر نظر محسن فخری‌زاده از نظر اسراییل همزمان در حوزه موشکی و اتمی و تلاش "تجهیز موشک‌های بالستیک به کلاهک‌های اتمی" بوده است.

سال ۱۳۹۸ نیز وزارت خارجه آمریکا از فعالیت دوباره دانشمندان اتمی ایران که به گفته این وزارتخانه قبل از سال ۲۰۰۴ میلادی در برنامه "تولید سلاح‌های هسته‌ای" فعال بودند، ابراز نگرانی کرد. این وزارتخانه اعلام کرده بود که این افراد در سازمان‌های دیگری به کار گمارده شده‌اند که ریاست آن با محسن فخری زاده است. روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال هم گزارش داده بود که محسن فخری زاده، دوباره با تاسیس یک مرکز پژوهشی هسته‌ای فعالیت‌های خود را از سر گرفته است.

اتهام فعالیت‌های پنهان اتمی؛ فشار بیشتر بر ایران

آژانس بین المللی انرژی اتمی گزارش داده بود که محسن فخری زاده مرکز پوششی موسوم به "سازمان تحقیقات و نوآوری دفاعی" را در خیابان مژده در شمال تهران دایر کرده است. نام فخری زاده جزو فهرست مقامات ایرانی تحریم شده در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل نیز بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۱۷۳۷ از تأسیساتی با اسم "۷ تیر" نام برده و گفته بود این تأسیسات به سازمان صنایع دفاع ایران وابسته است و مستقیما مربوط به برنامه هسته‌ای شناخته می‌شود. مؤسسه علوم و امنیت بین المللی نیز نوشته بود که شرکت "۷ تیر" در نزدیکی اصفهان عمدتا در زمینه تولید موشک فعالیت می کند و قبلا قطعات حساس سانتریفیوژ برای غنی سازی اورانیوم می ساخت و شاید هنوز هم این قطعات را آنجا بسازد هرچند بر اساس گزارش‌های آژانس بین المللی انرژی اتمی نمی‌توان با قطعیت گفت که ساخت این قطعات در آنجا ادامه دارد. فخری زاده از جمله دست اندرکاران برنامه اتمی جمهوری اسلامی بودکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست مصاحبه با آنها را داشته اما ایران این تقاضاها را رد کرده بود. با این حال برخی از رسانه‌های اصول گرایان اعلام کرده بودند که مقامات آژانس با دانشمندان اتمی ایران دیدار کرده‌اند. علی‌اصغر سلطانیه، نماینده وقت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نیز گفته بود: "آژانس با انتشار اسامی دانشمندان و متخصصان ایرانی، آنان را در معرض ترور" قرار داده بود. محسن فخری زاده از جمله دست اندرکاران برنامه اتمی ایران بود که با وجود مطرح شدن نامش در رسانه‌های خارجی در فضای رسانه‌ای ایران حضور نداشت و تنها در دیدار با رهبر جمهوری اسلامی عکس او منتشر شده بود.

تصویری اجمالی از چالشهای اساسی ایران در دهه های اخیر

نزدیک به ۴۲ سال از استقرار جمهوری اسلامی در ایران می گذرد.حضور مردم در انتخابات با وجود مشکلات ، پشتوانه بزرگی برای ثبات نظام بوده است؛ اما متأسفانه امروز ایران به طور همزمان با چالشهای بزرگ مواجه است که در صورت بی توجهی بیم آن می رود که در آینده با تشدید مشکلات و ازدست رفتن امید شاهد اعتراض باشیم بخشی از مشکلات محصول تصمیم های مدیریت کشور در این دوره است. ازاینرو بدون ایجاد تحول در الگوهای فکری و ساختارهای سیاسی و اقتصادی، راه برون رفت از بحرانهای کنونی متصور نیست .جمعیت کشور ۲/۳۷ برابر شد؛ اما در همین مدت میانگین رشد تولید ناخالص داخلی فقط ۱/۸۲ برابر شد.تولید سرانه کشور تنزل و سطح رفاه عمومی کاهش یافت.در این دوره به‌جای هموارسازی راه رشد اقتصادی بر سیاست ازدیاد جمعیت، تأمین خودکفایی و بیگانه‌هراسی تأکید شده و با سبقت‌گرفتن رشد جمعیت از رشد اقتصادی، چالشهای جدی در بازار کار کشور بوجود آمده و نبود تعادل در بازار کار موجب تنزل میانگین دستمزدها و گسترش فقر شد ه است.

آخرين ارزيابيِ دموكراسي در ايران

براساس آخرین ارزیابی واحد اطلاعات اکونومیست از شاخص دموکراسی در سال ۲۰۱۷، ایران با چهار رتبه بهبود نسبت به سال قبل در جایگاه ۱۵۰ در میان ۱۶۵ کشور جهان قرار گرفته بود. این در حالی است که ترکیه در رتبه ۱۰۰، پاکستان ۱۱۰، عراق ۱۱۲ و افغانستان در رتبه ۱۴۹ قرار دارند . بررسی روند تغییر شاخص دموکراسی در ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ نشان می دهد کمترین میزان دموکراسی به سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با امتیاز کل ۱/۹۴ مربوط می شود .شاخص دموکراسی در ایران در سال ۱۳۹۰ با ۰/۰۴ رشد به ۱/۹۸ رسید و این میزان تا سال ۱۳۹۳ ثابت باقی ماند. پس از سال ۱۳۹۳، این شاخص به تدریج و به کندی روند مثبت و صعودی را پیموده و در سال ۱۳۹۶، امتیاز کل ایران از منظر دموکراسی در یک مقیاس ۱۰ درجه ای به ۲/۴۵ رسیده است . در دسته «مشارکت سیاسی» که تعداد رأی دهندگان، سطح مشارکت و نمایندگی زنان و گروه های اقلیت، مداخله عموم مردم در سیاست، آزادی اعتراض و سواد افراد بزرگسال را شامل می شود، امتیاز ایران ۴/۴۴ است. این در حالی است که در هر دو گروه «کارآمدی دولت» - شامل قدرت قوه مقننه برای تأثیرگذاری بر سیاست،

نظارت و موازنه قدرت، فساد و اعتماد عمومی به دولت - «فرهنگ سیاسی دموکراتیک» که انسجام و اجماع جامعه و درک عامه مردم و احساس آنها به نهادهای دموکراتیک را دربر می گیرد امتیاز ایران به ترتیب ۳/۲۱ و ۳/۱۳ است .امتیاز ایران در آزادی های مدنی فقط ۱/۴۷ است که امتیاز پایینی محسوب می شود. در واقع، از منظر آزادی های مدنی امتیاز ایران با عربستان سعودی، گینه و چین برابر است. عواملی که آزادی های مدنی را شکل می دهند شامل آزادی بیان، وجود و حضور رسانه های آزاد و قوی، برابری، حقوق بشر برابری جنسیتی و آزادی های فردی است که در ایران پایین تر از متوسط دموکراسی های جهانی ارزیابی شده است. گرچه شاخص دموکراسی در ایران دز سال ۱۳۹۶ روند صعودی و بهبود را نشان می داد، اما این روند بسیار کند بوده است.

پایان

منابع و ماخذ :

۱- روند سلطه گري (تاريخ سياست خارجي آمريكا ۱۹۸۳) از استيفن آمبرز، ترجمه احمد تابنده ، انتشارات
پخش تهران – ۱۳۷۶.

۲- اسناد انقلاب اسلامي ، انتشارات مركز اسناد انقلاب اسلامي تهران ۱۳۷۴.

۳- مباني نظر روساي جمهوري آمريكا از سليم الحسني ، ترجمه صالح ماجدي و فرزاد ممدوحي انتشارات
موسسه اطلاعات تهران ۱۳۷۴.

۴- نقش علماي شيعه در روا رويي با استعمار ترجمه صفاالدين تبرائيان ، موسسه مطالعات تاريخ معاصرايران ، چاپ اول ۱۳۷۸.

۵- مسائل و مشكلات اولين سال انقلاب ، از عبدالعلي بازرگان ، انتشارات نهضت آزادي تهران ۱۳۶۲.

۶- انقلاب اسلامي ايران در دو حركت از مهدي بازرگان ، انتشارات نهضت آزادي تهران۱۳۶۱.

۷- خاطرات ۱۵ خرداد و بازار از علي باقري ، حوزه هنري سازمان تبليغات اسلامي، تهران ۷۶- ۱۳۷۵

۸- نقش عراق در شروع جنگ از منوچهر پارسا دوست ، شركت سهامي انتشارات تهران ۱۳۶۹.

۹ - مشهد در بامداد، نهضت امام خميني از غلامرضا جلالي ،مركز اسناد انقلاب اسلامي ۱۳۷۸.

۱۰ - كردستان ،علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامي از حميد رضا جلائي پور ، بيتا تهران ۱۳۷۲.

۱۱ ـعمليات ايران از جيمز مارلي ، ترجمه كاوه بيات ، تهران موسسه خدمات فرهنگي رسا چاپ اول ۱۳۶۹

۱۲ـ تحليلي بر انقلاب اسلامي از م محمدي تهران ، اميركبير چاپ سوم ۱۳۷۰.

۱۳ ـ تاريخ تحولات سياسي و روابط خارجي ايران از سيد جلاالدين مدني ،دفتر انتشارات اسلامي قم- ۱۳۷۰

۱۴ ـ تاريخ سياسي معاصر ايران دفتر انتشارات اسلامي قم ۱۳۶۱.

۱۵ ـ فصلنامه تخصصي تاريخ معاصر ايران، چاپ اول بهار ۱۳۸۵

۱۶ـ اسناد انقلاب اسلامي ، مركز اسناد انقلاب اسلامي ، سازمان تبليغات انقلاب اسلامي تهران ۱۳۶۹

۱۷ ـ جنگ ايران وعراق ، مركز مطالعات دانشگاه اكستر انگلستان ، ترجمه ستاد تبليغات جنگ تهران سال ۱۳۶۳.

۱۸ـ فصلنامه تاريخ روابط خارجي ـ نشريه مركز اسناد و تاريخ ديپلماسي وزارت امور خارجه ايران ۱۳۷۸.

۱۹ ـ مقالات سیاسی مندرج در روزنامه ایران آبان وآذر ۱۳۹۳.

۲۰ـ مقالات سیاسی روزنامه کیهان سال ١٣٩٦

۲۱ ـ مقاله سیاسی خبرگذاری نسیم سال ۱۳۹۷

۲۲ـ اسناد و گزارشات وزارت کشور سال ۱۳۹۸

۲۳ـ گزارشات خبرگذاری های فارس و مهر سال ۱۳۹۹ ۲۵

۲۴ ـ گزارشات خبرگذاری های ایسنا و ایرنا سال ۱۳۹۸

۲۵ـ گزارشات نشریه های خارجی واشنگتون پست ، نیویورک تایمز و سی ان ان سال ۲۰۲۰